

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سردبیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

مدیر اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: محمود رضائی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب اله احمدی استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
۲. دکتر محمد بهنام‌فر استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
۳. دکتر هادی پور شافعی دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
۴. دکتر الکساندر چولوخادزه دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان
۵. دکتر محمد تقی راشد محصل استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۶. دکتر مفید شاطری دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
۷. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
۸. دکتر وليم فلور استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند)
۹. دکتر احمد کامیابی مسک استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
۱۰. دکتر محمدرضا مجیدی دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
۱۱. دکتر جواد میکانیکی دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار فنی: سید نورالله نصراللهی

ویراستار انگلیسی: شهرزاد دهقانی

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر

شمارگان: ۱۰۰

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: Farhangekhorasan@gmail.com

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.  
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.  
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.  
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

## داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| دکتر محمدباقر آخوندی       | استادیار دانشگاه بیرجند     |
| دکتر محمدعلی رستمی نژاد    | دانشیار دانشگاه بیرجند      |
| دکتر مفید شاطری            | دانشیار دانشگاه بیرجند      |
| دکتر حسین شکوهی فرد        | استادیار دانشگاه بیرجند     |
| دکتر زهرا شیرزور علی آبادی | استادیار دانشگاه بیرجند     |
| دکتر حبیب اله عباسی        | استاد دانشگاه خوارزمی تهران |
| دکتر محمود فال سلیمان      | دانشیار دانشگاه بیرجند      |
| دکتر علی اکبر محمدی        | استادیار دانشگاه بیرجند     |
| دکتر حمید مسعودی           | استادیار دانشگاه بیرجند     |
| دکتر جواد میکانیکی         | دانشیار دانشگاه بیرجند      |
| دکتر فرامرز نودهی          | مدرس دانشگاه فرهنگیان مشهد  |

پیشینه: فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی در ارزیابی سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی [www.srlst.com](http://www.srlst.com)؛ پایگاه سیویلیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی [www.inti@magiran.com](http://www.inti@magiran.com) و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی [www.noormags.com](http://www.noormags.com) نمایه می‌شود.

## شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۱-۷ - کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۲-۷ - مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html> [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسئول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

## فهرست مطالب

- نقش سبک زندگی مدبرانه در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی

سمیرا پور، حبیباله آسوده یدکی ..... ۷

- واکاوی علل زوال شرکت سهامی زراعی نوبنیاد سهل آباد در شهرستان نهبندان

محمد حجی پور ..... ۳۷

- نقش رهبری دانش و فرهنگ سازمانی در عملکرد شغلی (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه بیرجند)

زهرا زارعی، هادی پورشافعی، علی عسگری ..... ۶۷

- نقش ابعاد هویت اجتماعی در احساس امنیت دبیران مدارس دوره متوسطه دوم شهر مشهد

محمدحسن شربتیان، جواد جهانشیری، محمد قاسمی ..... ۹۳

- تأثیر مشارکت گردشگران مذهبی بر تجربه ماندگار از طریق تعامل فرهنگی

سیدمرتضی غیور باغبانی، فائزه حامدمراهیان، منیره یگانه مفرد، محمد مرتضایی ..... ۱۲۹

- تأثیرپذیری فرهنگ و گویش عربی عربخانه از فرهنگ و گویش های فارسی خراسان جنوبی (بررسی موردی: شباهت و تأثیرپذیری جمله های پرسشی)

زهرا فلاحی پور، حامد نوروزی، علی اکبر سام خانیانی ..... ۱۵۹





## The role of thoughtful lifestyle in empowering women heads of Clients' households of Imam Khomeini Relief Committee in Khorasan Razavi province

Samira Pour<sup>1</sup>

Received: 9/9/2021

Habibollah Asoodeh Yadaki<sup>2</sup>

Accepted: 10/2/2022

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of lifestyle of female headed households in two groups of women in poor and Self-sufficient women under the Imam Khomeini Relief Committee of Khorasan Razavi Province. In this research, a survey method and researcher-made questionnaire were used and the reliability of the questionnaire components was confirmed using Cronbach's alpha coefficient. The statistical population of this study is two groups of females headed households under 60 years of age. The first group includes women who are covered by the Relief Committee and remain in poverty and the second group includes women who have already been poor and are currently self-sufficient. Sampling was done randomly and the sample size was calculated using the Cochran formula and 938 persons were determined. Data were analyzed by SPSS software. The results of statistical tests show that the individual characteristics of female households (self-esteem, social status, literacy, entrepreneurial characteristics and good management) between women's groups are out of poverty and the women's group in the poor is significantly different. Also, among the individual characteristics of individuals, "individual good management" has had a higher priority. The findings of the research show that the lifestyle of women headed by the family leads to the loss of family poverty and Poor lifestyles cause people to survive in poverty and ultimately become trapped in social harm.

**Key Words:** Thoughtful Lifestyle, Head of Household Women, Empowerment, Women self-sufficiency, Khorasan Razavi Relief Committee

---

1. Assistant Professor of organizational behavior management, University of Birjand, Iran, Responsible Author: s.pour@birjand.ac.ir

2. PhD student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Quchan Branch emdad.asoodeh@yahoo.com

مقاله علمی - پژوهشی

## نقش سبک زندگی مدبرانه در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی<sup>۱</sup>

سمیرا پور<sup>۲</sup>

حبیباله آسوده یدکی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_144661.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_144661.html)

### چکیده

در حال حاضر مسئله توانمندسازی و خودکفایی زنان سرپرست خانوار یکی از مسائل و دغدغه‌های اجتماعی است که نظام برنامه‌ریزی کشور به‌طور جدی با آن مواجه است. عوامل زیادی می‌توانند در تقویت خودکفایی و کمک به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نقش داشته باشند که یکی از آن‌ها، سبک زندگی مدبرانه است. در این تحقیق تلاش شده است تا به بررسی و تحلیل نقش سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در بین مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی پرداخته شود. گردآوری داده‌ها با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته انجام شده است. روایی ابزار به کمک متخصصین و پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شده است. جامعه آماری مشتمل بر دو گروه از زنان سرپرست خانوار زیر ۶۰ سال از مجموعه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده است؛ گروه اول، شامل زنان در فقرمانده (کماکان تحت پوشش) و گروه دوم شامل زنان خودکفا شده (از فقر خارج شده)، بوده است. نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و تعیین شد. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS صورت گرفت. نتایج نشان داد ویژگی‌های فردی زنان سرپرست خانوار (خودشناسی

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی با عنوان "تبیین فقر در میان مددجویان کمیته امداد امام-خمینی (ره) استان خراسان رضوی" می‌باشد.

۲. استادیار مدیریت رفتار سازمانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، نویسنده مسئول.

s.pour@birjand.ac.ir

۳. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، ایران.

emdad.asoodeh@yahoo.com



قابلیتی، اجتماعی بودن، سواد اقتصادی، ویژگی‌های کارآفرینانه و حسن تدبیر فردی) بین این دو گروه از زنان دارای تفاوت معنی‌داری است. همچنین از میان ویژگی‌های فردی افراد، حسن تدبیر فردی از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. درنهایت اینکه سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار، موجب رهایی از فقر خانواده شده و سبک زندگی فقیرانه موجب ماندگاری افراد در فقر و نهایتاً گرفتارشدن آن‌ها در دام آسیب‌های اجتماعی شده است.

**واژه‌های کلیدی:** سبک زندگی مدبرانه، زنان سرپرست خانوار، توانمندسازی، زنان خودکفا، کمیته امداد امام خمینی (ره) خراسان رضوی.

### مقدمه

زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی هستند که در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش مهمی دارند (میکانیکی، شیرزور علی‌آبادی و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۸۱). در این بین، رشد جمعیت زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر، همراه با طیف وسیعی از مسائل و مشکلات ناظر بر موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سلامت و مهارتی، توجه بسیاری از سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را به این گروه جمعیتی، معطوف داشته است. شواهد نظری و تجربی موجود در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار و افراد تحت تکفل آن‌ها از زمره گروه‌های جمعیتی فقیر محسوب می‌شوند و نتایج بسیاری از پژوهش‌ها در این رابطه گویای آن است که این گروه به‌عنوان بخشی از جامعه با مشکلات فراوانی در مسیر توسعه پایدار مواجه هستند. زنان سرپرست خانوار یکی از عمده گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه هستند که نبود یا ضعف منابع درآمدی، سرمایه انسانی و اجتماعی و نیز مسائل مربوط به ایفای نقش‌های متعدد را می‌توان از جمله چالش‌های اساسی معیشت و فعالیت آنان نام برد (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۳). این در حالی است که آمارها بیان‌کننده افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار است (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۳۰؛ شادی‌طلب و گرای‌نژاد، ۱۳۸۳: ۵۳). در سال‌های اخیر، سهم خانوارهای زن سرپرست از کل خانوارهای ایرانی روندی صعودی داشته است. توزیع نسبی خانوارهای زن سرپرست که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۸/۴٪ بوده و در سرشماری ۱۳۹۰ به ۱۲/۱٪ و در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۷٪ از کل خانوارهای کشور رسیده است (عابدی دیزناب،

عباسی و علی‌مندگاری، ۱۳۹۷: ۹۶). همچنین، طبق گزارش‌های مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف سرشماری حاکی از افزایش میزان خانوارهای زن سرپرست نسبت به کل جمعیت در ۳۰ سال گذشته است. علاوه بر این، داده‌های خانوارهای زن سرپرست، تعداد واقعی خانوارهایی که از نظر اقتصادی به وسیله زنان اداره می‌شوند - و اکثریت این زنان را مادران تشکیل می‌دهند - نشان نمی‌دهد (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۳۰)؛ از این‌رو در شرایط فعلی، دولت از زنان سرپرست خانوار کشور حمایت می‌کند؛ به‌عنوان مثال، در نظام بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور و در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، این گروه از زنان، همواره مورد توجه بوده‌اند. اگرچه در سه برنامه اول توسعه، توجه به آنان جزو سیاست‌های اصلی نظام برنامه‌ریزی به شمار نمی‌آمد و عمدتاً به شکل حاشیه‌ای و تکمیلی در برنامه‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته بودند؛ اما از برنامه چهارم توسعه به بعد رویکرد حمایتی معطوف به این گروه از زنان قوت گرفت. در برنامه پنجم توسعه و در قالب ماده ۲۳۰، توجه به ابعاد معیشتی و اشتغال زنان سرپرست خانوار، به‌عنوان یکی از محورهای ۱۴ گانه این ماده، مورد تأکید واقع شد. با توجه به ازدیاد این گروه از زنان، به دلایل مختلف جمعیت - شناختی و اجتماعی نظیر افزایش مرگ‌ومیر جاده‌ای مردان و همچنین بالا رفتن نرخ طلاق در سال‌های اخیر، ضرورت اقدامات دولتی به منظور توانمندسازی و خروج از چرخه فقر و نابسامانی - های اجتماعی برای آنان بیش از پیش احساس شد. در برنامه ششم توسعه کشور (بند ت ماده ۸۰) نیز به «تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی» اشاره و تأکید شده است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع برای کشور است. در بند ت ماده ۲ این برنامه نیز توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و اشتغال از جمله موضوعات اولویت‌دار و محوری هستند. سیاحی و همایی (۱۳۹۹) بر این باورند که زنان سرپرست خانوار یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی هستند و توانمندسازی می‌تواند به آنان در کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی کمک نماید. قوامی (۱۳۸۵) در مطالعه خود نشان داد که زنان سرپرست خانوار به دلیل نداشتن مهارت، تحصیلات، و آگاهی‌های کافی و در نتیجه نداشتن شغل مناسب، درآمد کمی دارند و برای تأمین اقتصاد خانوار با مشکلات و استرس‌ها و تضادهای شخصیتی بسیاری مواجه‌اند. این زنان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر

اجتماعی هستند که عواملی مثل طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، ازکارافتادگی او، رهاشدن توسط مردان مهاجر و... موجب آسیب‌پذیرترشدن این قشر از جامعه می‌شود. این قشر در جامعه با مشکلات فراوان و موانع بسیاری در زندگی روبه‌رو هستند که در کنار مشکلات و مسائل زندگی خود، شهرهای بزرگ نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به آن‌ها و به جامعه وارد می‌کنند (شادی-طلب، وهابی و ورمزیار، ۱۳۸۴: ۵). قلی‌پور، رحیمیان و میرزمانی (۱۳۸۷) در مطالعه خود نتیجه گرفتند که زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن نقش‌های متعدد، فرصت آموزش ندارند و معمولاً در مقایسه با سایر زنان از تحصیلات کمتری برخوردارند و بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار، مشکل اقتصادی است؛ از این‌رو هر اقدامی برای کاهش این مشکل مفید خواهد بود. نتایج پژوهش جاود و آسیف (Javed & Asif, 2011) نیز نشان دادند که زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان سرپرست، بیشتر در معرض فقر قرار دارند؛ این زنان به حمایتی بیشتر نیاز دارند و درصد بیکاری در بین این زنان بیشتر است. حسن‌پور و دیگران (۱۴۰۰) در مطالعه خود که در مورد شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بود، به این نتیجه رسیدند که ازجمله این راه‌ها شامل آموزش تخصصی شغل، آموزش مهارت‌های زندگی، ایجاد بازار، دادن تسهیلات، بیمه و خدمات تأمین اجتماعی، ارائه سبد کالا، تخصیص بودجه بیشتر به سازمان‌ها جهت حمایت از زنان و بهبود رفاه فردی است. همچنین، مشخص شد راه‌های مبتنی بر توانمندسازی شخصی نسبت به کمک مستقیم مالی در اولویت بالاتری قرار دارند.

طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق دستگاه‌های حمایتی، ازجمله کمیته امداد امام‌خمینی (ره) اجرا می‌شود؛ اما همواره تأکید شده است که دستگاه‌های حمایتی باید تلاش کنند زمینه خوداشتغالی و ایجاد فعالیت‌های درآمدزا را برای زنان سرپرست خانوار فراهم کنند تا درنهایت، خانوارها بتوانند خودکفا شوند. حمایت از زنان سرپرست خانوار به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه نیازمند اتخاذ رویکرد توانمندسازی است (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). حال در این میان، عوامل زیادی می‌توانند در تقویت خودکفایی و کمک به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نقش داشته باشند که یکی از آن‌ها، سبک زندگی مدبرانه است و مؤلفه‌های

آن شامل خودشناسی قابلیت، اجتماعی بودن، سواد اقتصادی داشتن، ویژگی های کارآفرینانه - داشتن و حسن تدبیر فردی است. در سبک زندگی مدبرانه، زندگی افراد توسط سرپرست و کلیه اعضای خانواده مدیریت شده و روحیه همکاری، تعاون و همبستگی نزدیکی که مبتنی بر عقل معاش و حسن تدبیر است، حاکم است. سبک زندگی مدبرانه، به شیوه ای از زندگی اطلاق می شود که اصول اصلی توسعه و پیشرفت که همان تلاش و تدبیر برای نیل به هدف است، توسط افراد یا خانواده برگزیده می شود.

با توجه به اینکه اکثر تحقیقات انجام شده درخصوص زنان، مبتنی بر عوامل ساختاری است و درخصوص عوامل کارکردی و فردی، کمتر تحقیق و مطالعه ای انجام شده است، هدف این پژوهش، بررسی تأثیر سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در دو گروه زنان در فقرمانده و زنان خودکفا شده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی می باشد.

### سرپرست خانوار

تعریف مرکز آمار ایران از سرپرست خانوار این است که سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده ای از هزینه های خانوار یا تصمیم گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد و زن سرپرست خانوار، زنی است که مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده ای از هزینه های خانوار یا تصمیم گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را بر عهده دارد (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۷۸).

به طور کلی خانوارهای زن سرپرست به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. خانوارهایی که در آن ها مرد به طور دائمی حضور ندارد که شامل زنانی می شود که به دلیل فوت همسر یا طلاق، سرپرستی خانواده را برعهده دارند یا دخترانی هستند که ازدواج نکرده اند و تنها زندگی می کنند.

۲. خانوارهایی که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالاثربودن، متواری یا زندانی، سربازی و... غایب است و زن مجبور است به تهیه معاش خود و خانواده اش بپردازد.

۳. خانوارهایی که مرد حضور دارد؛ ولی به دلیل بیکاری، از کارافتادگی، اعتیاد و ... نقشی در امرار معاش خانواده ندارد و زن مسئولیت زندگی را بر عهده دارد (حسن‌پور و دیگران، ۱۴۰۰، نقل از نازک تبار و ویسی، ۱۳۸۶: ۹۸).

### توانمندسازی زنان

مفهوم خودکفایی در سطح خانوار از سوی صاحب‌نظران به‌عنوان بخشی از جریان توانمندسازی مطرح شده است. گوتز و سن‌گاپتا<sup>۱</sup>، خودکفایی خانوار را مصداق امنیت در تأمین نیازهای اساسی آن‌ها می‌دانند. توانمندی اقتصادی یا خودکفایی به‌عنوان زیربنای دستیابی به قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی تلقی شده و مفهوم آن، توانایی در تأمین نیازهای اساسی به صورت پایدار است (Chambers & Conway, 1997: 5) که نتیجه آن، بی‌نیازی خانوار از حمایت‌های مستقیم است. توانمندسازی یعنی افزایش توانایی‌های افراد مورد حمایت؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها به بهترین شیوه بتوانند به حرفه مورد نظر خویش برسند و در آن موفق باشند (توفیقیان‌فر و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). خودکارآمدی از نظریه شناخت اجتماعی آلبرت باندورا مشتق شده است. نظریه شناخت اجتماعی مبتنی بر الگوی سه‌جانبه رفتار، محیط و فرد است. بر اساس این نظریه، افراد در یک نظام علّیت سه‌جانبه بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارند. باندورا معتقد است که انسان‌ها دارای نوعی نظام خودکنترلی و نیروی خودتنظیمی هستند و توسط آن نظام بر افکار، احساسات و رفتارهای خود، کنترل دارند. داشتن دانش، مهارت‌ها و دستاوردهای قبلی افراد، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای عملکرد آینده افراد نیستند؛ بلکه باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام آن‌ها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است. خودکارآمدی صرفاً داشتن مهارت یا مهارت‌های مربوطه نیست؛ بلکه به داشتن باور به توانایی انجام کار در موفقیت‌های مختلف شغلی اشاره دارد (قربانی، صابرمقدم و جاعرق، ۱۳۹۱).

## سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیم جدیدی است که محققان حوزه جامعه‌شناسی برای بیان رفتارشناسی افراد بیان می‌کنند. این اصطلاح پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از مفاهیم، از جمله فرهنگ، جامعه، رفتار و شخصیت دارد. این مسئله در خلال دهه ۸۰ میلادی در حوزه علوم اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح شد. سبک زندگی در حوزه‌ها و محدوده‌های وسیعی نفوذ می‌کند که شامل مدیریت تصمیم‌گیری، اخلاق اجتماعی، ارتباطات گفتاری، کسب‌وکار، الگوی مصرف و مدیریت احساسات است (فعال، ۱۳۹۴: ۱۰). سبک زندگی سالم، مجموعه انتخاب‌هایی است که فرد بنابر موقعیت اجتماعی خود برمی‌گزیند و این انتخاب‌ها برآمده از موقعیت ساختاری و موقعیت فردی وی است. در حقیقت فرصت‌های زندگی یک شخص، به وسیله موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های منزلتی ویژه تعیین می‌شود (شعبان و قویدل، ۱۴۰۰: ۲۰۰). در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی، دو برداشت متفاوت شده است؛ برداشت اول به دهه ۱۹۲۰ برمی‌گردد که سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت افراد و به‌عنوان شاخصی برای طبقه اجتماعی است. برداشت دوم از سبک زندگی، تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرن و رشد و گسترش فرهنگ مصرف معنا می‌یابد که در آن، سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها یا هویت افراد است که در تحلیل‌های اجتماعی فزونی می‌یابد. بوردیو (Bourdieu, 1984) بیان می‌کند که افراد، سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند؛ اما نه به صورت آزادانه (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴). از نظر او سبک زندگی، بیشترین توانمندی را برای ارائه الگوهای رفتاری دارد. سبک زندگی به فرد هویت می‌بخشد و او را در جامعه از سایرین متمایز می‌سازد. زیمل براساس رویکرد جامعه‌شناختی، سبک زندگی را این گونه تعریف می‌کند: «سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در برابر فرهنگ عینی. از نگاه وی، انسان براساس ارزش‌های بنیادی خود، فردیت برتر و نیز صورت‌های رفتاری خویش را برمی‌گزیند. این گزینش براساس سلیقه شکل می‌گیرد و در زندگی عینی، به صورت الگوهای رفتاری به‌هم‌پیوسته نمود می‌یابد» (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳: ۱۰۵). به اعتقاد گیدنز<sup>۱</sup> سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای به نسبت

جامع از عملکردهایی تعبیر کرد که فرد به کار می‌گیرد؛ زیرا رفتارهای فرد نه تنها بیانگر نیازهای او؛ بلکه روایت خاصی از اندیشه و هویت شخصی اوست (فعالی، ۱۳۹۴: ۵۱). گیدنز (۱۳۸۸) بر این باور است که سبک زندگی کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. با برداشتی که گیدنز از مقوله سبک زندگی دارد، مطالعه سبک زندگی عبارت است از تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از رفتارها با الگوهای کنش که افراد آن‌ها را انتخاب می‌کنند و واکنش آن‌ها در زندگی روزمره به واسطه آن‌ها هدایت می‌شود (کردی و هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۶).

امروزه دو رویکرد کلی در مورد سبک زندگی وجود دارد: رویکرد جامعه‌شناسانه که بیشتر تحت تأثیر ماکس وبر است و رویکرد روان‌شناسانه که متأثر از آدلر است؛ بنابراین می‌توان تمامی تعاریف فوق را به این صورت خلاصه کرد که سبک زندگی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری پایدار است که از بینش‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها و محیط متأثر باشد و به صورت عینی تجلی یابد (فعالی، ۱۳۹۴: ۸۸). هر فردی بر اساس نگرش خود، سبک زندگی خودش را انتخاب می‌کند. هرچند بالاخره شکل‌گیری نگرش‌ها نیز دارای منشأ خاصی است؛ اما در سن بزرگسالی که افراد توانایی تشخیص نامطلوب‌ها و مطلوب‌های یک زندگی را کسب می‌کنند و با اراده خویشان می‌توانند از عدم مطلوبیت زندگی خویش جلوگیری کنند، یقیناً باید نگرش مثبت و کارآمدی در تغییر سبک زندگی خود اتخاذ نمایند؛ بنابراین، این افراد هستند که بر اساس نظام خودکنترلی که در خود دارند می‌توانند بر افکار و اندیشه‌های خود و انتخاب سبک زندگی خویش کنترل داشته باشند؛ مشروط بر اینکه باور درونی خود را در توانایی‌هایشان درک کرده باشند. اگر افراد باور کنند توانایی‌های خود از چنگال فقر را دارند، طبیعتاً با کار و تلاش مضاعف و با تدبیر نیکوی معیشت خویش، راه نجات از فقر را می‌یابند؛ پس متغیرهایی که بر اساس این نظریه، موجب خودکارآمدی افراد می‌شوند تا بتوانند بر سبک زندگی فقیرانه فائق آیند عبارت‌اند از: دوراندیشی (آینده‌نگری افراد)، خودباوری (شناخت قابلیت‌های خود)، خودارزیابی، جهانی‌اندیشی (بزرگ‌اندیشی)، توانایی واکنش درونی فرد. ریتزر می‌گوید: تأکید جامعه‌شناسان رفتارگرا تا اندازه زیادی یک تأکید خردبینانه است. موضوع مورد علاقه آن‌ها، رابطه میان سابقه پیامدهای محیطی و ماهیت رفتار

کنونی انسان هاست. آن‌ها می‌گویند که انسان‌ها احتمالاً رفتارهایی را تکرار می‌کنند که در گذشته پاداش‌دهنده بوده است و از تکرار رفتارهایی که در گذشته برایشان گران تمام شده است، خودداری می‌کنند (Ritzer, 2010: 42).

### تبیین ارتباط میان متغیرهای تحقیق

دلایل فراوانی وجود دارد که بتوان زنانی را که سرپرستی خانوار را به عهده دارند جزء اقشار آسیب‌پذیر در نظر گرفت؛ ازجمله این دلایل می‌توان به فقر و وضعیت اقتصادی نامناسب و مشکلات اجتماعی و فرهنگی این زنان و خانواده‌های آنان اشاره کرد که زنان را در رویارویی با زندگی واقعی مورد تهدید قرار می‌دهد. زنان سرپرست خانوار درآمد متوسط پایین‌تر، دارایی کمتر و دسترسی کمتری به منابع تولید مثل زمین، سرمایه مالی و تکنولوژی نسبت به مردان دارند (Mokomane, 2014: 61). حال آنچه موجب می‌شود که سرپرستی زنان خانوار به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند (رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۷۸). مهم‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های آنان مسئله اقتصادی است؛ یعنی تأمین معاش و آسیب‌هایی که از این ناحیه می‌تواند بر آن‌ها وارد شود؛ ازجمله دیگر مشکلات زنانی که تنها سرپرست خانواده هستند، این است که آن‌ها به دلیل تأمین معاش خانواده، به ناچار از محیط خانواده دور می‌شوند و ارتباط عاطفی کمتری با فرزندان‌شان خواهند داشت. این زنان علاوه بر انجام نقش و مسئولیت مادری و پرورش فرزندان، تأمین‌کننده مخارج خانواده نیز هستند و این نقش، فشارهای مضاعفی را با توجه به تضادهای بین نقش مادری و سرپرست برای آن‌ها ایجاد می‌کند. این زنان به دلیل تأمین مخارج خانواده، فرصت کمتری در خانواده دارند و در نتیجه نقش تمام افراد خانواده تغییر می‌کند و آن‌ها با مسئولیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند که سبب استرس مضاعف کل خانوار می‌شود (قوامی، ۱۳۸۵: ۲۲۸).

در اینجا از تئوری تبادل اجتماعی می‌توان این گونه استفاده کرد که اگر افراد در دوران کودکی و در دوران زندگی در محیط خانواده و همچنین محیط اجتماعی، مورد تشویق و تحریک کار



ارزشمندی قرار بگیرند، احتمال آن که در آینده نیز همان فعالیت یا کار را انجام دهند بیشتر است. اگر در محیط زندگی فرد، کار و توانمندبودن، یک ارزش باشد و یا زمانی که کار مناسبی را انجام داده و به موفقیتی دست پیدا کرده است، پاداشی گرفته باشد، این فرد این فعالیت را تکرار می‌کند. نداشتن روحیه کار و تلاش، نداشتن فرهنگ کار، نداشتن مهارت هزینه-فایده در امور زندگی شخصی، نداشتن تجربه موفق در زندگی، قرارنگرفتن در موضع تشویق در زمانی که فعالیت خوبی را انجام داده است و عدم درک ارزش کار و فعالیت انجام شده، می‌تواند از عواملی باشد که جزو علل فقر فردی و از ویژگی‌های سبک زندگی فقیرانه محسوب شود که نقطه مقابل سبک زندگی مدبرانه است. رضایی قادی (۱۳۸۸) در پژوهشی میدانی به بررسی شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار عضو کمیته امداد امام‌خمينی (ره) شهرستان اسلام-شهر پرداخت و شاخص‌های توانمندی زنان را در چهار بُعد روانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان، بیشتر از مردان در معرض فقر و کلیشه‌های جنسیتی قرار دارند؛ از این‌رو توانمندکردن زنان سرپرست خانوار، صرفاً از لحاظ اقتصادی اهمیت ندارد؛ بلکه این گروه از افراد آسیب‌پذیر در بُعد فرهنگی و اجتماعی، خصوصاً در بُعد روانی نیاز به توانمندشدن دارند.

لوئیس<sup>۱</sup>، محل رشد و نمو فرهنگ فقر را در کشورهایی می‌داند که از نظر سیاست اقتصادی در مراحل اولیه سرمایه‌داری، یعنی آزادی فعالیت‌های اقتصادی هستند و در کشورهای مستعمره نیز معتقد است که این حالت (فرهنگ فقر) به حالت همیشگی و بومی، به زندگی خود ادامه می‌دهد. آن چیزی که فرهنگ فقر را تشکیل می‌دهد؛ سبک زندگی فقیرانه‌ای است که افراد بر می‌گزینند. فرهنگ فقر، محصول تداوم زیستن در سبک زندگی فقیرانه است. وقتی فرهنگ فقر در فرد نهادینه شد؛ به خانواده‌ای که خود تشکیل می‌دهد سرایت می‌کند و خانواده را نیز متأثر از این فرهنگ می‌نماید و با توجه به اینکه خودش در این نوع سبک زندگی رشد و نمو پیدا کرده است، مجدداً همین نوع سبک زندگی را در خانواده مدیریت می‌کند و اعضای خانواده نیز با همین شیوه زندگی تربیت می‌شوند. استمرار سبک زندگی فقیرانه و نهادینه‌شدن آن در محیط و اعضای

خانواده، منجر به فرهنگ فقر می‌شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در مقابل سبک زندگی فقیرانه، سبک زندگی مدبرانه قرار دارد که می‌تواند از انتقال بین نسلی فقر جلوگیری نماید. در سبک زندگی مدبرانه، زندگی افراد توسط سرپرست و کلیه اعضای خانواده مدیریت می‌شود و روحیه همکاری، تعاون و همبستگی نزدیکی که مبتنی بر عقل معاش و حسن تدبیر است، حاکم است. سبک زندگی مدبرانه، به شیوه‌ای از زندگی اطلاق می‌شود که اصول اصلی توسعه و پیشرفت که همان تلاش و تدبیر برای نیل به هدف است توسط افراد، یا خانواده برگزیده می‌شود و در مقابل چنین سبک زندگی، افراد جامعه و خانواده‌ها شیوه‌ای از زندگی را تجربه می‌کنند که عناصر تلاش، تدبیر و هدفداری را یا ندارند و یا اگر هم دارند، با نقص و کمبود همراه است که این شیوه زیستن، به گرفتارشدن در سبک زندگی فقیرانه منجر می‌شود. اگر سبک زندگی عموم افراد جامعه با فقر بیگانه باشد و مهندسی معکوس فقر را که تولید درآمد، با کار و تلاش و مدیریت صحیح منابع است را سرلوحه سبک زندگی خودشان قرار دهند؛ قطعاً ساختار جامعه نیز در مسیر توسعه قرار می‌گیرد. اگر کنش‌های فردی افراد جامعه صحیح و متناسب با توسعه شکل بگیرند، ساختارهای اجتماعی جامعه نیز که از جمع کنش‌های بینشی، نگرشی و رفتاری افراد تشکیل می‌شوند؛ ساخت مطلوبی خواهند داشت؛ بنابراین عاملیت در پیدایش فقر از سهم بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار است (آسوده یدکی، ۱۳۹۴: ۳۵). اصطلاح دیگری که برای سبک زندگی مدبرانه به کار گرفته می‌شود، مصرف مدبرانه است. مصرف مدبرانه تعبیر یا اصطلاحی است در مقابل مصرف‌زدگی که از خرج‌شدن درآمد خانواده در امور غیرضروری و هدر دادن منابع محدود مالی خانواده جلوگیری می‌کند. مصرف مدبرانه؛ یعنی استفاده بهینه از همه امکانات در جهت بهبود و رشد زندگی. درواقع، اگر الگوی اقتصادی خانواده براساس آموزه‌های اسلامی شکل بگیرد، این اعتقادات و باورها بر اعتدال در میزان مصرف و برطرف کردن معضل فقر اثرگذار خواهد بود (نجفی و لسانی فشارکی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

با توجه به تجربیات کار محققان مطالعه حاضر در بین فقرا و شناخت از سبک زندگی آنان، بویژه زنان سرپرست خانوار و بررسی نظریات مختلف که به خلاصه‌ای از آن‌ها اشاره شد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی و متغیرهای سبک زندگی مدبرانه فردی احصا و به صورت پنج متغیر اصلی زیر دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از:

۱. خودشناسی قابلیت‌ی: نشان‌دهنده این واقعیت است که به چه میزان خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) نسبت به قابلیت‌های بالفعل و بالقوه و محدودیت‌های خود آگاهی دارند؛
  ۲. اجتماعی‌بودن: نشان‌دهنده این واقعیت است که به چه میزان خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) اجتماعی هستند؛
  ۳. سواد اقتصادی‌داشتن؛
  ۴. ویژگی‌های کارآفرینانه‌داشتن؛ شامل نوآوری‌داشتن، پُرجنب‌وجوش‌بودن، ریسک‌پذیربودن، تعهد به کار، مسئولیت‌پذیری و تلاش بیشتر برای دستیابی به اهداف بسیار؛
  ۵. حسن تدبیر فردی؛ یعنی آینده‌نگری، دوراندیشی، برنامه‌ریزی‌داشتن و اجتناب از خواسته‌های آنی زندگی. درواقع مشخص‌کننده این مسئله است که خانواده‌های مورد حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) تا چه میزان توانایی اداره‌کردن و مدیریت خویش را دارند.
- در این میان، توانمندی زنان و مشارکت آنان در فرایندهای مختلف زندگی، در عین حال، خود به‌عنوان یکی از نشانگرهای مهم موفقیت برنامه‌های مبارزه با فقر تلقی شده است (شکوری و سعیدی، ۱۳۹۳: ۷۸)؛ از این‌رو در مطالعه حاضر به تحقیق و مطالعه بر روی این قشر از جامعه پرداخته شده است که شامل دو گروه از زنان است: ۱. زنانی که توانسته‌اند خودکفا شوند و ۲. زنانی که همچنان در فقر باقی مانده‌اند و ویژگی‌های فردی هر دو گروه در سبک زندگی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. حال براساس آنچه مطرح شد و با توجه به اهمیت موضوع، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود که تحقیق حاضر در ادامه، این فرضیات را مورد آزمون قرار می‌دهد.

### فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی پژوهش:

- بین ویژگی‌های فردی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی پژوهش:

۱-۱- بین خودشناسی قابلیت‌ی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۲-۱- بین اجتماعی‌بودن زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۳-۱- بین سواد اقتصادی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۴-۱- بین ویژگی‌های کارآفرینانه زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

۵-۱- بین حسن تدبیر فردی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف، از نوع کاربردی است و به لحاظ روش، از نوع پیمایشی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است؛ به این ترتیب که در مرحله اول، گویه‌ها و سؤالات استخراج و فرایند تدوین پرسشنامه شروع شد. پس از اینکه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مشخص شدند؛ برای هر کدام از مؤلفه‌ها سؤالات و گویه‌هایی طرح و تدوین شد. سپس سؤالات طراحی شده بازبینی و مجدداً ویرایش و سؤالات کیفی‌تر و مناسب‌تر انتخاب شد. در مرحله بعدی سؤالات با تعدادی از مدیران کمیته امداد استان خراسان رضوی و کارشناسان مرتبط

و باتجربه، بررسی و چندین مرحله بازنویسی و اصلاح شد. این پرسشنامه سؤالاتی در مورد سبک زندگی مدبرانه فردی است که شامل ۵۷ گویه می‌باشد که ۴۷ گویه آن به صورت سؤالات بسته و با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و ۱۰ سؤال دیگر که سواد اقتصادی افراد را می‌سنجد، شامل ۵ سؤال چهارگزینه‌ای و ۵ سؤال باز است.

روش اعتبارسنجی معرف‌ها و شاخص‌های تحقیق، روش اعتبار محتوایی- صوری است؛ از این‌رو، شاخص‌ها و معرف‌ها و پرسشنامه طراحی شده در اختیار ۶ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان خبره و باتجربه کمیته امداد امام‌خمينی (ره) استان خراسان رضوی قرار گرفت و بیش از ۴ مرحله بررسی و بازبینی انجام شد و پس از جمع‌بندی نظرات کارشناسان و اساتید، پرسشنامه نهایی شد و در اختیار مصاحبه‌کنندگان و نمونه آماری تحقیق قرار گرفت.

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱ قابل ملاحظه است. آلفای کرونباخ، ضریبی از پایایی و سازگاری است و سازگاری درونی مدل را اندازه می‌گیرد. مقادیر بالای ۰/۷ برای آلفای کرونباخ مطلوب است. همان‌طور که از جدول ۱ ملاحظه می‌شود؛ مقدار ضریب آلفای کرونباخ تمامی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه از پایایی مطلوب و قابل قبولی برخوردارند.

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ متغیرها

| متغیرها               | تعداد سؤالات | ضریب آلفای کرونباخ |
|-----------------------|--------------|--------------------|
| خودشناسی              | ۱۱           | ۰/۷۱۳              |
| اجتماعی‌بودن          | ۹            | ۰/۸۰۹              |
| حسن تدبیر             | ۱۲           | ۰/۹۰               |
| ویژگی‌های کارآفرینانه | ۱۵           | ۰/۹۰               |
| سواد اقتصادی          | ۱۰           | ۰/۷۰               |

جامعه آماری مورد پژوهش این تحقیق دو گروه هستند؛ گروه اول گروهی از مددجویان مورد حمایت کمیته امداد امام‌خمينی (ره) استان خراسان رضوی هستند که تاکنون از خدمات این نهاد استفاده کرده‌اند و تعداد این گروه تا سال ۱۳۹۹، ۱۵۴۰۰۰ خانوار بوده است. با توجه به اینکه جمعیت سنی زیر ۶۰ سال مورد استفاده در تحقیق حاضر است، کل جمعیت زیر ۶۰ سال،

۵۲۵۱۰ خانوار است. این‌ها گروهی هستند که قبلاً فقیر بوده‌اند و در حال حاضر نیز فقیر هستند؛ بنابراین جامعه آماری هدف تحقیق در این گروه ۵۲۵۱۰ سرپرست خانوار است. با توجه به گستردگی سطح استان و مشابهت بسیاری از شهرستان‌ها با توجه به فرهنگ و جغرافیا و منطقه آب و هوایی آن‌ها با یکدیگر، استان به ۱۰ منطقه تقسیم شده و جامعه آماری هر کدام از این مناطق، تجميع و در شهرستان مرکزی آن لحاظ شده است (جدول ۲).

گروه دوم جامعه آماری در این تحقیق، مجریان طرح‌های اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی هستند که حدود یک سال از قطع پرونده تحت پوششی آن‌ها گذشته باشد؛ یعنی افرادی که در ابتدا تحت پوشش این نهاد بوده‌اند و سال‌ها خدمات حمایتی را دریافت می‌کرده‌اند؛ پس از دریافت وام خوداشتغالی توسط سرپرست خانواده و یا فرزندان آن‌ها، یک کسب و کار با حمایت، مشاورت و نظارت کمیته امداد راه‌اندازی کرده‌اند و مشغول به کار شده‌اند و پس از موفقیت و تثبیت شغلشان، از تحت حمایت خارج و زندگی بدون حمایت این نهاد را ادامه می‌دهند. این گروه افرادی هستند که قبلاً فقیر بوده‌اند و در حال حاضر فقیر نیستند و خود را از فقر رهایی‌ده‌اند و خودکفا شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۲) جامعه آماری گروه اول

| شهرستان      | تعداد سرپرستان زیر ۶۰ سال | شهرستان    | تعداد سرپرستان زیر ۶۰ سال |
|--------------|---------------------------|------------|---------------------------|
| باخرز        | ۶۶۲                       | رشتخوار    | ۱۰۳۹                      |
| بجستان       | ۵۰۲                       | زاوه       | ۱۱۲۷                      |
| بردسکن       | ۸۵۸                       | سبزوار     | ۲۶۳۷                      |
| تایباد       | ۱۰۱۱                      | سرخس       | ۱۱۲۳                      |
| ترت جام      | ۴۳۷۷                      | فریمان     | ۹۸۵                       |
| ترت حیدریه   | ۲۹۱۱                      | فیروزه     | ۸۴۰                       |
| طرقبه شاندیز | ۳۳۴                       | قوچان      | ۱۶۸۸                      |
| جغتای        | ۸۱۷                       | مشهد       | ۱۶۰۶۰                     |
| جوین         | ۷۳۰                       | مه ولات    | ۱۰۰۵                      |
| خلیل آباد    | ۴۹۴                       | نیشابور    | ۳۹۲۷                      |
| خواف         | ۱۷۶۷                      | چناران     | ۹۲۰                       |
| خوشاب        | ۴۶۲                       | کاشمر      | ۳۱۶۴                      |
| داورزن       | ۴۰۸                       | کلات نادری | ۴۰۶                       |
| درگز         | ۱۵۰۸                      | گناباد     | ۷۴۸                       |
| جمع کل       |                           | ۵۲۵۱۰      |                           |

جدول ۳) فهرست منطقه‌بندی شهرستان‌های استان

| شهرستان مرکزی | شهرستان‌ها                         | شهرستان مرکزی | شهرستان‌ها                          |
|---------------|------------------------------------|---------------|-------------------------------------|
| مشهد          | مشهد، فریمان، طرقبه و شاندیز       | کاشمر         | کاشمر، خلیل آباد و بردسکن           |
| نیشابور       | نیشابور، فیروزه                    | درگز          | درگز و کلات                         |
| سبزوار        | سبزوار، داورزن، جغتای، جوین، خوشاب | خواف          | خواف، تایباد و باخرز                |
| قوچان         | قوچان، چناران                      | ترت جام       | ترت جام، صالح آباد و سرخس           |
| گناباد        | گناباد، بجستان                     | ترت حیدریه    | ترت حیدریه، رشتخوار، مه ولات و زاوه |

روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر از نوع تصادفی خوشه‌ای است. تعداد نمونه مورد نیاز به‌طور کلی در هر دو گروه با استفاده از فرمول کوکران ۹۳۸ نفر به دست آمد. از نرم‌افزار آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی انجام‌شده بر روی داده‌های جمع‌آوری‌شده، نشان داد اکثر افراد نمونه مورد مطالعه دارای مدرک تحصیلی ابتدایی بودند (۳۵۶ نفر)، اکثر آن‌ها مهارتی ندارند (۵۵۱ نفر) و علت تحت حمایت قرارگرفتن آن‌ها، اکثراً فوت سرپرست بوده است (۳۷۴ نفر) و شغلی نیز ندارند (۵۸۵ نفر)، اکثر این افراد، پدرشان بیسواد بوده است (۶۰۱ نفر) و به لحاظ وضعیت اقتصادی نیز اکثر آن‌ها در فقر مانده‌اند (۷۴۱ نفر).

از آنجا که از طریق آزمون کولموگروف- اسمیرنوف مشخص شد که داده‌های جمع‌آوری‌شده تحقیق حاضر، نرمال نیستند، پس به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق و مقایسه میانگین دو جامعه مستقل؛ یعنی زنان سرپرست خودکفاشده و زنان سرپرست خانوار که در فقر باقی مانده‌اند، از آزمون من- ویتنی استفاده شده است که ازجمله آزمون‌های آماری ناپارامتریک است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون من- ویتنی برای مقایسه دو جامعه مستقل در جداول زیر آورده شده است:

فرضیه اول: بین خودشناسی قابلیت‌ی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج‌شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۴) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد خودشناسی

| وضعیت اقتصادی | تعداد | میانگین رتبه | مجموع رتبه‌ها |
|---------------|-------|--------------|---------------|
| خودکفاشده     | ۱۹۷   | ۵۵۰.۵۷       | ۱۰۸۴۶۱.۵۰     |
| در فقرمانده   | ۷۴۱   | ۴۴۷.۹۵       | ۳۳۱۹۲۹.۵۰     |
| کل            | ۹۳۸   |              |               |

جدول (۵) آزمون آماری در مورد خودشناسی

|                   |            |
|-------------------|------------|
| خودشناسی قابلیت‌ی |            |
| من- ویتنی         | ۵۷۰۱۸.۵۰۰  |
| ویلکاکسون         | ۳۳۱۹۲۹.۵۰۰ |
| Z                 | -۴.۷۳۰     |
| معناداری          | ۰.۰۰۰      |



فرضیه دوم: بین اجتماعی بودن زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد اجتماعی بودن

| وضعیت اقتصادی | تعداد | میانگین رتبه | مجموع رتبه‌ها |
|---------------|-------|--------------|---------------|
| خودکفا شده    | ۱۹۷   | ۵۶۲.۶۶       | ۱۱۰۸۴۴.۰۰     |
| در فقر مانده  | ۷۴۱   | ۴۴۴.۷۳       | ۳۲۹۵۴۷.۰۰     |
| کل            | ۹۳۸   |              |               |

جدول ۷) آزمون آماری در مورد اجتماعی بودن

|              |            |
|--------------|------------|
| اجتماعی بودن |            |
| من- ویتنی    | ۵۴۶۳۶.۰۰۰  |
| ویلکاکسون    | ۳۲۹۵۴۷.۰۰۰ |
| Z            | -۵.۴۳۴     |
| معناداری     | ۰.۰۰۰      |

فرضیه سوم: بین سواد اقتصادی زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد سواد اقتصادی

| وضعیت اقتصادی | تعداد | میانگین رتبه | مجموع رتبه‌ها | سواد اقتصادی |
|---------------|-------|--------------|---------------|--------------|
| خودکفا شده    | ۱۹۷   | ۶۰۶.۱۳       | ۱۱۹۴۰۷.۵۰     |              |
| در فقرمانده   | ۷۴۱   | ۴۳۳.۱۸       | ۳۲۰۹۸۳.۵۰     |              |
| کل            | ۹۳۸   |              |               |              |

جدول ۹) آزمون آماری در مورد سواد اقتصادی

|              |            |
|--------------|------------|
| سواد اقتصادی |            |
| من- ویتنی    | ۴۶۰۷۲.۵۰۰  |
| ویلکاکسون    | ۳۲۰۹۸۳.۵۰۰ |
| Z            | -۷.۹۸۸     |
| معناداری     | ۰.۰۰۰      |

فرضیه چهارم: بین حسن تدبیر زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد حسن تدبیر

| وضعیت اقتصادی | تعداد | میانگین رتبه | مجموع رتبه‌ها |
|---------------|-------|--------------|---------------|
| خودکفا شده    | ۱۹۷   | ۵۸۳.۶۹       | ۱۱۴۹۸۷.۰۰     |
| در فقرمانده   | ۷۴۱   | ۴۳۸.۴۷       | ۳۲۴۴۶۶.۰۰     |
| کل            | ۹۳۸   |              |               |

جدول ۱۱) آزمون آماری در مورد حسن تدبیر

|           |           |
|-----------|-----------|
| حسن تدبیر |           |
| ۵۰۲۹۶.۰۰۰ | من-ویتنی  |
| ۳۲۴۴۶۶.۰۰ | ویلکاکسون |
| -۶.۶۹۶    | Z         |
| ۰.۰۰۰     | معناداری  |

فرضیه پنجم: بین ویژگی‌های کارآفرینانه زنان سرپرست خانوار از فقر خارج شده و زنان در فقرمانده، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲) مقایسه میانگین دو جامعه در مورد ویژگی‌های کارآفرینانه

| وضعیت اقتصادی | تعداد | میانگین رتبه | مجموع رتبه‌ها | ویژگی‌های کارآفرینانه |
|---------------|-------|--------------|---------------|-----------------------|
| خودکفا شده    | ۱۹۷   | ۵۸۰.۵۲       | ۱۱۴۳۶۲.۰۰     |                       |
| در فقرمانده   | ۷۴۱   | ۴۳۹.۳۱       | ۳۲۵۰۹۱.۰۰     |                       |
| کل            | ۹۳۸   |              |               |                       |

جدول ۱۳) آزمون آماری در مورد ویژگی‌های کارآفرینانه

|                       |           |
|-----------------------|-----------|
| ویژگی‌های کارآفرینانه |           |
| ۵۰۹۲۱.۰۰۰             | من-ویتنی  |
| ۳۲۵۰۹۱.۰۰۰            | ویلکاکسون |
| -۶.۵۱۰                | Z         |
| ۰.۰۰۰                 | معناداری  |

همان‌طور که از جداول فوق ملاحظه شد، بین همه ویژگی‌های فردی در میان دو گروه زنان سرپرست در فقرمانده و زنان سرپرست خودکفاشده، تفاوت معناداری وجود دارد و مشخص شد افرادی که خودکفا شده‌اند، از میانگین بیشتری در هر یک ویژگی‌های فردی خود نسبت به افراد در فقرمانده برخوردارند. نتایج آیین آزمون‌ها مبین این نکته است؛ افرادی که عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی مدبرانه در آن‌ها بیشتر بوده است، توانسته‌اند از فقر بیرون بروند و کسانی که سبک زندگی فقیرانه‌ای داشته‌اند، نتوانسته‌اند مؤلفه‌های موفقیت را کسب کرده و در نتیجه همچنان در فقر باقی مانده‌اند.

حال در ادامه از آزمون فریدمن برای بررسی یکسان بودن اولویت‌بندی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه استفاده می‌شود؛ از این‌رو، فرضیه مربوطه به صورت زیر مطرح می‌شود:

$H_0$ : اولویت‌بندی ویژگی‌های فردی سبک زندگی مدبرانه در تأثیرگذاری بر وضعیت اقتصادی افراد یکسان است.

$H_1$ : دست‌کم دو اولویت متفاوت‌اند.

جدول ۱۴) میانگین رتبه‌ها

| متغیرها               | میانگین رتبه‌ها |
|-----------------------|-----------------|
| خودشناسی              | ۳.۰۵            |
| اجتماعی بودن          | ۳.۵۱            |
| حسن تدبیر             | ۳.۸۸            |
| ویژگی‌های کارآفرینانه | ۳.۵۶            |
| سواد اقتصادی          | ۱.۰۰            |

در جدول ۱۴، میانگین رتبه‌های هر یک از این ویژگی‌های فردی نشان داده شده است. در این جدول هر چقدر میانگین رتبه‌ها بزرگ‌تر باشد، اهمیت آن متغیر بیشتر است. طبق جدول ۱۴ ملاحظه می‌شود که حسن تدبیر از میانگین بالاتری برخوردار است و از منظر افراد مورد مطالعه، اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری در وضعیت اقتصادی آن‌ها داشته است؛ چراکه حسن تدبیر اشاره به آینده‌نگری و دوراندیشی فرد دارد که می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصادی‌اش کمک‌کننده باشد.

از طرفی، پایین بودن میانگین سواد اقتصادی، اشاره به این دارد که افراد مورد مطالعه به لحاظ سواد اقتصادی در سطح ضعیفی قرار دارند.

جدول ۱۵) نتایج آزمون فریدمن

|          |                 |
|----------|-----------------|
| ۹۵۱      | تعداد حجم نمونه |
| ۲۰۵۰.۳۶۷ | Chi-Square      |
| ۴        | درجه آزادی      |
| ۰.۰۰۰    | معناداری        |

با توجه به جدول ۱۵ و اینکه مقدار sig کمتر از ۰.۰۵٪ است ( $H_0$  رد می‌شود و ادعای یکسان بودن رتبه (اولویت) ویژگی‌های فردی مورد مطالعه، پذیرفته نمی‌شود؛ بنابراین مشخص شد ویژگی‌های فردی مورد مطالعه در این تحقیق از منظر افراد نمونه، از اولویت یکسانی برخوردار نیستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر سبک زندگی مدبرانه زنان سرپرست خانوار در دو گروه زنان در فقرمانده و زنان خودکفا شده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) استان خراسان رضوی است. بر اساس ویژگی‌های پنجگانه سبک زندگی مدبرانه فردی مشخص شد که هر ۵ مؤلفه از این ویژگی‌های فردی، در خودکفایی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) تأثیرگذار بوده‌اند و از میان این ۵ مؤلفه، براساس دیدگاه خود این افراد مشخص شد که حسن تدبیر از اهمیت و اولویت بیشتری در تأثیرگذاری بر روی خودکفایی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان خراسان رضوی برخوردار است.

سبک زندگی مدبرانه، روشی در زندگی کردن است که حسن تدبیر، هسته اصلی آن زندگی باشد. «سوء التدبیر مفتاح الفقر و لا فقر مع حسن تدبیر» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۲). همان‌طور که در کلام و اندیشه عالمانه و معرفت‌شناسانه انسانی و اجتماعی امام علی (ع) بیان شده است، سوء تدبیر کلید فقر، بدبختی و عدم موفقیت است و اگر حسن تدبیر در افراد وجود داشته باشد، فقر و ناداری در عرصه زندگی ماندگار نمی‌شود و رسوب نمی‌کند. انسان، اندیشه و دانش توسعه و تولید ثروت (مادی و معنوی) است. عقل، ابزار کمال‌یابی و خرد، ابزار ثروت‌یابی انسان است. ابزار و فناوری توسط عقل و خردورزی انسان ساخته می‌شوند. منابع طبیعی خدادادی، آب، زمین و نور سه منبع اصلی تولید در اختیار بشر هستند. عقلانیت، قدرت و توان جسمی کار و حرکت در همه افراد (جز افراد مریض و معلول شدید) به ودیعه گذاشته شده است. ترکیب روشمند و صحیح جسم و توانایی‌های حرکتی و ذهنی انسان با منابع در اختیار بشر می‌تواند فرد را از فقر دور کند. ترکیب متناسب و هدایت عقلانی این عناصر جهت حل معضل فقر در سطوح مختلف، با دانش و علم مدیریت و حسن تدبیر میسر است. امام علی (ع) در یک کلام عالمانه و مدبرانه می‌فرماید: «لَا فَرَقَ مَعَ حُسْنِ التَّدْبِيرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۲)؛ با حسن تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح، فقر و تنگدستی به وجود نمی‌آید.

دانش مدیریت منزل و خانواده، ابزاری است در جهت افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع و فرصت‌های موجود در خانواده که توسط والدین باید به کار گرفته شود. حسن تدبیر مطلوب که

در حقیقت آینده‌پژوهی مدیریت منزل است؛ در گرو مدیریت و دارا بودن حداقل دانش مدیریت منزل توسط والدین است. تأکیدات زیاد دین اسلام درخصوص حسن تدبیر و سوء تدبیر و رابطه آن با موفقیت‌ها و گشاده‌دستی‌های زندگی و فقر و تنگدستی، بیانگر اهمیت مدیریت و توانایی اداره کردن، آینده‌نگری و دوراندیشی است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «قوم، پایداری و ماندگاری زندگی افراد، خانواده و جامعه در گرو برنامه‌ریزی صحیح و مدیریت درست است و شاخص و شرط قوام معیشت و برنامه‌ریزی و مدیریت مطلوب، داشتن حسن تدبیر است. حُسْنُ التَّدْبِيرِ یُنْمِیْ قَلِيلَ الْمَالِ و سَوْءُ التَّدْبِيرِ یُفْنِیْ کَثِیرَه» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۱)؛ یعنی هرچه ضریب حسن تدبیر افراد، جامعه و والدین در خانواده و مدیران جامعه و حاکمان بالا باشد موجب می‌گردد تا با تدبیر درست و خوب، مال و اموال کم، افزایش یابد و در عوض، سوء تدبیر در افراد و خانواده و حاکمان و مدیران جامعه، موجب می‌شود تا از منابع و سرمایه‌ها و ظرفیت‌ها، بهره‌وری مطلوبی حاصل نمایند و موجب کاهش ثروت در جامعه و خانواده گردند». حسن تدبیر که ابزار آینده‌پژوهی عقل بشر است، با مدیریت بر منابع و ثروت، موجب افزایش ثروت اندک می‌شود؛ ولی سوء تدبیر که ابزار جهل بشر است، موجب می‌گردد تا منابع و ثروتی هم که در اختیار دارد را کاهش داده و از بین ببرد.

تحلیل نتایج تحقیق حاضر بیانگر این مهم است که اگر افراد و خانواده‌ها در شیوه و طریق زندگی کردنشان، سبک زندگی فقیرانه داشته باشند و این شیوه زندگی را ادامه دهند، تا زمانی که این روش زیستن در بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد نهادینه شود، آن موقع بینش‌ها و نگرش‌های فقیرانه‌ای در اثر استمرار "سبک زندگی فقیرانه" شکل می‌گیرد. نهادینه‌شدن بینش‌ها و نگرش‌های فقیرانه، موجب رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های فقیرانه در زندگی فردی و خانوادگی اجتماعی افراد می‌شود. وقتی افراد در فرهنگ فقر قرار گرفتند، مهندسی معکوس فرهنگ فقر به سمت سبک زندگی مدبرانه، کاری بس دشوار خواهد بود؛ بنابراین برای انقطاع چرخه فقر بین-نسلی باید سبک زندگی فقیرانه افراد اصلاح گردد و در یک دامنه زمانی مشخص با آموزش و بعضاً جداسازی از محله فرهنگ فقر، فرد را در مسیر سبک زندگی مدبرانه قرار داد تا پس از مدتی فرهنگ زندگی مدبرانه جایگزین فرهنگ فقر شود. برای اینکه فرایند اصلاح و تغییر فرهنگ

فقر به فرهنگ زندگی مدبرانه و نهایتاً قطع فقر بین‌نسلی با موفقیت اجرا شود، الزاماً مشارکت، همفکری و نیازهای خود افراد و خانواده و والدین ضروری است؛ بنابراین نقش زنان در شکل‌دهی "خانواده مدبرانه" کلیدی و اساسی است؛ چون هسته اصلی خانواده و مدیر اصلی خانواده زن‌ها هستند که می‌توانند "انسان‌های اجتماعی مدبرانه" تربیت کنند و "انسان‌های اجتماعی مدبرانه"، "بینش‌ها، نگرش‌ها، شناخت‌ها و کنش‌های مدبرانه" و نهایتاً "ساختارهای اجتماعی مدبرانه‌ای" را در جامعه طراحی و اجرایی می‌کنند. "ساختارهای اجتماعی مدبرانه"، سطح رفاهی و اقتصادی زندگی مدبرانه افراد جامعه را افزایش می‌دهند و سپس منجر به ایجاد "فرهنگ زندگی مدبرانه" در جامعه می‌شوند؛ از این‌رو، تقویت و ترویج سبک زندگی مدبرانه با محوریت زنان، ارزشمند است و موجب می‌شود علاوه بر اینکه خود از فقر و گرفتاری در آسیب‌های اجتماعی خارج شوند، موجبات تربیت نسل مدبرانه‌ای را هم در جامعه فراهم کنند و همچنین از به ارث گذاشتن فقر به نسل بعدی نیز جلوگیری می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق، پیشنهادات زیر برای تقویت سبک زندگی مدبرانه در زنان سرپرست خانوار ارائه می‌شود:

- آموزش "سواد اقتصادی" و "معرفت‌شناسی خانواده" برای زنانی که زندگی آنان در سطح سبک زندگی فقیرانه است و یا در آستانه ورود به سبک زندگی فقیرانه هستند. این مهم می‌تواند با هدایت‌های علمی دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و مراکز علمی و تحقیقاتی و با کمک نهادها و سازمان‌های حمایتی مثل کمیته امداد امام‌خمينی (ره) و بهزیستی و خیریه‌ها و سایر مراکز حمایتی در کشور اجرا شود.
- آموزش فرزندان که در "تله سبک زندگی فقیرانه" در جامعه گرفتار شده‌اند. توانمندسازی فرزندان (نوجوانان و جوانان) به منظور قطع چرخه فقر در نسل بعدی ضروری است. اجرای این توانمندسازی می‌تواند توسط مراکز آموزشی و علمی و کمیته امداد امام‌خمينی (ره) و بهزیستی و خیریه‌ها و سایر مراکز حمایتی در کشور انجام شود.
- تدوین متون علمی و کاربردی با مضمون "سواد اقتصادی" و "معرفت‌شناسی خانواده" برای والدین و فرزندان، متناسب با جنسیت و سن و مسئولیتی که در منزل بر عهده دارند. اشکال طراحی و تدوین این متون می‌تواند به صورت نرم‌افزار، مکتوب و بازی‌های رایانه‌ای و در

سطح فراگیر و با قیمت‌های ارزان و یارانه‌های حمایتی در اختیار مددجویان کمیته امداد قرار گیرد.

- ترویج "فرهنگ کار و تلاش" و اطلاع‌رسانی و ترویج "سبک زندگی مدبرانه" در مقابل سبک زندگی فقیرانه از طریق رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری به صورت هدفمند و مستمر در سطوح عمومی و تخصصی در جامعه.



## منابع

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۲). *غررالحکم و دررالحکم*، ج ۲. ترجمه حمید فرخیان. قم: دارالحديث.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *غررالحکم و دررالحکم*، ج ۳. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: دارالحديث.
- توفیقیان‌فر، علی‌حسن، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد)". *زن و جامعه*، دوره هفتم، ش ۲۶ (تابستان): ۸۹-۱۱۴.
- حسن‌پور، اکبر، و دیگران (۱۴۰۰). "شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". *رفاه اجتماعی*، سال بیست و یکم، ش ۸۰ (بهار): ۸۱-۱۱۵.
- رحیمی، کاظم (۱۳۹۹). "آسیب اجتماعی زنان سرپرست خانوار". *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، سال پنجم، ش ۳۲ (زمستان): ۱۷۵-۱۸۴.
- رضایی قادی، خدیجه (۱۳۸۸). "شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار". در: *مجموعه مقالات دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار*. تهران: معاونت امور بانوان شهرداری.
- سیاحی، مهین؛ همایی، رضوان (۱۳۹۹). "اثربخشی آموزش توانمندسازی فردی بر خودکارآمدی، کارآفرینی و انسجام خانواده در زنان سرپرست خانوار". *زن و جامعه*، سال یازدهم، ش ۴ (زمستان): ۲۸۹-۳۰۸.
- شادی‌طلب، ژاله؛ گرای‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). "فقر زنان سرپرست خانوار". *زن در توسعه و سیاست (مطالعات زنان)*، دوره دوم، ش ۱ (بهار): ۴۹-۷۰.
- شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). "فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار". *رفاه اجتماعی*، دوره چهارم، ش ۱۷ (تابستان): ۲۲۷-۲۴۷.

- شریفی، محمدمبین، و دیگران (۱۳۸۹). "تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: استان کردستان)". *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)*، دوره هشتم، ش ۴ (زمستان): ۱۲۱-۱۴۱.
- شعبان، مریم؛ قویدل، نوشین (۱۴۰۰). "ارتباط بین سبک زندگی سلامت‌محور و سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار حاشیه‌نشین شهر کرج". *مجله دانشگاه علوم پزشکی البرز*، سال دهم، ش ۲ (بهار): ۱۹۶-۲۰۸.
- شکوری، علی؛ سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). "فقر خانواده و زنان شهری (با تأکید بر کلان‌شهر تهران)". *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره چهارم، ش ۱۰ (بهار): ۷۳-۱۰۸.
- عابدی دیزناب، محدثه؛ عباسی، محمد؛ علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۹۷). "مطالعه تطبیقی ویژگی‌های زنان و مردان سرپرست خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سرشماری ۱۳۹۵". *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال بیست و نهم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۹۵-۱۱۳.
- عباس‌زاده، محمد؛ بوداقي، علی؛ اقدسی علمداری، فرانک (۱۳۹۰). "تقویت زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی". در: *مجموعه مقالات همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام‌خمینی (ره)*. تهران: کمیته امداد امام‌خمینی، مرکز آموزش: ۱۳۹-۱۶۳.
- عربخانی، اسدالله؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ کلدی، علیرضا (۱۳۹۸). "تدوین مدل مفهومی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از نظریه داده‌بنیان (مورد مطالعه: دهستان عشق‌آباد شهرستان نیشابور)". *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال سیزدهم، ش ۳ (بهار): ۸۹-۱۱۵.
- فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۳). "بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، ش ۲ (بهار): ۱۰۱-۱۱۸.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۹۴). *سبک زندگی رضوی (۱): روابط میان فردی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد بین‌المللی فرهنگی - هنری.

- قربانی، محمود؛ صابر مقدم، ماهی؛ جاعرق، فرزاد (۱۳۹۱). مدیریت منابع/انسانی. مشهد: گل آفتاب.

- قلی‌پور، آرین؛ رحیمیان، اشرف؛ میرزمانی، اعظم (۱۳۸۷). "نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران". زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ششم، ش ۳ (پاییز): ۱۱۳-۱۳۲.

- قوامی، هادی (۱۳۸۵). "بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران". تحقیقات اقتصادی، دوره شانزدهم، ش ۷۲ (بهار): ۲۲۷-۲۵۷.

- کردی، حسین؛ هادی‌زاده، سکینه (۱۳۹۱). "بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیرشاغل". زن و جامعه، دوره سوم، ش ۱۲ (زمستان): ۲۱-۴۲.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

- میکائیکی، جواد؛ شیرزور علی‌آبادی، زهرا؛ قاسمی، فاطمه (۱۴۰۰). "تأثیر کسب‌وکارهای خانگی بر توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان درمیان)". مطالعات فرهنگی-اجتماعی/خراسان، دوره پانزدهم، ش ۳ (بهار): ۱۷۹-۲۱۰.

- نازک‌تبار، حسین؛ ویسی، رضا (۱۳۸۶). "وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار در استان مازندران". رفاه/اجتماعی، دوره هفتم، ش ۲۷ (زمستان): ۹۵-۱۱۳.

- نجفی، مرجان؛ لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۳۹۷). "بررسی نقش مصرف مدیرانه بر فقرزدایی از خانواده در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای". مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دهم، ش ۳ (تابستان): ۱۷۱-۱۹۲.

- Bourdieu, p. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgements of Taste*. London: Routledge & Kegan Paul.

- Chambers, Robert; Conway, G. (1992). "Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st century". Institute of Development Studies (UK).

- Javed, Z. H.; Asif, A. (2011). "Female Households and Poverty: A Cease Study of Faisalabad District". *International Journal of Peace and Development Studies*, Vol. 2, No. 2: 37- 44.
- Lewis, O. (1974). "*Culture of Poverty*". In: On Understanding Poverty: Perspectives from the Social Sciences. Edited by Daniel P. Moynihan. New York: Basic Books: 187-220.
- Mokomane, Z. (2014). "*Family policy in South Africa*". In: Handbook of family policies across the globe. New York: Springer. 59-73.
- Ritzer, J. (2010). *Theory of Sociology in the Contemporary Period*. Translator Mohsen Solati. Tehran: Scientific.

## Investigating the decline Causes of Farming Joint Stock Companies of Newly formed in Sahlabad Plain- Nehbandan

Mohammad Hajipour<sup>1</sup>

Received: 29/9/2021

Accepted: 9/2/2022

### Abstract

Before Iran Revolution, the formation of farming joint stock companies had aimed to change the structures of agriculture section. On that time, it failed. In recent two decades, it can be witnessed that resuscitation and creation of F.J.S companies have been brought to attention; one example is the formation of a F.J.S Company in Sahlabad Plain. Study of this F.J.S in Sahlabad, shows a lot of ups and downs in the rural area and this article tries to study the reasons of villagers' tendency to joint stock system, meanwhile it aims to analyze different causes of people's conflicts aiming at this farming system. Studies showed that villagers in Sahlabad Plain cooperated to a great extent to accept F.J.S Company and their objective was to receive more economic benefits from water and soil resources that are under their authority. After more than a decade of the life of F.J.S company in Sahlabad Plain, while there are not any progresses in their objectives, new problems in rural area have become more apparent which are caused by "the low level of company's economic returns", "unprincipled performance of company's board", "addition of outer elements that have effect on company's economic performance and economic life of stockholders", and "no appropriate support by trusted systems". Consequently, change of Small Holding System to farming joint stock system by the above-mentioned reasons not only was not a progressive movement toward development but also it had created some negative atmosphere for rural development in Sahlabad Plain.

Keywords: Rural Development, Agriculture Development, Cooperation, Exploitation system, Farming Joint Stock Company

---

1. Assitant Professor in geography and rural development, Faculty of literature and humanities, University of Birjand mhajipour@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

## واکاوی علل زوال شرکت سهامی زراعی نوبنیاد سهل آباد در شهرستان نهبندان

محمد حجتی پور<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۷

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_144660.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_144660.html)

### چکیده

پیش از انقلاب، تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی با هدف تغییر در ساختارهای بخش کشاورزی انجام شد که در آن زمان به سبب مسائلی همچون عدم توجه به مشارکت و رضایت جامعه روستایی، ناموفق ماند. طی دو دهه اخیر، بازگرایشی به احیا و ایجاد شیوه بهره‌برداری سهامی زراعی در اقصی نقاط کشور می‌توان شاهد بود که نمونه آن، ایجاد شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد شهرستان نهبندان بوده است. مطالعه این شرکت سهامی زراعی جدید در نهبندان، حاکی از افت‌وخیز شدید آن در فضای روستایی ناحیه است که در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن بررسی علل گرایش روستاییان به نظام سهامی زراعی در سال ۱۳۸۴، به تحلیل دلایل مقابله و تعارض مردم با این نظام زراعی در سال ۱۳۹۹ پرداخته شود تا تبیینی از علل رکود آن برای کاربرد در سایر نواحی کشور به دست آید. این تحقیق بر مبنای هدف کاربردی است. به منظور گردآوری داده‌ها از روش آمیخته (ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی) استفاده شده است. بررسی‌ها نشان داد روستاییان دشت سهل - آباد، با انگیزه کسب منافع اقتصادی بیشتر از منابع آب و خاک در اختیار، با میزان مشارکت بالا، اقدام به پذیرش نظام سهامی زراعی نموده‌اند؛ با گذشت بیش از یک دهه از عمر شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد، نه تنها توفیقی در اهداف حاصل نشده، بلکه دغدغه‌های جدیدی نیز در فضای روستایی پدیدار شده که بنا به چهار دلیل، پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت، عملکرد غیراصولی هیئت‌مدیره شرکت، تشدید عناصر برون‌فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

حیات اقتصادی سهامداران و عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران بوده است. در کل می‌توان گفت تغییر نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی، به دلایل یادشده، نه تنها حرکتی رو به سوی توسعه نبود؛ بلکه فضایی ضد توسعه روستایی در دشت سهل آباد به وجود آورده است.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه روستایی، توسعه کشاورزی، نه‌بندان، نظام بهره‌برداری، شرکت سهامی زراعی.

### مقدمه

کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد، به دلایلی نظیر اثرگذاری بر اقتصاد ملی به لحاظ ایجاد شغل، تولید و ارزآوری، در کشورهای در حال توسعه؛ از جمله کشور ما، دارای اهمیت است و از سوی دیگر وسیله معاش میلیون‌ها نفر به شمار می‌آید. در سطح خردتر اثر آن بر اقتصاد نواحی روستایی نیز مترتب است (یاسوری، ۱۳۸۶: ۸). از آن جاکه نواحی روستایی کانون‌های تمرکز بخش کشاورزی و روستاییان عمده فعالان این عرصه هستند، توسعه بخش کشاورزی و توسعه نواحی روستایی دارای پیوندی ناگسستنی و توأمان است.

فرایند تولید و توسعه بخش کشاورزی دارای موانع و چالش‌های متعددی همچون ناکارآمدی نظام بهره‌برداری کشاورزی است که عدم توجه و یا برخورد غیراصولی با این مسئله، به نوعی در عقب‌ماندگی بخش مذکور مؤثر بوده است (هجرتی و افشاری، ۱۳۸۹: ۱۲۴). پس از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰، تبعات آن؛ یعنی پراکندگی قطعات اراضی، تقطیع شدن و کوچکی اراضی زراعی با روندی رو به رشد، سبب رشد و غلبه نظام خرده‌مالکی در میان بهره‌برداران زراعی روستاها شد (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۲۴؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴؛ امامی خویی و ضیایی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۷) که به کاهش روزافزون بهره‌وری عوامل تولید، تولید، ضعف اقتصادی در بخش کشاورزی و مهاجرت‌های روستا-شهری نیز منجر شده است.

با گذشت مدت‌زمان کمی از اجرای اصلاحات ارضی، ضرورت و لزوم حل مسائل یادشده در قالب تغییر نظام بهره‌برداری کشاورزی بروز کرد و تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی با هدف بالابردن

میزان تولیدات کشاورزی و حل مشکلات ناشی از چندپاره‌شدن اراضی مزروعی از طریق یکپارچه‌کردن زمین‌ها و جایگزین کردن واحد روستایی به جای واحد "ده"، مورد توجه قرار گرفت؛ با این نگرش که راهبرد مزبور از جمله راهکارهایی است که در زمره تشکلهای تعاونی و مکانیزاسیون می‌تواند عملکرد مطلوبی نظیر بهبود در بهره‌وری و تولید کشاورزی و درنهایت توسعه روستایی داشته باشد (Mcnicoll & Cain, 1990: 35).

پس از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در پیش از انقلاب، بنا به دلایلی؛ عمدتاً اجتماعی، همچون عدم توجه کافی به مشارکت و رضایت جامعه روستایی در ایجاد این شرکت‌ها، توفیق چندانی نیافتند (وئوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، برخی از کارشناسان و برنامه‌ریزان توسعه در استان خراسان جنوبی، با توجه به اهداف نوسازی توسعه کشاورزی در برنامه‌های پس از انقلاب، باور به ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی منوط به تجدیدنظر در ساختارهای تشکیلاتی داشته‌اند و شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در شهرستان نهبندان، اولین نمونه‌ای است که بر مبنای این اندیشه در کل کشور از سال ۱۳۸۴ ایجاد شده است. نکته قابل توجه این است که با گذشت کمتر از دو دهه از عمر این شرکت سهامی زراعی، تعارضات و مخالفت‌های عینی و عملی از سوی سهامداران علیه شرکت شکل گرفته است. این در حالی است که از جدی‌ترین موانع توسعه در بخش کشاورزی کشور و به ویژه استان خراسان جنوبی، خرده مالکی شدید حاکم در فضاهای روستایی است (مجیدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱؛ زنگنه، ۱۳۹۲: ۲). برای عبور از این مانع، از جمله راهکارهای اثربخش، گرایش کشاورزی تجاری و یکپارچه‌سازی اراضی است که در قالب نظام‌هایی همچون سهامی زراعی صورت می‌گیرد.

بر این اساس شواهد موجود، حاکی از تعدد یافتن شرکت‌های سهامی زراعی نوبنیاد در قلمرو جغرافیایی استان خراسان جنوبی (نظیر ایثارگران بیرجند، خوشاب سربیشه و خوسف) و دیگر مناطق کشور است؛ با توجه به کارکرد حیاتی نظام‌های سهامی زراعی در توسعه بخش کشاورزی در استان، چرا باید همچون گذشته (سال‌های پیش از انقلاب) شاهد رو به افول نهادن این شیوه بهره‌برداری تجاری در منطقه بود؟ به منظور کمک به توسعه این نهضت و جلوگیری از تجربه شکستی که قبل از انقلاب سابقه دارد، در این تحقیق تلاش شد ابتدا به بررسی و تبیین علل و چگونگی رکود شرکت سهامی زراعی در جامعه روستایی دشت سهل‌آباد شهرستان نهبندان



پرداخته شود. به این منظور، دو هدف در تحقیق دنبال شده است: اول، بررسی علل گرایش و مشارکت روستاییان دشت سهل آباد در تشکیل شرکت سهامی زراعی سهل آباد و دوم، تحلیل دلایل رکود نظام سهامی زراعی پس از گذشت کمتر از دو دهه در محدوده دشت سهل آباد. اهداف یاد شده در پی پاسخ به سؤالات زیر بوده است:

۱. انگیزه اولیه یا دلایل همراهی مردم محلی در ابتدای شکل‌گیری شرکت سهامی زراعی سهل آباد چه بوده است؟

۲. تمایل به انصراف و نارضایتی مردم محلی از ادامه فعالیت شرکت سهامی زراعی پس از گذشت کمتر از دو دهه سابقه در سهل آباد را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

### مبانی نظری

با توجه به سابقه فعالیت نظام بهره‌برداری سهامی زراعی در کانون‌های روستایی کشور، مطالعات عدیده‌ای وجود دارد که در گذشته به بررسی ابعاد مختلف این نظام پرداخته است. از جمله تحقیقات قدیمی مربوط به شرکت‌های سهامی زراعی می‌توان به مطالعه دنمن<sup>۱</sup> (۱۹۷۳)، دشتی (۱۳۴۹)، نیک‌خلق (۱۳۵۰)، عبداللهی (۱۳۷۷)، لی‌ون<sup>۲</sup> (۱۳۸۱) و ساریخانی (۱۳۸۴) اشاره کرد. احیا و رشد شرکت‌های سهامی زراعی کشور از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی منجر به کثرت مطالعات مرتبط با این حوزه، طی دهه ۱۳۹۰ خورشیدی شد که در ادامه به اهم آن اشاره شده است.

حجی‌پور (۱۳۹۰) در مطالعه خود تحت عنوان «بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی»، دریافت که انگیزه اقتصادی، مؤثرترین عامل در جهت‌پذیرش نظام سهامی زراعی از سوی مردم بوده است و میزان مشارکت روستاییان در تشکیل این شرکت، در سطح دشت سهل آباد زیاد و مشارکت سهامداران در فعالیت‌های کنونی شرکت متوسط بوده است. همچنین شاخص هزینه تولید محصولات زراعی در هکتار، نسبت به گذشته کاهش داشته است؛ از طرف دیگر، در زمینه درآمد خانوارها ناشی از تولید در بخش زراعی، پس‌انداز، تولید سرمایه،

---

1. Denman

2. Li Wen

سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرزراعی، بهبود سبد غذایی و دسترسی به امکانات رفاهی در سطح خانوار، به دلایلی همچون عدم توزیع یکنواخت سهام در میان سهام‌داران و عدم استفاده از تمامی ظرفیت‌های تولیدی توسط شرکت، افزایش معناداری مشاهده نشده است.

فال‌سلیمان و حجی‌پور (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش جامعه روستایی در شرکت-های سهامی زراعی جدید با بهره‌گیری از شاخص‌های مشارکتی RPPI و FSPI» استدلال کردند که میزان مشارکت جامعه روستایی بر حسب شاخص RPPI- که معرف میزان مشارکت افراد ناحیه در تشکیل شرکت سهامی زراعی است- زیاد بوده و همچنین میزان مشارکت سهامداران شرکت بر حسب شاخص FSPI- که معرف مشارکت سهامداران در فعالیت‌های شرکت سهامی زراعی طی یکسال است- در سطح متوسطی قرار داشته است. درنهایت نیز گفته شده است بهره‌برداران زراعی دشت سهل‌آباد در تشکیل و تداوم فعالیت این شرکت نقش اساسی داشته‌اند. حجی‌پور و فال‌سلیمان (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی» به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون آینده‌نگری، مشارکت-پذیری و جمع‌گرایی و امید به آینده، دارای بیشترین تأثیر مثبت در تشکیل یک شرکت سهامی زراعی است. همچنین مؤلفه‌های کلی الگوی اثرگذاری بر پذیرش و تشکیل یک شرکت سهامی زراعی؛ شامل "پتانسیل اجتماعی"، "وضعیت اقتصادی تولید و توسعه" و "شاخصه‌های فرهنگی" است.

رضازاده (۱۳۹۳) پس از «بررسی اثرات امنیتی- اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی بر سکونتگاه‌های روستایی نواحی مرزی دشت خوشاب سربیشه» اذعان داشته است که شرکت سهامی زراعی دشت خوشاب، اگرچه باعث افزایش شاخص‌های امنیتی شده؛ اما تأثیر چندانی بر ارتقای شاخص‌های اجتماعی نداشته است.

ناصری و دیگران (۱۳۹۴) پس از بررسی «نقش شرکت‌های سهامی زراعی در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان عضو» اذعان داشته‌اند که شرکت‌های سهامی زراعی، به ترتیب در زمینه توانمندی فنی و حرفه‌ای، توانمندی اجتماعی و روانی و توانمندی اقتصادی کشاورزان در حد متوسط و متوسط به بالا عمل کرده و در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان نقش مؤثری داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش کشاورزان و رضایت

آنان از شرکت، مورد مشورت قرار گرفتن، آگاهی از شرکت، سابقه کار کشاورزی و میزان توانمندی آن‌ها وجود دارد.

مرام، زرافشانی و میرک‌زاده (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان «بررسی نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی» به این نتیجه رسیدند که پنج مقوله؛ عدم آگاهی اعضا از اهداف شرکت، عدم وجود روابط اجتماعی مناسب مدیران با سهامداران، عدم مشارکت سهامداران، عدم وجود بستر مناسب اجتماعی و ضعف در زمینه‌های قانونی، در شکل‌گیری نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی تأثیرگذارند؛ همچنین دو مقوله جدید؛ تجربه‌های تلخ گذشته و نارضایتی کشاورزان از عملکرد برخی سازمان‌های دولتی بعد از انقلاب آشکار شد. از سوی دیگر، مقوله‌هایی همچون نبود تکلیف مالکیت سهام در بین وارث پس از فوت رئیس خانوار، محو تدریجی تجارب و دانش بومی سهامداران در مدیریت مزرعه، بی‌اعتبارشدن تدریجی بنیان‌های ارتباطی مردم روستا و مهاجرت کشاورزان به شهرها، می‌تواند در نوع نگرش بهره‌برداران نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی بسیار تأثیرگذار باشد.

بخشی و دیگران (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رضایت سهامداران از عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی» دریافتند که رضایتمندی اعضای شرکت‌های سهامی زراعی مورد مطالعه از عملکرد این شرکت‌ها در حد متوسط به بالا بوده است. بین متغیرهای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، نحوه رفتار و برخورد پرسنل، انتصاب افراد شایسته و لایق، تنوع محصولات تولیدی و سطح رضایتمندی سهامداران، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته است. همچنین بر پایه تحلیل رگرسیون انجام‌شده، متغیرهای سواد، مقدار سود سهام، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و انتصاب افراد شایسته و لایق، ۸۳٪ تغییراتی را که در سطح رضایتمندی سهامداران به وجود می‌آید، تبیین می‌کند.

نکویی نائینی، قنبری و برقی (۱۳۹۵) پس از «سنجش پایداری نظام‌های بهره‌برداری موجود در بخش کشاورزی استان اصفهان با تأکید بر خرده‌دهقانی، تعاونی تولید روستایی و شرکت سهامی زراعی» دریافتند که نظام‌های بهره‌برداری سهامی زراعی و تعاونی تولید روستایی نیمه-پایدار و خرده‌دهقانی، ناپایدار هستند. از لحاظ بُعد اقتصادی، شرکت سهامی زراعی نسبت به دو نظام دیگر پایدارتر و از لحاظ بُعد اجتماعی ناپایدارتر است. از بُعد اجتماعی، تعاونی تولید روستایی

نسبت به دو نظام دیگر پایدارتر و از نظر زیست‌محیطی نسبت به شرکت سهامی زراعی ناپایدارتر است. نظام بهره‌برداری خرده‌دهقانی از نظر این سه بُعد، بویژه اقتصادی، از دو نظام بهره‌برداری دیگر ناپایدارتر است.

یزدانی مروی لنگری (۱۳۹۸) با مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با تأکید بر عملکرد شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام» دریافت که در بُعد اجتماعی- فرهنگی، شاخص افزایش دانش کشاورزان و در بُعد اقتصادی- معیشتی شاخص هزینه مصرف آب، نسبت به سایر شاخص‌ها افزایش معناداری داشته است. به‌طور کلی نیز اثرات یکپارچه‌سازی اراضی در قالب شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام در حد متوسط تا مطلوب ارزیابی شده است؛ بنابراین شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی سهامداران تأثیر مثبتی داشته است؛ اما با گذشت ۵۰ سال از عمر شرکت، اکنون پایین‌رفتن سطح آب‌های زیرزمینی، عدم وجود صنایع مکمل در زنجیره تولیدی، افزایش اعضای اولیه از ۲۷۶ نفر به حدود ۲۰۰۰ نفر به‌عنوان عوایدگیر، عدم رضایت سهامداران از هیئت‌مدیره شرکت سهامی زراعی، مهم‌ترین مسائل شرکت از دیدگاه مدیران و سهامداران است. فاضلی (۱۳۹۹) پس از انجام مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی اثرات تشکیل و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی بر توسعه پایدار روستایی در رودپیش فومن» استدلال کرد که شرکت‌های سهامی زراعی و توسعه پایدار روستایی، دارای ارتباط معناداری است.

یزدانی (۱۳۹۹) با تحقیقی در زمینه «موردکاوی تطبیقی مدیریت زنجیره عرضه کارآفرینانه بین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی در استان خراسان شمالی» به این نتیجه رسید که مؤلفه‌های مدیریت شبکه اجتماعی و مدیریت منابع مالی، برای سرمایه‌گذاری، بالاترین رتبه و مؤلفه‌های مدیریت بازاریابی و فروش و مدیریت نوآوری و جذب فناوری، پایین‌ترین رتبه را دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که رابطه معنی‌دار مثبتی بین تمام مؤلفه‌های زنجیره عرضه کارآفرینانه شرکت‌های مورد مطالعه وجود دارد. در این میان، بیشترین همبستگی در بین شرکت‌های تعاونی، میان مؤلفه‌های مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری و مدیریت فروش و بازاریابی و در بین شرکت‌های سهامی زراعی، بین مؤلفه‌های مدیریت توزیع و مدیریت تولید وجود دارد. همچنین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی نسبت به شرکت‌های

سهامی زراعی در اجرای مؤلفه‌های مدیریت تأمین، مدیریت تولید و مدیریت بازاریابی و فروش، از عملکرد بهتری برخوردار بوده است.

داوری ترشیزی، قربانی و دانشور کاخکی (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر نظریه‌های مکان‌یابی، سرمایه اجتماعی و انسانی بر تداوم فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی» دریافتند که سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در شرکت سهامی زراعی خضری قائنات از سطح متوسط به بالایی برخوردار است. همچنین سرمایه اجتماعی از نظر پاسخ‌دهندگان بیشترین تأثیر را بر تداوم فعالیت این شرکت داشته است و پس از آن، مکان‌یابی و سرمایه انسانی در رده‌های بعدی تأثیرگذاری قرار می‌گیرند. بُعد ارتباطی در سرمایه اجتماعی، عوامل زیربنایی در سیستم مکان‌یابی و توانمندی‌های غیرشناختی در سرمایه انسانی، اثرگذارترین مؤلفه‌ها بر تداوم فعالیت شرکت سهامی زراعی خضری شناخته شده است.

مفهوم توسعه در روند و اهداف برنامه‌ریزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را هدف غایی تمام برنامه‌های مرتبط با انسان یا راه دستیابی به ایدئال‌ترین شرایط در جنبه‌های گوناگون زندگی او در مقاطع مختلف زمانی دانست (UNFPA, 2002: 31). توسعه، جریان‌ی چندبُعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، تغییر در عادات و رسوم و عقاید مردم و نیز تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (Lehmann, 1979: 32؛ تودارو، ۱۳۶۷: ۱۳۶). به بیان دیگر، توسعه فرایندی جامع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به شمار می‌آید که هدفش بهبود مداوم زندگی تمام جمعیت است و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه منافع، از ارکان اساسی آن محسوب می‌شود (Atfield & Wilkins, 1992: 3).

بنا به دلایلی، همچون استقرار بخش قابل توجهی از جمعیت هر کشور در روستاها، صورت‌گرفتن غالب فعالیت‌های تولیدی بخش کشاورزی در این مکان‌ها، اثرگذاری مستقیم بر امنیت غذایی و عقب‌ماندگی به لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی و یا به عبارتی سطح نازل توسعه‌یافتگی‌شان نسبت به کانون‌های شهری، ضرورت و لزوم توجه ویژه به بهبود شرایط زندگی روستاییان یا همان توسعه فضاهای روستایی ایجاب می‌شود.

توسعه روستایی را می‌توان فرایندی چندبُعدی دانست که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی<sup>۱</sup> اجتماعات روستایی است. فرایندی که با بهره‌گیری از سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی، برداشتن موانع ساختاری و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و عینی روستاییان، تلاش می‌کند تا در آن‌ها قدرت و اختیار بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن بتواند به توزیع عادلانه و گسترده‌تر منافع و بهبود شرایط زندگی دست یابد. تغییرات مفهومی توسعه روستایی هم، مانند تغییرات مفهوم توسعه از تأکید بر رشد اقتصادی صرف، به توسعه همه‌جانبه روستایی رسیده است (Hart, 1999: 78؛ سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). به بیان کلی آن را می‌توان پروسه‌ای در جهت دستیابی به آرزوهای آتی ساکنان روستاها دانست (Elands & Wiersum, 2001: 5).

کشاورزی به‌عنوان موتور توسعه روستایی، دارای جایگاه ویژه‌ای است که در کشورهای درحال توسعه و عقب‌مانده، این اهمیت دوچندان است (Anríquez & Staumolis, 2007). به‌طور کلی مسائل مربوط به کشاورزی و روستا با هم مرتبط هستند و به دلیل نزدیکی، نقش و اهمیت کشاورزی در فعالیت‌های مربوط به توسعه روستایی، در بسیاری از نوشته‌ها، مفاهیم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی، به صورت مترادف به کار گرفته شده‌اند (تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

امروزه مفاهیمی مانند توانمندسازی، یکپارچگی و مشارکت (در بسیاری از زمینه‌ها) در عرصه خط مشی توسعه کشاورزی و متعاقب آن در توسعه روستایی، از جمله راهبردها و شعارهای اساسی هستند (Northouse, 2001)؛ به‌طوری که افرادی چون وانسون بر این اعتقاد هستند که زمانی که کشاورزان در تمام مراحل یک برنامه، از طراحی تا اجرا مشارکت کنند، بهترین نتیجه حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر برای حرکت به سمت توسعه کشاورزی، به اقدام هماهنگ و مشترک گروه‌ها و اجتماعات در سطح محلی نیاز است (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰). شاتزو مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیزم رسمی و غیررسمی می‌داند (Schatzow, 1977: 141). آلن بیرو<sup>۲</sup>، مشارکت را به معنای سهمی در

چیزی یافتن و از آن سودبردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. به اعتقاد محسنی تبریزی، مشارکت فرایندی است که توسط آن مردم می‌توانند خود را سازمان دهند و از طریق آن در فعالیتهای توسعه محلی، توان اظهار نظر یابند و به عبارتی مشارکت شامل فعالیت اداری و داوطلبانه است که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۴).

تحقق مشارکت مردمی در صورت فراهم شدن دو شرط اساسی تحت عنوان شرایط بیرونی و درونی خواهد بود. شرایط بیرونی نظیر در دسترس بودن زمان و عدم فوریت، احساس امنیت، تدارک مجاری ارتباطی مشارکت و شرایط درونی نظیر احساس اقتصادی بودن (کمتر بودن هزینه‌ها نسبت به منافع)، داشتن قابلیت‌های شخصی از قبیل هوشیاری و واقع بینی در امر مشارکت، خودباوری در رابطه با مطلوبیت مشارکت، احساس ارتباط بین مشارکت و الگوهای زندگی شخصی افراد و ارتباط متقابل جهت تبادل ایده‌ها در امر مشارکت و احساس همکاری در این زمینه است (گنجی، ۱۳۸۲: ۶۴). به‌طور کلی عامل انگیزه را می‌توان در زمینه برانگیختن مشارکت و تداوم آن مؤثر دانست (توسلی، ۱۳۸۷: ۳۹۳).

پذیرش نظام سهامی زراعی، نوعی تحول اساسی در زمینه حیات اقتصادی روستاییان به شمار می‌آید و تحول در هر پدیده‌ای مستلزم وجود زیرساخت‌ها و عوامل تحول‌زا از یک طرف و انگیزه برای ایجاد تغییر در درون از طرف دیگر است (آمار و رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). اصطلاح انگیزش، نخستین بار از واژه لاتین *movere* که به معنی حرکت است، گرفته شد. انگیزه را چرایی رفتار می‌گویند؛ به عبارت دیگر هیچ رفتاری را فرد انجام نمی‌دهد که انگیزه‌ای یا نیازی محرک آن نباشد. انگیزش انسان اعم از خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از نیازهای اوست؛ بنابراین در تعریف انگیزه می‌توان گفت: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی و کمبود یا محرومیتی که انسان را به انجام یک سری فعالیت وامی‌دارد. انگیزش، یک فرایند زنجیره‌ای است که با احساس نیاز یا احساس کمبود و محرومیت شروع می‌شود، سپس خواست را به دنبال می‌آورد و موجب تنش و کنش به سوی هدفی می‌شود که محصول آن، رفتار نیل به هدف است. توالی این فرایند ممکن است منجر به ارضای نیاز شود؛ بنابراین انگیزه‌ها موجب تشویق و تحریک فرد به انجام یک کار

یا رفتار می‌شوند؛ درحالی‌که انگیزش، یک خواست کلی را منعکس می‌کند. در تمام تحقیقات انگیزش، هنوز جایگاه تنبیه و تشویق به‌عنوان انگیزه‌های بسیار قوی مطرح است و در این رابطه پول به‌عنوان ابزاری برای اعطای پاداش مطرح بوده است؛ اما تنها عامل انگیزشی نیست (سیدجوادین، ۱۳۸۶: ۴۵۵-۴۵۶).

ضعف نظام بهره‌برداری غالب (خرده‌مالکی) به سبب ساختار و عملکرد نامناسب آن به منظور ارضای نیازهای خانوار روستایی، انگیزه‌ای را در زمینه تحول و تغییر این شرایط ایجاد می‌کند. نظام بهره‌برداری، مجموعه‌ای از نیروهای تولید (فن و روش‌های تولید، منابع تولید، ابزار و نیروی کار) و روابط اجتماعی تولید محسوب می‌شود (از کیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). در تعریفی دیگر از نظام بهره‌برداری آمده است: آن رویه‌های حقوقی و عرفی در فراهم‌آوردن و تلفیق عوامل تولید؛ یعنی تکنولوژی، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معینی به منظور تولید یک یا چند فراورده و عرضه آن‌هاست. تلفیق عوامل یادشده با درجات متفاوتی صورت می‌گیرد که سبب تشکیل نوع خاصی از نظام بهره‌برداری با مقیاس خاص خود می‌شوند (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۳۰).

نظام بهره‌برداری دهقانی با ویژگی‌های جدید، به‌عنوان نظام غالب کشور پا به عرصه گذاشت. وجود مشکلات اقتصادی و مالی بهره‌برداران مستقل و متعدد در هر روستا و اتخاذ تصمیمات متنوع بر مبنای سلايق شخصی در زمینه استفاده از منابع، منجر به تصویب قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۶، به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات مذکور، شد. هدف اصلی از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی را می‌توان در افزایش درآمد سرانه کشاورزان خلاصه کرد و اهداف فرعی زیر نیز در جهت حصول به هدف اصلی مورد توجه قرار داده شد:

ایجاد امکانات همه‌جانبه برای به‌کاربردن ماشین‌آلات کشاورزی؛ آشنایی زارعان با اصول و شیوه‌های پیشرفته کشاورزی، دامداری و دامپروری؛ افزایش میزان سطح زیرکشت کشور با استفاده از اراضی بایر، موات و مسلوب‌المنفعه؛ ترویج و توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی و به-خصوص صنایع دستی روستایی؛ حداکثر استفاده از نیروی اضافی انسانی موجود در روستاها؛ جلوگیری از خُردشدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات کوچک و غیراقتصادی (صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۲: ۳۱-۳۲).



عمده تحقیقات صورت گرفته راجع به شرکت‌های سهامی زراعی، مربوط به چند دهه گذشته است و همچنین بیشتر تأکیدشان بر اثرات تشکیل این شرکت‌ها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی بوده است و تحقیق قابل توجهی در باب عوامل انگیزشی مؤثر بر پذیرش شرکت-های سهامی زراعی نمی‌توان یافت؛ البته به نظر می‌رسد این وضعیت به سبب اجبار و اصراری که از سوی دولت در پیش از انقلاب، به منظور برپایی این شرکت‌ها اعمال شده، بوده است.

### روش تحقیق

این تحقیق بر مبنای هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات در دو بخش مطالعات اسنادی و پیمایشی، گردآوری و برای تحلیل داده‌ها، از روشی ترکیبی (آمیخته) استفاده شده است. پژوهش‌های آمیخته، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از ترکیب دو مجموعه روش‌های تحقیق کمی و کیفی به انجام می‌رسند. این روش تحقیق، زمانی به کار می‌رود که هدف تحقیق آن باشد که پژوهشگر پدیده‌ای را تبیین کند؛ درحقیقت ابتدا داده‌های کمی، گردآوری و سپس با داده‌های کیفی ابعاد مختلف پدیده مورد نظر به تفصیل آشکار می‌شود. همچنین پژوهشگر بر مبنای یافته‌ای حاصل از داده‌های کیفی، می‌کوشد داده‌های کمی را گردآوری کند تا داده‌های حاصل از روش آمیخته تعمیم‌پذیر شوند (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰: ۲۲۴-۲۲۲؛ بازرگان هرندی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

در این تحقیق، ابتدا به منظور بررسی و تحلیل انگیزه و هدف روستاییان از تشکیل شرکت سهامی زراعی، از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که به صورت نظرسنجی در قالب طیف لیکرت طراحی شده است. روایی آن (روایی محتوایی) به کمک قضاوت افراد خبره در زمینه برنامه‌ریزی روستایی، توسعه روستایی و مهندسی کشاورزی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است؛ به گونه‌ای که آلفای به دست آمده برای گویه‌های اقتصادی ۰/۹۳۱، گویه‌های اجتماعی - فرهنگی ۰/۹۱۱، گویه-های فنی ۰/۸۹۴ و گویه‌های روان‌شناختی ۰/۹۱۳ بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی (پرسشنامه‌ها) با کمک نرم‌افزار آماری SPSS و آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه<sup>۱</sup> انجام شده

است. پس از آن، به منظور شناخت دلایل افول کارایی و کارآمدی شرکت نزد جامعه روستایی عضو، به انجام مطالعه کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سهامداران شرکت پرداخته شده و برای تحلیل اطلاعات این بخش نیز از روش تحلیل موضوعی به شیوه "دپوی و گیلتین" استفاده شده است. حجم جامعه تحقیق ۲۰۲ سهامدار شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد بوده است که در بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۰ سهامدار تعیین و با روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع تصادفی انتخاب شده‌اند و مورد پرسش‌گری قرار گرفته‌اند. همچنین حجم نمونه در بخش مطالعه کیفی ۳۲ سهامدار بوده است که اشباع نظری ایجاد نموده و با روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند.

**شیوه دپوی و گیلتین:** از تحلیل موضوعی، نسخه‌های متعددی وجود دارد. دپوی و گیلتین (۲۰۰۵) نسخه‌ای طبیعت‌گرا از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند. این نوع رهیافت که خاص مطالعات میدانی است، شامل دو مرحله است: مرحله اول که خود شامل چهار زیرمرحله است و البته می‌تواند و ممکن است به‌طور همزمان نیز صورت گیرد که عبارت‌اند از: ۱. درگیری در تفکر قیاسی-استقرایی به‌طور همزمان، ۲. ساخت و تدوین مقوله‌ها، ۳. گروه‌بندی مقوله‌ها در سطوح بالاتر انتزاع و ۴. کشف معانی و تم‌های زیرین. مرحله دوم نیز به آماده‌کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۷-۶۸).

شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد (۱۳۹۰) در بخش شوسف از توابع شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی واقع شده است. فاصله آن تا شهر سربیشه ۵۰ کیلومتر و تا شهر نهبندان ۸۵ کیلومتر است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، ۱۳۸۸). در اراضی کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی سهل‌آباد، فیروزآباد و چاه شهید جان‌میرزا که بیش از ۱۶۰۰ هکتار است، ۱۱۷۹ هکتار آن تحت اختیار شرکت سهامی قرار دارد. منابع آب در دسترس شرکت، مجموعاً مشتمل بر ۱۵ حلقه چاه و رشته قنات است.

طبق طبقه‌بندی دمارتن، اقلیم منطقه خشک و بر اساس طبقه‌بندی آمبرژه خشک و سرد است. از مهم‌ترین چالش‌های اقلیمی این منطقه، وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در موسم زراعی است که غالباً همراه با گرد و خاک است. به لحاظ ظرفیت منابع آب و خاک، مطالعات نشان داده میزان تخلیه آب از سفره‌های آب زیرزمینی ۲۱/۱۱۹ میلیون متر مکعب در سال و هم چنین

میزان برگشت آب به منابع زیرزمینی، ۲/۱ میلیون متر مکعب است (مهندسين مشاور ويسان، ۱۳۸۶).

## یافته‌های تحقیق

### نخست؛ انگیزه پذیرش نظام سهامی زراعی

به لحاظ جمعیت‌شناختی، ۱۲۱ نفر (۹۳٪) از کل سهامداران شرکت سهامی زراعی سهل آباد مرد و ۹ نفر (۷٪) زن بوده‌اند. بُعد خانوار سهامداران شرکت، ۷ نفر و میانگین سنی سهامداران شرکت سهامی زراعی ۴۸ سال بوده است. تعداد ۵۵ نفر (۴۲٪) از سهامداران بی‌سواد و ۷۵ نفر (۵۸٪) از آنان باسواد بوده و در میان افراد باسواد، بیشترین فراوانی متعلق به تحصیلات ابتدایی با ۴۸ نفر (۶۴٪) بوده است. پیش از تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد، ۴۹٪ از کل سهام‌داران اولویت اول اشتغال آنان کشاورزی و پس از آن فعالیت دامداری با ۲۸٪ بوده است. دلایل پذیرش نظام سهامی زراعی و گذر از نظام خرده‌مالکی (در سال ۱۳۸۴) از سوی جامعه روستایی دشت سهل آباد در چهار بُعد "اقتصادی"، "اجتماعی- فرهنگی"، "روان‌شناختی" و "فنی" بررسی شده است. در بُعد اقتصادی، انگیزه‌هایی همچون "افزایش درآمد از بخش کشاورزی (زراعت)" و "افزایش سوددهی (بهره‌وری) آب و خاک" دارای بیشترین نقش بوده که به نوعی مبین عدم کارایی اقتصادی نظام خرده‌مالکی، پیش از پذیرش و ایجاد شرکت سهامی زراعی است. همچنین انگیزه‌هایی نظیر "کاهش افتن هزینه‌های تولید زراعی" و "کاهش مدت‌زمان فعالیت خانوار برای تولیدات کشاورزی"، دارای کمترین نقش در بین بُعد اقتصادی انگیزه‌های پذیرش شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد بوده است. دلیل میانگین پایین این پارامترها نسبت به سایر گزینه‌ها در میان متغیرهای اقتصادی، مربوط به کم‌بودن اطلاعات تکمیلی در زمینه نحوه عملکرد این شرکت‌ها از سوی برخی سهامداران بوده است (جدول ۱).

جدول ۱) متغیرهای اقتصادی مؤثر بر پذیرش نظام سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد

| ردیف | گویه                                                      | میانگین رتبه‌ها |
|------|-----------------------------------------------------------|-----------------|
| ۱    | افزایش درآمد کشاورزی                                      | ۴/۲۴            |
| ۲    | افزایش سوددهی زمین، آب و دیگر سرمایه‌های مرتبط با کشاورزی | ۴/۱۸            |
| ۳    | افزایش میزان محصول تولیدی                                 | ۴/۱۷            |
| ۴    | استفاده بیشتر از تسهیلات بانکی                            | ۴/۱             |
| ۵    | افزایش پس‌انداز سالیانه                                   | ۴/۰۶            |
| ۶    | کاهش زمان فعالیت شغل اصلی و پرداختن به شغل دوم            | ۴/۰۵            |
| ۷    | افزایش زمین‌های زراعی                                     | ۴/۰۴            |
| ۸    | کاهش یافتن هزینه‌های تولید                                | ۳/۹۵            |
| ۹    | کاهش مدت زمان فعالیت خانوار در بخش کشاورزی                | ۳/۹۴            |
|      | میانگین عامل اقتصادی                                      | ۴/۰۸            |

در بُعد اجتماعی- فرهنگی، به ترتیب انگیزه و اهدافی مانند "کاهش مهاجرت به خارج از روستا به منظور کسب درآمد و اشتغال"، "توصیه و تشویق فرزندان خانواده به همراه رسانه‌های جمعی"، "توصیه و تشویق اقوام ساکن در شهر"، "توصیه و تشویق افراد تحصیل کرده روستا"، "توصیه و تشویق سایر اهالی روستا"، "افزایش منزلت اجتماعی" و "دسترسی به امکانات رفاهی" در پذیرش نظام سهامی زراعی نقش داشته است (جدول ۲). در مجموع نیز، در بُعد اجتماعی- فرهنگی، انگیزه‌هایی که تابعی از شرایط اقتصادی است، دارای اثر بیشتری در میان سایر انگیزه‌ها بوده است. پس از آن، اهدافی که به نوعی مبین راهنمایی‌های سایر افراد جامعه هستند، اثرگذار بوده که این خود بازگوکننده وجود بستر مناسب در جامعه روستایی مورد مطالعه به منظور فعالیت‌های ترویجی- توسعه‌ای است و همچنین به نقش کلیدی مروجان خودخواسته‌ای مانند اقوام و اطرافیان تحصیل کرده و مهم‌تر از همه، رسانه‌های جمعی اشاره دارد.

## جدول ۲) متغیرهای اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر پذیرش تشکیل

## شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

| ردیف | گویه                                        | میانگین رتبه‌ها |
|------|---------------------------------------------|-----------------|
| ۱    | کاهش مهاجرت به خارج از روستا                | ۱/۷۳            |
| ۲    | توصیه و تشویق فرزندان خانواده               | ۱/۶۵            |
| ۳    | رسانه‌های جمعی                              | ۱/۶۵            |
| ۴    | توصیه و تشویق اقوام ساکن در شهر             | ۱/۶۳            |
| ۵    | توصیه و تشویق افراد تحصیل کرده روستا        | ۱/۶۲            |
| ۶    | توصیه و تشویق دیگر اهالی                    | ۱/۶۱            |
| ۷    | افزایش منزلت اجتماعی                        | ۱/۶             |
| ۸    | دسترسی به امکانات رفاهی بیشتر               | ۱/۵۹            |
| ۹    | همکاری بیشتر با دیگر اهالی برای تولید       | ۱/۵۷            |
| ۱۰   | ایجاد شغل خوب برای فرزندان در شرکت          | ۱/۵۷            |
| ۱۱   | کمتر دخالت دادن فرزندان در کار کشاورزی      | ۱/۵             |
| ۱۲   | معدوریت اجتماعی                             | ۱/۴۳            |
| ۱۳   | اجبار و اصرار از سوی دولت توسط جهاد کشاورزی | ۱/۳۵            |
|      | میانگین عامل اجتماعی- فرهنگی                | ۱/۵۸            |

یکی دیگر از ابعاد انگیزشی پذیرش نظام سهامی زراعی در دشت سهل آباد، "بُعد روان‌شناختی" بوده است که مطالعه صورت گرفته نشان داد (جدول ۳) انگیزه "انجام فعالیت با نظارت و وابستگی به دولت" با بالاترین میزان اهمیت نسبت به سایر گویه‌های بُعد روان‌شناختی، مبین این واقعیت است که جامعه روستایی ما به لحاظ روان‌شناختی، در فعالیت‌های اقتصادی خود، تمایل به اتکای به دولت دارد؛ یعنی برعکس آنچه که در شهرها از آن به خصوصی‌سازی یاد می‌شود. با توجه به اینکه فعالیت‌های زراعی و کشاورزی عمده‌تأ بیشتر از آن میزان درآمدی که عاید کشاورز می‌سازد، فعالیت فیزیکی و مشغله فکری به همراه دارد، "تلاش برای کاهش مشغله‌های فکری" در مراتب بعدی انگیزه برای پیوستن به شرکت سهامی زراعی بوده است. "حس رقابت‌طلبی و عقب‌نماندن از دیگران، در پیوستن به شرکت سهامی زراعی" دارای کمترین نقش و اثرگذاری در پذیرش نظام

سهامی زراعی در دشت سهل آباد بین سایر گویه‌های بُعد روان‌شناختی بوده است؛ چرا که یکی از ویژگی‌های جامعه روستایی کشور بر عکس شهرها، عدم رقابت با سایر خانوارها در زندگی است.

جدول (۳) متغیرهای روان‌شناختی مؤثر بر پذیرش تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

| ردیف | گویه                                    | میانگین رتبه‌ها |
|------|-----------------------------------------|-----------------|
| ۱    | اعتماد خاطر نسبت به سازمان جهاد کشاورزی | ۱/۸۷            |
| ۲    | وجود حس پشتوانگی از دولت                | ۱/۸۵            |
| ۳    | کاهش مشغله‌های فکری کار کشاورزی         | ۱/۶۸            |
| ۴    | آسودگی خاطر برای تأمین آتیه فرزندان     | ۱/۶۰            |
| ۵    | صمیمیت و نزدیکی با اهالی روستا          | ۱/۵۵            |
| ۶    | عقب‌نماندن از دیگران در پیوستن به شرکت  | ۱/۴۵            |
|      | میانگین عامل روان‌شناختی                | ۱/۷۰            |

بررسی میزان نقش و اثرگذاری عوامل فنی در پذیرش و ایجاد انگیزه برای تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد حاکی از آن است (جدول ۴). "امکان دسترسی به ابزار و تکنولوژی‌های نوین کشاورزی" در بین عوامل فنی، دارای بیشترین نقش و اثر در پذیرش این نظام بوده که در حقیقت مبین عدم دسترسی به موقع به ابزارآلات زراعی پیش از تشکیل شرکت است. در مراتب بعدی، عواملی فنی همچون "برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی از سوی جهاد کشاورزی به سبب ارتقابخشیدن به سطح آگاهی افراد از پیشرفت‌های روز و قابلیت‌های نظام سهامی زراعی"، "فراهم‌ساختن بستر مناسب برای استفاده از ابزارآلات جدید کشاورزی"، "آگاهی از نظام شرکت‌های سهامی زراعی به همراه تلاش به منظور جلوگیری از هدررفت آب"، "دسترسی به موقع و آسان به نهاده‌های کشاورزی، مانند کود و سم" و "استفاده بهینه از دانش مروجان بخش کشاورزی" در پذیرش شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد نقش داشته است.

جدول (۴) متغیرهای فنی مؤثر در پذیرش تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

| ردیف | گویه                                                  | میانگین رتبه‌ها |
|------|-------------------------------------------------------|-----------------|
| ۱    | دسترسی بیشتر به ابزار جدید کشاورزی                    | ۲/۰۶            |
| ۲    | دوره‌های آموزشی و ترویجی                              | ۱/۸۹            |
| ۳    | استفاده بهینه از ابزارآلات جدید کشاورزی               | ۱/۸۵            |
| ۴    | جلوگیری از هدررفت آب                                  | ۱/۷۸            |
| ۵    | آگاهی از نظام شرکت‌های سهامی زراعی                    | ۱/۷۸            |
| ۶    | دسترسی به موقع و آسان به نهاده‌های کشاورزی (کود و سم) | ۱/۷۴            |
| ۷    | استفاده بهینه از دانش مروجان                          | ۱/۷۴            |
|      | میانگین عامل فنی                                      | ۱/۸۳            |

در پاسخ به این سؤال که در بین عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، روان‌شناختی و فنی، کدامیک اثر بیشتری بر تمایل روستاییان برای پذیرش شرکت سهامی زراعی و گذر از نظام خرده‌مالکی داشته است، تجزیه و تحلیل استنباطی به کمک دو آزمون ANOVA و Tukey نتیجه داد (جدول ۵) که "انگیزه اقتصادی" در پذیرش شرکت سهامی زراعی از سوی روستاییان دشت سهل آباد تأثیر بیشتری داشته است.

جدول (۵) نتایج آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه (ANOVA)

| متغیر           | میانگین | درجه آزادی (df) | مقدار آماره آزمون (F) | سطح معناداری (Sig) |
|-----------------|---------|-----------------|-----------------------|--------------------|
| اقتصادی         | ۴/۰۸    | ۳               | ۱۰/۲۸۷                | ۰/۰۰۰              |
| اجتماعی- فرهنگی | ۱/۵۸    |                 |                       |                    |
| روان‌شناختی     | ۱/۷۰    |                 |                       |                    |
| فنی             | ۱/۸۳    |                 |                       |                    |

## دوم، دلایل زوال شیوه بهره‌برداری سهامی زراعی و تلاش جامعه روستایی برای بازگشت خرده‌مالکی

باوجود اینکه مطالعات نشان داده میزان مشارکت روستاییان در دشت سهل آباد برای تشکیل شرکت سهامی زراعی (فال سلیمان و حجی‌پور، ۱۳۹۰) در سطح بالایی بوده و عمدتاً نیز با اهداف

اقتصادی و جبران نقایص نظام بهره‌برداری خرده‌مالکی انجام شده است، در دو سال اخیر شاهد اوج‌گیری مخالفت‌های مردمی علیه ادامه فعالیت این شرکت سهامی بوده‌ایم؛ هنجارشکنی‌هایی نظیر اقدام به کشت انفرادی اراضی واگذارشده به شرکت با تصرف زوری از سوی سهامداران از سال ۱۳۹۴ و ایجاد پرونده قضایی در این خصوص علیه روستاییان، از جلوه‌های نمود نارضایتی و تعارض میان سهامداران با هیئت مدیره شرکت سهامی زراعی به منظور انحلال آن است. کنکاش دلایل مخالفت روستاییان سهامدار در شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در ۱۵ مفهوم اولیه، ۴ مقوله عمده و یک تم اساسی تحت عنوان "عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی یک دهه از سوی سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی"، استخراج شده (جدول ۶) که سناریوی مقولات عمده و مفاهیم سازنده آن به شرح زیر بوده است:

### الف. پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت

شکل‌گیری جریان مخالفت با حیات شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد از جایی آغاز شده است که پس از واگذاری حق بهره‌برداری از آب و زمین زراعی به شرکت، تقریباً تمامی نیروی کاری که به وسیله خانوار در تولیدات زراعی به کار گرفته می‌شد، آزاد شد. با گذشت زمان، نیروی کار آزادشده از بخش زراعت در دشت سهل‌آباد که تعدادی به صورت مستقیم و برخی به صورت غیرمستقیم شاغل در این بخش بوده‌اند، مطابق با قول‌های از پیش داده‌شده توسط مسئولین و مروجین نظام سهامی زراعی، شغل نیافته‌اند و کماکان در محل، فرصت شغلی به دست نیاورده‌اند و به جز آنانی که به شهرها و سایر نقاط، مهاجرت شغلی داشته‌اند، بیکار هستند. بنا به اظهار برخی از اهالی، حتی گاه از به‌کارگیری افراد محلی در امور شرکت و فعالیت‌های عرصه‌ای، از سوی هیئت‌مدیره اجتناب شده است.

ایجاد شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد، در کنار تشدید چالش فرصت‌های شغلی، تفاوت معنادار و شایسته‌ای در دستیابی سهامداران (یا به عبارتی بهره‌برداران و مالکان اصلی آب و زمین) به منافع (سود) اقتصادی بیشتر ایجاد نکرده است و حتی به ادعان برخی، منافع آنان از زمان نظام خرده‌مالکی کمتر شده است؛ در این خصوص می‌توان گفت دلیل اول، فراوانی تولید محصولات کم‌بازده اقتصادی (نظیر گندم و جو) و عدم توفیق شرکت سهامی زراعی در برقراری ارتباط



سودآفرین با بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی بوده است؛ دلیل دیگر، این است که چون بیشتر مالکین آب و زمین‌های کشاورزی روستاهای دشت سهل آباد، غایب و ساکن شهرها هستند، در گذشته غیبت و نبود آنان منجر شده است تا سیستم برزگری و اجاره‌ای برای بهره‌برداری از منابع (آب و زمین زراعی) وجود داشته باشد و بدین واسطه، درآمد بهره‌برداران حاضر در روستاها که بیشتر آنان خرده‌مالک نیز بوده‌اند، بیشتر باشد؛ اما پس از تشکیل سهامی زراعی، هم منافع برزگری و اجاره‌کاری اینان از بین رفته است و هم بیشتر درآمدهای شرکت سهامی، به افرادی تعلق می‌گیرد که تعدادشان در مقایسه با سهامداران روستانشین، اندک است؛ به‌طوری که ۳۰٪ سهامداران، مالک ۹۰٪ سهام هستند و عمدتاً خارج از روستا و حتی ناحیه (شهرهای مشهد، بیرجند و زاهدان) سکونت دارند (حجی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

از دیگر مسایل و دغدغه‌های سهامداران، وجود و رشد بدهی شرکت با مبالغ زیاد بوده است که در مجموع می‌توان گفت: "پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت" یکی از محرک‌های بنیادین برانگیزاننده برای جریان مخالفت و تلاش برای انحلال شرکت سهامی زراعی دشت سهل آباد است.

### ب. عملکرد غیراصولی هیئت مدیره شرکت

هیئت‌مدیره شرکت سهامی زراعی سهل آباد به‌عنوان گرداننده و بهره‌بردار اصلی منابع، طی دهه گذشته دارای عملکردی غیراصولی بوده است که این مسئله مردم محلی (سهامداران) را به نگرانی در خصوص سرمایه‌های تولیدی واگذار شده، واداشته و منجر به ایجاد "حس مال‌باختگی" در آنان شده است؛ چراکه، در سال‌های گذشته مسئله شفافیت مالی به‌خوبی تعقیب نشده و در موارد بسیاری نیز، هر گاه سهامداران خواهان ارائه گزارش و دریافت آگاهی از وضعیت صورت‌های مالی و مسائلی از این دست شده‌اند، پاسخ‌گویی جدی و قانع‌کننده وجود نداشته است. ضعف یادشده، مشکلی است که در نتیجه نابخرداری از بازرسان فعال در جمع هیئت مدیره شرکت به وجود آمده و علی‌رغم انتقاداتی که از سوی سهامداران وجود داشته، برگزاری مجمع عمومی نیز که با تأخیر بسیار بوده، مزید بر علت شده و سلسله‌ای از عوامل تأثیرگذار در جهت غیراصولی جلوه نمودن عملکرد هیئت مدیره شرکت به وجود آورده است.

### ج. تشدید عناصر برون‌فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی سهامداران

در کنار عوامل و شرایطی که به‌طور مستقیم مربوط به شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد بوده، فاکتورهای بیرونی نیز بر تشدید اوضاع نامطلوب و زمینه‌سازی برای مخالفت با شرکت نقش داشته‌اند که بنا به اظهار سهامداران، همزمانی دوره ایجاد شرکت سهامی زراعی با دوره رشد بی‌سابقه تورم در کشور که نیاز مالی افراد را چندبرابر سابق کرده، یکی از این عوامل است؛ همچنین شدت یافتن خشکسالی در منطقه و اقدام دولت به واردات برخی از محصولات که در شرکت نیز اقدام به تولید آن می‌شود، سبب شده است میزان ارزش‌آفرینی و تولید ثروت در شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد تحت تأثیر قرار گیرد.

د. عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران  
سهامداران معتقدند در ابتدای راه‌اندازی و ایجاد شرکت سهامی زراعی، نوعی خواست و جوشش قوی در سطح سازمانی برای تحقق این امر وجود داشت که به‌مرور زمان، به بی‌توجهی نهادهای متولی حمایت و نظارت بر عملکرد شرکت سهامی زراعی دچار شده است که در نتیجه آن، هم مدیریت مستقیم شرکت (هیئت‌مدیره) دارای عملکرد قابل قبولی نبوده و هم تأمین سرمایه از سوی شرکت برای اجرای اهداف و پروژه‌های جنبی و تکمیلی‌ای که از ابتدا برای شرکت در نظر گرفته شده بود، پیاده‌سازی نشده است که به‌نوعی حاکی از مشکل شدید دسترسی به تسهیلات ارزان‌قیمت برای فعالیت شرکت سهامی زراعی است.

جدول ۶) مفاهیم، مقولات و تم اساسی مخالفت با شرکت سهامی زراعی در دشت سهل آباد

| تم اساسی                                                                                                 | مقولات عمده                                                                       | مفاهیم اولیه                                                                                          |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی یک دهه از سوی سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده مالکی به سهامی زراعی | پایین بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت                                                | آزاد شدن نیروی کار از فعالیت های زراعی و افزایش تعداد بیکاران روستا با ایجاد شرکت                     |
|                                                                                                          |                                                                                   | نابرابری میزان سهام افراد به نفع مالکین و سهامداران غایب در شهر                                       |
|                                                                                                          |                                                                                   | کشت محصولات کم صرفه، نظیر گندم و جو در مقایسه با محصولات کشتش داری مانند پسته و زیتون                 |
|                                                                                                          |                                                                                   | ایجاد و رشد بدهی شرکت سهامی با ارقام سنگین                                                            |
|                                                                                                          |                                                                                   | عدم استقبال مناسب از جذب تحصیل کردگان و کارشناسان بومی در امور هیئت مدیره                             |
|                                                                                                          | عملکرد غیر اصولی هیئت مدیره شرکت                                                  | ضعف شفافیت مالی برای سهامداران درخصوص عملکرد شرکت                                                     |
|                                                                                                          |                                                                                   | عدم پاسخگویی دست اندرکاران مستقیم شرکت به خواست ها و دغدغه های سهامداران                              |
|                                                                                                          |                                                                                   | عدم برگزاری مجمع عمومی در موعد مقرر با تأخیر گاه دوساله                                               |
|                                                                                                          |                                                                                   | نبود بازرسی فعال و مسئولیت پذیر در جمع اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی                                    |
|                                                                                                          |                                                                                   | ایجاد نگرانی درخصوص حق مالکیت سرمایه های تولیدی آنان (آب و زمین واگذار شده)                           |
|                                                                                                          | تشدید عناصر برون- فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی سهامداران | همزمانی رشد تورم در کشور با دهه اول عمر شرکت سهامی                                                    |
|                                                                                                          |                                                                                   | شدت یافتن خشکسالی در منطقه                                                                            |
|                                                                                                          |                                                                                   | واردات محصولات کشاورزی                                                                                |
|                                                                                                          | عدم پشتیبانی مناسب دستگاه های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران               | مشکل دسترسی به تسهیلات ارزان قیمت برای فعالیت شرکت سهامی زراعی                                        |
|                                                                                                          |                                                                                   | عدم توجه نهادهای فرادستی شرکت (اداره جهاد کشاورزی و اداره تعاون) به شکوایه ها و درخواست های سهامداران |

## نتیجه‌گیری

در نتیجه این تحقیق مشخص شد که پیش از تشکیل شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد؛ یعنی زمانی که بهره‌برداری از منابع (آب و زمین کشاورزی) در چهارچوب نظام خرده‌مالکی بوده، بهره‌برداران با مشکل بازدهی کم اقتصادی مواجه بوده‌اند و این اساسی‌ترین انگیزه برای پذیرش و گذر به نظام سهامی زراعی از سال ۱۳۸۴ در روستاهای مورد مطالعه، شده است؛ از این‌رو، روستاییان با مشارکت بسیار زیاد در تشکیل شرکت سهامی زراعی حضور یافته‌اند. گذشت بیش از یک دهه از عمر نظام بهره‌برداری تجاری سهامی زراعی، فضای اجتماعی دشت سهل‌آباد را به سمتی سوق داده است که بیشتر سهامداران از وضع موجود نارضایتی دارند و مخالف جدی شرکت هستند. بررسی و تحلیل دلایل بروز مخالفت با شرکت سهامی زراعی حاکی از وجود چهار دلیل است: پایین‌بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت، عملکرد غیراصولی هیئت‌مدیره شرکت، تشدید عناصر برون‌فضایی تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی شرکت و حیات اقتصادی سهامداران و عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های متولی از شرکت سهامی زراعی و سهامداران.

درحقیقت، عملکرد غیراصولی و ضعیف هیئت‌مدیره شرکت، هم در "حوزه فنی" (نبود تلاش و توفیق برای تولید محصولات اقتصادی و اقتصادی‌ترکردن بازدهی منابع به نفع سهامداران) و هم در "حوزه بروکراسی و اداری" (عدم توفیق در راضی‌نگه‌داشتن سهامداران و ارائه پاسخ‌های روشن و اطمینان‌بخش در قبال نگرانی‌های مردمی) سبب شده است تا مسئله پایین‌بودن سطح بازدهی اقتصادی شرکت سهامی زراعی، روزبه‌روز نزد سهامداران برجسته‌تر شود؛ از سوی دیگر، عوامل منطقه‌ای و ملی؛ نظیر رشد تورم در کنار عدم پشتیبانی پیوسته و قابل‌قبول دستگاه‌های متولی، باعث تشدید ناکارآمدجلوه‌کردن شرکت و نظام سهامی زراعی در نزد سهامداران شده است؛ بدین‌سان، می‌توان گفت عدم دریافت اثرات مثبت و ملموس طی حدود دو دهه از عمر این شرکت از جانب سهامداران در نتیجه گذار از نظام خرده‌مالکی به سهامی زراعی، منجر شده است آنان تصمیم به تعارض و مخالفت عملی با وجود شرکت سهامی زراعی در دشت سهل‌آباد داشته باشند. درکل می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت پروژه‌های توسعه در فضاهای روستایی، وابسته به رضایت مستمر ذی‌نفعان، بویژه روستاییان در طول مدت برنامه‌ریزی و اجراست.

## منابع

- آمار، تیمور؛ رضایی، پرویز (۱۳۸۶). "بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت آباد شهرستان رودبار در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰". پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۹، ش ۶۱ (پاییز): ۱۰۱-۱۱۳.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی، علی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی. تهران: اطلاعات.
- امامی خویی، محمدتقی؛ ضیایی، نرگس (۱۳۸۷). "اصلاحات ارضی و تأثیرات اقتصادی آن بر جامعه کشاورزی ایران". مسکویه، دوره ۲، ش ۴ (تابستان): ۵۹-۸۶.
- بازرگان هرندي، عباس (۱۳۸۶). "روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کندوکاو در مسائل نظام آموزشی و حل آنها". روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳۷، ش ۳ (تابستان): ۱۰۱-۱۱۹.
- بخشی، محمدرضا، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی عوامل مؤثر بر رضایت سهامداران از عملکرد شرکت‌های سهامی زراعی". راهبردهای توسعه روستایی، دوره ۳، ش ۱ (بهار): ۱۲۷-۱۳۹.
- تقدیسی، احمد؛ بسحاق، محمدرضا (۱۳۸۹). "چالش‌های کشاورزی و تأثیر آن بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت". پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، ش ۲ (تابستان): ۱۶۱-۱۳۷.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم. مترجم غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، معاونت برنامه‌ریزی و ارزشیابی، مرکز مدارک فنی و کتابخانه مرکزی.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- حجتی‌پور، محمد (۱۳۹۰). "بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی سهل آباد در شهرستان بیرجند)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- حجتی‌پور، محمد؛ فال‌سلیمان، محمود (۱۳۹۳). "واکاوی عوامل اثرگذار بر دگرش نظام‌های بهره‌برداری زراعی (موردشناسی: روستاهای شرکت سهامی زراعی سهل آباد نهبندان)". جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، دوره ۴، ش ۱۰ (بهار): ۳۹-۵۴.

- دآوری ترشیزی، محدثه؛ قربانی، محمد؛ دانشور کاخکی، محمود (۱۴۰۰). "بررسی تأثیر نظریه‌های مکان‌یابی، سرمایه اجتماعی و انسانی بر تداوم فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی خضری قائنات)". *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، دوره ۳۵، ش ۱ (بهار): ۱۵-۳۰.
- دشتی، طلحه (۱۳۴۹). "شرکت سهامی زراعی در ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- رضازاده، زهره (۱۳۹۳). "بررسی اثرات امنیتی-اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی بر سکونتگاه‌های روستایی نواحی مرزی (مطالعه موردی: شرکت سهامی زراعی ایثارگران دشت خوشاب سربیشه)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، و دیگران (۱۳۸۸). "نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی". *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۱، ش ۶۹ (پاییز): ۸۸-۱۰۳.
- زنگنه، مرتضی (۱۳۹۲). "خرده‌مالکی و پراکندگی اراضی؛ بزرگ‌ترین مانع پیشرفت و توسعه کشاورزی ایران در دهه پیشرفت و عدالت". در: کنفرانس سومین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت. تهران: ۲-۱۰.
- ساریخانی، ناهید (۱۳۸۴). "شرکت‌های سهامی زراعی در راه احیاء". *ماهنامه جهاد*، دوره ۲۵، ش ۲۶۹ (پاییز): ۴۳-۵۰.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۴). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سمت.
- سیدجوادین، سید رضا (۱۳۸۶). *مبانی سازمان و مدیریت*. تهران: نگاه دانش.
- شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد (۱۳۹۰). گزارش آمار و اطلاعات کارشناسان شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد. نهبندان: شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد [چاپ نشده].
- صندوق نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران (۱۳۷۲). *شرکت‌های سهامی زراعی*، ج ۳. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و صنعت.

- عبداللهی، محمد (۱۳۷۷). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران: توصیف و تبیین وضعیت گذشته و حال و دورنمای آنها در آینده. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور نظام بهره‌برداری.

- فاضلی، سیدحسین (۱۳۹۹). "بررسی جامعه‌شناختی اثرات تشکیل و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی بر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: رودپیش فومن)". رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.

- فال‌سلیمان، محمود؛ حجی‌پور، محمد (۱۳۹۰). "تحلیل نقش جامعه روستایی در شرکت‌های سهامی زراعی جدید با بهره‌گیری از شاخص‌های مشارکتی RPPI و FSPI". *مدرس علوم/انسانی*، دوره ۱۵، ش ۴ (زمستان): ۱۲۹-۱۴۸.

- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور (استان خراسان جنوبی: شهرستان نهبندان) (۱۳۸۸). تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- گنجی، محمدرضا (۱۳۸۲). "مشارکت؛ مهم‌ترین استراتژی توسعه شهری و روستایی با تأکید بر اشتغال و امنیت اجتماعی". *تعاون و کشاورزی*، دوره جدید، ش ۱۳۹ (بهار): ۶۲-۶۷.

- لی‌ون، هوا (۱۳۸۱). "چشم‌اندازهای نظام بهره‌برداری کشاورزی بوم‌شناسی در چین". ترجمه غلامحسین صالح‌نسب. *ماهنامه جهاد*، دوره ۲۲، ش ۲۴۸-۲۴۹ (بهار): ۵۸-۶۱.

- مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰). "معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته". *راهبرد*، دوره ۲۰، ش ۶۰ (پاییز): ۲۱۷-۲۳۴.

- مجیدی، ناهید، و دیگران (۱۳۹۴). "آب، آبیاری و بهره‌وری: طراحی شبکه آبیاری تحت فشار برای اراضی خرده‌مالکی (مطالعه موردی: اراضی چاه گل‌افشان شهرستان درمیان استان خراسان جنوبی)". در: کنفرانس اولین کنگره ملی آبیاری و زهکشی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران: ۱۰-۲.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی - ضد روش*، ج ۲. تهران: جامعه‌شناسان.

- مرام، فاطمه؛ زرافشانی، کیومرث؛ میرک‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۴). "بررسی نگرش کشاورزان نسبت به راه‌اندازی شرکت‌های سهامی زراعی (مطالعه موردی: دهستان میان‌دربند شهرستان کرمانشاه)". *روستا و توسعه*، دوره ۱۸، ش ۳ (پاییز): ۶۵-۸۳.

- مهندسین مشاور ویسان (۱۳۸۶). *مطالعات مرحله اول شرکت سهامی زراعی سهل آباد*، ج ۱: مطالعات محیطی و پایه. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- ناصری، مهدی، و دیگران (۱۳۹۴). "نقش شرکت‌های سهامی زراعی در بهبود شاخص‌های توانمندسازی کشاورزان عضو". *روستا و توسعه*، دوره ۱۸، ش ۲ (تابستان): ۳۹-۶۳.
- نکویی نائینی، سیدعلی؛ قنبری، یوسف؛ برقی، حمید (۱۳۹۵). "سنجش پایداری نظام‌های بهره‌برداری موجود در بخش کشاورزی استان اصفهان: خرده دهقانی، تعاونی تولید روستایی و شرکت سهامی زراعی". *جغرافیا و پایداری محیط*، دوره ۶، ش ۲۰ (پاییز): ۳۹-۵۳.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۰). *شرکت سهامی زراعی سمسکنده*. تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- وثوقی، منصور؛ فرجی، افراسیاب (۱۳۸۵). "پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۲ (تابستان): ۱۰۱-۱۱۸.
- هجرتی، محمدحسن؛ افشاری، مهرنوش (۱۳۸۹). "نقش مالکیت‌های ارضی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان پایین‌رخ تربت‌حیدریه)". *جغرافیای انسانی*، دوره ۳، ش ۱ (زمستان): ۱۲۳-۱۳۶.
- یاسوری، مجید (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی*. مشهد: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
- یزدانی، مهدی (۱۳۹۹). "موردکاوی تطبیقی مدیریت زنجیره عرضه کارآفرینانه بین شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و شرکت‌های سهامی زراعی در استان خراسان شمالی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی (ترویج و آموزش کشاورزی)، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- یزدانی مروی لنگری، خدیجه (۱۳۹۸). "بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با تأکید بر عملکرد شرکت سهامی زراعی نیل‌آباد تربت‌جام". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.



- Anríquez, G.; Staumolis, K. (2007). "Rural development and poverty reduction: Is agriculture still the key?". *Journal of Agricultural and Development Economics*, Vol. 4, No. 1: 5-46.
- Atfield, R.; Wilkins, B. (1992). *International Justice and the Third World*. London: Rutledge.
- Denman, D. R. (1973). *Kings Vista: Land Reforms in Iran*. London: Geographical Publications.
- Elands. B. H. M.; Wiersum, K. F. (2001). "Forestry and rural development in Europe: An exploration of socio-political discourses". *Forest Policy and Economics*, Vol. 3, No. 2: 5-16.
- Hart, M. (1999). *Guide to sustainable community indicators*. North Andaver: Hart Environmental Data.
- Lehmann, A. D. (1979). *Development Theory: Four Critical Studies*. London: Frank Cass.
- Mcnicoll, G.; Cain, M. (1990). *Rural Development and Population*. Oxford: Oxford University Press.
- Northouse, Peter G. (2001). *Leadership: Theory and Practice*. London: SAGE Publications.
- Schatzow, S. (1977). *The Influence of Publican Federal Environment, Decision Making in Canada in Public Participation in Planning*. New York: John Wiley and Son press.
- UNFPA (2002). *Indicators for Population and Reproductive Health Programmes*. New York: United Nations, Technical and Policy Division.



## The role of knowledge leadership and organizational culture in job performance

Zahra Zarei<sup>1</sup>

Hadi Pourshafei<sup>2</sup>

Ali Asgari<sup>3</sup>

Received: 6/7/2021

Accepted: 26/2/2022

### Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of organizational culture in the relationship between knowledge leadership and job performance in Birjand University staff. This research is descriptive-correlative in terms of data collection method. The statistical population of the study includes all 340 employees of Birjand University. According to Cochran's formula, in order to achieve the minimum sample size (180 people), 200 standard questionnaires were distributed by stratified random sampling by unit of work, of which only 191 A questionnaire was usable that was analyzed. The research variables included three questionnaires: Viitala Knowledge Leadership (2004), Patterson (1970) Job Performance and Denison (2000) Organizational Culture. After ensuring the validity and reliability of the research tool, structural equation modeling and regression test at the significance level of 0.05 in SPSS 25 and AMOS 24 software were used to analyze the data. The results showed that organizational culture has a mediating role in the relationship between knowledge leadership and job performance in Birjand University staff. Also, the results of regression test showed that among the components of knowledge leadership, learning orientation, supportive learning atmosphere and practice in the role of role model, respectively, 26, 35 and 14% of the job performance scores, respectively, explain separately. While supporting the learning process, it has not been able to explain the job performance of the staff at this university. Overall, the results showed that the model based on the role of knowledge leadership with job performance has the necessary fit according to the mediating variable of organizational culture.

**Keywords:** Knowledge leadership, Job performance, Organizational culture, Birjand University

---

1. PhD Student in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran, Corresponding Author zareizahra1996@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Birjand University, Birjand, Iran hpourshafei@birjand.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Birjand University, Birjand, Iran ali.asgari@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

## نقش رهبری دانش و فرهنگ سازمانی در عملکرد شغلی

### (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه بیرجند)

زهرا زارعی<sup>۱</sup>

هادی پورشافعی<sup>۲</sup>

علی عسگری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۷

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_150384.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_150384.html)

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای فرهنگ سازمانی در ارتباط بین رهبری دانش و عملکرد شغلی در کارکنان دانشگاه بیرجند انجام شده است. این پژوهش از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به شیوه توصیفی-همبستگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنان دانشگاه بیرجند به تعداد ۳۴۰ نفر است که براساس فرمول کوکران، جهت دستیابی به حداقل حجم نمونه (۱۸۰ نفر)، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه استاندارد به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برحسب واحد کار توزیع شد که از این بین، تنها ۱۹۱ پرسشنامه قابل استفاده بود که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار سنجش متغیرهای پژوهش شامل سه پرسشنامه رهبری دانش ویتاللا (۲۰۰۴)، عملکرد شغلی پاترسون (۱۹۷۰) و فرهنگ سازمانی دنیسون (۲۰۰۰) بود. پس از اطمینان از روایی و پایایی ابزار پژوهش، برای تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری، آزمون رگرسیون در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در محیط نرم افزارهای نرم‌افزارهای SPSS 25 و AMOS 24 استفاده گردید. نتایج نشان داد، فرهنگ سازمانی در رابطه رهبری دانش و عملکرد شغلی در کارکنان دانشگاه بیرجند نقش واسطه‌ای دارد. همچنین، نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان داد، از میان مؤلفه‌های رهبری دانش، گرایش به یادگیری، جو حمایتی یادگیری و عمل در نقش الگو به ترتیب به میزان ۰/۲۶٪، ۰/۳۵٪ و ۰/۱۴٪ از نمرات عملکرد شغلی کارکنان را به‌طور

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز، نویسنده مسؤول

zareei.zahra1996@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند

hpourshafei@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند

ali.asgari@birjand.ac.ir

جداگانه تبیین می‌کنند، در حالی که حمایت از فرایند یادگیری، قادر به تبیین عملکرد شغلی کارکنان در این دانشگاه نبوده است. در مجموع نتایج نشان داد که مدل، مبنی بر نقش رهبری دانش در عملکرد شغلی با توجه به متغیر میانجی فرهنگ سازمانی از برازش لازم برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** رهبری دانش، عملکرد شغلی، فرهنگ سازمانی، دانشگاه بیرجند

## مقدمه

منابع انسانی، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در حرکت صحیح سازمان به سمت اهداف سازمانی می‌باشند (اسماعیلی و صیدزاده، ۱۳۹۶: ۵۲)، لذا کشف و درک رفتار کارکنان در محل کار و بهینه‌سازی آن با اهداف سازمان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این راستا پژوهش‌های بسیاری به‌منظور شناسایی اینکه چگونه سازمان‌ها می‌توانند از طریق منابع انسانی سودآوری و رقابت‌پذیری بیشتری در محیط خود داشته باشند، صورت گرفته است (رمضانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۳). بخشی از این پژوهش‌های صورت گرفته به نقش برجسته عملکرد شغلی کارکنان اشاره دارد (Abuhashesh, Al-Dmour, Al-Omari & Okasheh, 2017: 15544; Inuwa, 2016: 90). (Hee, et al., 2019: 63; Wu, Hu & Zheng, 2019: 1; & Masa'deh, 2019: 1). عملکرد شغلی عبارت است از بازده افراد طبق وظایف قانونی تعریف‌شده و پیامدهای فعالیت‌های انسانی در خصوص انجام وظایفی که به آنان واگذار شده و میزان تلاش و حدود موفقیت کارکنان در اجرای وظایف شغلی و تکالیف رفتاری مورد انتظار (علی‌نیا و حافظیان، ۱۳۹۶: ۱۲۳). همچنین می‌توان گفت، عملکرد شغلی به تحقق اهداف سازمانی اشاره دارد که پیامدهایی از قبیل سوددهی بلندمدت، نرخ و درآمد، رضایت شغلی، بهره‌وری کارکنان و بهبود کیفیت خدمات و محصولات را در پی دارد (پورکریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۳۴) و هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود و استفاده بهینه از منابع مالی و مادی، وابسته به عملکرد مطلوب کارکنان خود است (مظفری‌پناه، ۱۳۹۷: ۶). با این حال انجام مناسب یک شغل و عملکرد بالای شغلی کارکنان همواره از دغدغه‌های مهم در سازمان‌ها بوده است (فتاحی، ۱۳۹۷: ۳)، از این رو برخی مطالعات به شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد کارکنان در سازمان‌ها پرداخته‌اند. طبق مطالعات صورت گرفته در این زمینه، سبک رهبری مدیران یکی از عواملی است که می‌تواند نقش بسزایی در عملکرد شغلی کارکنان یک سازمان داشته باشد (جعفری فکرت و حسینی شکیب، ۱۳۹۷: ۴۵)، همچنین یکی

از عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت‌های جوامع بشری سبک‌های رهبری مدیران بر زیردستان است. در این راستا رهبران، شمار زیادی از توانایی‌های شخصی خود را به کار می‌گیرند تا عملکرد کارکنان خود را بهبود بخشیده و سازمان را به اهدافش برسانند (Adler & Reid, 2008: 23). از سوی دیگر، باید به این نکته اذعان داشت که امروزه سازمان‌ها با تغییرات سریع محیطی مواجه‌اند و این تغییر و تحولات می‌تواند عملکرد کارکنان را تحت تأثیر قرار دهد (عسگرانی و اصغری، ۱۳۹۶: ۱۳). علاوه بر این، سازمان‌ها دریافته‌اند که نیروی محرکه اصلی توسعه در عصر حاضر، دانش است (Chiu, Chang & Lee, 2014: 1573) و دانش به‌عنوان مهم‌ترین عامل موردنیاز سازمان‌ها جهت تعالی و برتری در محیط رقابتی در نظر گرفته می‌شود (Bozdoğan, 2013: 125). یکی از مهم‌ترین مفروضات در بحث دانش‌آفرینی سازمانی این است که ساخت دانش، نیازمند فعالیت‌های مشارکتی است. بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت همکاری و مشارکت در خلق و ایجاد دانش، آنچه که بسیار مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد؛ برخورداری از رهبری دانش بسیار قوی در سازمان است (Morales López, 2013: 664). منظور از رهبری دانش، فرایند تسهیل فعالیت‌های فردی و گروهی در سازمان به‌منظور یادگیری، مدیریت دانش و تحقق اهداف مشترک در سازمان است (Lakshman, 2009: 341). رهبری دانش یک سبک رهبری است که رهبر آموزش را ترویج می‌دهد و با پیروان خود، مسیر توسعه را روشن می‌سازد و محیطی را ایجاد می‌کند که باعث یادگیری و پشتیبانی از فرایندهای یادگیری در سطح فردی و گروهی می‌شود (Viitala, 2004: 528). بنابراین می‌توان گفت، رهبری می‌تواند با ایجاد یک فرهنگ سازمانی همکارانه، زمینه بهبود انتقال آموزش را فراهم آورد (Kim & Callahan, 2013: 184) و از این طریق بر عملکرد کارکنان تأثیرگذار باشد.

یکی از عواملی که می‌تواند بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیرگذار باشد، فرهنگ سازمانی است. فرهنگ سازمانی، مجموعه ارزش‌هایی است که کارکنان به آن معتقد هستند و راهنمای آن‌ها در تعاملاتشان با مدیران، ارباب‌رجوع و همکاران است (شفاعت‌پناهی، ۱۳۹۴: ۷). فرهنگ سازمانی یکی از عوامل مؤثر تحقق اهداف بلندمدت و موفقیت سازمان است (میری جهرمی، ۱۳۹۵: ۲). همچنین می‌توان گفت، فرهنگ سازمانی، جو حاکم بر محیط سازمان است که افراد در آن فعالیت می‌کنند و رفتار آن‌ها شکل می‌گیرد و این موضوع خود می‌تواند در عملکرد کارکنان سازمان

نقش بسزایی داشته باشد (نماینان و فیض‌الهی، ۱۳۹۴: ۱۶۲)، بنابراین با توجه به آنچه در رابطه با نقش رهبری دانش و فرهنگ سازمانی در کیفیت عملکرد شغلی کارکنان سازمان‌ها گفته شد، باید به این نکته نیز اذعان نمود که دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و سازنده‌ترین نهادهای اجتماعی هر جامعه به‌شمار می‌روند (سلیمی و خداپرست، ۱۳۹۶: ۴۰) و نقشی اساسی در زمینه آموزش و توسعه هر کشوری ایفا می‌کنند (دقتی، ۱۳۹۶: ۱۳۸). بنابراین، بهبود و ارتقای عملکرد کارکنان در دانشگاه‌ها می‌تواند بر توسعه و پیشرفت یک کشور تأثیرگذار باشد. براین اساس، با توجه به آنچه گفته شد، هدف از انجام پژوهش حاضر این است که تأثیر رهبری دانش را با توجه به نقش واسطه‌ای فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان دانشگاه مورد بررسی قرار دهد.

### مبانی نظری پژوهش

#### رهبری دانش

یکی از جدیدترین نظریه‌های رهبری که به ایجاد و بازسازی یادگیری و به دنبال آن، انتقال یادگیری منجر می‌شود، نظریه رهبری دانش است (Viitala, 2004: 530). اگرچه اصطلاح رهبری دانش کاملاً شناخته شده نیست، اما به تدریج بر اهمیت آن افزوده می‌شود؛ زیرا اکنون سازمان‌ها به اهمیت دانش برای بقای خود پی برده‌اند (قیومی، ۱۳۹۶: ۲) و می‌دانند که نیروی محرکه توسعه، دانش است (Chiu, Chang & Lee, 2015: 1573). رهبری دانش هر نگرش یا عملی (گروهی یا فردی و عینی یا ضمنی) است که دانش جدید و بااهمیت را در روش‌هایی که در نهایت موجب تفکر و پیامدهای جمعی می‌شود، تهییج کند تا خلق، تسهیم و به‌کار گرفته شوند (Mabey, Kulich & Lorenzi-Cioldi, 2012: 2451). رهبری دانش به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی تلقی می‌شود که در طی آن رهبران، اعضای سازمان را برای رسیدن به اهداف گروهی و سازمانی پشتیبانی می‌کنند (Zhang & Cheng, 2015: 111). این نوع رهبری موجب فراهم آمدن فرهنگ اشتراک دانش سازمانی و سهولت ذخیره‌سازی و انتقال دانش می‌شود و نظامی را به وجود می‌آورد که از آن طریق امکان یادگیری متقابل افراد در سازمان میسر می‌شود (Bozdoğan, 2013: 127).

از مهم‌ترین دلایلی که موجب شده رهبری دانش مورد توجه سازمان‌ها قرار گیرد، آن است که این سبک از رهبری موجب تسهیل اشتراک اطلاعات بین کارکنان، یادگیری کارآمدتر کارکنان، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و بروز و رشد خلاقیت و نوآوری می‌شود (سرفرازی، ایجاد و مطهری، ۱۳۹۷: ۱). رهبری دانش بر سه جنبه اصلی عناصر اساسی رهبری (ارتباط و انگیزه)، راهبردهای ارتباطی و ابزار تحقق مدیریت دانش مؤثر تأکید دارد (Zhang & Guo, 2019: 119) و شامل چهار بعد جهت‌یابی یادگیری، ایجاد فضای حمایت از یادگیری، عمل در نقش الگو، و حمایت از فرایندهای یادگیری در سطح فردی و گروهی است (Viitala, 2004: 533).

رهبری دانش به دنبال این است که جهت‌گیری فرهنگی مثبت در سازمان به سمت کسب و تسهیم دانش را ارتقاء دهد، به‌گونه‌ای که یادگیری مستمر همه افراد در سازمان ارج نهاده شود و تجربه و نوآوری در سازمان جاری گردد (Yang, Huang & Hsu, 2014: 42). لازمه شکل‌گیری دانش سازمانی، مشارکت افقی کارکنان است. هنگامی که اعضای تیم تأثیر، راهنمایی و پشتیبانی را در یک زمینه از رهبر دانشی دریافت می‌کنند، به اهداف جمعی متعهد و در فعالیت‌های یادگیری و دانش فعال می‌شوند (Donate & de Pablo, 2015: 363). بنابراین، باتوجه به اهمیت همکاری و مشارکت در خلق و انتقال دانش، برخورداری از رهبری دانش بسیار قوی در سازمان مهم و ضروری است (Morales López, 2013: 664). در نهایت می‌توان گفت، رهبری دانش با تسهیل فرایند تلاش‌های فردی و سازمانی در جهت یادگیری منجر به تحقق اهداف سازمانی می‌شود و نقش مهمی در عملکرد سازمانی، یادگیری سازمانی، ایجاد و ارتقای دانش سازمانی، مدیریت دانش و اطلاعات و هم چنین فرهنگ سازمانی ایفا می‌کند (Lakshman, 2009: 338).

### فرهنگ سازمانی

اواخر دهه ۱۹۷۰ تعدادی از پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که مبانی مدیریتی و مباحث سازمانی قادر به توصیف درست از واقعیت‌های سازمان نیستند و ماهیت وجودی انسان را نادیده می‌گیرند، بنابراین برای جبران این وضعیت مفهوم جدیدی به نام فرهنگ سازمانی را



ایجاد کردند (رعنایی، ۱۳۸۸: ۳). واژه فرهنگ‌سازمانی برای اولین بار در مقاله‌ای توسط پتیگرو<sup>۱</sup> با عنوان «مطالعات فرهنگ‌سازمانی» در فصلنامه علوم‌اداری مطرح شد (فرهی، فضائی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳۳) و یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که به تازگی در حوزه رفتار سازمانی مطرح شده است (سلیمان‌زاده و راد، ۱۳۹۴: ۸).

فرهنگ سازمانی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، رفتارها، باورها و روش‌هایی است که در یک سازمان وجود دارد و آن سازمان را از سایر سازمان‌های هم‌گروه، متمایز می‌کند (منوریان، قربانی و شریفی، ۱۳۸۷: ۹). فرهنگ سازمانی قوی با مجموعه باورها و ارزش‌های بنیادی سازمان که بین اعضاء مشترک بوده و افراد به‌طور دقیقی آن‌ها را رعایت می‌کنند، شناخته می‌شود. در یک فرهنگ سازمانی قوی ارزش‌های اساسی پذیرفته شده در سازمان توسط اعضاء اولویت‌بندی شده و همگی به آن پایبند هستند (سبزلون، ۱۳۹۳: ۴۲). بنابراین می‌توان گفت، فرهنگ سازمانی یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف بلندمدت و موفقیت سازمان‌هاست (میری جهرمی، ۱۳۹۵: ۲).

صاحب‌نظران، الگوهای مختلفی از فرهنگ سازمانی را براساس عوامل و ویژگی‌های مختلف ارائه کرده‌اند. به‌طور مثال، ادگار شاین<sup>۲</sup> مدل مفهومی سه لایه‌ای را برای طبقه‌بندی عناصر فرهنگ سازمانی در نظر گرفت. شاین در این مدل به دسته‌بندی و تمایز بین لایه‌های مختلف سازمانی پرداخت و سه لایه مصنوعات و جلوه‌های ظاهری، ارزش‌ها و هنجارها، و مفروضات و باورهای بنیادی را برای فرهنگ سازمانی معرفی کرد (رعنایی، ۱۳۸۸: ۴۳). پارسونز<sup>۳</sup>، در مدل فرهنگ سازمانی خود چهار فعالیت انطباق، دستیابی به هدف، انسجام و یکپارچگی، و مشروعیت را به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی معرفی کرد که برای بقای هر سیستم اجتماعی لازم و ضروری می‌باشند (میری جهرمی، ۱۳۹۵: ۲۲).

رابینز<sup>۴</sup> معتقد است که در سازمان‌ها برای تعدادی از ویژگی‌ها افراد ارزش بیشتری قائل هستند. به نظر وی ده ویژگی که معرف و نمایانگر فرهنگ سازمانی است عبارتند از: ابتکار فردی، خطرپذیری (مسئولیت‌پذیری)، هدایت و سرپرستی، انسجام، حمایت مدیریتی، نظارت در

- 
1. Pettigrew
  2. Edgar Shine
  3. Parsons
  4. Robbins

سازمان، هویت، نظام پاداش، الگوی ارتباطات، و تحمل اختلاف سلیقه (منوریان، قربانی و شریفی، ۱۳۸۷: ۳۵). درنهایت، دنسیون (Denison, 2001: 355) «مفاهیم مربوط به فرهنگ سازمانی را در قالب یک مدل ارائه کرده است که شامل چهار شاخص، مشارکتی، سازگاری، یکپارچگی و مأموریتی می‌باشد. این ویژگی‌ها از مجموعه فعالیت‌های مدیریت می‌باشند که با هم در ارتباطاند و از ارزش‌ها و اعتقادات و مفروضات مسلط بر سازمان ریشه گرفته و به‌وسیله آن‌ها تقویت می‌شوند». این فعالیت‌ها می‌تواند بر عوامل مختلفی در سازمان‌ها اثر بگذارند، از جمله این عوامل، عملکرد شغلی کارکنان در سازمان است (Saeed, et al., 2013: 1200).

### عملکرد شغلی

توجه به کارکنان و در رأس آن عملکرد شغلی آن‌ها به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرمایه سازمان پدیده‌ای است که در طول چند دهه اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است (Osunde, 2015: 33). به‌گونه‌ای که گفته می‌شود، عملکرد شغلی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در سازمان‌هاست که بخش مهمی از مطالعات سازمانی را دربر گرفته است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱۲). در خصوص عملکرد شغلی دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است؛ رتمن<sup>۱</sup>، عملکرد شغلی را به‌عنوان یک سازه چندبعدی که نشان‌دهنده چگونگی عملکرد کارکنان در شغل، میزان ابتکار عمل و تدابیر حل مسأله آن‌ها و روش‌های استفاده از منابع موجود خود و همچنین، استفاده از وقت و انرژی در انجام وظایف شغلی می‌باشد، تعریف می‌کند (روح‌الهی، ۱۳۹۴: ۱۲۲). کروپانزانو<sup>۲</sup>، اصطلاح عملکرد شغلی را برای اشاره به وظایف رسمی شغل به‌کار می‌برد که به‌وسیله مقامات سازمانی تعیین و در حین ارزیابی‌های عملکرد سنجیده می‌شود (راد، ۱۳۹۵: ۴۱).

به‌طور کلی می‌توان گفت، عملکرد شغلی به معنای درجه‌ای است که کارکنان وظایفی را که در یک شرایط کاری معین به آنان واگذار شده، انجام دهند (فقیه آرام و میرزایی، ۱۳۹۶: ۱۳۵). عملکرد شغلی بالا علاوه بر اینکه باعث افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت خدمات سازمان می‌شود، منجر به پیامدهای عینی مانند افزایش شایستگی، پاداش نقدی و فرصت‌های ارتقاء و پیامدهای

غیرعینی مانند غرور، افتخار از جانب دیگران و مدیران، احساس بالای موفقیت فردی و تقویت خودکارآمدی برای افراد می‌شود (خسروی و محمدی، ۱۳۹۷: ۴۳). هرسی و گلداسمیت<sup>۱</sup>، هفت بعد را برای عملکرد شغلی کارکنان در سازمان‌ها در نظر می‌گیرند که عبارتند از: توانایی، وضوح (درک یا تصور نقش)، مشوق، ارزیابی (آموزش و بازخور عملکرد)، بازخور اعتبار، و تناسب محیط (عابدیان و پورشافعی، ۱۳۹۷: ۵).

### پیشینه پژوهش

بسیاری از مطالعات به نحوی ارتباط میان متغیرهای این پژوهش را مورد بررسی قرار داده‌اند که به‌طور خلاصه در جدول ۱، به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۱) پیشینه پژوهش

| محققان                          | سال  | عنوان                                                                                                                                                              | نتایج پژوهش                                                                                                                                                                                       |
|---------------------------------|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فرهادی محلی و پوراقدم (۱۳۹۸: ۱) | ۱۳۹۸ | تأثیر سبک رهبری مدیران بر عملکرد شغلی کارکنان به‌واسطه فرهنگ سازمانی (مورد مطالعه: مراکز بهداشت استان گلستان)                                                      | سبک رهبری مدیران بر فرهنگ سازمانی کارکنان و فرهنگ سازمانی بر عملکرد شغلی کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، فرهنگ سازمانی در رابطه بین سبک رهبری مدیران و عملکرد شغلی نقش واسطه‌ای دارد. |
| آقاجانی حاجی (۱۳۹۸: ۱)          | ۱۳۹۸ | مطالعه تأثیر فرهنگ سازمانی و رهبری سازمانی بر مؤلفه‌های عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه مازندران)                                                        | فرهنگ سازمانی و رهبری سازمانی بر مؤلفه کیفیت کار عملکرد شغلی، ابتکار کار عملکرد شغلی، و همکاری عملکرد شغلی در کارکنان دانشگاه مازندران تأثیر گذارند.                                              |
| پیروز، عزلتی و شمشادی (۱۳۹۷: ۱) | ۱۳۹۷ | تأثیر رهبری و فرهنگ دانش‌محور بر نوآوری و عملکرد سازمانی با تأکید بر نقش واسطه‌ای روش‌ها و فرآیند دانش آفرینی (مطالعه موردی: کارخانجات فعال در شهرک صنعتی اشتهارد) | فرهنگ و رهبری دانش‌محور می‌توانند تغییرات عملکرد سازمانی را پیش بینی نمایند.                                                                                                                      |

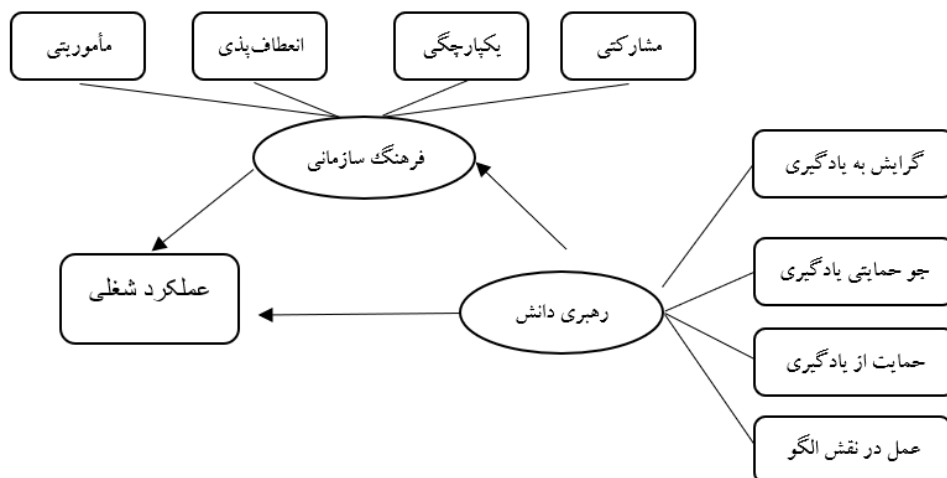
|                                          |      |                                                                                                                                          |                                                                                                                              |
|------------------------------------------|------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرآوانی و سلیمی<br>(۱۳۹۷: ۱)             | ۱۳۹۷ | بررسی رابطه بین رهبری مشارکتی و رهبری دانشی با تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد مدیران مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر زاهدان                           | بین رهبری مشارکتی و رهبری دانشی با تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد مدیران مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر زاهدان رابطه معناداری وجود دارد. |
| Hidayah & Nazaruddin<br>(2017: 255)      | ۲۰۱۷ | تأثیر سبک رهبری، انگیزش شغلی، فرهنگ سازمانی و انضباط شغلی بر عملکرد کارکنان                                                              | سبک رهبری و فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان تأثیر می‌گذارد.                                                                  |
| Daryono, Nimran & Suhadak<br>(2015: 192) | ۲۰۱۵ | تأثیر رهبری دانش بر فرهنگ سازمانی، یادگیری فردی، و یادگیری جمعی و پیامدهای آن بر خلاقیت فردی: مطالعه‌ای در بنگاه‌های دولتی مزارع اندونزی | رهبری دانش بر فرهنگ سازمانی و یادگیری جمعی اثر مستقیم دارد.                                                                  |
| Darsana<br>(2013: 35)                    | ۲۰۱۳ | تأثیر شخصیت و فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان از طریق رفتار شهروندی سازمانی                                                              | شخصیت و فرهنگ سازمانی کارکنان تأثیر غیرمستقیمی در عملکرد کارکنان دارد.                                                       |

در ادامه، با توجه به مطالعات صورت گرفته در رابطه با ارتباط میان رهبری دانش، فرهنگ سازمانی و عملکرد شغلی کارکنان، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱، ترسیم می‌شود. در این پژوهش سه فرضیه مطرح و بررسی شده است:

۱. فرضیه اول: گرایش به یادگیری، جوّ حمایتی یادگیری، حمایت از فرایند یادگیری و عمل در نقش الگو پیش‌بینی کننده عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه است.

۲. فرضیه دوم: فرهنگ سازمانی، در رابطه بین رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند، نقش واسطه‌ای دارد.

۳. فرضیه سوم: مدل پژوهش از برازش لازم برخوردار است.



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه کارکنان دانشگاه بیرجند به تعداد ۳۴۰ نفر است که براساس فرمول کوکران تعداد ۱۸۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای براساس واحد کاری کارکنان انتخاب شدند و درنهایت، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه استاندارد بین آن‌ها توزیع شد که از این بین، تنها ۱۹۱ پرسشنامه قابل استفاده بود. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌هایی استاندارد است. به‌منظور سنجش رهبری دانش از پرسشنامه ویتالا (Viitala, 2004) استفاده شد. این پرسشنامه شامل چهار مؤلفه گرایش به یادگیری، جو حمایتی یادگیری، حمایت از فرایند یادگیری فردی و گروهی، و عمل در نقش الگو و ۲۹ سؤال است؛ به‌منظور سنجش فرهنگ سازمانی از پرسشنامه دنیسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) که شامل چهار مؤلفه مشارکتی، ثبات و یکپارچگی، انعطاف‌پذیری، و مأموریتی و ۳۶ سؤال است، استفاده شد. درنهایت، به‌منظور سنجش عملکرد شغلی، پرسشنامه پاترسون<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) که شامل ۱۵ سؤال است، بکار برده شد. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که این

1. Denison

2. Paterson

مقدار برای پرسشنامه‌های رهبری دانش، فرهنگ سازمانی و عملکرد شغلی به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۷ و ۰/۹۴ به دست آمد. درخشان و دیگران (۱۳۹۵) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، روایی پرسشنامه رهبری دانش را مورد تأیید قرار دادند. با استفاده از پرسشنامه عملکرد شغلی کارکنان در نمونه کارکنان سازمان آب و برق اهواز ضریب روایی این پرسشنامه از طریق همبسته کردن آزمون با نمره ۱ سوالی کلی و ۱۵ درجه‌ای محاسبه و ۰/۴۳ در سطح ۰/۰۰۱ گزارش شده است (خوشکام، نیسی و شکرشکن، ۱۳۸۶؛ سبزلون، ۱۳۹۳). ظهراپی و محبی (۱۳۹۷) در پژوهش خود مقدار AVE فرهنگ سازمانی را ۰/۶۴ گزارش کرده‌اند که این مقدار روایی همگرایی قابل قبول را نشان می‌دهند. معیار AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. در نهایت، به‌منظور تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش، روش الگویابی معادلات ساختاری و آزمون سوبل با استفاده از نرم‌افزار AMOS 24 و آزمون رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار SPSS 25 مورد استفاده قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

#### توصیف جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

براساس داده‌های جمع‌آوری شده، بیشتر پاسخ‌دهندگان (۵۲/۸۸٪) مرد بودند. همچنین، اکثریت آنها را افرادی با مدرک تحصیلی لیسانس (۴۴/۵۰٪) و سابقه کاری ۱۱ تا ۱۵ سال (۲۵/۶۵٪) تشکیل داده‌اند.

جدول ۲) ضرایب کجی و کشیدگی برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

| متغیر         | کجی   | کشیدگی |
|---------------|-------|--------|
| رهبری دانش    | -۰/۲۹ | ۰/۱۷   |
| عملکرد شغلی   | -۰/۵۷ | -۰/۲۶  |
| فرهنگ سازمانی | -۰/۲۸ | -۰/۰۱  |

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد، ضرایب کچی و کشیدگی برای متغیرهای بهبود رهبری دانش، عملکرد شغلی و فرهنگ سازمانی در بازه  $[-۲, ۲]$  می‌باشد و نتیجه گرفته می‌شود که متغیرهای مذکور از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: گرایش به یادگیری، جو حمایتی یادگیری، حمایت از فرایند یادگیری و عمل در نقش الگو پیش‌بینی کننده عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه است.

جدول ۳) نتایج ضریب همبستگی و ضریب تعیین

| مدل                                            | ضریب همبستگی | مجذور ضریب همبستگی | دوربین واتسون | سطح معناداری | F      |
|------------------------------------------------|--------------|--------------------|---------------|--------------|--------|
| ۱                                              | ۰/۵۹۳        | ۰/۳۵۲              | ۱/۸۰          | ۰/۰۰۱        | ۲۵/۲۲۶ |
| پیش‌بینی کننده‌ها (ثابت): مؤلفه‌های رهبری دانش |              |                    |               |              |        |

به‌منظور مشخص کردن اینکه چه مقدار از واریانس نمره‌های عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند توسط رهبری دانش و مؤلفه‌های آن تبیین می‌شود، از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده گردید. نتایج ضریب همبستگی نشان داد، رهبری دانش ۳۵٪ از تغییرات عملکرد شغلی کارکنان این دانشگاه را تبیین می‌کند و این همبستگی معنا دار است. جدول ۳، نتایج ضریب همبستگی متغیر رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان را در سطح اطمینان ۹۹٪ نشان می‌دهد.

جدول (۴) نتایج ضرایب رگرسیون رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان

| مدل                     | ضرایب غیراستاندارد |                   | ضرایب استاندارد | ارزش T | سطح معناداری | ضریب تحمل | VIF   |
|-------------------------|--------------------|-------------------|-----------------|--------|--------------|-----------|-------|
|                         | B                  | خطای انحراف معیار |                 |        |              |           |       |
| مقدار ثابت              | ۱/۴۴۱              | ۰/۲۹۳             |                 | ۴/۹۱۶  | ۰/۰۰۱        |           |       |
| گرایش به یادگیری        | ۰/۲۵۰              | ۰/۰۹۱             | ۰/۲۶۱           | ۲/۷۴۹  | ۰/۰۰۷        | ۰/۳۸۷     | ۲/۵۸۴ |
| جوّ حمایتی یادگیری      | ۰/۳۵۹              | ۰/۰۹۶             | ۰/۳۵۸           | ۳/۷۲۷  | ۰/۰۰۱        | ۰/۳۷۸     | ۲/۶۴۷ |
| حمایت از فرآیند         | -۰/۰۷۴             | ۰/۱۰۰             | -۰/۰۷۵          | -۰/۷۴۲ | ۰/۴۵۹        | ۰/۳۴۵     | ۰/۸۹۸ |
| یادگیری                 | ۰/۱۷۲              | ۰/۰۷۶             | ۰/۱۴۹           | ۲/۲۶۴  | ۰/۰۲۵        | ۰/۸۰۵     | ۱/۲۴۲ |
| عمل در نقش الگو         |                    |                   |                 |        |              |           |       |
| متغیر ملاک: عملکرد شغلی |                    |                   |                 |        |              |           |       |

همچنین، نتایج ضرایب رگرسیون استاندارد (بتا) مؤلفه‌های رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان نشان می‌دهد، گرایش به یادگیری ۲۶٪، جوّ حمایتی یادگیری ۳۵٪ و عمل در نقش الگو ۱۴٪ از نمرات عملکرد شغلی کارکنان را به‌طور جداگانه تبیین می‌کنند، در حالی که حمایت از فرایند یادگیری قادر به تبیین عملکرد شغلی کارکنان در این دانشگاه نیست. به طور کلی رهبری دانش با مقدار بتای ۵۴٪ عملکرد شغلی کارکنان را پیش‌بینی می‌کند. مؤلفه‌های جدول (۴)، نتایج ضرایب رگرسیون مؤلفه‌های رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان را در سطح معناداری ۹۹٪ نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: فرهنگ سازمانی، در رابطه بین رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند، نقش واسطه‌ای دارد.



جدول ۵) نتایج آزمون سوبل در رابطه رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان  
با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی

| ضرایب مسیر و انحراف معیار                                    | ورودی | مقدار t | انحراف معیار | سطح معنی داری |
|--------------------------------------------------------------|-------|---------|--------------|---------------|
| ضریب رگرسیون غیر استاندارد مسیر رهبری دانش به فرهنگ سازمانی  | ۱/۲۵۸ | ۴/۸۴    | ۰/۲۰         | ۰/۰۰۱         |
| ضریب رگرسیون غیر استاندارد مسیر فرهنگ سازمانی به عملکرد شغلی | ۰/۷۷۵ |         |              |               |
| انحراف معیار مسیر رهبری دانش به فرهنگ سازمانی                | ۰/۲۲۰ |         |              |               |
| انحراف معیار مسیر فرهنگ سازمانی به عملکرد شغلی               | ۰/۰۸۵ |         |              |               |

به‌منظور بررسی فرضیه آخر پژوهش مبنی بر نقش واسطه‌ای فرهنگ سازمانی در رابطه بین رهبری دانش و عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند از آزمون سوبل استفاده شده است. براین اساس در صورت افت ضرایب رگرسیون نقش واسطه‌ای فرهنگ سازمانی مشخص می‌شود. با توجه به مقدار آزمون سوبل (۴/۸۴) در سطح معناداری ۰/۰۱ مشخص گردید که فرهنگ سازمانی نقش واسطه‌ای در رابطه بین رهبری دانش و عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند دارد. جدول ۵، نتایج آزمون سوبل در رابطه بین رهبری دانش با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی را نشان می‌دهد.

جدول ۶) اثرات مستقیم و غیرمستقیم رهبری دانش بر عملکرد شغلی کارکنان  
با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی

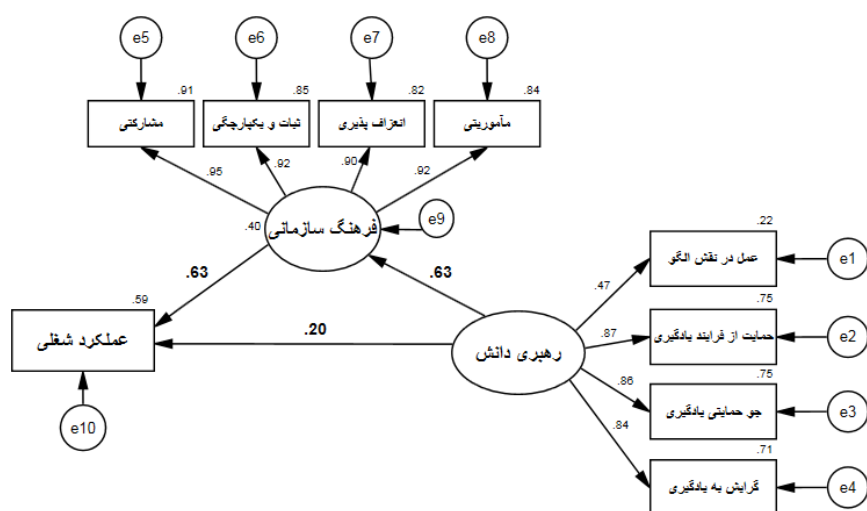
| متغیر واسطه‌ای فرهنگ سازمانی | اثر مستقیم | اثر غیر مستقیم | اثر کل |
|------------------------------|------------|----------------|--------|
| رهبری دانش → عملکرد شغلی     | ۰/۱۹       | ۰/۳۹           | ۰/۵۹   |

جدول ۶ اثرات مستقیم و غیرمستقیم، و اثر کل رهبری دانش بر عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی را نشان می‌دهد. براساس جدول ۶، رهبری دانش به‌طور مستقیم ۱۹٪ و به‌طور غیرمستقیم ۳۹٪ و در نهایت، به‌طور کلی ۵۹٪ بر عملکرد شغلی کارکنان

این دانشگاه اثر می‌گذارد، بنابراین می‌توان گفت، رهبری دانش با واسطه فرهنگ سازمانی نقش بیشتری بر عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند دارد.

### آزمون برازندگی مدل مفهومی پژوهش

به‌منظور آزمون برازندگی مدل پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری از طریق نرم افزار AMOS استفاده شده است. شکل ۲، مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۲) مدل ساختاری پژوهش

جدول ۷) شاخص‌های برازش مدل

| معیارهای برازش | برازش به‌دست آمده | برازش خوب*                | برازش قابل قبول*          |
|----------------|-------------------|---------------------------|---------------------------|
| CMIN/DF        | ۲/۰۵۱             | $۲ \leq \chi^2/df \leq ۱$ | $۳ \leq \chi^2/df \leq ۲$ |
| P              | ۰/۰۱۰             | $۰ < P \leq ۱/۰۵$         | $۰/۰ \leq P \leq ۰۵/۰۱$   |
| GFI            | ۰/۹۴۷             | $۰ \leq GFI \leq ۱/۹۵$    | $۰/۰ \leq GFI < ۹۵/۹۰$    |
| NFI            | ۰/۹۶۷             | $۰ \leq NFI \leq ۱/۹۵$    | $۰/۰ \leq NFI < ۹۵/۹۰$    |
| CFI            | ۰/۹۸۳             | $۰ \leq CFI \leq ۱/۹۷$    | $۰/۰ \leq CFI < ۹۷/۹۵$    |
| RMSEA          | ۰/۰۷۴             | $۰/۰ \leq RMSEA \leq ۰۵$  | $۰/۰ < RMSEA \leq ۰۸/۰۵$  |

نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش هنجار شده (NFI)، برازش تطبیقی (CFI) و نیکویی برازش (GFI) به ترتیب ۰/۹۶۷، ۰/۹۸۳ و ۰/۹۴۷ به دست آمده‌اند که این مقادیر بالای ۰/۹ است و نشان‌دهنده برازندگی مناسب مدل با داده‌ها است. همچنین، جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۴ است که بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ قرار گرفته و قابل قبول می‌باشد. جدول ۷ نتایج حاصل از شاخص‌های برازندگی به دست آمده برای مدل مفروض را نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رهبری دانش در عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند؛ با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی انجام گرفت. در این راستا داده‌های مورد نیاز به کمک پرسشنامه‌های استاندارد از یک نمونه ۲۰۰ نفری (که تنها ۱۹۱ پرسشنامه قابل تحلیل بودند) جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در وهله اول، نتایج این پژوهش نشان داد که مدل مفهومی پژوهش از برازش خوبی برخوردار بوده و فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر نقش واسطه‌ای فرهنگ سازمانی در رابطه بین رهبری دانش و عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه بیرجند مورد تأیید قرار گرفت. به گونه‌ای که رهبری دانش با واسطه‌گری فرهنگ سازمانی تأثیر بیشتری بر عملکرد شغلی کارکنان این دانشگاه می‌گذارد، بنابراین می‌توان گفت، از آنجایی که دانشگاه‌ها به عنوان یکی از حیاتی‌ترین نهادهای اجتماعی که نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها دارند و همچنین، وظیفه خطیر پرورش نیروهای متخصص، متعهد، کارآمد و خلاق را برای دیگر بخش‌های توسعه ملی بر عهده دارند. باید به منظور بهبود عملکرد کارکنان خود به مقوله تربیت رهبران دانش محور توجه بیشتری نمایند و در صدد جذب مدیرانی باشند که از این ویژگی دانش‌محوری برخوردار بوده تا علاوه بر ترغیب و تشویق کارکنان به خلق و تسهیم دانش با نهادهای فرهنگی یادگیری، مشارکت و همکاری میان کارکنان زمینه ارتقای عملکرد آنان را فراهم سازند.

همچنین، براساس نتایج حاصل از ضرایب همبستگی و رگرسیون مشخص گردید، از میان مؤلفه‌های رهبری دانش، گرایش به یادگیری، جو حمایتی یادگیری، و عمل در نقش الگو با عملکرد شغلی کارکنان رابطه مثبت و معناداری دارند و به ترتیب به میزان ۲۶٪، ۳۵٪ و ۱۴٪ از نمرات عملکرد شغلی

کارکنان دانشگاه بیرجند را به‌طور جداگانه تبیین می‌کنند، درحالی‌که حمایت از فرایند یادگیری قادر به تبیین عملکرد شغلی کارکنان در این دانشگاه نیست. بر این اساس، فرضیه اول مورد تأیید قرار گرفت. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، زمانی که مدیران دانشگاه به‌طور پیوسته در رابطه با اهداف و برنامه‌های آینده دانشگاه با کارکنان خود در تعامل باشند و همواره در ارتباط با دانش و مهارت‌های موردنیاز آنان برای تطبیق بیشتر با تغییرات سریع محیط، با آن‌ها مشورت کنند و به‌صورت مداوم در مورد کیفیت انجام وظایف و فعالیت‌های کارکنان به آنان بازخور دهند؛ می‌توانند شرایطی را فراهم سازند تا از این طریق کارکنان بتوانند عملکرد شغلی خود را بهبود بخشند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مؤلفه حمایت از فرایند یادگیری پیش‌بینی‌کننده عملکرد شغلی نیست. در توضیح این نتیجه می‌توان گفت که در عصر حاضر سرعت و سهولت ارتباطات و دسترسی فوری به اطلاعات از طریق شبکه وب، افراد را به گونه‌ای تغییر داده است که به سختی می‌توانند، زمان و فرایند طولانی و انجام آهسته کارها را تحمل کنند. در توصیف ویژگی‌های نسل بومیان دیجیتال، کسانی که از زمان تولد فناوری‌های دیجیتال در دسترس آن‌ها بوده، و مهاجران دیجیتال، بزرگسالانی که بعد از دوران کودکی با فناوری‌های دیجیتال آشنا شده‌اند، گفته شده است که این افراد تمایل دارند چند کار را همزمان به راحتی انجام دهند، انتظار بازخورد فوری دارند، در تصمیم‌گیری‌ها سرعت بالایی دارد و نیاز به دستورالعمل‌های شفاف در تکالیف خود دارند.

## منابع

- آقاجانی حاجی، غلامحسین (۱۳۹۸). "مطالعه تأثیر فرهنگ سازمانی و رهبری سازمانی بر مؤلفه‌های عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه مازندران)". *پایان‌نامه کارشناسی/رشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، مؤسسه آموزش عالی علامه امینی مازندران*.
- اسماعیلی، محمودرضا؛ صیدزاده، حیدر (۱۳۹۶). "تأثیر رضایت شغلی بر عملکرد با نقش میانجی وفاداری سازمانی". *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، سال بیست و پنجم، ش ۸۳ (بهار): ۵۱-۶۸.
- پورکریمی، جواد، و دیگران (۱۳۹۶). "اثر میانجی تعهد حرفه‌ای در رابطه بین صلاحیت حرفه‌ای و عملکرد شغلی (مورد مطالعه: کارشناسان آموزش دانشگاه تهران)". *مدیریت فرهنگ سازمانی، سال پانزدهم، ش ۴ (زمستان): ۸۳۳-۸۵۶*.
- پیروز، شجاع؛ عزلتی، مهتاب؛ شمشادی، ایمان (۱۳۹۷). "تأثیر رهبری و فرهنگ دانش محور بر نوآوری و عملکرد سازمانی با تأکید بر نقش میانجی روش‌ها و فرآیند دانش آفرینی (مطالعه موردی: کارخانجات فعال در شهرک صنعتی اشتهارد)". *[پیوسته] قابل دسترس در: [https://civilica.com/doc/826294/\[۱۴۰۰/۳/۲۶\]](https://civilica.com/doc/826294/[۱۴۰۰/۳/۲۶])*
- جعفری فکرت، امین؛ حسینی شکیب، مهرداد (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر رهبری خدمتگزار بر فرهنگ سازمانی، تعهد سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی و عملکرد کارکنان". *مطالعات منابع انسانی، دوره ۸، ش ۲۹ (پاییز): ۴۵-۶۸*.
- خسروی، مسلم؛ محمدی، محمد (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر بازاریابی داخلی بر عملکرد شغلی کارکنان با توجه به نقش میانجی تعهد سازمانی". *کار و جامعه، سال هفدهم، ش ۲۲۵ (زمستان): ۴۳-۶۳*.
- درخشان، مژگان، و دیگران (۱۳۹۵). "اعتباریابی پرسشنامه رهبری دانش (مطالعه‌ای در دانشگاه‌های شهر سمنان)". *مطالعات دانش‌شناسی، سال دوم، ش ۶ (بهار): ۴۱-۵۷*.
- دقتی، عادله (۱۳۹۶). "رویکرد راهبردی به نگهداشت نیروی انسانی در آموزش عالی استان خراسان جنوبی". *پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال نهم، ش ۳۲ (تابستان): ۱۳۷-۱۵۳*.

- راد، سیما (۱۳۹۵). "تأثیر سرایت‌پذیری کارکنان بر عملکرد شغلی آنان در فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهروند". *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد مدیریت دولتی*، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- رستمی، رضا، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر کیفیت زندگی کاری بر عملکرد شغلی با میانجی‌گری توانمندسازی روان‌شناختی شهروندان". *مدیریت شهری*، سال چهاردهم، ش ۴۱ (زمستان): ۳۰۹-۳۲۲.

- رعنائی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). "فرهنگ سازمانی: مبانی، رویکردها و مدل‌ها". تهران: وزارت نفت.

- رضانی، یوسف، و دیگران (۱۳۹۶). "عملکرد شغلی در دانشگاه: تبیین نقش رضایت شغلی، گرایش کاری و تعهد سازمانی". *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، سال نهم، ش ۱۸ (زمستان): ۱۴۲-۱۵۹.

- روح‌الهی، احمدعلی (۱۳۹۴). "رابطه مالکیت روانشناختی با عملکرد شغلی کارکنان (مورد مطالعه: کارکنان تعمیر و نگهداری یک فرودگاه آموزش خلبانی)". *مشاوره شغلی و سازمانی*، سال هفتم، ش ۲۵ (زمستان): ۱۲۰-۱۳۱.

- سبزلون، حسین (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین مدیریت مشارکتی و فرهنگ سازمانی با عملکرد شغلی دبیران متوسطه دوره اول اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ شیراز". *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد مدیریت آموزشی*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- سراجی، فرهاد؛ خاوری، سمیه (۱۳۹۵). "سواد فناورانه دانش‌آموزان و دبیران: تحلیلی بر تفاوت دو نسل". *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال پنجم، ش ۹ (پاییز و زمستان): ۳۱-۵۲.

- سراوانی، الناز؛ سلیمی، سمانه (۱۳۹۷). "بررسی رابطه بین رهبری مشارکتی و رهبری دانشی با تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد مدیران مدارس دولتی ناحیه ۲ شهر زاهدان". [پیوسته] قابل دسترس در:

[https://civilica.com/doc/882378/\[۱۴۰۰/۳/۲۶\]](https://civilica.com/doc/882378/[۱۴۰۰/۳/۲۶])

- سرفرازی، مهرزاد؛ ایجادی، عبدالرضا؛ مطهری، وحید (۱۳۹۷). "بررسی عوامل کلیدی موفقیت در سبک رهبری دانش". [پیوسته] قابل دسترس در:

[https://civilica.com/doc/837530/\[mz1\]\[۱۴۰۰/۳/۲۶\]](https://civilica.com/doc/837530/[mz1][۱۴۰۰/۳/۲۶])

- سلیمان زاده، روشن؛ راد، فیروز (۱۳۹۴). "اخلاق حرفه‌ای و رابطه آن با فرهنگ سازمانی در بین کارکنان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی". *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال هفتم، ش ۲۷ (تابستان): ۷-۲۳.

- سلیمی، مهدی؛ خداپرست، محبوبه (۱۳۹۶). "اثر فرهنگ سازمانی بر اخلاق حرفه‌ای و عملکرد شغلی اعضای هیأت علمی تربیت بدنی و علوم ورزشی". *پژوهش در ورزش تربیتی*، سال پنجم، ش ۱۳ (پاییز و زمستان): ۳۹-۵۸.

- شفاعت‌پناهی، مجید (۱۳۹۴). "رابطه بین جوّ سازمانی و فرهنگ سازمانی با عملکرد کارکنان دانشگاه جهرم". *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد مدیریت آموزشی*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- ظهراپی، احمدرضا؛ محبی، امیر (۱۳۹۷). "تبیین تأثیر سبک مدیریت با نقش میانجی‌گری فرهنگ سازمانی بر سکوت سازمانی". *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*، سال چهاردهم، ش ۶ (زمستان): ۴۱-۵۲.

- عابدیان، شهربانو؛ پورشافعی، هادی (۱۳۹۷). "تبیین نقش عملکرد شغلی کارکنان در سازمان". *اپیوسته* [قابل دسترس در:

<https://civilica.com/doc/823710/> [۱۴۰۰/۳/۲۶]

- عسگرانی، مرتضی؛ اصغری، مرتضی (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین سبک‌های رهبری و مدیریت دانش با عملکرد سازمانی در کارکنان شهرداری منطقه ۴". *شبک*، سال سوم، ش ۴ (تابستان): ۱۳-۲۴.

- علی‌آبادی، خدیجه، و دیگران (۱۳۹۸). "اعتباریابی مقیاس الکترونیکی و چاپی سنجش ویژگی‌های بومیان دیجیتالی". *نشریه علمی-فناوری آموزشی*، سال چهاردهم، ش ۲ (زمستان): ۱۳۵-۱۴۴.

- علی‌نیا، محمد؛ حافظیان، مریم (۱۳۹۶). "نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین کیفیت فناوری اطلاعات و عملکرد شغلی کارکنان". *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، سال هشتم، ش ۱ (پاییز): ۱۱۹-۱۳۹.

- فتاحی، آزاد (۱۳۹۷). "رابطه طفره‌روی مجازی و رفتار شهروند سازمانی با عملکرد شغلی کارکنان دانشگاه ارومیه". *پایان‌نامه کارشناسی/ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

- فرهادی محلی، علی؛ پوراقدم، میثم (۱۳۹۸). "تأثیر سبک رهبری مدیران بر عملکرد شغلی کارکنان به‌واسطه فرهنگ سازمانی (مورد مطالعه: مراکز بهداشت استان گلستان)". [پیوسته] قابل دسترس در:

<https://civilica.com/doc/949158/> [۱۴۰۰/۳/۲۶]

- فرهی، علی؛ فضائی، احمد؛ ابراهیمی، الهام (۱۳۹۴). "معرفی الگوی مطلوب فرهنگ سازمانی با رویکرد کیفی و ذهن‌کاوی مدیران". *مطالعات رفتار سازمانی*، سال چهارم، ش ۴ (زمستان): ۶۴-۳۱.

- فقیه آرام، بتول؛ میرزایی، بلال (۱۳۹۶). "رابطه توانمندسازی و اخلاق سازمانی با عملکرد شغلی کارکنان". *مدیریت منابع در نیروی انتظامی*، سال پنجم، ش ۳ (پاییز): ۱۴۷-۱۲۹.

- قیومی، صدیقه‌سادات (۱۳۹۶). "وضعیت رهبری دانش در گروه‌های آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- مظفری‌پناه، معصومه (۱۳۹۷). "تأثیر فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی و پایبندی بر ارزش‌های اسلامی بر عملکرد شغلی با میانجی رضایت شغلی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه زنجان)". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی-اسلامی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

- منوریان، عباس؛ قربانی، محمدحسین؛ شریفی، مسلم (۱۳۸۷). *فرهنگ سازمانی (با تکیه بر مدل دنیسون)*. شیراز: دانشگاه شیراز.

- میری جهرمی، اطهر (۱۳۹۵). "نقش واسطه‌ای موانع سازمانی در تبیین رابطه فرهنگ سازمانی و عملکرد شغلی کارکنان آموزش و پرورش ناحیه ۴ شیراز". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.



- نمامیان، فرشید؛ فیض‌الهی، صادق (۱۳۹۴). "تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد سازمان با نقش میانجی نوآوری (مطالعه موردی: شهرک صنعتی ایلام)". فرهنگ/ایلام، سال شانزدهم، ش ۴۶-۴۷ (بهار و تابستان): ۱۶۱-۱۷۴.

- Abuhashem, M.; Al-Dmour, R.; Masa'deh, R. (2019). "Factors that affect Employees Job Satisfaction and Performance to Increase Customers' Satisfactions". *Journal of Human Resources Management Research*, Vol. 2019, No. 23: 1-23.

- Adler, R.; Reid, J. (2008). "The effects of leadership styles and budget participation on job satisfaction and job performance". *Asia-Pacific Management Accounting Journal*, Vol. 3, No. 1: 21-46.

- Al-Omari, Kh.; Okasheh, H. (2017). "The Influence of Work Environment on Job Performance: A Case Study of Engineering Company in Jordan". *International Journal of Applied Engineering Research*, Vol. 12, No. 24: 15544-15550.

- Bozdoğan, T. (2013). "A Research on Knowledge Leadership Characteristics in Accounting Department Managers in Turkey". *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 4, No. 14: 125-136.

- Chiu, W. Y.; Chang, Y. C.; Lee, Y. D. (2015). "Impacts of knowledge leadership and the characteristics of organizational structure on employee learning motivation in the cultural and creative industries". In: *LISS 2014*. Berlin; Heidelberg: Springer: 1573-1578.

- Darsana, M. (2013). "The Influence of Personality and Organizational Culture on Employee Performance through Organizational Citizenship Behavior". *The International Journal of Management*, Vol. 2, No. 4: 35-42.

- Daryono, M.; Nimran, U.; Suhadak, K. R. (2015). "The Effect of Knowledge Leadership toward Organizational Culture, Individual Learning and Collective Learning and Its Implication toward Individual Creativity: A Study on State-Owned Plantation Enterprises of Indonesia". *European Journal of Business and Management*, Vol. 7, No. 6: 192-204.

- Denison, D. R. (2001). "Organizational culture: Can it be a key lever for driving organizational change?". In: *International handbook of*

*organizational culture and climate*. Edited by C. Cooper, S. Cartwright & P. Earley. Chichester: Wiley: 347-372.

- Donate, M. J.; De Pablo, J. D. S. (2015). "The role of knowledge-oriented leadership in knowledge management practices and innovation". *Journal of Business Research*, Vol. 68, No. 2: 360-370.

- Hee, O. C., et al. (2019). "The Relationship between Human Resource Management Practices and Job Performance in the Courier Service Industry". *International Journal of Academic Research in Business & Social Sciences*, Vol. 9, No. 3: 63-79.

- Hidayah, R. U.; Nazaruddin, I. (2017). "The Effect of Leadership Style, Work Motivation, Organizational Culture and Job Discipline on Employees Performance". In: ICOSI 2014. Edited by: Taufik, et al. Singapore: Springer: 255-262.

- Inuwa, M. (2016). "Job Satisfaction and Employee Performance: An Empirical Approach". *The Millennium University Journal*, Vol. 1, No. 1: 90-103.

- Kim, J.; Callahan, J. (2013). "Finding the intersection of the learning organization and learning transfer: The significance of leadership". *European Journal of Training and Development*, Vol. 37, No. 2: 183-200.

- Lakshman, C. (2009). "Organizational knowledge leadership: An empirical examination of knowledge management by top executive leaders". *Leadership & Organization Development Journal*, Vol. 30, No. 4: 338-364.

- Mabey, C.; Kulich, C.; Lorenzi-Cioldi, F. (2012). "Knowledge leadership in global scientific research". *The International Journal of Human Resource Management*, Vol. 23, No. 12: 2450-2467.

- Morales López, V. (2013). "Leadership in organization knowledge to Mexico". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 73, No. 2013: 661-668.

- Osunde, C. (2015). "Privatization of Public Enterprises in Nigeria: Impact on Employees' Performance and Managerial Implications". *International Journal of Research-Grant Haalayah a Knowledge Repository*, Vol. 3, No. 3: 32-38.

- Saeed, R., et al. (2013). "Factors Affecting the Performance of Employees at Work Place in the Banking Sector of Pakistan". *Middle-East Journal of Scientific Research*, Vol. 17, No. 9: 1200-1208.
- Viitala, R. (2004). "Towards knowledge leadership". *The Leadership & Organization Development Journal*, Vol. 25, No. 6: 528-544.
- Wu, G.; Hu, Z.; Zheng, J. (2019). "Role Stress, Job Burnout and Job Performance in Construction Project Managers: The Moderating Role of Career Calling". *International Journal of Environmental Research and Public Health*, Vol. 16, No. 13: 1-20.
- Yang, L. R.; Huang, C. F.; Hsu, T. J. (2014). "Knowledge leadership to improve project and organizational performance". *International Journal of Project Management*, Vol. 32, No. 1: 40-53.
- Zhang, L.; Cheng, J. (2015). "Effect of Knowledge Leadership on Knowledge Sharing in Engineering Project Design Teams: The Role of Social Capital". *Project Management Journal*, Vol. 46, No. 5: 111-124.
- Zhang, L.; Guo, H. (2019). "Enabling knowledge diversity to benefit cross-functional project teams: Joint roles of knowledge leadership and transactive memory system." *Information and Management*, Vol. 56, No. 8: 103-156.



## The role of social identity dimensions in the sense of security of secondary school teachers in Mashhad

Mohammadhassan Sharbatian<sup>1</sup>

Received: 13/9/2021

Javad Jahanshiri<sup>2</sup>

Mohammad Ghasemi<sup>3</sup>

Accepted: 20/1/2022

### Abstract

A sense of belonging to a single collective mass in various dimensions forms a kind of harmony and solidarity in order to implement order and the absence of danger, and to create a safe society, and the creation of a secure society, and leads social life to comfort and tranquility. The present study deals with the role of dimensions of social identity with a sense of security; and Giddens' theory has been used to explain the relationship between variables. A quantitative survey-based approach (descriptive and correlation), using a researcher-made questionnaire, selecting 374 teachers from seven education districts as a sample based on Cochran's formula and random multi-stage sampling done. In this regard, The total alpha value is 0.879 and the convergence validity is 0.601. The results showed that among the dimensions of the independent variable, family identity was more important than other dimensions and among the dependent variable, the Sense of life security was more important than other dimensions; and among the criterion variables, the sense of life security was the most important compared to other dimensions. Finally, the mean of social identity and sense of security variables is slightly higher than average. In a general view, the results of the hypotheses have shown that there is a significant relationship between the research hypotheses; and the dimensions of historical-national identity, family and social identity variable had a significant relationship with the intensity of average with the intensity of security at the level of 0.05, respectively. According to the beta model of regression, the components of the variables of national-historical, religious, urban-neighborhood, family identity at the level of error less than 0.01 had a significant relationship with the dependent variable; and the independent variable and its dimensions have explained about 39.3% of the changes of the dependent variable. Finally, social identity and its dimensions in three layers, similarity, belonging to a social group, commitment and responsibility can strengthen the sense of security and its dimensions through operational planning can lead to increased commitment, harmony, solidarity and social order.

**Keywords:** Sense of security, Teachers, Social Identity, Mashhad

- 
1. Ph.D. in Sociology of Social Sciences in Iran, Researcher and Lecturer at the University of Law Enforcement (Khorasan Razavi), Corresponding Author Sharbatian@pnu.ac.ir
  2. Assistant Professor, Amin University of Police, Tehran, Iran jahanshiri@nict.ir
  3. Master of Geography in Urban Planning, Payame Noor University, Ferdows Center Mo13484@yahoo.com

## مقاله علمی - پژوهشی

### نقش ابعاد هویت اجتماعی در احساس امنیت دبیران مدارس دوره متوسطه دوم شهر مشهد

محمدحسن شربتیان<sup>۱</sup> جواد جهانشیری<sup>۲</sup> محمد قاسمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_143511.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_143511.html)

## چکیده

احساس تعلق به یک "ما"ی واحد جمعی در ابعاد مختلف، موجب شکل‌گیری نوعی وفاق و همبستگی در جهت اجرای نظم و نبود خطر و ایجاد جامعه امن می‌شود و زندگی اجتماعی را به سمت آسایش و آرامش سوق می‌دهد. پژوهش حاضر به نقش ابعاد هویت اجتماعی با احساس امنیت می‌پردازد و از نظریه گیدنز برای تبیین رابطه بین متغیرها استفاده می‌کند. رویکرد کمی مبتنی بر پیمایش (توصیفی و همبستگی)، استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته، انتخاب ۳۷۴ دبیر نواحی هفت‌گانه آموزش و پرورش به‌عنوان نمونه مبتنی بر فرمول کوکران و نمونه‌گیری چندمرحله‌ای تصادفی است. میزان آلفای کل، برابر با ۰/۸۷۹ و میزان روایی همگرایی ۰/۶۰۱ به دست آمده است. نتایج نشان داده که در بین ابعاد متغیر مستقل، هویت خانوادگی از سایر ابعاد حائز اهمیت بوده است و در بین متغیر وابسته، احساس امنیت جانی به نسبت دیگر ابعاد، بیشترین اهمیت را داشته است. درنهایت میانگین متغیرهای هویت اجتماعی و احساس امنیت کمی بالاتر از حد متوسط به دست آمده است. نتایج فرضیه‌ها نشان داده بین فرضیه‌های تحقیق، رابطه معناداری وجود داشته است و ابعاد هویت تاریخی-ملی، خانوادگی و متغیر هویت اجتماعی به ترتیب با متغیر احساس امنیت در سطح معناداری ۰/۰۵ ارتباط معنادار با شدت رابطه متوسط داشته‌اند. با توجه به بتای مدل رگرسیون، ابعاد هویت ملی-تاریخی، دینی، شهری-محله‌ای و خانوادگی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته داشته‌اند و متغیر مستقل و ابعاد آن، در حدود

۱. دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع علمی-کاربردی نیروی انتظامی (خراسان

رضوی)، نویسنده مسئول. Sharbatian@pnu.ac.ir

jahanshiri@nict.ir

Mo13484@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه (پلیس) علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز فردوس.

۳/۳۹٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند. درنهایت هویت اجتماعی و ابعاد آن در سه لایه؛ همانندی، تعلق به گروه اجتماعی و تعهد و مسئولیت می‌توانند در تقویت احساس امنیت و ابعاد آن از طریق برنامه‌ریزی‌های عملیاتی، منجر به افزایش تعهد، وفاق، همبستگی و نظم اجتماعی شوند.

**واژه‌های کلیدی:** احساس امنیت، دبیران، هویت اجتماعی، مشهد.

## مقدمه

امنیت برای هر جامعه‌ای از نیازهای اساسی به حساب می‌آید. این پدیده از منظر علوم انسانی و اجتماعی مورد بررسی صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. مفهوم "احساس امنیت"<sup>۱</sup> از خود مفهوم امنیت مهم‌تر است؛ زیرا این مفهوم یک محصول اجتماعی است که نهادهای اجتماعی و ارکان جامعه؛ از جمله مردم، حاکمیت و پلیس در تولید، تقویت و ارتقای آن نقش کلیدی دارند؛ ولی خود فرد و ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی او هم در ایجاد این احساس سهیم هستند (شایگان و رستمی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). با توجه به این مطلب، احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری امنیت، به‌عنوان موضوعی قلمداد می‌شود که در فضای اجتماعی جامعه با منطق خاص، تولید، حفظ و بازتولید می‌شود و بر این مبنا برای خود استقلال موضوعیت پیدا کرده است (بیات، ۱۳۸۸: ۹). مطالعات احساس امنیت در قرن بیستم، متأثر از مسائل مختلف اجتماعی و روانی بوده است. بخشی از این مطالعات تجربی در ارتباط با موضوع هویت اجتماعی<sup>۲</sup> بوده است. بر این اساس در یک تعریف ساده، هویت اجتماعی وجود نوعی احساس تعلق است که به‌صورت یک "ما"ی جمعی در بین اعضای جامعه شکل می‌گیرد (جنکیز، ۱۳۹۴: ۲۷). این هویت فعالیت فرد در جامعه را بسترسازی می‌کند.

هویت اجتماعی یک دستاورد تعاملی قلمداد می‌شود که به‌طور پیوسته از طریق تبادل زبانی و عمل اجتماعی، مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در چارچوب این رویکرد، شیوه‌هایی مورد توجه قرار می‌گیرند که بر اساس آن عاملان و حاملان جامعه‌پذیری، داده‌ها و دانسته‌های شناختی، عاطفی و رفتاری افراد را سازمان می‌بخشند؛ دانسته‌ها و داده‌هایی که افراد برای شکل‌دهی به یک خود

اجتماعی به کار می‌گیرند (شیانی و احمدپور، ۱۳۹۶: ۲۵۹). از این منظر، هویت اجتماعی در بستر تعاملات اجتماعی، روابط اجتماعی و مشارکت اعضای جامعه، برای هر گونه فعالیت جمعی؛ از جمله احساس امنیت شکل می‌گیرد.

تأمین امنیت و احساس آن در هر بُعد و زمینه‌ای، نه تنها برای فرد ضرورت دارد؛ بلکه برای حفظ هویت اجتماعی نیز از اهمیت شایانی برخوردار است. بر این اساس هویت اجتماعی ناشی از فرایند ارتباط و تعامل با دیگری در قالب جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و در ارتباط با دیگری می‌تواند احساس امنیت را به وجود آورد (سلگی، ۱۳۹۹: ۱۰۴). به عبارت دیگر هویت اجتماعی بر شباهت‌ها تأکید می‌کند و احساس امنیت به عنوان یک مفهوم موضوعی شباهت جمعی برای اعضای جامعه ناشی از ارتباط و تعامل پویایی که با هم دارند را ایجاد می‌کند.

در گذشته‌های نه‌چندان دور، هویت اجتماعی به عنوان مسئله مهمی به شکل امروزی مطرح نبوده است؛ زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزش‌های سنتی هدایت می‌شد، حرکت می‌کرد؛ اما کاهش منابع هویت‌ساز سنتی، مثل الگوهای خانوادگی و ارزش‌های مذهبی از یک سو و رشد روزافزون و سریع الگوهای هویت‌ساز جدید مثل رسانه‌ها، تکنولوژی و به طور کلی، فرایند نوسازی و توسعه، هویت افراد از خردترین تا کلان‌ترین سطح آن دچار تغییر و دگرگونی شده است (ربانی خوراسگانی، ربانی خوراسگانی و حسنی، ۱۳۸۸: ۶۷) جی‌دان<sup>۱</sup> (۱۳۸۵: ۱۱۳) معتقد است «اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است». بر این اساس، در بین ابعاد هویت، بی‌شک عام‌ترین سطح آن؛ یعنی هویت اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند.

هویت اجتماعی علاوه بر ایجاد همبستگی اجتماعی، مسیر و اهداف جامعه؛ از جمله تقویت نظم و امنیت را فراهم می‌کند. دولت‌ها با تکیه بر هویت اجتماعی، امنیت و احساس آن را به عنوان یک نظم ارزشی از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد القا می‌کنند (رستگار و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۲: ۲). در این بین هویت اجتماعی به عنوان متغیری محوری



در تعریف نظم، امنیت، ارزش‌ها و هنجارهای جمعی یک جامعه به‌عنوان نرم‌افزاری اجتماعی، از اهمیت برخوردار است.

براین مبنا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نظم، امنیت و انسجام جامعه، داشتن احساس تعلق ما و تعهد بالا به ارزش‌ها و میراث فرهنگی است؛ از این‌رو همه دولت‌ها در پی شناساندن فرهنگ به مردمان سرزمین خود هستند تا از این طریق، یکپارچگی در سطح ملی را به‌وجود آورند. اگر ملت را افرادی بدانیم که در یک قلمرو سیاسی و سرزمینی خاص زندگی می‌کنند، آنگاه هویت اجتماعی (ملی) شامل احساس تعلق به عناصر اجتماعی و فرهنگی؛ از جمله امنیت، نظم، نمادها، ارزش‌ها، تاریخ و میراث سرزمینی است. این حسی است که دارا بودن آن، ملت‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند و موجب تفکیک یک ملت از سایر ملل می‌شود (جنکیز، ۱۳۹۴: ۱۵۵). به عبارت دیگر هویت اجتماعی در جامعه با جای‌دادن مباحث حساسی، چون نظم، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی- اجتماعی، هنجارهای زندگی، وفاق اجتماعی و آموزه‌های ملیت و ... در دکترین امنیت ملی هر جامعه‌ای، تأثیری عمیق و گسترده بر امنیت آن جامعه دارد (مک سویینی، ۱۳۹۰: ۲۶). با توجه به وضعیت جامعه ما در عصر حاضر و مسائل متعددی که در رابطه با جامعه در سطح داخلی و خارجی مطرح است، تحلیل وضعیت هویت اجتماعی به‌عنوان عامل ایجاد وفاق در جامعه، به تقویت بنیان‌های "مای جمعی" می‌پردازد.

لذا نظر به اینکه احساس امنیت تولید جمعی ناشی از احساس تعلق به ما بودن تعریف می‌شود، وجود این تعلق به "ما" یکی از ویژگی‌های مؤثر بر احساس امنیت است؛ پس در مطالعات جدید امنیت، توجه به هویت اجتماعی در تعریف امنیت و احساس آن، از موقعیت بارزی برخوردار شده است و گفته می‌شود که اگر بخش نرم‌افزاری جامعه (هویت اجتماعی) با تهدید و خطر مواجه شود، امنیت اجتماعی با ایجاد حریم برای جامعه، از هویت جامعه پاسداری می‌کند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۳۶)؛ بنابراین هر قدر هویت اجتماعی بیشتر شود، باعث می‌شود که افراد بیشتر درکنش‌های اجتماعی دخیل باشند و جرأت مقابله با جرائم را پیدا کنند و با درک این توانمندی در خود، احساس امنیت بیشتری نمایند. درنهایت با ارتقای ابعاد هویت اجتماعی، می‌توان اندوخته‌های اجتماعی و جسارت آنان را در مقابله با رویدادهای مختلف زندگی، از جمله احساس امنیت تقویت کرد.

نظر به اینکه دبیران و معلمان جامعه ما به عنوان یک گروه صنفی نقش بارزی در تربیت احساس تعلق به مای جمعی جامعه را دارند و به صورت غیرمستقیم به شکل گیری و تقویت احساس امنیت دانش آموزان کمک می کنند، در این تحقیق سعی شده است در سطح دبیران مقطع متوسطه دوم، فرایند تعلق به هویت جمعی و ابعاد آن در ارتباط با احساس امنیتی که در جامعه به دست آورده اند، مورد بررسی قرار گیرد؛ پس در نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که هویت اجتماعی و ابعاد آن تا چه میزان می تواند احساس امنیت دبیران را پیش بینی کند؟

### بررسی پیشینه

پژوهش های داخلی که تاکنون در ارتباط با موضوع مورد مطالعه، انجام شده و به موضوع ما نزدیک بوده اند، مورد توصیف و تشریح قرار خواهد گرفت؛ ضمناً چون موضوع کاملاً به ساختار جامعه هویت ایرانی و بحث امنیت داخلی می پردازد که ممکن است این دو متغیر برای دیگر جوامع معنا و نتایج متفاوت و متمایزی داشته باشد؛ پس با توجه به هدف نوشتاری و پژوهش انجام شده در میدان، فقط اکتفا به یافته های داخلی شده است که تقریباً ابعاد هر یک از متغیرها با تحقیقات انجام شده هم سو و هم جهت بوده است. در همین ارتباط کیانی و ترکان (۱۳۹۹) در مقاله «هویت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه های دولتی شهر بابل» بیان کرده اند که ۷۸/۵٪ از دانشجویان دختر دارای هویت اجتماعی بالا بوده اند. بین هویت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی دانشجویان دختر رابطه معنی دار آماری وجود ندارد. بر اساس نتایج رگرسیون خطی بین متغیرهای سن و مقطع تحصیلی با احساس امنیت اجتماعی، رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به نتایج آنالیز واریانس چندگانه، همچنین بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و امنیت اجتماعی، رابطه معنی دار است. در پژوهش کاکاوند، نوری و ناصری (۱۳۹۸)، با عنوان «تبیین رابطه بین هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمانشاه» این نتایج حاصل شده است که بین گرایش به هویت ملی ( $I=0/35$ ) و ابعاد آن؛ یعنی هویت سیاسی ( $I=0/40$ )، هویت سرزمینی ( $I=0/30$ )، هویت فرهنگی ( $I=0/36$ )، هویت تاریخی ( $I=0/26$ ) و هویت دینی ( $I=0/38$ )، با میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نیز نشان می دهد که گرایش به هویت ملی، بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر متوسط داشته است

(۰/۴۵) و متغیر هویت ملی در مجموع، (۰/۲۱) از واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی را تبیین می‌کند. حمیدی‌پور و رجبی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت» بیان کرده‌اند که بین احساس امنیت اجتماعی با درجه معنوی، نگرش معنوی و توانایی معنوی، رابطه معناداری وجود دارد. بین احساس امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر هویت اجتماعی در پیش‌بینی متغیر امنیت اجتماعی بیشترین اهمیت را دارد. هویت اجتماعی احساس تعلق و همبستگی به جامعه و مؤلفه‌های مهم در پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی است. هر عامل و پدیده‌ای که در احساس تعلق و همبستگی اعضای هر گروه اختلال ایجاد کند، درواقع، هویت آن گروه را به مخاطره می‌اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود. رجب‌لو، کمالی و رازکردانی شراهی (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان بالاتر از ۱۸ سال شهر تهران»، بیان کرده‌اند که تحکیم هویت ملی در شهروندان می‌تواند باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی شود. جنسیت، وضع تأهل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی شهروندان نیز از دیگر متغیرهایی است که بر اساس نتایج این پژوهش، بر میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان، مؤثر است. نادری و قاسمی پیربلوطی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «رابطه بین هویت اجتماعی و احساس امنیت دانش‌آموزان ۱۵ الی ۱۹ ساله شهرکرد» به این نتایج رسیده‌اند که ضریب همبستگی ساده و چندگانه نشان می‌دهد که بین متغیر هویت اجتماعی و احساس امنیت رابطه معنادار وجود دارد. هویت اجتماعی در مرحله اول و هویت اجتماعی در مرحله دوم بیشترین تأثیر را در احساس امنیت دارد. اجتماع و نهادهای اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان دارند و احساس امنیت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و منجر به سلامت روانی و اجتماعی افراد می‌شوند. مستوفی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران» به این نتیجه رسیده است که عدم احساس امنیت در زنان از بُعد جانی است. بالاترین میزان ارتباط زنان پاسخگو، با اقوام درجه اول بیشتر از دیگر موارد بوده است. از آنجاکه شناخت استعدادها و قابلیت‌های فردی موجب بالارفتن میزان اعتماد به نفس می‌شود، بهره‌مند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ باعث دگرگونی هویت در زنان و رشد بیش از پیش هویت اجتماعی آنان شده است؛ بنابراین

وجود همبستگی ۲۴٪ و رابطه معنادار بین هویت اجتماعی و احساس امنیت است. رستگار و ربانی خوراسگانی، (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان» به این نتایج دست یافته‌اند که میانگین هویت ملی پاسخگویان در حد متوسط و تعلق افراد به ابعاد فرهنگی، زبانی و سرزمینی هویت ملی از ابعاد سیاسی، اجتماعی و دینی، قوی‌تر بوده است. همچنین، بین احساس نابرابری، فردگرایی، سرمایه فرهنگی و مصرف رسانه‌ای با هویت ملی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. درنهایت، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق ۳۱٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. نیازی و فرشادفر (۱۳۹۱) در «رابطه بین هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان (مطالعه موردی زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و جنوب (۱۹ و ۲۰) شهر تهران در سال ۱۳۸۹»، به این یافته‌ها دست پیدا کرده‌اند که رابطه معناداری بین دو متغیر هویت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال تهران وجود نداشته است؛ لیکن در بین زنان مناطق جنوب تهران، همبستگی بین دو متغیر فوق مشاهده شده است. معنی‌داری رابطه دو متغیر فوق از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به نتایج آزمون ( $r=0/335$ ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است. شایگان و رستمی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «هویت اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی زنان تهران)»، عنوان کرده‌اند که ۵۲٪ نمونه‌های مورد بررسی، احساس امنیت زیاد دارند، ۳۴/۳٪ در حد متوسط و ۱۳/۷٪ احساس امنیت اجتماعی کمی دارند. احساس امنیت جانی بیش از مالی و حیثیتی است. آزمون فرضیه‌ها هم نشان داد افرادی که از هویت اجتماعی قوی‌تر، ارتباط اجتماعی بیشتر، هویت فردی بالاتر، اعتماد به نفس بیشتر و تعلقات مذهبی بالاتری برخوردارند، احساس امنیت اجتماعی بالاتری هم دارند. در این پژوهش رابطه اعتماد بنیادین و احساس امنیت تأیید نشد. نویدنیا (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی»، مفهوم امنیت اجتماعی را با بررسی میزان برخورداری خانواده‌ها از امنیت اجتماعی، نحوه مرادوات آنان با گروه‌های هویتی بررسی می‌کند و امنیت فکری، شغلی و اخلاقی را به‌عنوان ابعادی از امنیت اجتماعی برآورد می‌نماید و نوع مرادوات خانوادگی با گروه‌های هویتی قومی مختلف را به‌حسب تفاوت ابعاد امنیت اجتماعی مقایسه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخورداری از امنیت اجتماعی با پذیرش هویت‌های گوناگون و قبول مرادوات و تعامل با آن‌ها، رابطه

معناداری دارد. همچنین سطح برخورداری از امنیت فکری، شغلی و اخلاقی تأثیر زیادی بر امنیت اجتماعی به عنوان شاخص ترکیبی از سطوح گوناگون امنیت در اجتماع را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیقات انجام شده چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در راستای موضوع مورد بحث قرار گرفته است. در مجموع یافته‌های ادبیات تجربی حاکی از آن است که رابطه مستقیمی بین هویت اجتماعی با احساس امنیت، بویژه در بین زنان و دانشجویان دختر وجود داشته است و نیز برای آنان بسیار حائز اهمیت بوده است. علاوه بر این هویت‌های قومی هم به عنوان بُعدی مهم در بحث هویت اجتماعی در ارتباط معنادار با مبحث امنیت و یا احساس امنیت برای پاسخگویان مؤثر بوده است. همچنین در این سطح از پژوهش‌ها هویت خانوادگی هم با پدیده امنیت ارتباط معناداری داشته است و هویت ملی هم با تنوع گویه‌هایی که داشته و بخشی از هویت اجتماعی محسوب شده، در پژوهش‌های انجام شده با احساس امنیت رابطه‌ای معنادار داشته است.

در نهایت با توجه به پیشینه تحقیق باید بیان کرد تحقیقات پیرامون رابطه هویت اجتماعی و احساس امنیت دبیران در سال‌های اخیر کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و در این نوشتار رابطه‌ای که بتواند نقش بین هویت اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت را مورد ارزیابی قرار دهد، مورد بررسی، تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد. بدین منظور باید اشاره کرد که در سطح روشی این پژوهش، متغیر هویت اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بین و احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار می‌گیرد. همچنین در سطح شهر مشهد به صورت مجزا ابعاد مختلف هویت اجتماعی و یا بحث احساس امنیت و ابعاد آن در بین صنف دبیران کمتر ارزیابی شده است و دبیران به عنوان بخشی از کارگزاران نهاد اجتماعی آموزش و پرورش سهم مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جامعه دارند؛ پس در ارتباط با احساس امنیت، این گروه اجتماعی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند. این قشر از جامعه با توجه به تجربیات و دانش‌های اندوخته‌ای که داشته‌اند، هویت اجتماعی‌شان در ابعاد گوناگون (ملی- تاریخی، انقلابی- سیاسی، دینی، شهری- محله‌ای و خانوادگی) شکل گرفته است و می‌تواند در ارتباط با احساس امنیت (جانی، مالی، فکری، جمعی و اخلاقی) پیوند معنادار داشته باشد؛ پس در این پژوهش سعی می‌شود چنین رابطه‌ای مورد بحث و تفسیر قرار گیرد.

## چارچوب نظری

### هویت اجتماعی

گیدنز<sup>۱</sup> (۱۳۸۸: ۴۷) ضمن قبول تفاوت‌های جدی در نهادهای اجتماعی سنتی و مدرن، از واژه مخاطره استفاده کرده است. وی معتقد است «واژه مخاطره که جای مفهوم بخت یا سرنوشت دوره سنتی را گرفته است، به معنای پیامدهای پیش‌بینی‌نشده فعالیت‌های انسان‌ها بوده و مربوط به چشم‌داشت‌هایی است که می‌توانند برآورده نشده باشند و موجب دلسردی در افراد شوند. در این دوره هویت اجتماعی در پرتو مفاهیم اطمینان، امنیت، اعتماد و مخاطره از خصلتی بازاندیشانه برخوردار می‌شود؛» به عبارت دیگر گیدنز ادعا می‌کند که رفتار انسان همیشه در معرض یک انگیزه پرقدرت ناخودآگاه، یعنی نیاز به تأمین امنیت وجودی است. امنیت وجودی وضعیت ذهنی و راحت و مناسبی است که در آن فرد به فعالیت‌های بدیهی، در محیطی آشنا و به همراه افراد دیگری مشغول است که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند (کوهن، ۱۳۸۳: ۴۲۳).

در همین ارتباط گیدنز (۱۳۸۸: ۵۶) تشخص را همان مفهوم خود که طرفداران مکتب کنش متقابل نمادی برداشت می‌کنند می‌داند. به تعبیر «وی تشخص همان مفهوم خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. تشخص، تداوم فرد در زمان و مکان است». از منظر او هرچه جوامع به سمت تجدد و توسعه‌یافتگی می‌روند و اجتماعات انسانی بزرگ‌تر و با روابط پیچیده‌تر حرکت می‌کنند و نظام‌های مجرد در آن‌ها شکل می‌گیرند، خود و هویت افراد محدودتر می‌شود؛ چراکه مکانیزم‌های حفاظتی افراد ضعیف‌تر می‌شود (همان: ۵۸). می‌توان گفت تجدد، چهارچوب حفاظتی جوامع کوچک سنتی را از جا کنده و آن‌ها را با سازمان‌هایی بزرگ‌تر و غیرشخصی‌تر جانشین کرده است؛ بنابراین در دنیای تجدد، هویت شخصی و اجتماعی، به طرز متباین با ارتباطات شخصی- اجتماعی جوامع سنتی تر مسئله‌زا می‌شود.

گیدنز (۱۳۷۸: ۸۷) معتقد است «در جوامع سنتی فرد معمولاً به شکلی منفعلانه هویت می‌یافت. این انفعال تا حدود زیادی از محدود و اندک بودن منابع هویت‌ساز ناشی می‌شد. در این جوامع عرصه‌های هویت‌ساز چنان توسط نیروهایی مانند سنت، طبیعت، نهادهای دینی و سیاسی و ... اشغال شده بود که فرد نمی‌توانست از حداقل خودمختاری و آزادی عمل برخوردار باشد. این

نیروها هویت و نظام معنایی معینی برای فرد تعریف و عرضه می‌کردند که پذیرش آن از سوی کنش‌گر اجتماعی، تقریباً گریزناپذیر بود؛ ولی فرایند مدرنیته با فضامندکردن زندگی اجتماعی، زمینه‌رهایی فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌سازی را فراهم آورد». با توسعه تجدد و فرایند جهانی‌شدن، در همه جوامع تدریجاً منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال می‌روند و عوامل سازنده هویت اجتماعی غیرسنتی به ظهور می‌کنند. در این حالت کنشگران، به‌دوراز تسلط نهادهای تعیین‌گر ساختاری؛ چون سنت‌ها، مذاهب و عرف‌های رایج در یک فضای اجتماعی تحول‌یافته، دست به تعریف مجدد موقعیت و هویت اجتماعی خویش‌شان در جامعه می‌زنند. تجدد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات افراد تأثیر می‌گذارد. با این وصف تغییرات حاصل از نهادهای امروزی، به‌طور مستقیم با زندگی فردی و با "خود" افراد درمی‌آمیزند. در جامعه مدرن هویت شخصی و اجتماعی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد؛ بلکه نتیجه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد؛ بنابراین برکنده‌شدن ریشه‌های هویت اجتماعی از موقعیت‌های ساختاری، بخشی از دگرگونی‌های کلی‌تر فرهنگی است که به تعبیر کلی، آن را فرایند مدرنیته یا مدرن‌شدن نامیده‌اند (همان: ۹۵).

درنهایت بر اساس نظر گیدنز هویت منبع معنا برای کنشگران است و در ارتباط متقابل با دیگران است که هویت خود را شکل می‌دهد و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد و جرح و تعدیل می‌کند و این هویت، ثابت نیست؛ بلکه دائم سیال است و همواره در حال ایجادشدن و تغییر است. گستره ارتباطات اجتماعی به جهت اهمیتی که در فرایند تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری هویت فردی دارد، موجب تداوم کنش‌های انسانی می‌شود. در همین ارتباط جنکیز (۱۳۹۴: ۴۴) به این اشاره می‌کند که «هویت، شرط ضروری برای حیات اجتماعی، ازجمله امنیت است. عکس آن نیز صادق است. بخشی از هویت فرد در خویش‌تنی به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود؛ و گاه این هویت ضررت دارد که با میزان فراوانی از انتزاع به‌طور اجتماعی ترکیب شود؛ بنابراین هویت، امر جمعی و فردی است که در یک قاب جای می‌گیرد»؛ بنابراین انسان با احساس فقدان هویت و یا احساس داشتن هویت قوی، از یک احساس فقدان امنیت و یا داشتن احساس امنیت بیشتر بهره می‌برد.

## احساس امنیت

با نگاهی به زندگی شهروندان جامعه می‌توان دریافت که امنیت و احساس آن در رضایتمندی و مطلوبیت زندگی افراد نقش مهمی دارد. در این سطح از مطالعات نظری، احساس امنیت با رفاه ذهنی<sup>۱</sup> و اطمینان خاطر<sup>۲</sup> همراه است و به شرایطی اشاره می‌کند که سیستم حفاظتی جامعه در مقابل جرائم و رفتارهای آنومیک از شرایط مؤثر و کارآمدی در زمینه‌های پیشگیری از آن و مقابله مؤثر با آن برخوردار است (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). براین اساس احساس امنیت نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و آتی است (حاجیان، ۱۳۸۴: ۲۸)؛ به عبارت دیگر نوعی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرند یا به مخاطره افتند، است و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع‌بودن اشاره دارد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). درنهایت احساس امنیت با تلفیقی از ابعاد ذهنی، فردی و روانی نسبت به مسائل و موضوعاتی که در زندگی وجود دارد، حاصل می‌شود.

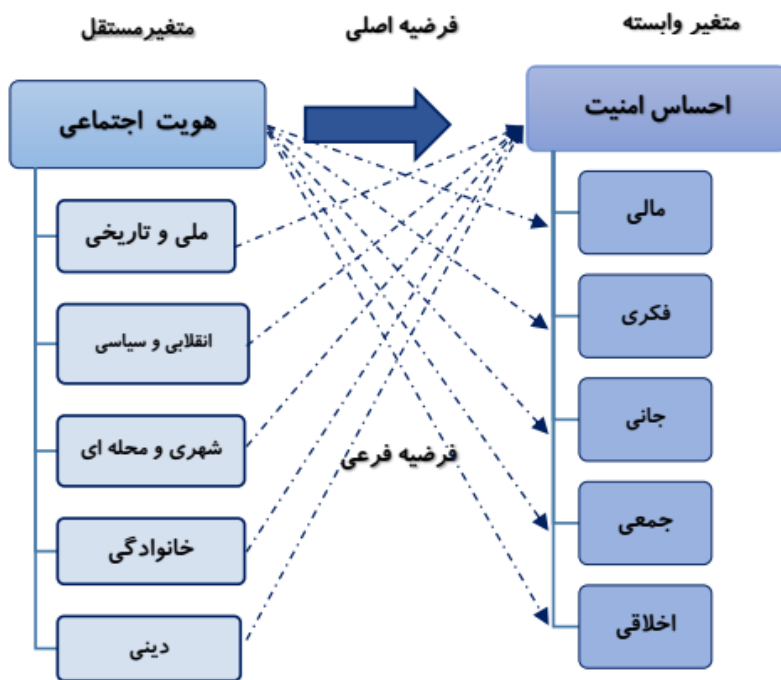
از منظر گیدنز (۱۳۸۸: ۱۱۲) «امنیت وجودی یکی از صور مهم احساس امنیت در معنای وسیع آن است. این اصطلاح به اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر انسان‌ها به تداوم شخصیت هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. به نظر وی امنیت وجودی با هستی در جهان سروکار دارد؛ اما این امنیت نه پدیده‌ای شناختی، بلکه پدیده‌ای عاطفی و ذهنی است که در ناخودآگاه ریشه دارد. سرچشمه‌های چنین امنیتی را باید در برخی تجربه‌های دوران کودکی پیدا کرد»؛ به عبارت دیگر امنیت و احساس آن را می‌توان موقعیتی خواند که در آن، یک‌رشته از خطرهای خاص، به حداقل رسانده می‌شوند و یا با آن‌ها مقابله می‌شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد (یاری و هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۴۲). به معنای دیگر، احساس اطمینان‌پذیری اشخاص و چیزها برای احساس امنیت وجودی نیز اهمیت بنیادی دارد. برای همین است که این دو احساس از جهت روان‌شناختی پیوند نزدیکی با هم دارند (وثنوقی و آرام،



۱۳۸۸: ۱۴۳). گیدنز براین اصل تأکید دارد که در دنیای جدید شرایطی پدیده آمده است که اطمینان‌بخش نیستند و بر وجود امنیت و احساس آن دلالت ندارند؛ بنابراین اعتماد و اطمینانی که از ایمان سرچشمه می‌گیرد و پیوند میان ایمان و اطمینان است، شرط تحقق امنیت و احساس آن خواهد بود و در غیر این صورت نتیجه‌اش اضطراب وجودی دائمی است (ذاکری ماهانه، افشانی و عسگری ندوشن، ۱۳۹۱: ۹۰)؛ به عبارت دیگر نقطه مقابل اطمینان به عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که خلاصه‌اش همان نگرانی یا هراس وجودی است. مباحثی چون روابط اجتماعی، خطرکردن و مخاطره، اضطراب وجودی و ... متغیرهایی هستند که احساس امنیت را با تبیین آن‌ها می‌توان توضیح داد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۵). درنهایت احساس امنیت حاصل اطمینان به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر اساس آن سامان می‌گیرد و بر پایه اطمینان بنیادی در نهاد خانواده شکل می‌گیرد و سپس به دیگران و جامعه تسری پیدا می‌کند. براین اساس گیدنز بیان می‌کند که احساس امنیت در نگرش افراد از ویژگی‌هایی چون: ۱. ذهنی بودن برخوردار است و مهم‌تر از عینی بودن است، ۲. قابلیت تعریف بر اساس بودن بود خطر، ۳. فرایندی است که در طول زمان در جریان است و بر اساس خطر تغییرپذیری، هر لحظه متفاوت است و ۴. این پدیده ضمن اطمینان به شناخت، بُعد هستی‌شناختی فرد را سروسامان می‌دهد و پایه و بنیان وجود آدمی را درمی‌نوردد (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۵).

درنهایت باید به این اشاره کرد که هویت اجتماعی با توجه به ابعادی که در خود شکل داده است، می‌تواند با احساس امنیت مرتبط باشد. در جامعه‌ای که امنیت و احساس آن از سوی اعضای جامعه موردپذیرش و ارتقا قرار می‌گیرد، می‌تواند ناشی از زمانی باشد که ابعاد هویت نظام اجتماعی حاکم بر جامعه مورد تثبیت قرار گرفته است. در جامعه‌ای که هویت با الگوهای کنشی و رفتارهای ملی، تاریخی، خانوادگی، سیاسی، دینی، شهری و محله‌ای عجین شده باشد و به عنوان ارزش‌های نمادین و آداب و رسوم در فرهنگ جامعه رواج یافته باشد، از سوی نظام اجتماعی مورد تقویت و تأکید قرار می‌گیرد. چنین ارتقایی می‌تواند به افزایش احساس امنیت و ابعاد آن منتهی شود؛ درحالی‌که وجود بحران هویت در یک جامعه می‌تواند به ضعف احساس امنیت منتهی گردد. بر این اساس هویت و ابعاد آن بر ارتقا یا کاهش احساس امنیت تقدم دارد؛ به این معنا که شکل‌گیری هویت و ابعاد آن می‌تواند در استقرار، تثبیت و تولید امنیت و احساس آن امری

اجتناب‌ناپذیر باشد و در نتیجه شکل‌گیری هویت در ابعاد مختلف آن، رسالت اعضای جامعه این خواهد بود که به تأمین امنیت و ارتقا احساس آن بپردازند و با پاسداری و حفاظت از ابعاد هویت اجتماعی در بستر نهادهای مختلف جامعه؛ ازجمله خانواده، آموزش و پرورش و ... سعی کنند که جلوی بحران هویت و فقدان احساس امنیت را بگیرند. بر این اساس شناسایی نگرش‌های دبیران در نهاد تعلیم و تربیت و تحلیل یافته‌های این قشر اجتماعی در ارتباط با مفاهیم هویت اجتماعی و احساس امنیت می‌تواند در شکل‌گیری و تقویت مفاهیم مورد مطالعه برای نوجوانانی که در معرض تثبیت هویتی قرار دارند، مؤثر باشد و کنش‌های متقابل این قشر فرهیخته با دانش‌آموزان در جلوگیری از بحران هویت و کمرنگ‌شدن احساس امنیت برای جامعه حال حاضر ما مهم تلقی گردد. لذا مدل مفهومی شکل ۱، به رابطه تحلیلی مفاهیم مورد بحث در این نوشتار می‌پردازد.



شکل ۱) مدل مفهومی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت

با توجه به آنچه در مباحث نظری و تدوین مدل بیان شد فرضیه‌های این پژوهش این‌گونه بیان

می‌شود:

### فرضیه‌های تحقیق

- بین هویت اجتماعی دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت ملی و تاریخی دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت انقلابی و سیاسی دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت شهری و محله‌ای دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت خانوادگی دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت دینی دبیران با احساس امنیت آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بُعد هویت جمعی با ابعاد احساس امنیت دبیران رابطه معناداری وجود دارد
- بین متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن، تحصیلات و تأهل) با هویت اجتماعی و احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی تحقیق

#### الگوی بررسی

در این پژوهش، از روش تحقیق کمی، راهبرد پیمایش (از نوع توصیف و همبستگی) و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. هدف این پژوهش کاربردی، مقطعی و تبیینی بوده است. ضمناً در این پژوهش واحد مشاهده و تحلیل، دبیران نواحی هفت‌گانه مدیریت آموزش و پرورش شهر مشهد بوده است. حجم جامعه مورد مطالعه بر اساس آخرین آمار سرشماری سال ۱۳۹۸، برابر ۲۵۲۶۴ نفر بوده است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۷۴ نفر به دست آمده که مبتنی بر شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای تصادفی و بر اساس طیف لیکرت مبتنی بر بازه دامنه (۱ تا ۵) (خیلی کم تا خیلی زیاد) است و بر اساس پرسشنامه محقق‌ساخته اطلاعات جمع‌آوری شده<sup>۱</sup> و از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نرم‌افزار spss استفاده شده است.

---

۱. بر اساس طیف لیکرت سؤالات پرسشنامه بر مبنای تبدیل مقیاس رتبه‌ای به شبه‌فاصله‌ای در این تحقیق تلاش شده که متغیرها و ابعاد طیف مذکور، در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گیرند.

## تعریف مفاهیم

برای متغیرهای مورد سنجش و شاخص‌های آن، جدول ۱، به اجمال به تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و شاخص‌های اصلی این پژوهش می‌پردازد.

جدول ۱) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

| متغیر      | بُعد | تعریف مفهومی                                                                                                                                  | تعریف عملیاتی                                                    | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------------|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| امنیت مالی | مالی | منظور از امنیت مالی این است که دارایی و اموال افراد تا چه حد در امنیت است و این دارایی‌ها مورد تهدید قرار نمی‌گیرند (صمدی بگه‌جان، ۱۳۸۴: ۷۳). | احساس نگرانی نسبت به معیشت مالی شغل و سرمایه‌گذاری اقتصادی و ... | شما چقدر نگران ازدست‌دادن شغل خود یا اعضای خانواده‌تان هستید؟<br>شما چقدر نگران ازدست‌دادن خانه، ماشین، پول و یا سایر دارایی‌های خود یا خانواده‌تان هستید؟<br>اگر شما یا خانواده‌تان بخواهید در کار یا فعالیتی در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنید، چقدر نگران ازدست‌دادن پول خود هستید؟<br>میزان درآمدی که الان دارم به‌عنوان پشوانه مالی‌ام مناسب است.<br>از خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز هراس دارم.<br>از حمل پول نقد به همراه خودم می‌ترسم.<br>نگرانم بدون اینکه قفل فرمان یا دزدگیر اتومبیل خود را فعال کنم آن را کنار خیابان رها کنم. |

| متغیر / بُعد | تعریف مفهومی                                                                                                                                                                                                                                                                        | تعریف عملیاتی                                         | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|--------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| احساس امنیت  | نداشتن نگرانی در ابراز افکار، نظرات و همچنین عدم پربشانی فکری است (فاروقی، ۱۳۹۱: ۸۶).                                                                                                                                                                                               | احساس نگرانی نسبت به ابراز افکار و عقاید فرد در جامعه | شما در ابراز افکار و عقایدتان (هر نوع فکری) چقدر احساس نگرانی دارید؟<br>به نظر شما در جامعه ما صاحب‌نظران، نویسندگان و ... تا چه حد می‌توانند افکار و نظرات خود را بنویسند، بیان کنند و انتشار دهند؟<br>چقدر آرامش روحی-روانی در خانه و کنار اعضای خانواده دارید؟<br>چقدر نگرانی فکری بابت دغدغه‌هایی مثل تأمین شغل، ازدواج و ... دارید؟<br>چقدر اعتماد و اطمینان به آینده دلخواه دارید؟                                    |
|              | نداشتن نگرانی از آسیب‌دیدن جسم و جان در اثر حوادث و بیماری‌های سخت است. احساس امنیت جانی، احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی‌اش در مقابل با تهدیدات بیرونی (اعم از دولتی، اجتماعی، محیطی و بهداشتی) است که وجود و کیفیت سلامتی‌اش را به خطر می‌اندازند (شریفی دریاز، ۱۳۸۴: ۱۲۷). | احساس نگرانی نسبت به امنیت جانی در زندگی داشتن        | از قدم‌زدن در مسیر خلوت می‌ترسم.<br>شما چقدر نگران آن هستید که خود یا خانواده‌تان در اثر حوادث یا سوانح دچار آسیب‌های جسمی و جانی شوید.<br>شما چقدر نگران آن هستید که خدای نکرده به بیماری‌های سخت مبتلا شوید.<br>از فرستادن فرزندم به مدرسه‌ای که مسیر طولانی دارد نگران هستم.<br>هنگامی که برای خرید یا تفریح می‌روم، هیچ‌گونه نگرانی از بابت مزاحمت دیگران ندارم.<br>از مورد آزار و اذیت و ضرب و شتم قرارگرفتن ترس دارم. |
|              | نوعی ذهنیت نسبت به مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای معنوی که برای فرد درونی و نهادینه شده است و در ابعاد رفتاری از زندگی آن‌ها را رعایت می‌کند. (صالحی امیری و کریمی خوزانی، ۱۳۹۵: ۱۲).                                                                                       | احساس نگرانی نسبت به یکسری از اخلاقیات اجتماعی و شرعی | وجود انصاف و گذشت در جامعه چقدر است؟<br>وجود خیرخواهی و صداقت در جامعه چقدر است؟<br>وجود تلاش و پشتکار برای حل مسائل بین مردم چقدر است؟<br>پیروی از رفتارهای اخلاقی اسلامی در زندگی مردم چقدر نقش اساسی دارد<br>پایبندی به شرعیات و رفتارهای اسلامی در زندگی مردم پررنگ است                                                                                                                                                 |

| متغیر / بُعد | تعریف مفهومی                                                                                                                                                                                         | تعریف عملیاتی                                              | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|--------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱.۱          | به احساس فرد برای گردش و شرکت آزادانه در خیابان‌ها، پارک‌ها و مجالس اشاره دارد؛ به گونه‌ای که از سوی افراد و یا دیگر گروه‌های اجتماعی مورد تهدید و تعرض و سوء استفاده قرار نگیرد (طاهری، ۱۳۸۸: ۲۰۷). | احساس نگرانی نسبت به مشارکت و حضور در اجتماعات مختلف جامعه | اگر شما یا خانواده‌تان بخواهید در تجمعات و اعتراضات شرکت کنید چقدر احساس نگرانی دارید<br>در جامعه ما افراد می‌توانند با هر کس که دوست دارند رفت‌وآمد کنند؟<br>در جامعه ما برپایی هرگونه جلسه و سخنرانی درباره هر موضوعی بدون دلهره و نگرانی امکان‌پذیر است.<br>در جامعه ما اقشار یا گروه‌های شغلی مثل کارگران یا معلمان و ... تا چه حد می‌توانند برای بهبود اوضاع کاری یا گروهی خود تجمعاتی مثلاً در مقابل مجلس و ... تشکیل دهند؟<br>در جامعه ما افراد می‌توانند بدون اینکه مشکلی برایشان پیش بیاید، حزب و گروه سیاسی تشکیل دهند. |

| متغیر / بُعد | تعریف مفهومی                                                                                                                                                                                                                                                  | تعریف عملیاتی                                                      | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|--------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱.۲          | هویت در بُعد سیاسی، در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع و مخاطب قوانین آن کشور هستند، از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند (دلنایی سیج، ۱۳۹۵: ۶۳) | پیروی و حمایت از کنش‌ها و فعالیت‌های نظام سیاسی و انقلابی در جامعه | اگر فرصت داشته باشیم دوست دارم در مراسم‌های راهپیمایی روز قدس و ۲۲ بهمن شرکت کنم<br>تاکنون در انتخابات شرکت کرده‌ام و در آینده هم این کار را خواهیم کرد<br>باید در مقابل زورگویی‌های ابرقدرت‌ها بایستیم هرچند که برای ما هزینه دارد<br>معتقدم برای حمایت از کلیت نظام و تقویت آن باید در مقابل ابرقدرت‌های جهانی تلاش کرد<br>معتقدم باید از مستضعفان و مظلومان مسلمان جهان در برابر مستکبران جهانی حتی اگر تحریم همه‌جانبه هم شویم حمایت کرد |
| ۱.۳          | به معنای احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۱۳)                                                                                                                                                           | میزان احساس و پایبندی نظری و عملی به انجام مراسم‌ها و مناسک مذهبی  | سعی می‌کنم مناسک دینی واجب مانند نماز و روزه را انجام دهم<br>از اینکه دوستی اهل‌البیت را ما ایرانیان در فرهنگ خودداریم احساس مباهات می‌کنم<br>از اینکه در کنار مرقد حضرت رضا زندگی مکنم برای ما مشهدی‌ها بسی افتخار بزرگ است<br>برای دفاع از اعتقادات دینی‌ام حاضرم جانم را فدا نمایم                                                                                                                                                        |

| متغیر / بعد      | تعریف مفهومی                                                                                                                                                                                   | تعریف عملیاتی                                                                              | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| فرآیند هویت‌سازی |                                                                                                                                                                                                |                                                                                            | افزایش گناه در بین مردم می‌تواند در افزایش بلایایی طبیعی مثل سیل - زلزله و... اثر داشته باشد به نظر من علت همه مشکلات ما مردم این هست که به دستورات دینی درست عمل نمی‌کنیم. در شرایط فعلی جامعه نمی‌توان با دستورات دینی جامعه را اداره کرد اگر وقت داشته باشیم در نماز جماعت شرکت می‌کنم.                                                                                                                                                                                                    |
|                  | فرآیندی پویاست که از تعامل میان انسان و محیط شهری و محله‌ای شکل می‌گیرد. در شکل‌گیری این فرآیند سه عنصر اساسی متن، محتوا و احساس تعلق و دل‌بستگی نقش دارند (نوابخش، حاجیانی و بهلول، ۱۳۹۱: ۱۹) | افتخار دانستن زندگی در شهر، مباحثات دانستن لهجه محلی و دل‌بستگی خاطر داشتن به محله‌های شهر | به مشهدی و خراسانی بودنم افتخار می‌کنم برای بهتر زندگی کردن در شهر مشهد حاضرم هر کاری لازم باشد انجام دهم سعی می‌کنم در جمع‌هایی که هستم با لهجه مشهدی صحبت نکنم نام قدیمی کوچه‌ها و محله‌های شهر مشهد دوست دارم افرادی که ارزش‌ها و فرهنگ سنتی مشهد را در حال حاضر انجام می‌دهند افراد محترمی هستند اطلاع دقیق و درستی تاریخی در مورد تغییرات و تحولات شهر مشهد دارم به سکونت در شهر مشهد افتخار می‌کنم افرادی که ارزش‌ها و فرهنگ سنتی مشهد را در حال حاضر انجام می‌دهند افراد محترمی هستند. |

| متغیر / بعد | تعریف مفهومی                                                                                                                                                                                                                         | تعریف عملیاتی                                   | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
|-------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| هویت‌سازی   | هویت ملی و تاریخی برخورداری از یک احساس و آگاهی مشترک در مورد میهن و تاریخ سرزمینی که فرد به آن تعلق دارد؛ وجود احساس مشترک یا شعور جمعی در میان عده‌ای از انسان‌هاست که یک واحد سیاسی، تاریخی یا ملت را می‌سازند (رجایی، ۱۳۸۵: ۵۶). | نوعی حس مشترک افتخارآمیز به میراث و هویت ایرانی | من از هر قومی که باشم اول ایرانی هستم. در هر جایی از دنیا باشم به ایرانی‌بودن خودم افتخار می‌کنم. برای بهترشدن وضعیت ایرانی، هر کاری بتوانم انجام می‌دهم. برای سربلندی ایران حاضرم از آرامش خود بگذرم. توهین به ایران و ایرانی را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنم. اگر کشوری به ایران حمله کند، حاضرم برای دفاع به پا خیزم. علاقه دارم برای زندگی به کشور دیگری بروم. افرادی که ارزش‌های سنتی ایرانی را زنده نگه می‌دارند، برای من محترم هستند. |

| متغیر / بعد   | تعریف مفهومی                                                                                                                                                        | تعریف عملیاتی                                             | گویه                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
|---------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|               |                                                                                                                                                                     |                                                           | حتی اگر به زبان‌های خارجی مسلط هستم، سعی می‌کنم در مکالمات روزمره از واژه‌های خارجی استفاده نکنم.<br>هنگامی که تاریخ ایران را با سایر تاریخ‌های جهان مقایسه می‌کنم، به این تاریخ افتخار می‌کنم.<br>در حال حاضر تمدن ایرانی در برابر دیگر تمدن‌های جهان حرفی برای گفتن ندارد.                    |
| خانواده‌گرایی | منظور خانواده‌هایی است که در یک میدان تعاملی گرم با حریم نسبتاً مشخص به وجود آمده‌اند و اعضا نسبت به آن احساس تعلق و دلبستگی مشترک و تعهد می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۶: ۹۱). | برخورداری از حس خوشایند و افتخارآمیز نسبت به حریم خانواده | هر وقت خوشیاوندانم را می‌بینم احساس خوشایندی به من دست می‌دهد<br>در شرایط حاضر تأکید بر حفظ حرمت خانواده در فرهنگ ایرانی یک ارزش هست<br>می‌توانم در مشکلات و گرفتاری‌های زندگی روی خانواده‌ام حساب بازکنم<br>معاشرت با خوشیاوندان بی‌فایده و وقت‌گیر است<br>به خانواده‌ای که دارم افتخار می‌کنم |

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از روایی صوری (توافق داوران) و روایی هم‌گرا<sup>۱</sup> جهت میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود استفاده شده است و اگر مقدار روایی تحقیق بالاتر از (۰/۵۰) باشد نشان از این است که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار برخوردار است. در این تحقیق از آزمون تحلیل عاملی تاییدی برای اندازه‌گیری روایی و کفایت حجم نمونه هم استفاده شده است که بیانگر این است آیا تعداد عامل‌ها و متغیرهایی که اندازه‌گیری شده‌اند بر اساس تئوری و مدل نظری هست (حبیب-پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). در نرم افزار SPSS برای این آزمون از دستور از آزمون بار تلت (KMO) استفاده می‌شود.

پایایی (قابلیت اعتماد) یک ابزار اندازه‌گیری، از طریق مقدار آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> نشان داده می‌شود. چنانچه این مقدار بیش از (۰/۷۰) باشد، می‌توان بیان کرد که ابزار دارای دقت بالایی است (همان: ۳۵۹). در مجموع آلفای کرونباخ ۶۵ سؤال پرسشنامه برابر با (۰/۸۹۷) و برای روایی همگرا برابر

1. Convergent validity  
2. Cronbach s Alfa



با (۰/۶۰۱) به دست آمده است؛ بر این اساس مقدار آلفای هویت اجتماعی برابر (۰/۸۹۰) و برای احساس امنیت برابر (۰/۷۹۷) به دست آمده که این مقادیر نشانگر این است که از قابلیت اعتماد برخوردار است و مقادیر روایی همگرای متغیر هویت اجتماعی (۰/۵۴۰) و احساس امنیت (۰/۶۶۲) نشان از این است که ابعاد متغیرهای تحقیق از قابلیت اعتبار برخوردار هستند. جدول ۲، به تفکیک مقادیر پایایی و روایی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۲) ضریب پایایی و روایی متغیرهای مستقل و وابسته

| متغیر/ بُعد                                                                                    | گویه‌ها | آلفای کرونباخ | روایی همگرا | کفایت حجم نمونه و تحلیل عاملی تاییدی |              |            |              | مقدار واریانس تبیین یافته |
|------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|---------------|-------------|--------------------------------------|--------------|------------|--------------|---------------------------|
|                                                                                                |         |               |             | KMO                                  | آزمون بارتلت | درجه آزادی | سطح معناداری |                           |
| ملی و تاریخی<br>انقلابی و<br>سیاسی<br>دینی<br>شهری و<br>محله‌ای<br>خانوادگی<br>هویت<br>اجتماعی | ۱۱      | ۰/۷۰۲         | ۰/۴۹۰       | ۰/۷۳۵                                | ۳۳۵۱/۴۵۴     | ۳۵۷        | ۰/۰۰۰        | ۶۹/۸۲۵                    |
|                                                                                                | ۵       | ۰/۸۰۶         | ۰/۴۳۱       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۸       | ۰/۷۶۶         | ۰/۵۷۲       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۸       | ۰/۷۹۱         | ۰/۵۴۹       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۵       | ۰/۷۰۰         | ۰/۶۹۰       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۳۷      | ۰/۸۹۰         | ۰/۵۴۰       |                                      |              |            |              |                           |
| مالی<br>جانی<br>فکری<br>جمعی<br>اخلاقی<br>احساس<br>امنیت                                       | ۷       | ۰/۶۹۰         | ۰/۶۵۶       | ۰/۷۷۱                                | ۳۴۵۹/۳۰۸     | ۳۷۸        | ۰/۰۰۰        | ۶۰/۶۶۷                    |
|                                                                                                | ۶       | ۰/۷۴۷         | ۰/۶۶۱       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۵       | ۰/۷۸۶         | ۰/۶۶۷       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۵       | ۰/۷۷۵         | ۰/۸۱۵       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۵       | ۰/۷۸۶         | ۰/۶۴۲       |                                      |              |            |              |                           |
|                                                                                                | ۲۸      | ۰/۷۹۷         | ۰/۶۶۲       |                                      |              |            |              |                           |

با توجه به نتایج جدول ۲، مقادیر آزمون KMO بین دامنه صفر تا یک قرار دارد. اگر مقدار شاخص نزدیک به یک باشد، داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند. برای متغیرهای تحقیق چون مقادیر بالای ۰/۶۰ است اجرای تحلیل عاملی مانعی ندارد. در نهایت برای متغیر احساس امنیت مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۷۷۱ به دست آمده و نتیجه آزمون بارتلت برابر با ۳۴۵۹/۳۰۸ در سطح خطای ۰/۰۰۰ به دست آمده است که بیانگر این است که ۸ گویه از

۲۸ گویه احساس امنیت توانسته‌اند در این تحقیق در حدود ۶۰/۶۶۷٪ از کل مقدار واریانس مرتبط با احساس امنیت را تبیین کنند. برای متغیر هویت اجتماعی مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۷۳۵ به دست آمده است. همچنین مقدار آزمون بارتلت برابر با ۳۳۵۱/۴۵۴ در سطح خطای ۰/۰۰۰ به دست آمده است. در نهایت باید بیان کرد که ۱۱ گویه از ۳۷ گویه هویت اجتماعی توانسته‌اند در این تحقیق در حدود ۶۹/۸۲۵ درصد از کل مقدار واریانس با متغیر هویت اجتماعی را تبیین کنند.

### ارائه یافته‌ها

در این تحقیق متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه؛ همچون جنسیت، گروه سنی، وضعیت ازدواج، وضعیت تحصیلی، سابقه تدریس و میزان درآمد ماهیانه، به عنوان مؤلفه‌های متغیر زمینه‌ای در نظر گرفته شده‌اند که نتایج آن در جدول ۳، قابل مشاهده است.

با توجه به نتایج زیر پاسخگویان مرد به نسبت زن در این تحقیق بیشتر بوده است. پاسخگویان با تحصیلات دوره کارشناسی به نسبت دیگر گروه‌های تحصیلی بیشتر بوده‌اند. نزدیک به ۸۰٪ پاسخگویان متأهل بوده‌اند. گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بیشترین فراوانی را در این تحقیق داشته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان بالاتر از ۲۰ سال خدمت در آموزش و پرورش دارند و در حدود ۷۰٪ از پاسخگویان درآمدی بین ۳ تا ۵/۵ میلیون تومان در ماه دارند.

جدول ۳) توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی

| متغیر/ بُعد  | نوع            | فراوانی | درصد |
|--------------|----------------|---------|------|
| جنسیت        | مرد            | ۲۱۵     | ۵۷/۵ |
|              | زن             | ۱۵۹     | ۴۲/۵ |
| وضعیت تحصیلی | دیپلم          | ۱۹      | ۵/۱  |
|              | لیسانس         | ۲۴۵     | ۶۵/۵ |
|              | فوق لیسانس     | ۶۵      | ۲۶/۲ |
|              | دکتری          | ۱۲      | ۳/۲  |
| وضعیت ازدواج | مجرد           | ۷۹      | ۲۱/۱ |
|              | متأهل          | ۲۹۵     | ۷۸/۹ |
| گروه سنی     | کمتر از ۳۰ سال | ۳۹      | ۶/۳  |
|              | ۳۰ تا ۴۰ سال   | ۴۰۱     | ۶۴/۸ |
|              | ۴۰ تا ۵۰ سال   | ۱۶۷     | ۲۷   |

| متغیر/ بُعد | نوع                    | فراوانی | درصد |
|-------------|------------------------|---------|------|
| سابقه تدریس | ۵۰ سال به بالا         | ۱۱      | ۱۷/۷ |
|             | کمتر از ۱۰ سال         | ۷۵      | ۲۰/۱ |
|             | ۱۰ تا ۲۰ سال           | ۱۰۱     | ۲۷   |
|             | بالتر از ۲۰ سال        | ۱۹۸     | ۵۲/۹ |
| درآمد       | کمتر از ۳ میلیون تومان | ۷۳      | ۱۹/۵ |
|             | ۳ تا ۵/۵ میلیون تومان  | ۲۶۱     | ۶۹/۸ |
|             | ۵/۵ تا ۷ میلیون تومان  | ۴۰      | ۱۰/۷ |

در ادامه بحث، نتایج توزیع آماره متغیرها و ابعاد تحقیق در جدول ۴ نشان داده می‌شود.

جدول ۴) توزیع آماری بر حسب متغیرها و ابعاد تحقیق

| ابعاد        | میانگین | انحراف معیار | ابعاد          | میانگین | انحراف معیار |
|--------------|---------|--------------|----------------|---------|--------------|
| ملی- تاریخی  | ۳/۰۳    | ۰/۵۱۰۲۲      | انقلابی- سیاسی | ۲/۴۶    | ۰/۹۲۱۷۵      |
| دینی         | ۲/۸۹    | ۰/۶۲۱۳۷      | شهری- محله‌ای  | ۲/۷۱۶   | ۰/۶۹۶۹۹      |
| خانوادگی     | ۳/۴۱    | ۰/۵۹۵۴۱      | هویت اجتماعی   | ۲/۹۰    | ۰/۵۰۱۶۶      |
| ابعاد        | میانگین | انحراف معیار | ابعاد          | میانگین | انحراف معیار |
| امنیت مالی   | ۲/۹۱    | ۰/۷۱۷۹۹      | امنیت جانی     | ۳/۱۵    | ۰/۷۰۵۹۱      |
| امنیت اخلاقی | ۳/۰۸    | ۰/۷۰۵۷۲      | امنیت جمعی     | ۲/۲۳    | ۰/۸۵۱۱۱      |
| امنیت فکری   | ۲/۲۳    | ۰/۸۵۱۱۱      | احساس امنیت    | ۲/۹۰    | ۰/۴۶۵۱۸      |

همان‌طور که از نتایج جدول هویداست، بر اساس طیف لیکرت که متوسط میانگین برابر با ۲/۵ است این مقادیر در بین متغیرهای مورد سنجش کمی بالاتر از حد متوسط است. در بین وضعیت میانگین متغیر هویت اجتماعی بُعد هویت خانوادگی بیشترین اهمیت و بُعد هویت انقلابی و سیاسی کمترین اهمیت را داشته‌اند. در بین ابعاد متغیر احساس امنیت، برای پاسخگویان میانگین بُعد جانی بیشترین اهمیت و بُعد امنیت جمعی و فکری کمترین میانگین را داشته‌اند که مقادیر میانگین این دو بُعد از حد متوسط طیف لیکرت که برابر با ۲/۵ است، کمتر است.

## جدول ۵) فروانی و آزمون مقایسه میانگین متغیر هویت اجتماعی در

بین دو گروه جنسیت جامعه مورد مطالعه

| متغیرهای تحقیق | آزمون لون |            |                 | آزمون برای میانگین‌ها |                          |                  |
|----------------|-----------|------------|-----------------|-----------------------|--------------------------|------------------|
|                | F آزمون   | Sig        | t               | df                    | معناداری Sig. (2-tailed) | تفاوت میانگین‌ها |
| هویت اجتماعی   | ۰/۰۰۲     | ۰/۹۶۳      | ۳/۵۳۲           | ۳۷۲                   | ۰/۰۰۰                    | ۰/۱۸۲۵۴          |
|                |           |            | ۳/۵۳۲           | ۳۴۰/۹۶۲               | ۰/۰۰۰                    | ۰/۱۸۲۵۴          |
| جنسیت          | مرد       | تعداد: ۲۱۵ | میانگین: ۲/۹۸۶۰ |                       | انحراف معیار: ۰/۴۹۴۲۵    |                  |
|                | زن        | تعداد: ۱۵۹ | میانگین: ۲/۸۰۳۵ |                       | انحراف معیار: ۰/۴۹۳۹۵    |                  |

با توجه به سطح معناداری آزمون لون در مقادیر آزمون F (۰/۰۰۲) برای هویت اجتماعی به‌دست آمده است. سطح خطای (Sig) برابر با (۰/۹۶۳) که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است فرض عدم برابری واریانس‌ها برای دو گروه زن و مرد پذیرفته می‌شود و از سطح دوم برای تفسیر نتایج بهره برده می‌شود. بر این اساس نتیجه آزمون t (۳/۵۳۲) گویای آن است که میانگین دو گروه مرد (۲/۹۸۶۰) و زن (۲/۸۰۳۵) جامعه مورد مطالعه تأیید می‌شود و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵٪ در میانگین بهره‌مندی از هویت اجتماعی و ابعاد آن تفاوت دارند؛ به معنای دیگر برای مردان و زنان جامعه مورد مطالعه این تحقیق در هویت اجتماعی و ابعاد آن متفاوت است.

همچنین باید اشاره کرد که این تفاوت معناداری بین جنسیت پاسخگویان و احساس امنیت و وضعیت تأهل پاسخگویان با متغیرهای تحقیق مشاهده نمی‌شود و برای دبیران مرد و زن متأهل و مجرد هیچ‌گونه تفاوت مقایسه‌ای برای متغیرهای هویت اجتماعی و احساس امنیت مشاهده نمی‌شود و برابر است.

## جدول ۶) آزمون تحلیل واریانس متغیر گروه سنی با احساس امنیت و هویت اجتماعی

| گروه سنی     | منبع تغییر | جمع مربعات | درجه آزادی df | میانگین مربعات | F     | سطح معناداری (Sig) | تأیید/رد       |
|--------------|------------|------------|---------------|----------------|-------|--------------------|----------------|
| احساس امنیت  | بین گروهی  | ۱/۱۲۲      | ۳             | ۰/۳۷۴          | ۱/۷۳۹ | ۰/۱۵۹              | تأیید نمی‌شود. |
|              | درون گروهی | ۷۹/۵۹۲     | ۳۷۰           | ۰/۲۱۵          |       |                    |                |
|              | کل         | ۸۰/۷۱۴     | ۳۷۳           | -              |       |                    |                |
| هویت اجتماعی | بین گروهی  | ۱/۳۸۹      | ۳             | ۰/۴۶۳          | ۱/۸۵۲ | ۰/۱۳۷              | تأیید نمی‌شود. |
|              | درون گروهی | ۹۲/۴۸۳     | ۳۷۰           | ۰/۲۵۰          |       |                    |                |
|              | کل         | ۹۳/۸۷۲     | ۳۷۳           | -              |       |                    |                |

با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص است که بر اساس مقدار آزمون F چون سطح معناداری برای متغیرهای مورد پژوهش (احساس امنیت و هویت اجتماعی) بزرگ‌تر از مقدار ۰/۰۵ است، فرض تفاوت میانگین‌ها گروه‌های سنی تأیید نمی‌شود. بر این اساس از منظر گروه‌های سنی، متغیرهای مورد تحقیق به همراه ابعاد آن معنی‌دار نبوده است و نشان از این است که برای همه گروه‌های سنی، این دو متغیر همراه با ابعادش در زندگی اجتماعی می‌تواند اهمیت داشته باشد؛ در نتیجه پاسداری و نگهداشت این دو متغیر در راستای نظم اجتماعی و ساختار فرهنگی جامعه از طرق مختلف و قانونی حائز اهمیت است.

در همین ارتباط باید اشاره کرد که نتایج بررسی آزمون تحلیل واریانس انجام‌یافته بین گروه تحصیلی با متغیرهای مورد پژوهش نشان از این داشته است که مقادیر آزمون F در متغیر هویت اجتماعی سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ به‌دست‌آمده است و این بیانگر این بوده است که در بین گروه‌های تحصیلی متغیر هویت اجتماعی برای پاسخگویان مقطع کارشناسی به نسبت سایر گروه‌های تحصیلی حائز اهمیت است؛ درحالی‌که این تفاوت بین گروه‌های تحصیلی و احساس امنیت مشاهده نمی‌شود و چون مقادیر آزمون F در این متغیر و سطح معناداری آن بالاتر از ۰/۰۵ است؛ پس تفاوتی بین گروه‌های تحصیلی با متغیر احساس امنیت مشاهده نمی‌شود. با توجه به فرضیه‌های مطرح‌شده، جدول ۷، به بررسی این آزمون استنباطی می‌پردازد.

جدول ۷) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی و فرعی تحقیق

| متغیر و ابعاد مستقل | متغیر و ابعاد وابسته | ضریب همبستگی | شدت رابطه | سطح معناداری |
|---------------------|----------------------|--------------|-----------|--------------|
| هویت ملی- تاریخی    | احساس امنیت          | ۰/۴۷۲        | متوسط     | ۰/۰۰۰        |
| هویت انقلابی- سیاسی |                      | ۰/۳۵۸        | کم        | ۰/۰۰۰        |
| هویت دینی           |                      | ۰/۳۵۱        | کم        | ۰/۰۰۰        |
| هویت شهری- محله‌ای  |                      | ۰/۳۴۲        | کم        | ۰/۰۰۰        |
| هویت خانوادگی       |                      | ۰/۴۵۴        | متوسط     | ۰/۰۰۰        |
| هویت اجتماعی        |                      | ۰/۴۱۸        | متوسط     | ۰/۰۰۰        |
| هویت اجتماعی        | امنیت مالی           | ۰/۳۳۲        | کم        | ۰/۰۰۰        |
|                     | امنیت جانی           | ۰/۳۹۷        | کم        | ۰/۰۰۰        |
|                     | امنیت فکری           | ۰/۴۲۰        | متوسط     | ۰/۰۰۰        |
|                     | امنیت اخلاقی         | ۰/۳۱۶        | کم        | ۰/۰۰۰        |
|                     | امنیت جمعی           | ۰/۴۲۵        | متوسط     | ۰/۰۰۰        |

جدول فوق ضریب همبستگی رابطه میان متغیرهای اصلی و فرعی را مبتنی بر آزمون پیرسون نشان می‌دهد. در کلیه موارد فرضیه‌های تحقیق با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ رابطه معناداری داشته‌اند. مطابق جدول ۷، دامنه همبستگی ابعاد هویت تاریخی- ملی و خانوادگی و متغیر هویت اجتماعی با متغیر وابسته احساس امنیت از شدت رابطه (۰/۴۰ تا ۰/۶۰) نسبتاً متوسط برخوردار بوده است و شدت رابطه ابعاد هویت انقلابی- سیاسی، دینی، شهری- محله‌ای با متغیر وابسته پژوهش در حد کم (۰/۲۰ تا ۰/۴۰) برخوردار بوده است. شدت رابطه هویت اجتماعی با ابعاد احساس امنیت چون فکری و جمعی در حد متوسط و با ابعاد جانی- مالی و اخلاقی کم بوده است. در نهایت شدت رابطه بین متغیرهای مورد تحقیق، متوسط رو به پایین بوده است و بیانگر این است که هویت اجتماعی از پیوند تأثیرگذاری متوسط بر احساس امنیت از منظر دبیران در شهر مشهد برخوردار بوده است.

جدول ۸) رگرسیون خطی چندمتغیره ابعاد متغیر مستقل با متغیر وابسته

| متغیرهای مستقل           |                                        | ضرایب معیار نشده                                                    |                                          | T       | سطح معناداری       |                                  |
|--------------------------|----------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|------------------------------------------|---------|--------------------|----------------------------------|
|                          |                                        | Beta                                                                | خطای معیار                               |         |                    |                                  |
| مقدار ثابت               |                                        | ۱/۴۸۸                                                               | ۰/۱۴۳                                    | -       | ۱۰/۴۲۵             |                                  |
| هویت ملی- تاریخی         |                                        | ۰/۲۹۰                                                               | ۰/۰۶۰                                    | ۰/۳۱۸   | ۴/۸۳۱              |                                  |
| هویت انقلابی و سیاسی     |                                        | ۰/۰۱۶                                                               | ۰/۰۳۲                                    | ۰/۰۳۱   | ۲/۴۹۳              |                                  |
| هویت دینی                |                                        | ۰/۱۹۸                                                               | ۰/۰۴۷                                    | ۰/۲۶۴   | ۴/۲۳۵              |                                  |
| هویت شهری و محله‌ای      |                                        | ۰/۱۶۰                                                               | ۰/۰۳۷                                    | ۰/۲۴۰   | ۴/۳۰۴              |                                  |
| هویت خانوادگی            |                                        | ۰/۱۸۸                                                               | ۰/۰۴۶                                    | ۰/۲۴۰   | ۴/۰۵۱              |                                  |
| ضریب همبستگی چندگانه (R) | ضریب تعیین (R <sup>2</sup> ) (Rsquare) | ضریب تعیین تعدیل (R <sup>2</sup> <sub>adj</sub> ) Adjusted R Square | خطای استاندارد شده Std. Error of Esimate | آماره F | سطح معناداری (Sig) | آزمون دوربین واتسون <sup>۱</sup> |
| ۰/۵۵۰                    | ۰/۳۰۲                                  | ۰/۳۹۳                                                               | ۰/۳۹۱۲۴                                  | ۳۱/۸۵۹  | ...                | ۱/۷۴۴                            |

نتایج جدول ۸، حاکی از آن است که ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده که شامل ضرایب برآورد مدل رگرسیونی است این گونه به دست می‌آید:

۱. آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ است. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد، نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد، نشان‌دهنده همبستگی منفی است. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، جای نگرانی نیست.

$0/692 = (0/0 + 290/0 + 016/0 + 198/0 + 160/188)$  = هویت اجتماعی ضرایب معیار شده (Beta) سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد که به ترتیب در این مدل ابعاد هویت ملی- تاریخی، دینی، شهری- محله‌ای و خانوادگی، نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد در این ابعاد باعث تغییر در متغیر وابسته می‌شود. ضمناً در این مدل رگرسیونی هویت انقلابی- سیاسی با احساس امنیت معنادار نبوده است. با توجه به این مدل رگرسیونی برای ابعاد هویت ملی- تاریخی، دینی، شهری- محله‌ای و خانوادگی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معناداری وجود دارد که این ابعاد بر احساس امنیت از منظر دبیران اثرگذار است.

مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۵۵۰ به دست آمده است که نشان می‌دهد بین مجموعه ابعاد متغیر مستقل با وابسته، رابطه همبستگی در حد متوسط در زمان اجرای پژوهش بوده است. مقدار ضریب تعیین ( $R^2$ ) برابر با ۰/۳۰۲ است که این مقدار به ضریب ۱ نزدیک است و نتیجه حاصله نشان از این دارد که متغیرهای مستقل توانسته‌اند تا حد متوسط رو به پایین از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۹۳ است که بیانگر این است که ابعاد هویت اجتماعی توانسته‌اند در حدود ۳۹/۳٪ از تغییرات متغیر وابسته (احساس امنیت) را تبیین کنند. مقدار آماره  $F(31/859)$  که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است که می‌توان نتیجه گرفت مدل رگرسیونی پژوهش مرکب از مؤلفه‌های متغیر مستقل از قدرت متوسطی برای تبیین برخوردار بوده‌اند و قادرند در حد متوسط میزان تغییرات و واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین باید بیان کرد که با توجه به اینکه آماره دوربین واتسون بین ۰ تا ۴ هست. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی هست. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای نگرانی نیست (حبیبی، ۱۳۹۷) بر این اساس چون مقدار آزمون مذکور در این تحقیق برابر با (۱/۷۷۴) به دست آمده است؛ بنابراین مفهوم مستقل بودن متغیر این پژوهش اثبات شده و به این معنی است که نتایج مشاهده، تأثیری بر دیگر مشاهدات نداشته است.

## نتیجه‌گیری

بهره‌مندی از امنیت و احساس امنیت برای هر جامعه‌ای لازمه بقاست. شهروندان نمی‌توانند بدون آن، نقش‌های خود را در جامعه درست ایفا کنند. در نبود امنیت، ترس و بی‌اعتمادی بر افراد و عملکردهایشان غلبه می‌کند و جامعه را پرمخاطره می‌کند. حال برای بهره‌مندی از جامعه امن و سالم باید به نقش هویت اجتماعی در ارتباط با احساس امنیت اشاره کرد؛ چراکه بهره‌مندی از هویت اجتماعی منسجم و قوی در ابعاد مختلف زندگی می‌تواند در ارتباط با امنیت و ابعاد آن مؤثر باشد. درواقع فرد وقتی خود را به یک "ما"ی جمعی متعلق بداند و در سطوح مختلف این "ما"ی جمعی حضوری مؤثر و فعال داشته باشد، به ایفای رفتارهای مطلوبی می‌پردازد که منطبق و منسجم با هویت اجتماعی است؛ درنتیجه می‌تواند احساس امنیت را در لایه‌های مختلف ارتقا دهد.

در پژوهش حاضر هدف تبیین و تحلیل همبستگی رابطه بین هویت اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت بوده است. با توجه به راهبرد پیمایش ناشی از روش کمی و با تکیه بر ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته، یافته‌های پژوهش در بین دبیران دوره متوسطه دوم شهر مشهد در نواحی هفت‌گانه آموزش و پرورش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی جمع‌آوری شده است. نتایج آمار توصیفی حاکی از آن است که هویت اجتماعی و احساس امنیت به‌عنوان دو متغیر اصلی این پژوهش در بین پاسخگویان از میانگین متوسط به بالا برخوردار بوده‌اند. هویت خانوادگی، ملی-تاریخی، دینی، شهری-محله‌ای و انقلابی و سیاسی به ترتیب برای دبیران جامعه مورد سنجش حائز اهمیت بوده است. در همین ارتباط، ابعاد احساس امنیت جانی، اخلاقی، مالی از وضعیت میانگین کم متوسط روبه بالا در بین پاسخگویان برخوردار بوده و وضعیت میانگین امنیت فکری و جمعی، کمتر از حد متوسط به‌دست‌آمده است.

در سطح نتایج تحلیل متغیرهای زمینه‌ای با متغیرهای تحقیق هویت اجتماعی با جنسیت پاسخگویان رابطه معناداری داشته است و برای دبیران مرد به نسبت زنان جامعه مورد مطالعه، هویت اجتماعی بیشتر حائز اهمیت بوده است؛ درحالی‌که وضعیت مقایسه‌ای متغیر وابسته احساس امنیت با جنسیت پاسخگویان متفاوت نبوده است. درنهایت متغیرهای زمینه‌ای مورد بحث در این تحقیق با متغیرهای اصلی پژوهش رابطه مقایسه‌ای نداشته‌اند.



نتایج استنباطی حاکی از آن است که هویت اجتماعی و ابعاد آن به‌عنوان متغیری اثرگذار بر متغیر وابسته با شدت رابطه متوسط کم حاصل شده است. این نتیجه معناداری فارغ از شدت رابطه، با یافته‌های حمیدی‌پور و رجبی (۱۳۹۷)، نادری و قاسمی پیربلوطی (۱۳۹۳)، مستوفی (۱۳۹۲)، شایگان و رستمی (۱۳۹۰) و نویدنیا (۱۳۸۵) مطابقت داشته است و در بین ابعاد هویت اجتماعی، بُعد هویت ملی و تاریخی بیشترین ارتباط معنادار را در حد متوسط با متغیر احساس امنیت داشته است که با یافته‌های رجبلو، کمالی و رازکردانی شراهی (۱۳۹۴) و رستگار و ربانی خوراسگانی (۱۳۹۲) تشابه داشته است.

در ادامه نتایج استنباطی باید اشاره کرد که مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با  $0/393$  به‌دست آمده که بیانگر نزدیک به  $39\%$  از کل تغییرات، احساس امنیت را تحت تأثیر قرار داده است. در سطح تحلیل خرد باید اشاره کرد که هویت اجتماعی به‌عنوان یک پیش‌نیاز در راستای احساس امنیت لازم به نظر می‌رسد؛ بنابراین وجود هرگونه فقدان بی‌هویتی در ابعاد مختلف جامعه می‌تواند امنیت زندگی شهروندان را به خطر اندازد و زندگی افراد جامعه را پرمخاطره کند؛ پس متناسب با نظریه گیدنز باید اشاره کرد چنانچه هویت اجتماعی و ابعاد آن در بین دبیران به‌عنوان قشر اجتماعی اثرگذار تقویت شود و تعاملات اجتماعی این گروه صنفی با دانش‌آموزان در راستای آموزه های هویت اجتماعی بیشتر شود دانش‌آموزان احساس امنیت بیشتری در جامعه خواهند کرد.

این گروه صنفی به دلیل اینکه بیشتر با جامعه تعامل دارند و از شناخت و آگاهی بیشتری برخوردارند، می‌توانند هویت اجتماعی بالایی نیز در جامعه داشته باشند و از ورود به جامعه کمتر احساس نگرانی کنند؛ بنابراین می‌توانند احساس امنیت بیشتری داشته باشند؛ درحالی‌که اگر هویت اجتماعی و ابعاد آن در بین اقشار مختلف جامعه، ازجمله دبیران تقویت نشود، گوشه‌نشینی و انزوای فردی و اجتماعی بر ساختار زندگی حاکم می‌شود و همین امر سبب می‌شود ترس از حضور در جامعه شکل بگیرد و عدم شناخت از جامعه را با خود به وجود آورد و این احتمال می‌رود که در مقابل مشکلات و خطرات جامعه، شهروندان ازجمله دبیران احساس ناتوانی کنند و کمتر احساس امنیت نمایند.

ز منظری دیگر با توجه به نظریه‌های مرتبط با متغیرهای مورد بحث، بر اساس دیدگاه گیدنز باید به این نکته اشاره کرد که رابطه معناداری که بین متغیرهای تحقیق به‌دست آمده است، بیانگر این است که هویت انسان ناشی از کنش‌های متقابلی که با دیگران دارد در جریان زندگی پیوسته تغییر و جرح و تعدیل می‌گردد و باعث می‌شود رابطه معناداری با احساس امنیت به وجود آید. با تأیید روابط آماری که در قسمت یافته‌های این نوشتار، بین متغیرها حاصل شده است، نظریه گیدنز نیز رابطه بین هویت و امنیت را تأیید می‌کند؛ به معنای دیگر گیدنز در اندیشه‌های خود اصطلاحی به نام نظام امنیت هستی‌شناختی دارد که نوعی نیروی اساسی در اغلب کنش‌هاست. این نیرو به‌صورت ظرفیتی پراکنده و موتور حرکت بخش کنش‌ها بین انسان‌هاست؛ بنابراین انسان در زندگی نیاز به میل امنیت هستی‌شناختی دارد؛ زیرا از طریق این میل، میزان نگرانی خود در روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد، این میل به‌صورت فرایندی ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی شکل می‌گیرد و منشأ کنش می‌شود؛ به همین دلیل سیال و پویاست/ وجود این ظرفیت بالقوه و بالفعل به بقای گروه‌های اجتماعی توجه می‌کند و مرتبط با اشتراک اعضا در اندیشه، احساس و اعمال کلیت یکپارچه‌ای را به نام "مای" جمعی تشکیل می‌دهد که می‌توان به‌عنوان هویت از آن یاد کرد.

با توجه به نتایج بتای رگرسیون در این پژوهش که به تأثیر هویت اجتماعی بر احساس امنیت معطوف بوده است، نتایج حاکی از این است که ابعاد (ملی - تاریخی، دینی، خانوادگی، شهری - محله‌ای) به ترتیب می‌توانند بر افزایش احساس امنیت اثر بگذارند. بسترسازی هویت اجتماعی در زندگی باعث می‌شود که اضطراب و استرس افراد کمتر شود. همچنین اطمینان و اعتماد به نفس افزایش یابد. فرد می‌تواند استعدادها و ظرفیت‌های خود را پیگیری کند؛ بنابراین هویت اجتماعی و ابعاد آن در سطح خرد موجب موفقیت و پیشرفت زندگی فردی می‌شود و درنهایت با تجمیع این موفقیت‌ها در سطح اجتماعی و دیدگاه کل گرایانه جامعه به سمت توسعه پایدار سوق می‌یابد. در پایان باید گفت هویت اجتماعی به سه دسته معنا و مفهوم دلالت می‌کند؛ نخست به معنای همانندی، هماهنگی و یکسانی شخصیت اجتماعی یا فراخور فرد که با بخش ذهنی و پندارهای مقوم گروهی هم‌معناست. دوم به معنای آگاهی و اعتقاد فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین که برای فرد عضویت در این گروه بالارزش است و اهمیت عاطفی دارد. سوم، به معنای پیدایی تعهد و

احساس مسئولیت برای ایفای وظایف محول در کلیه ساختارهای اجتماعی است که متناسب با نقش اجتماعی فرد است. توجه به این معانی از هویت اجتماعی نشانگر این است که برای تقویت پدیده‌های اجتماعی؛ از جمله احساس امنیت در جامعه و تحکیم بنیان‌های اجتماعی توجه به برنامه‌ریزی‌های اجتماعی- فرهنگی امری الزامی است و نادیده گرفتن چنین برنامه‌ریزی‌ای به پایین آمدن وفاق جمعی، همبستگی اجتماعی و کاهش احساس امنیت و ... منجر خواهد شد.

با توجه به چنین ضرورتی که در سطور قبل بحث و بررسی شد، پیشنهادهای ذیر مطرح می‌شود:

- سعی شود پژوهش‌هایی با چنین موضوعی در دیگر گروه‌های شغلی و صنفی انجام شود تا بتوان به مقایسه نتایج این موضوع در سطوح مختلف پرداخت.
- نسبت به تقویت روح خودباوری و اتکای به هویت، فرهنگ و ملیت ایرانی اقدامات شایسته‌ای به‌وسیله آموزش و پرورش، برای دبیران صورت گیرد.
- نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان کارگزار اجتماعی سعی کند سطح تحصیلات دبیران خود را ارتقا دهد و آگاهی‌های سیاسی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی این قشر را بالا ببرد.
- در راستای همکاری بین سازمانی میان نهادهای اجتماعی آموزش و پرورش و پلیس در جهت تقویت هویت اجتماعی منتهی به افزایش احساس امنیت، برنامه‌های متعدد و مختلفی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی می‌توان در سطح جامعه اجرا کرد.

## منابع

- بیات، بهرام (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی احساس/امنیت*. تهران: امیرکبیر.
- جنکیز، ریچارد (۱۳۹۴). *هویت/اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- جی‌دان، رابرت (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست‌مدرنیسم و هویت بحران*. ترجمه صالح نجفی. تهران: پردیس دانش.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴). "چارچوب روش‌شناختی برای بررسی احساس امنیت". *مطالعات امنیت/اجتماعی*، سال اول، ش ۲-۳ (تابستان): ۲۵-۴۰.
- حبیب‌پور گتایی، کرم؛ صفری‌شالی، رضا (۱۳۹۰). *راهنمای جامع کاربردی SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: لویه؛ متفکران.
- حبیبی، آرش (۱۳۹۷). "آموزش کامل SPSS و راهنمای تصویری نرم‌افزار SPSS". [پیوسته] قابل دسترس در:  
<https://parsmodir.com/db/spss.php> [۱۴۰۰/۰۹/۱۰]
- حمیدی‌پور، رحیم؛ رجبی، فاطمه (۱۳۹۷). "پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت". *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش ۱ (بهار): ۹۷-۱۱۱.
- دانایی سیج، مجید (۱۳۹۵). *گزارش طرح پژوهشی بررسی هویت و ابعاد آن در بین شهروندان شهر مشهد*. مشهد: شهرداری مشهد، معاونت فرهنگی و اجتماعی [چاپ نشده].
- ذاکری ماهانه، راضیه؛ افشانی، سیدعلیرضا؛ عسگری ندوشن، عباس (۱۳۹۱). "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد". *جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، ش ۳ (پاییز): ۸۳-۱۱۰.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی خوراسگانی، رسول؛ حسنی، محمدرضا (۱۳۸۸). "رسانه‌های جمعی و هویت ملی". *پژوهش‌های ارتباطی*، دوره ۱۶، ش ۵۸ (تابستان): ۶۵-۹۳.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵). *متشکله هویت ایرانیان/امروز*. تهران: نشر نی.

- رجب‌لو، علی؛ کمالی، افسانه؛ رازکردانی شراهی، فاطمه (۱۳۹۴). "بررسی رابطه هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان بالاتر از ۱۸ سال شهر تهران". *مطالعات جامعه‌شناختی/ایران*، دوره ۱۶، ش ۴ (زمستان): ۵۹-۳۶.
- رستگار، یاسر؛ ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۲). "تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان". *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲۴، ش ۲ (تابستان): ۲۰-۱.
- سلگی، محمد (۱۳۹۹). "مطالعه رابطه بین ابعاد هویت اجتماعی با میزان تمایز یافتگی فردی". *روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، سال هفتم، ش ۳ (بهار): ۱۱۱-۱۰۱.
- شایگان، فریبا؛ رستمی، فاطمه (۱۳۹۰). "هویت اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی: زنان تهران)". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۳، ش ۹ (زمستان): ۱۴۹-۱۸۲.
- شریفی دریاز، مسعود (۱۳۸۴). "بررسی اقتدارگرایی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر احساس امنیت". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- شیانی، ملیحه؛ احمدپور، خسرو (۱۳۹۶). "رابطه بین سرمایه اجتماعی و هویت اجتماعی بین شهروندان رشت". *رفاه اجتماعی*، سال هفدهم، ش ۶۶ (پاییز): ۲۵۵-۲۸۹.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ افشاری نادری، افسر (۱۳۹۰). "مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران". *راهبرد*، سال بیستم، ش ۵۹ (تابستان): ۷۶-۴۹.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ کریمی خوزانی، علی (۱۳۹۵). "نقش اخلاق اجتماعی بر امنیت اجتماعی و عمومی". *اخلاق در علوم و فناوری*، دوره ۱۱، ش ۱ (بهار): ۱۱-۱۸.
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۰). *راهنمای تدوین طرح تحقیق (پروپوزال نویسی)*. تهران: جامعه و فرهنگ.
- صمدی بگه‌جان، جمیل (۱۳۸۴). "امنیت اجتماعی در شهر سنندج". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- طاهری، زهرا (۱۳۸۸). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

- فاروقی، الهام (۱۳۹۱). "بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی". پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان". *مطالعات و پژوهش‌های شهری-منطقه‌ای دانشگاه اصفهان*، دوره ۲، ش ۷ (زمستان): ۱۱۳-۱۳۶.

- کاکاوند، یونس؛ نوری، علی؛ ناصری، الهام (۱۳۹۸). "تبیین رابطه بین هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمانشاه". *مطالعات/امنیت/اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۵۹ (تابستان): ۱۳۱-۱۵۵.

- کوهن، ایراجی (۱۳۸۳). *آنتونی گیدنز، در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز.

- کیانی، مزده؛ ترکان، زینب (۱۳۹۹). "هویت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر بابل". *زن و خانواده دانشگاه الزهرا*، دوره ششم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۲۷-۴۸.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

- مستوفی، اکرم (۱۳۹۲). "بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران". *پلیس زن*، دوره ۷، ش ۱۹ (پاییز و زمستان): ۵۵-۷۷.

- مک سویینی، ییل (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی/امنیت*. ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- نادری، خیرالنسا؛ قاسمی پیربلوطی، محمد (۱۳۹۳). "رابطه بین هویت اجتماعی و احساس امنیت دانش‌آموزان ۱۵ الی ۱۹ ساله شهرکرد". *دانش انتظامی چهار محال بختیاری*، دوره ۲، ش ۸ (زمستان): ۸۷-۱۰۴.

- نوابخش، مهرداد؛ حاجیانی، ابراهیم؛ بهلول، سیدمحمد رضا (۱۳۹۱). "بررسی و سنجش میزان هویت محله‌ای شهروندان تهرانی". *مطالعات مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی*، دوره ۴، ش ۲ (تابستان): ۱۵-۲۷.

- نوروزی، فیض‌الله؛ فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸). "بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن". *راهبرد*، دوره ۱۸، ش ۵۳ (زمستان): ۱۲۹-۱۵۹.

- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). "تحلیل رابطه امنیت اجتماعی و هویت ایرانی". *مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی آستینان*، دوره دوم، ش ۳ (پاییز): ۱۳۱-۱۵۶.

- نیازی، محسن؛ فرشادفر، یاسمین (۱۳۹۱). "رابطه بین هویت اجتماعی و احساس امنیت زنان (مطالعه موردی: زنان مناطق شمال ۱ و ۲ و جنوب ۱۹ و ۲۰ شهر تهران در سال ۱۳۸۹)". *مطالعات جامعه‌شناختی/ایران*، دوره ۱، ش ۳ (زمستان): ۶۱-۷۸.

- وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم (۱۳۸۸). "بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)". *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، دوره ۳، ش ۳ (پاییز): ۱۳۳-۱۵۳.

- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰). "احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری". *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه اصفهان*، دوره ۲۰، ش ۲ (تابستان): ۱۲۱-۱۴۳.

- یاری، حامد؛ هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱). "بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی: ساکنان شهر کرمانشاه)". *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱، ش ۴ (زمستان): ۳۹-۵۸.





## The effect of religious tourists Engagement on memorable experiences through cultural interaction

Seyed Morteza Ghayour Baghbani<sup>1</sup>  
Monireh Yegaane Mofrad<sup>3</sup>  
Received: 11/9/2021

Faezeh Hamed Hamrahiyan<sup>2</sup>  
Mohammad Mortezaei<sup>4</sup>  
Accepted: 20/2/2022

### Abstract

Religious tourism is one of the oldest and most important types of tourism that has a realistic share of dedicated tourism activities. Religious tourism, in addition to economic and financial aspects, also has a social connection with other Islamic societies and provides interaction between nations and cultures that have common points. The purpose of this study is to investigate the factors affecting the memorable experience of religious tourism and analyze its consequences, including the revisit intention and intention to recommend to others. The present study is an applied survey in terms of purpose and descriptive method in which the statistical population is religious tourists in the holy city of Mashhad and the 384 people were selected using simple random method. Data collection tool is a localized questionnaire, and its validity is through expert approval and in part with confirmatory factor analysis, convergent and divergent validity as well as its reliability through Cronbach's alpha and composite case reliability Assessed. In order to analyze the collected data, structural equation modeling was performed using SMART-PLS software. The results of this study showed that the engagement of religious tourists in Mashhad has a significant effect on cultural interaction and their memorable experiences. Also, memorable experiences of religious tourists in Mashhad have a significant effect on the destination revisit intention and recommend the destination to others. Finally, the engagement of religious tourists in Mashhad through cultural interaction affects their memorable experiences.

**Keywords:** Tourists Engagement, Religious Tourism, Cultural Interaction, Memorable Experiences

---

1. Assistant Professor of Department Management, Imam Reza International University, Mashad Iran, Corresponding Author (ghayoor@imamreza.ac.ir)

2. PhD student Trade Policy Management, Imam Reza International University, Mashad, Iran (Faezeh\_hamed1373@yahoo.com)

3. PhD student Trade Policy Management, Imam Reza International University, Mashad, Iran (M.Yegane13@gmail.com)

4. Graduate of Master of Religious Sacred Management, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (Mohammad.Mortezaei1995@gmail.com)

مقاله علمی - پژوهشی

**تأثیر مشارکت گردشگران مذهبی بر تجربه ماندگار از طریق تعامل فرهنگی**

سیدمرتضی غیور باغبانی<sup>۱</sup>      فائزه حامدمهراییان<sup>۲</sup>      منیره یگانه‌مفرد<sup>۳</sup>      محمد مرتضایی<sup>۴</sup>  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_145120.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_145120.html)

**چکیده**

گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین انواع گردشگری است که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های گردشگری را به خود اختصاص داده است. گردشگری مذهبی علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و مالی، در جنبه اجتماعی نیز باعث ارتباط بیشتر با سایر جوامع اسلامی می‌شود و فراهم‌کننده تعامل بین ملت‌ها و فرهنگ‌هایی است که نقاط مشترکی با هم دارند. هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر تجربه ماندگار گردشگر مذهبی و تحلیل پیامدهای آن؛ شامل تمایل به بازدید مجدد و توصیه مقصد به دیگران است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی است که جامعه آماری آن گردشگران مذهبی شهر مشهد مقدس هستند و نمونه‌گیری به صورت احتمالی و از نوع تصادفی ساده با تعداد ۳۸۴ فرد انتخاب‌شده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بومی‌سازی شده است که روایی آن از طریق تأیید خبرگان و در قسمت کمی با روش تحلیل عاملی تأییدی، روایی همگرا و واگرا و همچنین پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ و پایایی مرکب مورد سنجش قرار گرفت. به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SMART-PLS انجام شد. نتایج نشان داد مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد، تأثیر معناداری بر تعامل فرهنگی و تجربه ماندگار آن‌ها دارد. همچنین تجربه ماندگار گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر تمایل به بازدید

- 
۱. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد، نویسنده مسئول. Ghayoor@imamreza.ac.ir
  ۲. دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری بازرگانی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد. Faezeh\_hamed1373@yahoo.com
  ۳. دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری بازرگانی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد. M.Yegane13@gmail.com
  ۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اماکن متبرکه مذهبی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد. Mohammad.Mortezaei1995@gmail.com

مجدد از مقصد و توصیه مقصد به دیگران دارد و درنهایت مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد از طریق تعامل فرهنگی بر تجربه ماندگار آنان تأثیرگذار است.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت گردشگر، گردشگری مذهبی، تعامل فرهنگی، تجربه ماندگار.

## مقدمه

اهمیت و توجه به گردشگری و سعی در جهت توسعه و رونق آن، به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی در تعامل فرهنگی، گفتگوی تمدن‌ها، تجربیات، گسترش علم و فناوری، رونق اقتصادی و رشد اجتماعی به منظور جذب گردشگر است. یکی از مهم‌ترین انواع گردشگری، گردشگری مذهبی<sup>۱</sup> است. در بسیاری از موارد، گردشگری مذهبی را زیرشاخه‌ای از گردشگری فرهنگی در نظر گرفته‌اند و چون یک سفر می‌تواند انگیزه‌های متعدد داشته باشد، گردشگری مذهبی نیز می‌تواند ارتباط تنگاتنگی با گردشگری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و یا تفریحی داشته باشد (حسینی‌پور، رضایی دولت‌آبادی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). به همین دلیل همواره بر اهمیت "عنصر فرهنگ" در صنعت گردشگری افزوده می‌شود. گردشگری فرهنگی موجب افزایش آگاهی‌های ملل مختلف از شیوه‌های زندگی یکدیگر و سبب نزدیکی فرهنگ ملت‌های مختلف می‌شود و این امر باعث می‌گردد تا گردشگری فرهنگی، رشد سریعی در انواع گردشگری در دنیا کسب کند (Ioan-Franc & Iştoç, 2007: 91). حاصل این فرایند سفر و گردشگری، کسب تجربه است. کسب تجربه مطلوب از سفر، امری تأثیرگذار بر سفرهای آتی گردشگر است. گردشگران حاضرند هزینه بیشتری پرداخت کنند تا تجارب خاطره‌انگیز و باکیفیت‌تری را از سفر دریافت کنند (Oh, Fiore & Jeoung, 2007: 122). تجربه مثبت سفرهای گذشته می‌تواند تأثیر مثبتی بر ماندگاری گردشگران در این شهر داشته باشد. مشارکت گردشگر نیز می‌تواند تأثیر زیادی بر پیامدهای رفتاری گردشگران و کسب تجربه بهتر از سفر داشته باشد (فروغزاده، شریعتی و دانایی، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

جاذبه‌ها مهم‌ترین دلیل اصلی سفر گردشگران هستند که به انواع مختلف تاریخی، طبیعی، مذهبی، فرهنگی و... تقسیم می‌شوند. کشور ایران که دارای تنوع فرهنگی بسیار زیادی است و

همین امر باعث تشکیل آداب و رسوم گوناگون و متنوع در سراسر کشور شده است، با دارا بودن انواع جاذبه‌ها، دارای آیین‌های مذهبی، بناها، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس و متبرکه بسیاری است که هرکدام از آن‌ها نقش مهمی در توسعه گردشگری مذهبی دارند (ضرغام بروجنی و بهمنش، ۱۳۹۲: ۶۹).

یکی از انواع جاذبه‌ها، جاذبه‌های مذهبی، اماکن مقدس و متبرکه و زیارتگاه‌هاست که هر ساله تعداد زیادی از زائرین و گردشگران را به‌سوی خود جذب می‌کند (اکبریان رونیزی و رضوانی، ۱۳۹۴: ۸۴). عبادتگاه‌هایی همچون مساجد آرامگاه پیشوایان مذهبی، امامزاده‌ها، کلیساها و... هر ساله پذیرای میلیون‌ها نفر از معتقدان خود هستند.

هر عاملی که بر توسعه و بهبود گردشگری اثر بگذارد، مهم است و تأثیر فراوانی بر درآمد و سطح اشتغال دارد. حال با توجه به اینکه همه‌ساله تعداد زیادی گردشگر به شهر مشهد مقدس سفر می‌کنند و هدف اصلی آن‌ها هم زیارت است، پژوهش حاضر با کنار هم گذاشتن عناصر مذکور، قصد دارد تأثیر معنادار میزان مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد بر تعامل فرهنگی و تجربه ماندگار آن‌ها را بررسی کند. برای تحقق این امر و افزایش حجم کیفی و کمی گردشگران و توسعه برنامه‌ریزی‌شده گردشگری، اهمیت تجربه رضایت‌بخش از سفر به شهر مشهد، بسیار مؤثر خواهد بود. اگر تجربه هر گردشگر از سفر، دارای احساس رضایت و لذت باشد، تا حدودی سفر مجدد گردشگر به مقصد بازدیدشده و توصیه مقصد به دیگران را تضمین می‌کند.

## ادبیات پژوهش

### گردشگری مذهبی

گردشگری مذهبی، یکی از قدیمی‌ترین و پررونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال حاضر در سراسر جهان است. سفرهای مذهبی شامل زیارت (ملاقات مکان‌های مقدس) و سفرهای میسیونری (که در آن ماهیت ایمان برای دیگران تبیین می‌شود) است. گردشگر مذهبی فردی است که برای بازدید از اماکن متبرکه یا اماکن مذهبی؛ نه لزوماً اسلامی، به شهر یا کشوری سفر می‌کند (Eid, 2015: 254). گردشگران مذهبی، گردشگران فرهنگی‌ای هستند که برای زیارت اماکن، آثار و یادمان‌های مذهبی، انجام اعمال مذهبی، آموزش‌های دینی و گذراندن اوقات فراغت

به مکان‌ها و مراکز مذهبی جهان سفر می‌کنند. در میان گردشگران اسلامی با دو گروه مواجه هستیم: گروه اول، فعالیت‌های زیارتی-سیاحتی یا آنچه حج نامیده می‌شود را انجام می‌دهند که به گردشگری مذهبی شهرت دارد (حامد همراهیان، غیور باغبانی و رجوعی، ۱۳۹۸: ۴). گروه دوم از فعالیت‌های گردشگری که توسط مسلمانان انجام می‌گیرد، گردشگری اسلامی نامیده می‌شود. گردشگری اسلامی در اصل، تعبیر گردشگری جدیدی از زیارت است که گردشگری مذهبی و تفریحی را با یکدیگر ادغام می‌کند (کریمی علویجه، احمدی و نظری، ۱۳۹۵: ۳۰).

### مشارکت گردشگر مذهبی

مفهوم مشارکت؛ شامل جنبه‌های دل‌بستگی، ارتباط عاطفی، تعهد و فداکاری است (Taheri, Jafari & O'Gorman, 2014: 322). در حالی که تعهد، به علاقه مصرف‌کننده به یک محصول یا خدمات اشاره دارد، مشارکت نشان‌دهنده سطح عمیق‌تری از تعهد و علاقه است (Abdul-Ghani, Hyde & Marshall, 2011: 1062). واژه مشارکت در پژوهش‌های علمی، با شاخه‌های مختلف علوم ارتباط دارد؛ از جمله آموزش و یادگیری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت، بازاریابی و گردشگری (Bryce, et al., 2015: 573). مشارکت شامل مفهوم تعهد و درگیری مصرف‌کننده با محصول است؛ به عبارتی زمانی که سطح مشارکت بالا باشد، به این معناست که محصول برای مصرف‌کننده بسیار مهم است و بالعکس زمانی که مشارکت در سطح پایینی قرار دارد به این معنی است که محصول چندان برای مصرف‌کننده مهم نیست (طباطبایی نسب، ضرابخانه و اسدیان اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). مطالعات در گذشته بیشتر، از مشاهدات و آزمایشات برای درک مشارکت بازدیدکنندگان استفاده می‌کرد (Falk & Storksdieck, 2005: 748). مشارکت فراتر از تعامل و تعهد است و شامل رابطه فعال بین یک مصرف‌کننده یا گردشگر با شیء یا مکان می‌شود (برای مثال موزه و یا جاذبه) (Kumar & Pansari, 2016: 500). چهار بعد از مشارکت مشتری که می‌تواند در ارتباط با مشتری شرکت و موزه‌ها و مکان‌های دیگر و جاذبه‌ها سازگار شود، شامل ارزش طول عمر مشتری<sup>۱</sup>، ارزش ارجاع مشتری<sup>۲</sup>، ارزش تأثیرگذاری مشتری<sup>۳</sup> و ارزش دانش

- 
1. Customer lifetime value (clv)
  2. Customer referral value (crv)
  3. Customer influence value (civ)

مشتری<sup>۱</sup> است. گردشگران و بازدیدکنندگان می‌توانند نقش مشابه مشتریان در رابطه خود با شرکت‌ها را داشته باشند. مشارکت گردشگر به‌عنوان انگیزه، تحریک یا علاقه به سفر تعریف می‌شود که توسط محرک یا وضعیتی خاص برانگیخته شده است. این یک تعهد در برخی افراد با توجه به افکار، احساسات و پاسخ‌های رفتاری آن‌ها به سفر است. سطح مشارکت، اغلب بر اساس میزان قدرت رابطه سفر لذت‌بخش با نیازهای فردی، ارزش‌ها و یا مفهوم خود تعریف می‌شود. این تابعی از تجربه سفر گذشته و قدرت ارزش‌های سفر است. مشارکت گردشگر به‌عنوان یک حالت پیش‌فرض منعکس‌کننده میزان علاقه، برانگیختگی و یا دل‌بستگی عاطفی فرد به سفر است. مشارکت گردشگر ارزشی است که فرد را به لذت‌بردن از سفر ترغیب می‌کند (Ferns & Walls, 2012: 29-30). مشارکت گردشگر، نگرش، رفتار و میزان ارتباط بین گردشگران و ارتباط با جاذبه‌ها تعریف می‌شود (Kumar & Pansari, 2016: 505). مشارکت به معنای میزان علاقه فرد نسبت به یک فعالیت و پاسخ احساسی همراه با آن است. همچنین درگیری یا همان مشارکت گردشگر به معنای میزانی است که یک گردشگر به یک فعالیت علاقه‌مند است و پاسخ‌هایی را در رابطه با آن فعالیت از خود نشان می‌دهد (اصلانی افراشته، کریمی علویجه و نائلی، ۱۳۹۸: ۱۵).

### وفاداری گردشگر

وفاداری به مقصد، احساس تعهد و یا علاقه به یک مقصد گردشگری است که گردشگر را مجاب می‌کند مجدداً به آن مقصد سفر کند و یا مدت اقامت خود را تمدید نماید و یا آن را به دیگران پیشنهاد دهد (Sadeh, et al, 2011: 534). در حوزه گردشگری، عموم پژوهش‌ها، بازدید مکرر و تمایل به بازگشت را شاخص‌های وفاداری در نظر گرفته‌اند (Nam, Ekinci & Whyatt, 2011: 1012). هدف مهم هر مقصد گردشگری این است که گردشگر را به خود وفادار سازد (Haque & Khan, 2013: 25)؛ زیرا وفاداری گردشگری یک عامل تعیین‌کننده بسیار مهم برای سفر دوباره گردشگران به مقصد است (Grigaliūnaitė & Pilelienė, 2014: 66). اصطلاح وفاداری در گردشگری در دو مفهوم خلاصه می‌شود: تصمیم به بازگشت دوباره به مقصد

---

1. Customer knowledge value (ckv)

گردشگری و پیشنهاد مقصد به دیگران. این مفهوم و درجه از وفاداری یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در موفقیت راهبردهای بازاریابی مقصد گردشگری است (Flavián, Martínez & Polo, 2001: 87). گردشگران، مقصد گردشگری را از نگاه خود مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند. اگر مقصد مورد نظر با درکی که آن‌ها از خودشان دارند و آنچه را که تمایل دارند دیگران درباره آن‌ها ادراک کنند، هم‌راستا باشد، تجربه مثبتی از سفر ادراک خواهند کرد؛ درحالی‌که اگر مقصد مورد نظر نتواند آن‌ها را در ارائه خود واقعی‌شان کمک کند، تمایلی به تجربه مجدد آن سفر نخواهند داشت (Beerli, Meneses & Gil, 2007: 575). حفظ و نگهداری گردشگران و تبدیل او به یک گردشگر وفادار بر ارزش حیاتی جامعه می‌افزاید (قاسمی همدانی و رجبی فرجاد، ۱۳۹۴: ۱۲۷). وفاداری موجب می‌شود که پایداری مقصد گردشگری افزایش یابد و از مزایای وفاداری برند برای مقصدها می‌توان از هزینه‌های کمتر برای بازاریابی، افزایش قدرت نفوذ در صنعت گردشگری و تبلیغات شفاهی نام برد (ایمانی خوشخو و ایوبی یزدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). پنج عامل موجب شکل‌گیری وفاداری به مقصد گردشگری در بین بازدیدکنندگان می‌شود که شامل: وابستگی احساسی، امکان بازدید موقعیت‌های جدید گردشگری، به اشتراک گذاشتن تجارب رضایت بخش گردشگری، حذف عواملی که موجب نارضایتی می‌گردد و تناسب با سایر بازدیدکنندگان است (همان: ۱۲۰). میزان وفاداری گردشگر به مقصد در تمایل وی برای بازدید مجدد مقصد و در تمایل به توصیه آن به دیگران اثرگذار است. تجربه مثبت گردشگر از تسهیلات، خدمات، کالاهای و سایر منابع عرضه‌شده در مقصد گردشگری می‌تواند موجب بازدید مجدد و همچنین تأثیرات مثبت دهان‌به‌دهان به دوستان، اقوام و دیگران شود (Ruzzier & Chernatony, 2013: 47).

### تجربه ماندگار گردشگری

تجربه‌ها بر رفتار مصرف‌کننده که به‌صورت مداوم از خدمات استفاده می‌کند تأثیر می‌گذارند. رضایت از تجربه که در حافظه فرد ذخیره شده ممکن است باعث تحریک درونی فرد به سمت انتخاب برند، مقصد یا جاذبه شود (Loureiro, 2014: 3). تجربیات فراتر از برخورد با یک کالای خوب یا خدمات است. افراد ممکن است از سلسله‌وقایع مرتبط با یک مصرف (از انتخاب کالای مناسب، خدمات، مقصد، هتل یا جاذبه گرفته تا خرید مؤثر و استفاده از محصول) لذت ببرند.

تجربه، بستگی به ماهیت و شکل خوب یا خدمات ندارد؛ بلکه شامل پاسخ‌های شناختی، عاطفی، فکری و حسی به محرک‌هاست. برخی نیز پاسخ‌های اجتماعی و معنوی به محرک‌ها را ذکر کرده‌اند (Lemon & Verhoef, 2016: 75).

در حوزه صنعت گردشگری چیزی که به‌وسیله گردشگر خریداری می‌شود و یا به دست می‌آید، تجربه است. تجربه درواقع یک مجموعه گسترده از فرایندهای تعاملی بین فردی است که ناشی از برقراری تعامل و تماس‌های مختلف بین عرضه‌کنندگان و گردشگران در طول مدت‌زمان اقامت آنان است (Crouch & Ritchie, 2000: 5). تجربه گردشگر از ایجاد رابطه مهمان‌نوازی بین مهمان و میزبان است. این تجارب احساسات را درگیر می‌کند که برای ایجاد خاطره لازم است (Lashley, 2009: 31)؛ پس می‌توان تجربه گردشگر را مجموعه تعاملاتی تعریف کرد که بین گردشگر و تمامی اعضای مقصد گردشگری صورت می‌گیرد؛ البته باید توجه داشت که تجربه گردشگر صرفاً به تعامل یک‌باره مشتری در زمان خرید محصول یا سفر گردشگر در طول سفر به مقصد گردشگری اشاره ندارد و حتی تعاملات مربوط به دوره‌های قبل از مصرف و بعد از مصرف را نیز در برمی‌گیرد (Zolkiewski, et al., 2017: 176). برداشت عاطفی، جسمی، معنوی و فکری که توسط افراد در طول سفر احساس می‌شود بر تجربه اثرگذار است (Tukamushaba, Xiao & Ladkin, 2016: 8). تجربه گردشگری ماندگار مجموعه‌ای است از تجارب گردشگری که بر اساس ارزیابی فرد از کلیه تجارب گردشگری وی انتخاب شده است؛ به عبارت دیگر، تجربه گردشگر الزاماً قابل تعمیم به تجربه ماندگار گردشگری نیست؛ به این معنی که تجربه گردشگری و تجربه ماندگار گردشگری لزوماً یکسان نیستند و تفاوت زیادی بین این دو واژه، به‌خصوص در بین اجزای اصلی آنان وجود دارد (ضرغام بروجنی و بهمنش، ۱۳۹۲: ۷۴).

تجربه گردشگری را ارزیابی ذهنی یک فرد بر اساس انگاره‌های (مثلاً عاطفی، شناختی و رفتاری) از وقایع مرتبط با فعالیت‌های گردشگری وی تعریف کرده‌اند که از قبل از سفر (برنامه‌ریزی و آمادگی)، در طول سفر (در مقصد) و بعد از سفر (یادآوری) شروع می‌شود (Tung & Ritchie, 2011: 1372).



## تعامل فرهنگی

فرهنگ مجموعه‌ای از باورها ارزش‌ها و سنت‌های آموخته‌شده است که به رفتارهای مصرفی اعضای یک جامعه مشخص جهت می‌دهد. فرهنگ از عناصر متعددی نظیر مذهب، زبان، ارزش‌ها و هنجارها تشکیل شده است. این پارامترها بر افراد تأثیر می‌گذارد و باعث درک متفاوت از پدیده‌های اطرافشان می‌شود (Foscht, et al., 2008: 134).

توسعه و رونق گردشگری فرهنگی، باعث مراودات گردشگران با جوامع میزبان می‌شود و موجب بروز تغییر و تحولات فرهنگی و شکل‌گیری فرایند اجتماعی نسبتاً مشخص می‌گردد که به آن تعامل فرهنگی گردشگر و جامعه میزبان گفته می‌شود. صنعت گردشگری دارای چنین توانایی‌ای در تأثیرگذاری بر فرهنگ‌هاست و یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعامل فرهنگی جوامع مختلف است (شالچیان، ۱۳۸۲: ۲۳).

تعامل فرهنگی با چіستی و چگونگی فرهنگ سروکار دارد؛ زیرا هم به نحوه استفاده گردشگران از منابع گردشگری فرهنگی و هم رفتارهای خاص آن‌ها در رابطه با سایت گردشگری فرهنگی مربوط می‌شود (Chen & Rahman, 2018: 157). در ادبیات گردشگری، تعامل فرهنگی به‌عنوان یک مفهوم تازه در حال ظهور دیده می‌شود که هدف و عمق تجربه‌ای را که گردشگران در هنگام سفر برای تجربه یک فرهنگ متفاوت جستجو می‌کنند، اندازه‌گیری می‌کند (Gnoth & Zins, 2013: 739).

گردشگری به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان را فراهم می‌کند؛ به همین خاطر آنان یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و به فرهنگ هم بیشتر احترام می‌گذارند (صفری، و محمدمیرزایی بافقی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). صنعت گردشگری ایجادکننده فرصتی است تا ساکنان یک مقصد، فرهنگ خود را مستقیم و بدون واسطه و به شکل درست و واقعی به علاقه‌مندان و گردشگران ارائه کنند. این عمل باعث تقویت و افزایش همدلی، غرور و همبستگی جامعه میزبان و افزایش حد تحمل آنان در برابر دیگر فرهنگ‌ها و تهاجمات فرهنگی می‌شود (Richards, 2000: 11).

### پیشینه پژوهش

جعفری و دیگران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «رابطه ساختاری ارزش درک‌شده و رضایت گردشگر با رفتار مسئولانه زیست‌محیطی: نقش میانجی مشارکت گردشگر» به این نتایج رسیده‌اند که کیفیت تجربه مذهبی گردشگر، شامل پنج بُعد دانش‌افزایی دینی، روان‌شناختی، زیارتی، اخلاقی-عبادی و تعاملات فرهنگی-اجتماعی است. بررسی این ابعاد در جامعه پژوهش نشان داد که همه ابعاد به جز بُعد تعاملات فرهنگی-اجتماعی، در وضعیت مناسبی قرار دارد.

اصلانی افرشته، کریمی علویجه و نائی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «کاوشی بر تبیین پیشایندها (پیش‌زمینه‌ها) و پیامدهای رضایت از تجربه سفر گردشگران سالمند» را انجام داده‌اند. پرسشنامه‌های این پژوهش بین ۳۴۶ نفر از گردشگران ورودی به اصفهان که حداقل ۶۰ سال سن دارند توزیع شد و با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار پی ال سی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع پیشایندهای مؤثر بر رضایت از تجربه سفر گردشگران سالمند، متغیر تازگی، درگیری و فرهنگ محلی، مورد تأیید قرار نگرفتند و ارزش ادراک‌شده، تأیید شد. در بررسی پیامدهای رضایت از تجربه سفر سالمندان، تمام فرضیات؛ ازجمله کیفیت زندگی، رضایت از اوقات فراغت و رفتارهای آینده، مورد پذیرش قرار گرفته است.

بحرینی‌زاد و بوشهری سنگی‌زاد (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «ارائه مدل بومی وفاداری به مقصد گردشگری با رویکرد کیفی مبتنی بر داده‌بنیاد: بندر بوشهر مقصد گردشگری» انجام داده‌اند که به منظور اجرای پژوهش، از رویکرد پژوهش کیفی استفاده شده است و بر مبنای روش داده‌بنیاد و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری از متخصصین حوزه گردشگری در شهرستان بوشهر تبیین‌کننده‌های وفاداری به مقصد گردشگری متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی شناسایی شده است. حجم نمونه با منطق نمونه‌گیری نظری و قضاوتی و تا حصول اشباع نظری در مجموع ۱۶ نفر را در بر گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وفاداری به مقصد گردشگری با پنج عامل و ۴۵ مؤلفه، شامل: ارزش ادراک‌شده (۵ مؤلفه)، کیفیت خدمات (۵ مؤلفه)، شرایط میزبانی (۳ مؤلفه)، آگاهی و شناخت (۱۱ مؤلفه) و ادراک از تنگناها (۲۱ مؤلفه) تبیین می‌شود.

چن و رحمان (Chen & Rahman, 2018) در پژوهش خود با استفاده از الگوبرداری معادلات ساختاری، به این نتیجه رسیدند که مشارکت گردشگران بر تعامل فرهنگی گردشگر مؤثر است و تعامل فرهنگی تأثیر مثبتی بر تجربه ماندگار گردشگر دارد. علاوه بر این، تجربه ماندگار گردشگری اثرات مثبت معنی‌داری بر وفاداری دارد. همچنین، تعامل فرهنگی به‌عنوان میانجی، نقش مؤثری بر رابطه بین مشارکت گردشگر و تجربه ماندگار دارد.

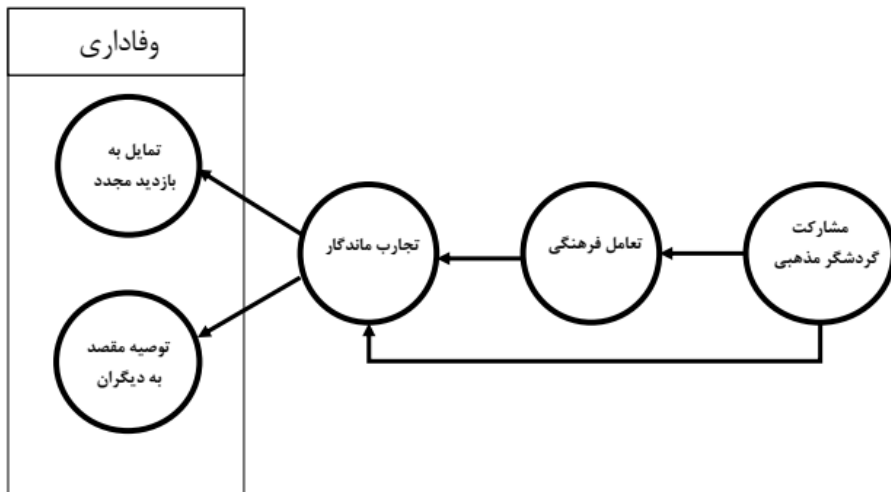
لوریرو و سارمانتو (Loureiro & Sarmento, 2019) پژوهشی را انجام داده‌اند که پرسشنامه‌های این پژوهش بین ۳۴۶ نفر از گردشگران بین‌المللی که از ۲ جاذبه مهم پایتخت کشور پرتغال بازدید کرده‌اند، توزیع شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین دلبستگی مکانی و تعامل گردشگر، دلبستگی مکانی و اصالت مکان و بین اصالت مکان و مشارکت گردشگر وجود دارد. همچنین تجربه گردشگر بر رابطه دلبستگی مکانی و مشارکت گردشگر مؤثر است.

رسولی‌منش و دیگران (Rasoolimanesh, et al., 2019) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مشارکت گردشگری از طریق رضایت از وفاداری به مقصد، از طریق توزیع پرسشنامه بین بازدیدکنندگان پارک ملی صباح مالزی، نشان می‌دهند که مشارکت گردشگران، تأثیر مثبتی بر روی رضایت از تجربه سفر و وفاداری به مقصد گردشگران دارد.

### تبیین مدل پژوهش

مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت گردشگر می‌تواند منجر به تعامل فرهنگی وی شود (Chen & Rahman, 2018) و (Loureiro & Sarmento, 2019). بررسی برخی پژوهش‌ها نیز حاکی از تأثیر تعامل فرهنگی گردشگران بر تجربه ماندگار آنان است (Chen & Rahman, 2018) و (Lu, Chi & Liu, 2015). علاوه بر این موارد در برخی مطالعات این حوزه، تأثیر مشارکت گردشگر بر تجربه ماندگار نیز مورد بررسی قرار گرفته و اثر معنادار آن تأیید شده است (Rasoolimanesh, et al., 2019؛ کشانی و لطفی‌زاده، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر تأثیر تجربه ماندگار بر وفاداری گردشگر به مقصد (که با دو شاخصه اصلی آن؛ یعنی تمایل به بازدید مجدد و توصیه مقصد به دیگران مورد بررسی قرار گرفته)، در پژوهش‌های مختلف این حوزه، تأیید شده

است (همتی و زهرانی، ۱۳۹۳؛ اصلانی افراشته، کریمی علویجه و نائی، ۱۳۹۸). همچنین تأثیر مشارکت گردشگران مذهبی از طریق تعامل فرهنگی بر تجربه ماندگار آنان نیز با بررسی پژوهش‌های مختلف انجام شده (Chen & Rahman, 2018) و (Altunel & Erkurt, 2015) و مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به مطالب ذکر-شده، مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل ۱ آورده شده است.



شکل (۱) مدل مفهومی پژوهش (Chen & Rahman, 2018)

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

۱. مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر تعامل فرهنگی آن‌ها دارد؛
۲. تعامل فرهنگی گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر تجارب ماندگار آن‌ها دارد؛
۳. مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر تجارب ماندگار آن‌ها دارد؛
۴. مشارکت گردشگران مذهبی شهر مشهد از طریق تعامل فرهنگی بر تجارب ماندگار آنان تأثیرگذار است؛
۵. تجارب ماندگار گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر تمایل به بازدید مجدد از مقصد دارد؛

۶. تجارب ماندگار گردشگران مذهبی شهر مشهد تأثیر معناداری بر توصیه مقصد به دیگران دارد.

### تعاریف عملی متغیرها

#### مشارکت گردشگر مذهبی

مشارکت گردشگر از طریق ۶ گویه مشتمل بر مشارکت در برنامه‌ریزی سفر، آگاهی از نقاط دیدنی شهر مشهد، آگاهی از موقعیت‌های جدید جهت بازدید، استفاده از فضای مجازی در کسب این آگاهی‌ها، استفاده از بروشور و کتابچه‌ها برای کسب این آگاهی‌ها و افزایش اطلاعات راجع به شهر مشهد مقدس حرم مطهر رضوی و مراکز فرهنگی و تفریحی مورد سنجش قرار گرفته است.

#### وفاداری گردشگر

وفاداری گردشگر از طریق ۶ گویه در دو مولفه توصیه مقصد به دیگران (با گویه‌های توصیه سفر به مشهد به دوستان، انتقال نکات مثبت راجع به شهر مشهد به دیگران و ترغیب دوستان و آشنایان نسبت به سفر به مشهد) و تمایل به بازدید مجدد (با گویه‌های سفر مجدد در آینده به مشهد، سفر به مشهد در صورت فراهم شدن فرصت و دارا بودن برنامه سفر منظم به مشهد) مورد سنجش قرار گرفته است.

#### تجربه ماندگار گردشگری

تجارب ماندگار از طریق ۱۶ گویه مشتمل بر لذت از تجربه‌های جدید، جذاب بودن فعالیت‌های انجام‌شده در طی سفر، لذت بردن از سفر به مشهد، هیجان‌انگیز بودن، ماندگار بودن، بی‌نظیر بودن، منحصر به فرد بودن، تفاوت سفر به مشهد با مکان‌های گردشگری دیگر، تجربه کردن اتفاقات فراوان، آشنا شدن با فرهنگ مشهد، احساس خوب نسبت به مردم، رفتار دوستانه‌ی مردم مشهد با زائران، کسب انرژی مضاعف، افزایش سطح خودشناسی، پرمعنا بودن، بازدید از مکان‌های مورد علاقه و آشنایی با فرهنگ جدید مورد سنجش قرار گرفته است.

## تعامل فرهنگی

تعامل فرهنگی از طریق ۸ گویه افزایش دانش در خصوص آداب و رسوم مختلف و روش‌های زندگی، شرکت در آیین‌های مذهبی - فرهنگی شهر مشهد، آشنایی بیشتر با فرهنگ شهر مشهد، کسب اطلاع از تفاوت‌های فرهنگی شهر مشهد با سایر مقاصد، تعامل نزدیک با مردم مشهد، صحبت کردن در خصوص ویژگی‌های فرهنگی شهر مشهد، شرکت در فعالیت‌های فرهنگی شهر مشهد و تمایل به حضور در رویدادهای فرهنگی شهر مشهد در طول سفر مورد سنجش قرار گرفته است.

## روش پژوهش

هدف پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر تجربه ماندگار گردشگری مذهبی در شهر مشهد و تحلیل پیامدهای آن؛ ازجمله تمایل به بازدید مجدد و توصیه مقصد به دیگران است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است.

## جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، شامل گردشگران مذهبی شهر مشهد است و چون جامعه آماری نامشخص است، نمونه‌گیری به‌صورت احتمالی و از نوع تصادفی ساده بوده که بین زائرین بارگاه ملکوتی علی بن موسی‌الرضا (ع) در مبادی ورودی به حرم مطهر انجام شده است و از آنجا که اندازه جامعه نامشخص است، با استفاده از جدول مورگان، ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده است.

## ابزار گردآوری اطلاعات

به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، از ابزار پرسشنامه با یک طیف لیکرت پنج‌امتیازی از "خیلی مخالف" تا "خیلی موافق" با ۳۶ گویه، استفاده شد که جزییات آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱) متغیرها و تعداد گویه‌ها در پرسشنامه

| متغیر                | تعداد گویه | شماره گویه در پرسشنامه |
|----------------------|------------|------------------------|
| تجربه ماندگار        | ۱۶         | ۱-۱۶                   |
| مشارکت گردشگر        | ۶          | ۱۷-۲۲                  |
| تعامل فرهنگی         | ۸          | ۲۳-۳۰                  |
| توصیه مقصد به دیگران | ۳          | ۳۱-۳۳                  |
| تمایل به بازدید مجدد | ۳          | ۳۴-۳۶                  |

منبع: Chen &amp; Rahman, 2018

## یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها بیان شده است. به این منظور ابتدا یافته‌های توصیفی پژوهش، در قالب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان؛ سپس یافته‌های استنباطی پژوهش در رابطه با تأثیر مشارکت گردشگران مذهبی بر تجربه ماندگار ارائه شده است. خلاصه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری

| جنسیت           | فرآوری          | درصد فراوانی |
|-----------------|-----------------|--------------|
| مرد             | ۲۶۸             | ٪۶۹/۸        |
| زن              | ۱۰۶             | ٪۲۷/۶        |
| بدون پاسخ       | ۱۰              | ٪۲/۶         |
| سن پاسخ‌دهندگان | کمتر از ۱۹ سال  | ۳۵           |
|                 | ۲۰ تا ۲۹ سال    | ۱۱۵          |
|                 | ۳۰ تا ۳۹ سال    | ۱۰۹          |
|                 | ۴۰ تا ۴۹ سال    | ۵۲           |
|                 | ۵۰ تا ۵۹ سال    | ۳۲           |
|                 | بیشتر از ۶۰ سال | ۲۲           |
|                 | بدون پاسخ       | ۱۹           |
| میزان تحصیلات   | زیر دیپلم       | ۵۲           |
|                 | دیپلم           | ۱۰۶          |
|                 | فوق دیپلم       | ۳۱           |
|                 | لیسانس          | ۱۲۴          |
|                 | فوق لیسانس      | ۳۸           |
|                 | دکتر            | ۱۶           |
|                 | بدون پاسخ       | ۱۷           |

|                      |     |       |
|----------------------|-----|-------|
| کارمند               | ۱۱۶ | ٪۳۰/۲ |
| آزاد                 | ۸۷  | ٪۲۲/۷ |
| دانشجو               | ۵۸  | ٪۱۵/۱ |
| بازنشسته             | ۳۱  | ٪۸/۱  |
| بیکار                | ۱۴  | ٪۴/۴  |
| سایر                 | ۵۲  | ٪۱۳/۵ |
| بدون پاسخ            | ۲۳  | ٪۶    |
| زیارت                | ۲۳۰ | ٪۵۹/۹ |
| زیارت و سیاحت        | ۵۷  | ٪۱۴/۸ |
| زیارت، سیاحت و درمان | ۸   | ٪۲/۱  |
| زیارت، سیاحت و خرید  | ۳   | ٪۰/۸  |
| زیارت، سیاحت و سایر  | ۲   | ٪۰/۵  |
| زیارت و درمان        | ۶   | ٪۱/۶  |
| زیارت و خرید         | ۱۵  | ٪۳/۹  |
| زیارت و سایر         | ۳۶  | ٪۹/۴  |
| بدون پاسخ            | ۲۷  | ٪۷    |

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳) بررسی نرمال بودن متغیرها

| مجموع | مشارکت گردشگر مذهبی | تجربه ماندگار | تعامل فرهنگی | تمایل به بازدید مجدد | توصیه مقصد به دیگران |
|-------|---------------------|---------------|--------------|----------------------|----------------------|
| Sig   | ۰/۰۰۱               | ۰/۰۰۰         | ۰/۰۰۰        | ۰/۰۰۰                | ۰/۰۰۰                |

با توجه به مقادیر به دست آمده در آزمون نرمال سنجی و از آنجاکه سطح معناداری تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ است؛ می توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرها، غیر نرمال است. منطق حاکم در معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی در نرم افزار PLS به نرمال بودن داده‌ها حساس نیست. همچنین در PLS آزمون‌ها واریانس محور انجام می‌شود؛ بنابراین استفاده از نرم‌افزار پی ال اس برای تحلیل داده‌ها منطقی است (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳).



## روایی

به منظور تحلیل ساختار درونی پرسشنامه و تأیید عوامل تشکیل‌دهنده در هر سازه یا متغیر مکنون، از روش تحلیل عاملی تأییدی و روایی همگرا و واگرا استفاده شده است. در تحلیل عاملی تأییدی، مدل اندازه‌گیری انعکاسی، زمانی مدلی همگن خواهد بود که قدر مطلق بار عاملی هر یک از متغیرهای مشاهده‌پذیر آشکار (سؤالات) با متغیر پنهان (متغیرها) آن مدل دارای حداقل مقدار  $0/3$  باشد (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۰). بارهای عاملی موجود در شکل ۳ نشان می‌دهد متغیرهای مشاهده‌پذیر از روایی قابل قبولی برخوردارند. روایی همگرا به این معناست که مجموعه معرف‌ها، سازه اصلی را تبیین می‌کنند. استفاده از متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) معیاری برای اعتبار همگراست (Fornell & Larcker, 1981) که حداقل مقدار آن باید  $0/5$  باشد تا اعتبار همگرای ابزار مورد تأیید قرار گیرد؛ به این معنی که متغیر پنهان می‌تواند به‌طور میانگین، بیش از نیمی از پراکندگی معرف‌هایش را تبیین کند (آذر؛ غلامزاده و قنواتی، ۱۳۹۱). نتایج مربوط به روایی همگرا در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴) روایی همگرا

| متغیر                | روایی همگرا (AVE) |
|----------------------|-------------------|
| تجربه ماندگار        | $0/512$           |
| تعامل فرهنگی         | $0/533$           |
| تمایل به بازدید مجدد | $0/723$           |
| توصیه مقصد به دیگران | $0/758$           |
| مشارکت گردشگر مذهبی  | $0/512$           |

روایی واگرا، با روش بارهای عاملی متقابل سنجیده می‌شود. در این روش، میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه و میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با سازه‌های دیگر مقایسه می‌شود. برای بررسی روایی واگرا از ماتریس جذر متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شده است (Fornell & Larcker, 1981). بر اساس این ماتریس، جذر مقادیر AVE با همبستگی سازه‌ها مقایسه می‌شود. اگر این عدد برای هر سازه از همبستگی یک سازه با سایر سازه‌ها بیشتر باشد، روایی واگرای سازه‌ها تأیید می‌شود (Henseler, Ringle & Sinkovics, 2009).

جدول ۵) روایی واگرا

| متغیر                | تجربه ماندگار | تعامل فرهنگی | تمایل به بازدید مجدد | توصیه مقصد به دیگران | مشارکت گردشگر مذهبی |
|----------------------|---------------|--------------|----------------------|----------------------|---------------------|
| تجربه ماندگار        | ۰/۷۱۵         |              |                      |                      |                     |
| تعامل فرهنگی         | ۰/۴۱۹         | ۰/۷۳۰        |                      |                      |                     |
| تمایل به بازدید مجدد | ۰/۶۸۰         | ۰/۴۰۰        | ۰/۸۵۰                |                      |                     |
| توصیه مقصد به دیگران | ۰/۶۱۳         | ۰/۴۲۳        | ۰/۶۸۴                | ۰/۸۷۰                |                     |
| مشارکت گردشگر مذهبی  | ۰/۲۶۶         | ۰/۵۲۳        | ۰/۲۶۰                | ۰/۲۲۹                | ۰/۷۱۶               |

### پایایی

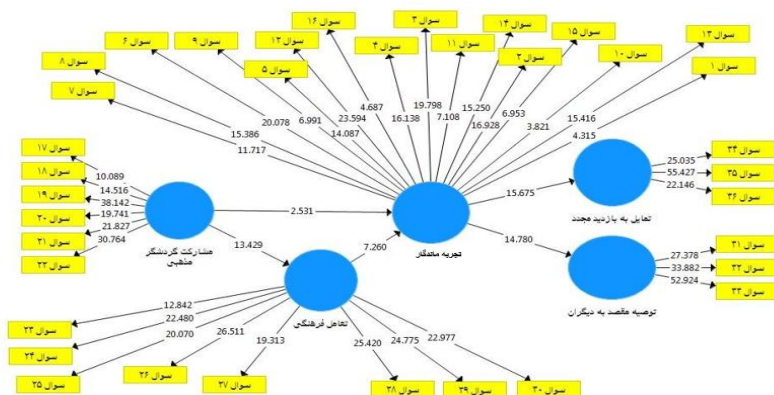
برای سنجش پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ و پایایی استفاده شده است. با توجه به جداول خروجی نرم افزار اسپاس میزبان آلفای کرونباخ کل سؤالات ۰/۹۲۲ بوده است که بیان گر پایایی مطلوب در کل پرسشنامه است. آلفای کرونباخ تمامی متغیرها نیز از ۰/۸ بیشتر بوده که بیانگر تأیید پایایی ابزار است که مقادیر آن در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶) مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی مرکب

| متغیر         | تمایل به بازدید مجدد | توصیه مقصد به دیگران | تعامل فرهنگی | مشارکت گردشگر مذهبی | تجربه ماندگار |
|---------------|----------------------|----------------------|--------------|---------------------|---------------|
| آلفای کرونباخ | ۰/۸۰۸                | ۰/۸۴۰                | ۰/۸۷۴        | ۰/۸۰۴               | ۰/۸۸۰         |
| پایایی مرکب   | ۰/۸۷۷                | ۰/۹۰۴                | ۰/۹۰۱        | ۰/۸۶۱               | ۰/۹۰۴         |

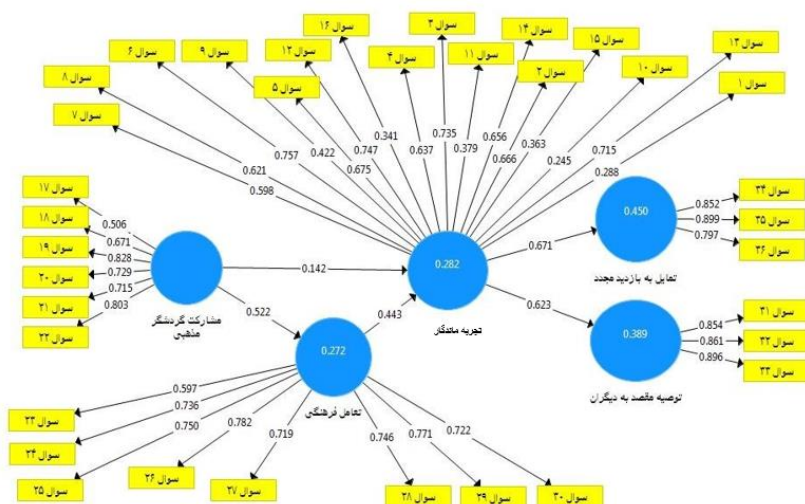
### آزمون فرضیه‌ها

در آزمون فرضیه‌ها طبق مدل یابی معادلات ساختاری، هرگاه آماره  $t$  در سطح اطمینان ۹۵٪ از ۱/۹۶ بزرگ‌تر یا از ۱/۹۶- کوچک‌تر باشد، این رابطه معنادار خواهد بود. در شکل ۲ مقادیر آماره  $t$  نشان داده شده است.



شکل ۲) آماره  $t$  متغیرها

هرچه ضریب مسیر به یک نزدیک‌تر باشد، رابطه بین متغیرها مثبت‌تر و مستحکم‌تر است. شکل ۳، ضرایب تخمین استاندارد که میزان تأثیر هر متغیر بر متغیر دیگر است را نشان می‌دهد.



شکل ۳) بارهای عاملی و ضرایب مسیر ساختاری

ضریب تأثیر متغیرهای پژوهش طبق شکل ۳ مقداری مثبت است که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم متغیرها بر یکدیگر است و بر اساس شکل ۲ که ضرایب معناداری را نشان می‌دهد، مقادیر آماره  $t$  بیشتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین می‌توان گفت تمامی فرضیه‌ها مورد تأیید است. همچنین برای

بررسی تأثیر متغیر میانجی، از آزمون میانجی گری سوبل<sup>۱</sup> در این پژوهش استفاده شده است. در آزمون سوبل، یک مقدار Z-value از طریق فرمول سوبل به دست می‌آید که در صورت بیشتر شدن این مقدار از ۱/۹۶، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪، معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید کرد. مقدار Z-value حاصل از آزمون سوبل برابر با ۶/۹۳۶ است که به دلیل بیشتر بودن از مقدار ۱/۹۶ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪، تأثیر متغیر میانجی تعامل فرهنگی در رابطه میان مشارکت گردشگران مذهبی و تجربه ماندگار معنادار است. برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی، از آماره  $VAF^2$  استفاده شده است که مقداری بین ۰ و ۱ را اختیار می‌کند و هرچه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان از قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی دارد. جدول ۷ نتایج آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۷) نتایج آزمون فرضیه‌ها

| ردیف | فرضیه                                                | آماره t      | ضریب مسیر      | سطح اطمینان | نتایج |
|------|------------------------------------------------------|--------------|----------------|-------------|-------|
| ۱    | مشارکت گردشگران مذهبی ← تعامل فرهنگی                 | ۱۳/۴۲۹       | ۰/۵۲۲          | ٪۹۵         | تأیید |
| ۲    | تعامل فرهنگی ← تجربه ماندگار                         | ۷/۲۶۰        | ۰/۴۴۳          | ٪۹۵         | تأیید |
| ۳    | مشارکت گردشگران مذهبی ← تجربه ماندگار                | ۲/۵۳۱        | ۰/۱۴۲          | ٪۹۵         | تأیید |
| ۴    | مشارکت گردشگران مذهبی ← تعامل فرهنگی ← تجربه ماندگار | ۶/۹۳۶ (سوبل) | ۰/۶۱ ( $VAF$ ) | ٪۹۵         | تأیید |
| ۵    | تجربه ماندگار ← تمایل به بازدید مجدد                 | ۱۵/۶۷۵       | ۰/۶۷۱          | ٪۹۵         | تأیید |
| ۶    | تجربه ماندگار ← توصیه مقصد به دیگران                 | ۱۴/۷۸۰       | ۰/۶۲۳          | ٪۹۵         | تأیید |

## برازش مدل

یکی دیگر از آزمون‌های ارزیابی مدل اندازه‌گیری انعکاسی، آزمون بررسی کیفیت آن است. کیفیت مدل اندازه‌گیری توسط شاخص اشتراک با روایی متقاطع (CV Com) محاسبه می‌شود. این شاخص در واقع توانایی مدل مسیر را در پیش‌بینی متغیرهای مشاهده‌پذیر از طریق مقادیر متغیر پنهان متناظرشان می‌سنجد. این شاخص کیفیت مدل اندازه‌گیری را به کمک دستور BF در هر مرحله برای یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی می‌سنجد. چنانچه این شاخص، عدد مثبت را

1. Sobel test

2. Variance accounted for

نشان دهد، مدل اندازه‌گیری انعکاسی از کیفیت لازم برخوردار است. برای بررسی کیفیت کل مدل اندازه‌گیری میانگین این شاخص گرفته می‌شود و چنانچه مثبت باشد، کل مدل اندازه‌گیری از کیفیت مناسبی برخوردار است (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳). مقادیر شاخص اشتراک (CV Com) در جدول ۸ آورده شده است. چون تمامی این مقادیر مثبت است، پس کیفیت مدل ساختاری خوب ارزیابی می‌شود.

جدول ۸) مقادیر اشتراکی متغیرها

| متغیر                | شاخص اشتراک (Communality) |
|----------------------|---------------------------|
| تجربه ماندگار        | ۰/۲۴۸                     |
| تعامل فرهنگی         | ۰/۳۹۶                     |
| تمایل به بازدید مجدد | ۰/۴۱۷                     |
| توصیه مقصد به دیگران | ۰/۴۷۱                     |
| مشارکت گردشگر مذهبی  | ۰/۳۲۸                     |

### شاخص ضریب تعیین ( $R^2$ )

معیار اساسی ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا مدل مسیر، ضریب تعیین است. این شاخص نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات متغیر درون‌زا توسط متغیر برون‌زا صورت می‌پذیرد. مقادیر ۰/۶۷، ۰/۳۳ و ۰/۱۹ برای متغیرهای مکنون درون‌زا در مدل مسیر ساختاری به ترتیب قابل توجه، متوسط و ضعیف توصیف شده است؛ ولی چنانچه متغیر مکنون درون‌زا تحت تأثیر تعداد معدودی (یک یا دو) متغیر برون‌زا قرار داشته باشد، مقادیر متوسط ضریب تعیین نیز قابل پذیرش است (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳). مقدار ضریب تعیین  $R^2$  برای متغیرهای درون‌زای پژوهش در جدول ۹ گزارش شده است.

جدول ۹) ضرایب تعیین

| متغیر                | ضریب تعیین | ارزیابی |
|----------------------|------------|---------|
| تجربه ماندگار        | ۰/۲۸۲      | متوسط   |
| تعامل فرهنگی         | ۰/۲۷۲      | متوسط   |
| تمایل به بازدید مجدد | ۰/۴۵۰      | قوی     |
| توصیه مقصد به دیگران | ۰/۳۸۹      | متوسط   |

## نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف پژوهش حاضر و مدل مفهومی، دو عامل مشارکت و تعامل گردشگر مذهبی بر تجربه ماندگار تأثیرگذار است. همچنین پیامد تجربه ماندگار گردشگر، شامل تمایل به بازدید مجدد و توصیه مقصد به دیگران است که مبنای فرضیه‌سازی و آزمون‌های آماری قرار گرفت. درواقع مشارکت در برنامه‌ریزی سفر، آگاهی از نقاط دیدنی شهر مشهد، آگاهی از موقعیت‌های جدید جهت بازدید، استفاده از فضای مجازی در کسب این آگاهی‌ها، استفاده از بروشور و کتابچه‌ها برای کسب این آگاهی‌ها، افزایش اطلاعات راجع به شهر مشهد مقدس، حرم مطهر رضوی و مراکز فرهنگی و تفریحی، می‌تواند منجر به افزایش دانش در خصوص آداب و رسوم مختلف، آشنایی بیشتر با فرهنگ شهر مشهد و تعامل نزدیک با مردم مشهد در طول سفر شود. این نتیجه هم‌راستا با پژوهش چن و رحمان (Chen & Rahman, 2018) و لوریرو و سارمانتو (Loureiro & Sarmiento, 2019) است. شرکت در فعالیت‌های فرهنگی شهر مشهد در طول سفر می‌تواند منجر به لذت‌بردن از تجربه‌های جدید، جذابیت فعالیت‌های انجام‌شده، تجربه‌کردن اتفاقات فراوان، آشناسدن با فرهنگ مشهد، رفتار دوستانه مردم مشهد با زائران و گردشگران، کسب انرژی مضاعف از سفر و افزایش سطح خودشناسی شود. پژوهش‌های چن و رحمان (Chen & Rahman, 2018) و لو، چی و لیو (Lu, Chi & Liu, 2015) این مطلب را تأیید می‌کند؛ البته پژوهش‌های اصلانی افراشته، کریمی علویجه و نائلی (۱۳۹۸) و جعفری و دیگران (۱۳۹۶)، نتایجی برخلاف این موضوع به دست آورده‌اند. این ناهم‌سویی به این دلیل است که تمرکز فقط بر تجربه سفر گردشگران سالمند است؛ درحالی‌که در این پژوهش فقط ۱۵٪ از گردشگران نمونه آماری، سالمند هستند. همچنین مورد مطالعه در پژوهش اصلانی افراشته، کریمی علویجه و نائلی (۱۳۹۸) شهر اصفهان و نوع گردشگری آن گردشگری تاریخی- فرهنگی است؛ در صورتی‌که مورد مطالعه این پژوهش، شهر مشهد و نوع گردشگری آن، گردشگری مذهبی است. در رابطه با ناهم‌سویی با پژوهش جعفری و دیگران (۱۳۹۶) می‌توان گفت که چون جامعه آماری پژوهش گردشگران خارجی هستند و جامعه آماری ما گردشگران داخلی، پس ممکن است ناهم‌سویی به این دلیل باشد. پژوهش کشانی و لطفی‌زاده (۱۳۹۶)، توکوموشابا، شیائو و لادکین (Tukamushaba, Xiao & Ladkin, 2016)، رسولی‌منش و دیگران (Rasoolimanesh, et al., 2019)

نیز این موضوع را تأیید می‌کند؛ بنابراین لذت‌بردن از تجربه‌های جدید، هیجان‌انگیز بودن سفر به مشهد، ماندگار بودن سفر به مشهد می‌تواند منجر به توصیه سفر به مشهد مقدس به دوستان، انتقال نکات مثبت راجع به شهر مشهد به دیگران و ترغیب دوستان و آشنایان به سفر به مشهد مقدس شود. ساخت مراکز فرهنگی؛ از جمله موزه‌ها که نشان‌دهنده تاریخ و فرهنگ شهر هستند نیز بسیار مهم و تأثیرگذار است. نتایج پرسشنامه نشان می‌دهد که گردشگران شهر مشهد نسبت به فرهنگ این شهر آشنایی ندارند که این عدم آشنایی ممکن است به دلیل نبود اطلاع‌رسانی و تبلیغات رسانه‌ای از تاریخ، فرهنگ و سبک زندگی مردم مشهد و کمبود مراکزی که این فرهنگ را در معرض دید عموم قرار دهد، باشد. از طرفی نتایج پرسشنامه نیز نشان‌دهنده عدم تمایل گردشگران مذهبی شهر مشهد مقدس، به ارتباط و تعامل با مردم مشهد و نارضایتی از برخورد مردم شهر مشهد با زائران و گردشگران است؛ بنابراین سازمان‌های مربوطه باید شیوه‌های افزایش کیفیت فرهنگ عمومی و شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از تجربه سفر گردشگران که سعی در کاهش این نارضایتی‌ها دارد را در دستور کار خود قرار دهند. پیشنهاد می‌شود که گردشگران قبل از حضور در مشهد مقدس، اطلاعات خود را که شامل جاذبه‌های گردشگری، فرهنگ شهر مشهد و حرم مطهر رضوی است از روش‌های مختلف مثل فضای مجازی یا کتاب‌های مختلف افزایش دهند تا تجربه ماندگارتر و لذت‌بخش‌تری از سفر به مشهد به دست بیاورند. توزیع این اطلاعات در فضای حقیقی و مجازی، به صورت صحیح و در دسترس عموم به زبان‌های محلی و خارجی بر عهده سازمان‌های متولی و دست‌اندرکاران حوزه زیارت و گردشگری شهر مشهد مقدس و افزایش فعالیت‌های نمایندگی‌های آستان قدس رضوی در شهرستان‌ها و افزایش سطح امکانات گردشگری در شهرهای منتهی به استان خراسان رضوی و شهر مشهد و تهیه و توزیع اطلاعات گردشگری مشهد در این شهرها از جمله این کارهاست. همچنین خود گردشگرانی که قصد مسافرت به مشهد مقدس را دارند نیز سعی کنند با استفاده از منابع اطلاعاتی مختلف موجود؛ مثل کتاب، فضای مجازی و... قبل از سفر و حتی در حین سفر، اطلاعات خود را در مورد مشهد، امام‌رضا (ع) و حرم مطهر رضوی، جاذبه‌های مشهد و ... افزایش بدهند تا تجربه‌ای به‌یادماندنی از سفر به مشهد مقدس کسب کنند و رضایت از تجربه سفر بالاتری داشته باشند.

در انتها می‌توان نتیجه گرفت اگر گردشگران سفر لذت‌بخش‌تر و تجربه‌ماندگارتری از سفر به مشهد مقدس داشته باشند، توصیه سفر به مشهد به دیگران نیز افزایش پیدا خواهد کرد و زائران و گردشگران پس از بازگشت به شهر مبدأ، در برخورد با خانواده و دوستان سفر به مشهد مقدس را توصیه و دیگران را به این سفر ترغیب خواهند کرد؛ البته زیارت امام‌رضا (ع) اصلی‌ترین و مهم‌ترین دلیل بر توصیه مقصد به دیگران در بین زائرین است.



## منابع

- آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول؛ قنواتی، مهدی (۱۳۹۱). *مدل سازی مسیری- ساختاری در مدیریت کاربرد نرم افزار PLS*. تهران: نگاه دانش.
- اصلانی افراشته، امیر؛ کریمی علویجه، محمدرضا؛ نائلی، مریم (۱۳۹۸). "کاوشی بر تبیین پیشایندها (پیش‌زمینه‌ها) و پیامدهای رضایت از تجربه سفر گردشگران سالمند". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال چهاردهم، ش ۴۵ (بهار): ۱-۳۴.
- اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۴). "تحلیل و تبیین پایداری توسعه گردشگری در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دماوند)". *پژوهش‌های جغرافیای/انسانی*، سال چهل و هفتم، ش ۱ (بهار): ۸۱-۹۵.
- ایمانی خوشخو؛ محمدحسین؛ ایوبی یزدی، حمید (۱۳۸۹). "عوامل مؤثر بر ارزش ویژه برند در مقصد گردشگری شهر یزد". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال پنجم، ش ۱۳ (پاییز): ۱۱۳-۱۳۸.
- بحرینی‌زاد، منیژه؛ بوشهری سنگی‌زاد، بابک (۱۳۹۸). "ارائه مدل بومی وفاداری به مقصد گردشگری با رویکرد کیفی مبتنی بر داده‌بنیاد (بندر بوشهر مقصد گردشگری)". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال چهاردهم، ش ۴۵ (بهار): ۱۹۳-۲۲۰.
- جعفری، سکینه، و دیگران (۱۳۹۶). "رابطه ساختاری ارزش درک‌شده و رضایت گردشگر با رفتار مسئولانه زیست‌محیطی: نقش میانجی مشارکت گردشگر". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال دوازدهم، ش ۲۷ (بهار): ۱۱۵-۱۵۱.
- حامد همراهیان، فائزه؛ غیور باغبانی، سیدمرتضی؛ رجوعی، مرتضی (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر ارزش ادراک شده بر وفاداری گردشگر مذهبی با نقش میانجی رضایت، اعتماد و تصویر ذهنی". [پیوسته] قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/987772> [۱۴۰۰/۵/۱]
- حسینی‌پور، سیداحسان؛ رضایی دولت‌آبادی، حسین؛ کاظمی، علی (۱۳۹۵). "بررسی عوامل کشش و رانش مؤثر بر نیت سفر گردشگری مذهبی و نحوه تأثیر آنها (شهر قم)". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال یازدهم، ش ۳۶ (زمستان): ۱۰۹-۱۲۴.

- شالچیان، طاهره (۱۳۸۲). "آثار میان فرهنگی و نقش گردشگری در ایجاد وفاق بین ادیان اسلام و مسیحیت". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال اول، ش ۳ (زمستان): ۱۷-۳۷.
- صفری، سعید؛ محمد میرزایی بافقی، ملیحه (۱۳۹۴). "شناسایی و اولویت بندی فرصت های کارآفرینانه در صنعت گردشگری شهرستان یزد". *مطالعات مدیریت گردشگری*، سال نهم، ش ۲۶ (تابستان): ۱۳۱-۱۴۷.
- ضرغام بروجنی، حمید؛ بهمنش، پریسا (۱۳۹۲). "شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد تجربه گردشگری به یادماندنی از دیدگاه گردشگران فرهنگی بازدیدکننده از ایران". *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، سال دوم، ش ۴ (بهار): ۶۷-۸۸.
- طباطبایی نسب، سید محمد؛ ضرابخانه، فرزانه؛ اسدیان اردکانی، فائزه (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط مشارکت پایدار گردشگران و ارزش ویژه برند مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)". *مطالعات و پژوهش های شهری- منطقه ای*، سال هفتم، ش ۲۶ (پاییز): ۱۶۷-۱۸۸.
- فروغزاده، سیمین؛ شریعتی، سعید؛ دانایی، مجید (۱۳۹۱). "تحلیل جامعه شناختی مدت اقامت زائران ایرانی در شهر مشهد". *مطالعات اجتماعی ایران*، سال ششم، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان): ۱۶۱-۱۸۳.
- قاسمی همدانی، ایمان؛ رجبی فرجاد، حاجیه (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین بازاریابی رابطه مند و وفاداری مشتریان (مطالعه موردی: شرکت های بیمه شهرستان بیرجند)". *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال نهم، ش ۴ (تابستان): ۱۲۵-۱۴۳.
- کریمی علویچه، محمد رضا؛ احمدی، محمد مهدی؛ نظری، مهسا (۱۳۹۵). "بررسی اثرات ارزش های سنتی و ارزش های اسلامی بر رضایت و وفاداری گردشگران خارجی شهر قم". *مطالعات مدیریت گردشگری*، دوره دهم، ش ۳۲ (زمستان): ۲۱-۴۲.
- کشانی، محمد؛ لطفی زاده، فرشته (۱۳۹۶). "شناسایی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب مقصد گردشگری در تجربیات گردشگری به یادماندنی". [پیوسته] قابل دسترس در:

- مؤمنی، منصور؛ فعال قیومی، علی (۱۳۹۰). *تحلیل آماری با استفاده از SPSS*. تهران: کتاب نو.
- محسنین، شهریار؛ اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۹۳). معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart-PLS. تهران: کتاب مهربان.
- همتی، رضا؛ زهرانی، داود (۱۳۹۳). "بررسی عوامل مؤثر بر رضامندی و وفاداری گردشگران خارجی به اصفهان به مثابه برند گردشگری". *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، سال سوم، ش ۱۰ (پاییز): ۱۸۲-۲۰۴.
- Abdul-Ghani, E.; Hyde, K. F.; Marshall, R. (2011). "Emic and etic interpretations of engagement with a consumer-to-consumer online auction site". *Journal of Business Research*, Vol. 64, No. 10: 1060-1066.
- Altunel, M. C.; Erkurt, B. (2015). "Cultural tourism in Istanbul: The mediation effect of tourist experience and satisfaction on the relationship between involvement and recommendation intention". *Journal of Destination Marketing & Management*, Vol. 4, No. 4: 213-221.
- Beerli, A.; Meneses, G. D.; Gil, S. M. (2007). "Self-congruity and destination choice". *Annals of Tourism Research*, Vol. 34, No. 3: 571-587.
- Bryce, D., et al. (2015). "Visitors' engagement and authenticity: Japanese heritage consumption". *Tourism Management*, Vol. 46, No. 1: 571-581.
- Chen, H.; Rahman, I. (2018). "Cultural tourism: An analysis of engagement, cultural contact, memorable tourism experience and destination loyalty". *Tourism Management Perspectives*, Vol. 26, No. 1: 153-163.
- Crouch, G. I.; Ritchie, J. B. (2000). "The competitive destination: A sustainability perspective". *Tourism management*, Vol. 21, No. 1: 1-7.
- Eid, R. (2015). "Integrating Muslim customer perceived value, satisfaction, loyalty and retention in the tourism industry: An empirical study". *International Journal of Tourism Research*, Vol. 17, No. 3: 249-260.
- Falk, J.; Storksdieck, M. (2005). "Using the contextual model of learning to understand visitor learning from a science center exhibition". *Science Education*, Vol. 89, No. 5: 744-778.
- Ferns, B. H.; Walls, A. (2012). "Enduring travel involvement, destination brand equity and travelers' visit intentions: A structural model analysis". *Journal of Destination Marketing & Management*, Vol. 1, No. 1-2: 27-35.

- Flavián, C.; Martínez, E.; Polo, Y. (2001). "Loyalty to grocery stores in the Spanish market of the 1990s". *Journal of Retailing and Consumer Services*, Vol. 8, No. 2: 85-93.
- Fornell, C.; Larcker, D. (1981). "Evaluating Structural Equation Modeling with Unobserved Variables and Measurement Error". *Journal of Marketing Research*, Vol. 18, No. 1: 39-50.
- Foscht, T., et al. (2008). "The impact of culture on brand perceptions: A six-nation study". *Journal of Product & Brand Management*, Vol. 17, No. 3: 131-142.
- Gnoth, J.; Zins, A. H. (2013). "Developing a tourism cultural contact scale". *Journal of Business Research*, Vol. 66, No. 6: 738-744.
- Grigaliūnaitė, V.; Pilelienė, L. (2014). "Satisfaction and loyalty of Lithuanian rural tourists: Segmentation and managerial implications". *Regional Formation and Development Studies*, Vol. 14, No. 3: 64-75.
- Haque, A.; Khan, A. H. (2013). "Factors influencing of tourist loyalty: A study on tourist destinations in Malaysia". In: *Conference proceedings of 3rd Asia-Pacific business research conference. Kuala Lumpur*: 25-26.
- Henseler, J., Ringle, C. M.; Sinkovics, R. R. (2009). "The use of partial least squares path modeling in international marketing". *Advances in International Marketing*, Vol. 20, No. 1: 277-319.
- Ioan-Franc, V.; Iștoc, E. M. (2007). "Cultural tourism and sustainable development". *Romanian Journal of Economic Forecasting*, Vol. 1, No. 3: 89 – 96.
- Kumar, V.; Pansari, A. (2016). "Competitive advantage through engagement". *Journal of marketing research*, Vol. 53, No. 4: 497-514.
- Lashley, C. (2009). "Marketing hospitality and tourism experiences". In: *Handbook of hospitality marketing management*. Routledge: 25-53.
- Lemon, K. N.; Verhoef, P. C. (2016). "Understanding customer experience throughout the customer journey". *Journal of marketing*, Vol. 80, No. 6: 69-96.
- Loureiro, S. M. C. (2014). "The role of the rural tourism experience economy in place attachment and behavioral intentions". *International Journal of Hospitality Management*, Vol. 40, No. 1: 1-9.

- Loureiro, S. M. C.; Sarmento, E. M. (2019). "Place attachment and tourist engagement of major visitor attractions in Lisbon". *Tourism and Hospitality Research*, Vol. 19, No. 3: 368-381.
- Lu, L.; Chi, C. G.; Liu, Y. (2015). "Authenticity, involvement, and image: Evaluating tourist experiences at historic districts". *Tourism Management*, Vol. 50, No. 1: 85-96.
- Nam, J.; Ekinci, Y.; Whyatt, G. (2011). "Brand equity, brand loyalty and consumer satisfaction". *Annals of tourism Research*, Vol. 38, No. 3: 1009-1030.
- Oh, H.; Fiore, A. M.; Jeoung, M. (2007). "Measuring experience economy concepts: Tourism applications". *Journal of travel research*, Vol. 46, No. 2: 119-132.
- Rasoolimanesh, S. M., et al. (2019). "Investigating the effects of tourist engagement on satisfaction and loyalty". *The Service Industries Journal*, Vol. 39, No. 7-8: 559-574.
- Richards, G. (2000). "Tourism and the world of culture and heritage". *Tourism recreation research*, Vol. 25, No. 1: 9-17.
- Ruzzier, M. K.; De Chernatony, L. (2013). "Developing and applying a place brand identity model: The case of Slovenia". *Journal of Business Research*, Vol. 66, No. 1: 45-52.
- Sadeh, E., et al. (2011). "The structural model of e-service quality, e-customer satisfaction, trust, customer perceived value and e-loyalty". *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, Vol. 5, No. 3: 532-538.
- Taheri, B.; Jafari, A.; O'Gorman, K. (2014). "Keeping your audience: Presenting a visitor engagement scale". *Tourism Management*, Vol. 42, No. 1: 321-329.
- Tukamushaba, E. K.; Xiao, H.; Ladkin, A. (2016). "The effect of tourists' perceptions of a tourism product on memorable travel experience: Implications for destination branding". *European journal of tourism, hospitality and recreation*, Vol. 7, No. 1: 2-12.
- Tung, V. W. S.; Ritchie, J. B. (2011). "Exploring the essence of memorable tourism experiences". *Annals of tourism research*, Vol. 38, No. 4: 1367-1386.
- Zolkiewski, J., et al. (2017). "Strategic B2B customer experience management: The importance of outcomes-based measures". *Journal of Services Marketing*, Vol. 31, No. 2: 172-184.



## **Influence of Persian Culture and Dialects of South Khorasan on Arabkhaneh Arabic Culture and Dialect (Case study: similarity and influence of interrogative sentences)**

**Zohreh FallahiPour<sup>1</sup>**

**Hamed Noruzi<sup>2</sup>**

**Aliakbar Samkhanian<sup>3</sup>**

**Received: 6/12/2021**

**Accepted: 14/5/2022**

### **Abstract**

Arabkhaneh, a rural district of Nehbandan and located in South Khorasan, is among the first residence of the Arabs immigrated to Iran. Due to the distance from its actual source and adjacency with Iranian culture, the language of this region is considerably influenced by Farsi. This impact takes place on four levels: syntactic, phoneme, phonetic and semantic, with the most impact on phoneme (structure). In this article, the authors compare the structure of interrogative sentences in standard Farsi with standard Arabic. The field data has been gathered from Khosroabad Arabkhaneh village and then analyzed and compared using typology approaches and frameworks. The results showed resemblance in the order of the elements of an interrogative sentences and words and relocation of them. Nonetheless, since the interrogative sentences in Farsi, Arabkhaneh dialect and standard Arabic have some resemblance, it could not be hypothesized that the number of interrogatives in Arabkhaneh dialect has been influenced by Farsi.

**Keywords:** Arabkhaneh's Arabic Dialect, Interrogative structures, Farsi language, Typology

---

1. Graduated from Birjand University with a master's degree in Persian language and literature  
Zohre.fallahipour@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University  
hd-noruzi@birjand.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University  
asamkhaniani@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

## تأثیرپذیری فرهنگ و گویش عربی عربخانه از فرهنگ و گویش‌های فارسی خراسان جنوبی

(بررسی موردی: شباهت و تأثیرپذیری جمله‌های پرسشی)

زهره فلاحی‌پور<sup>۱</sup> حامد نوروزی<sup>۲</sup> علی‌اکبر سام‌خانیانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۵

مشاهده مقاله منتشر شده: سال ۱۶، شماره ۳

[http://www.farhangekhorasan.ir/article\\_150383.html](http://www.farhangekhorasan.ir/article_150383.html)

### چکیده

عربخانه دهستانی از توابع شهرستان نهبندان، واقع در خراسان جنوبی، یکی از اولین سکونت‌گاه‌های عرب‌های مهاجر در ایران بوده است. فرهنگ مردم این منطقه به دلیل دوری از منشأ اصلی خود و همچنین همجواری با فرهنگ فارسی، شباهت فراوانی به فرهنگ فارسی یافته است. در این مقاله از مجموعه تأثیرپذیری‌های فرهنگی عربخانه از فارسی، به بررسی شباهت‌های زبانی پرداخته شده است. این شباهت‌های زبانی در هر چهار سطح صرفی، نحوی، آوایی و معنایی زبان مشهود است؛ اما بیشترین شباهت در بخش نحو (ساخت جمله) مشاهده می‌شود. در این مقاله نگارندگان ساخت جمله پرسشی در گویش عربی عربخانه را با ساخت جمله پرسشی در زبان فارسی گفتاری و عربی معیار مقایسه کرده‌اند. داده‌های این پژوهش به صورت میدانی از روستای خسروآباد عربخانه جمع‌آوری شده و با استفاده از چهارچوب‌های دیدگاه رده‌شناسی زبان، تحلیل و مقایسه شده است. پس از بررسی روشن شد که ترتیب اجزای جمله پرسشی، پرسش‌واژه‌ها و جابه‌جایی اجزای جمله در گویش عربخانه در مواردی تحت تأثیر فارسی گفتاری است و در مواردی به آن شباهت دارد؛ برای مثال از آنجا که جملات پرسشی از نظر تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در فارسی، گویش عربخانه و عربی معیار شباهت دارند، نمی‌توان ادعا کرد که تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در گویش عربخانه از فارسی متأثر بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** گویش عربی عربخانه، ساخت جمله پرسشی، زبان فارسی، رده‌شناسی

Zohre.fallahipour@gmail.com

hd-noruzi@birjand.ac.ir

asamkhaniani@birjand.ac.ir

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند



## مقدمه

فرهنگ و همه شئون آن پدیده‌هایی پویا و زنده‌اند که پیوسته در حال تحول و دگرذیسی هستند. یکی از مهم‌ترین دلایل تحول فرهنگ یک جامعه خُرد یا کلان، برخورد و تماس بلندمدت با فرهنگی دیگر است. یکی از مهم‌ترین شئون فرهنگی که در اثر تماس با فرهنگ بیگانه دچار تحول می‌شود «زبان» است. اصطلاح برخورد زبانی<sup>۱</sup> را در مفهومی عام می‌توان به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر تعبیر کرد. در برخورد دو جامعه زبانی، زبان قومی را که دارای برتری نظامی، اقتصادی یا سیاسی است و یا به واسطه سلطه، به سرزمین دیگری وارد شده است، زبان زبرین<sup>۲</sup> و زبان مردمی را که از نظر نظامی، اقتصادی یا سیاسی در موضع ضعف قرار دارند و یا زبان مردم بومی سرزمین اشغالی را که زیر سلطه نظامی، اقتصادی یا سیاسی تازه‌واردان قرار گرفته است، زبان زیرین<sup>۳</sup> می‌نامند. در این قبیل موارد بویژه هنگامی که دو جامعه زبانی به واسطه جنگ‌ها و برخوردهای نظامی در ارتباط قرار می‌گیرند، به طور کلی سه حالت پیش می‌آید: حذف زبان زبرین، حذف زبان زیرین و هم‌زیستی دو زبان در کنار یکدیگر (مدرسی، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹). هم‌زیستی دو زبان معمولاً دارای شرایط خاصی است؛ بدین ترتیب که هیچ‌یک از دو زبان حذف نمی‌شود؛ اما هر یک در طول زمان، قلمرو جغرافیایی خاصی در یک کشور برای خود به وجود می‌آورد. در واقع نوعی تقسیم قلمرو جغرافیایی میان زبان‌های زبرین و زیرین انجام می‌گیرد؛ بدون آن که الزاماً یکی از آن‌ها در سراسر یک منطقه، رایج و دیگری حذف شود. بی‌تردید پس از اسلام، زبان عربی بیشترین هم‌زیستی را با زبان فارسی داشته است. این زبان به صورت مستقیم در فارسی تأثیر گذاشته است؛ اما در برخی از مناطق ایران به شدت تحت تأثیر فارسی نیز قرار گرفته است. این تأثیر و تأثر در مناطقی که مقصد مهاجرت عرب‌ها بوده است، بیشتر مشاهده می‌شود. یکی از مناطقی که از قرون نخستین اسلامی مقصد مهاجرت عرب‌ها بوده، خراسان جنوبی است.

دیدگاه‌های مختلفی در مورد مهاجرت عرب‌ها به خراسان وجود دارد. اکثر تاریخ‌نویسان فتح خراسان توسط عرب‌ها را در سال ۲۲ هـ. ق. و در عصر خلافت «عمر بن خطاب» ذکر کرده‌اند و

- 
1. Linguistic contact
  2. Upper language
  3. Lower language

برخی نیز این واقعه را در سال ۲۹ هـ. ق. نوشته اند (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۸). از همان زمان خراسان به عنوان یکی از سکونت‌گاه‌های عرب‌ها در ایران شناخته شده است؛ چنان‌که در سال ۵۲ هـ. ق. پنجاه هزار مرد جنگی هر یک با خانواده خویش در خراسان ساکن شدند که نصف آن‌ها از عرب‌های بصره و نیمی دیگر از کوفه بودند (زرین‌کوب، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۰). موج دیگری از مهاجرت عرب‌ها به خراسان نیز در قرن اول هجری قمری در سال ۶۴ هـ. ق. آغاز شده است (اشپولر، ۱۳۶۹: ۴۴۷). به همین ترتیب مهاجرت عرب‌ها در زمان عباسیان نیز ادامه یافت. یکی از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت عرب‌ها در این دوره، قیام استادسیس است. سرکوب استادسیس در زمان منصور عباسی و به فرماندهی خازم بن خزیمه انجام گرفت. خازم بن خزیمه بعد از مقهورکردن استادسیس در قهستان مستقر شد؛ در نتیجه نژاد بیشتر عرب‌ها در جنوب خراسان را به او و سپاهیان‌ش برمی‌گردانند (میرنیا، ۱۳۶۹: ۱۵۱)؛ اما عده‌ای نیز عرب‌های جنوب خراسان را همان عرب‌های خوزستان می‌دانند که در زمان نادرشاه کوچانده شده‌اند که این نظر بر اساس داده‌های زبان‌شناسی طرفداری ندارد (نوروزی و قربانی جویباری، ۱۳۹۴: ۱۴۷). به هر روی جنوب خراسان همواره یکی از مهم‌ترین سکونت‌گاه‌های عرب‌ها در خراسان و حتی ایران است. به گونه‌ای که بخشی از این استان با عنوان عربخانه شناخته می‌شود. این منطقه با توجه به دورافتادگی از مناطق دیگر عرب‌نشین ایران و تماس دائم با فرهنگ‌های همجوار فارسی، تأثیر بسیاری از فرهنگ و زبان فارسی پذیرفته است. در این مقاله قصد داریم تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی این منطقه را در سطح نحو و به صورت ویژه، ساخت جمله پرسشی بررسی کنیم.

منطقه عربخانه یکی از دهستان‌های بخش شوسف شهرستان نهبندان است. این دهستان از شمال و شمال غربی به شهرستان بیرجند، از جنوب به دهستان میغان و از شرق به دهستان شوسف محدود می‌شود. طبق سرشماری عمومی ۱۳۹۵ این دهستان که از ۱۰۷ آبادی بزرگ و کوچک تشکیل شده، حدود ۱۲۸۷ خانوار ساکن و ۳۸۷۲ نفر را در خود جای داده است (مرکز آمار ایران) که نسبت به سرشماری قبل در سال ۱۳۷۵ که جمعیت این دهستان ۷۲۰۰ نفر بود، کاهش پنجاه درصدی را نشان می‌دهد.

زبان عربی این منطقه به دلیل همجواری با فرهنگ‌های فارسی‌زبان، تأثیرهای فراوانی از زبان فارسی گرفته است. این تأثیرها را می‌توان در هر چهار سطح زبان (صرفی، نحوی، آوایی، معنایی) مشاهده کرد. یکی از سطوح زبان عربی این منطقه که بیشترین تأثیر را از فارسی پذیرفته، سطح نحوی و به صورت ویژه، ساخت جمله است. به دلیل گستردگی پژوهش‌های نحوی و تعدد ساخت جمله‌های فارسی، در مقاله حاضر، نگارندگان تنها ساخت جمله پرسشی فارسی را مورد پژوهش قرار داده‌اند و تأثیر آن را بر ساخت جملات پرسشی گویش عربی عربخانه بررسی خواهند کرد. نگارندگان برای رسیدن به این هدف از روش‌ها و چهارچوب‌های مبتنی بر رده‌شناسی زبان که ابزاری مناسب برای بررسی‌های نحوی تطبیقی است، بهره برده‌اند.

### پیشینه تحقیق

درباره گویش عربی عربخانه پژوهش‌های اندکی انجام گرفته است. از جمله ولادمیر الکسیویچ ایوانف<sup>۱</sup> که به نظر می‌رسد اولین کسی است که در مقاله‌ای (۱۹۲۶) به گویش عربخانه اشاره کرده است و معتقد است واژگان این زبان تقریباً فارسی، اما دستور زبان (نحو) آن عربی است؛ در صورتی که برخلاف این عقیده، گویش عربخانه تأثیرهای فراوانی از نحو زبان فارسی گرفته است. پایان‌نامه آموزگار (۱۳۸۰) و مقاله مستخرج از آن بیشتر به تاریخچه عرب‌های این منطقه و تطبیق زبان عربی آن با عربی معیار پرداخته است. در این پایان‌نامه به تأثیرپذیری این گویش از زبان فارسی توجهی نشده است. در پایان‌نامه جانی (۱۳۸۷) نیز بیشتر به مقایسه گویش عربی درمیان با عربخانه پرداخته شده است. دالگرن (Dahlgren, 2005) در مقاله خود معتقد است که زبان فارسی تأثیر فراوانی بر گویش عربی عربخانه داشته است. در کتاب کاظمی (۱۳۹۳) و مقاله عباسی (۱۳۷۷) در مورد تاریخچه مهاجرت عرب‌های خراسان جنوبی به این منطقه توضیحات مفصلی آمده است. مقاله سیدی (۱۳۸۷) نیز به شباهت آوایی گویش عربی جنوب عراق با جنوب خراسان پرداخته است. پایان‌نامه امیرآبادی‌زاده (۱۳۸۸) تنها به حوزه ساخت‌واژه توجه داشته و به نحو نپرداخته است. در مقاله نوروزی و قربانی جویباری (۱۳۹۴) درباره تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل گویش عربی عربخانه، تنها به تأثیرپذیری واژگانی بخش فعل در دو زبان

توجه شده است. مقاله دیگر نوروزی و دیگران (۱۳۹۵) برخی از قرض‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است. اسعدزاده (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی ادبیات مربوط به آداب و رسوم مردم طایفه بهلولی و عربخانه پرداخته است. بهلولی‌مقدم (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود به بررسی تطبیقی افسانه‌های طایفه بهلولی و عرب‌های خراسان جنوبی پرداخته است. عزیزی (۱۳۹۷) دستگاه گویش عربی روستای توتسک را بررسی کرده است. آذری (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود ساخت صرفی فعل در گویش عربی درمیان را بررسی و آن را با عربی معیار مقایسه کرده است.

### روش تحقیق

مقاله حاضر، پژوهشی توصیفی- تحلیلی است که داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های میدانی با گویشوران منطقه عربخانه گردآوری شده است. سعی شده گویشورانی که با آنان مصاحبه شده است، تا حد امکان از افراد مسن (هر دو جنس زن و مرد) و بی‌سواد یا کم‌سواد باشند که تمام عمر خود را ساکن منطقه بوده‌اند. برای تحلیل داده‌ها از چهارچوب رده‌شناسی<sup>۱</sup> زبان استفاده شده است. اصطلاح «رده‌شناسی» ابتدا در سال ۱۹۰۱ توسط زبان‌شناس آلمانی گابلنتس<sup>۲</sup> در زبان‌شناسی به کار برده شد و از سال ۱۹۲۸ متداول گشت. در این چهارچوب زبان‌ها را بر اساس شباهت‌های ساختاری و خصوصیات دستوری دسته‌بندی می‌کنند. رده‌شناسی زبان از تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند بین زبان‌های جهان (چه زبان‌هایی که به یک خانواده تعلق دارند یا زبان‌هایی که در خانواده‌های زبانی مختلف جای می‌گیرند) بحث می‌کند. رده‌شناسان ویژگی‌های دستوری مانند ترتیب سازه‌ها، ساخت واژه‌ها و ساخت فعل را بین زبان‌های مختلف جهان مورد بررسی قرار می‌دهند و به دنبال کشف شباهت‌های این زبان‌ها هستند. بدین ترتیب با کشف ارتباط‌های غیرتصادفی میان زبان‌ها طبق الگوها و چهارچوب‌های دستوری آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنند (البرزی ورکی، ۱۳۸۱: ۱۲). برای رسیدن به این هدف در مقاله حاضر، ترتیب واژه‌های جمله در گویش عربی عربخانه با دو زبان فارسی معیار (و در مورد لزوم فارسی رایج در خراسان جنوبی) با

---

1. Linguistic/ Language Typology  
2. Gabelentz

ویژگی SOV و عربی معیار با ویژگی VOS مقایسه و میزان انطباق گویش عربی عربخانه با فارسی معیار و عربی معیار سنجیده می‌شود. بدین ترتیب روشن می‌شود که گویش عربی عربخانه هنوز ویژگی‌های نحوی و ترتیب واژه‌های عربی معیار را حفظ کرده یا با انحراف از قواعد معیار زبان عربی، تحت تأثیر ترتیب واژه‌های فارسی قرار گرفته است؛ البته در مواردی نیز با توجه به شباهتی که میان ساختار جملات گویش عربی و فارسی گفتاری خراسان جنوبی وجود دارد، تنها می‌توان به «شباهت ساختار جملات» اشاره کرد و نه تأثیرپذیری؛ چراکه مشابه همین ساختارها را می‌توان در گویش عربی خلیج یا عراق نیز مشاهده کرد. درنهایت باید گفت انتخاب رویکرد رده‌شناسی نیز برای یافتن شباهت‌های ساختاری جملات پرسشی در دو گویش فوق بوده است. کشف و بررسی شباهت‌های نظامند در نظام آواها و واج‌ها و صرف و نحو این زبان‌ها، موضوع رده‌شناسی زبان است. در این مسیر پژوهشی، رده‌شناسان به همگانی‌ها یا جهانی‌های زبانی که در همه زبان‌ها یافت می‌شوند نیز نائل شده‌اند؛ بنابراین، دستاورد مطالعات رده‌شناختی هم کشف تفاوت‌های نظاممند و هم اشتراکات بین زبان‌ها بوده است.

### بحث

هر یک از زبان‌های جهان الگوی صرفی، نحوی و آوایی خاص خود را دارند؛ اما ورای این تنوعات ظاهری، یکپارچگی‌ها و شباهت‌هایی نهفته است که نمی‌شود از آن‌ها چشم پوشید. رده‌شناسی زبانی، بر اساس شباهت این الگوها شکل گرفته است. رده‌شناسان معتقدند که الگوهای ساختاری تکرارپذیری بین زبان‌ها وجود دارد که اتفاقی نیستند. این الگوهای زبانی از طریق جهانی‌ها معرفی می‌شوند (رضایی و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱)؛ اما باید توجه داشت که گاهی نیز الگوهای مشترک دو زبان از طریق قرض‌گیری از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند. توماسون و کاوفمن (Thomason & Kaufman, 1988: 72) معتقدند که اساساً هرچیزی می‌تواند بر اثر تماس زبانی قرض‌گیری شود؛ اما وام‌گیری‌ها به ترتیب خاصی رخ می‌دهند و با عوامل زبانی-اجتماعی، از قبیل مدت‌زمان تماس و شدت آن همبستگی دارند. به عقیده آنان مدت‌زمان تماس باید به اندازه‌ای باشد که زمان کافی برای گسترش دوزبانگی و تداخل را در اختیار سخنگویان قرار دهد. همچنین لازم است تعداد سخنگویان زبان مبدأ از تعداد سخنگویان زبان مقصد بیشتر باشد یا بر

زبان قرض گیرنده، برتری سیاسی- اجتماعی داشته باشند. علاوه بر این موارد هر چه خانوارهای دوزبانه گسترش یابند، سرعت و شدت قرض گیری افزایش می یابد (همان: 255).

گویش عربی عربخانه نیز اگرچه از نظر خانواده زبانی با فارسی متفاوت است؛ اما به دلیل تأثیر زیادی که از فارسی نواحی مجاور پذیرفته، از نظر رده شناسی دارای اشتراک های زیادی با فارسی است. یکی از سطوح زبانی گویش عربی عربخانه که از فارسی تأثیر بسیاری پذیرفته، سطح نحوی است. در این میان ساخت نحوی یا ترتیب کلمات (word order) یکی از مباحث نحوی است که می توان در آن تأثیر فارسی را آشکارا دید. در این مقاله برای بررسی این تأثیرپذیری، ساخت نحوی جمله پرسشی فارسی را با گویش عربی عربخانه مقایسه خواهیم کرد.

### انواع جمله پرسشی

از دیدگاه رده شناسی در زبان فارسی دو نوع جمله پرسشی وجود دارد: جمله های پرسشی بله/ خیر و جمله های پرسشی پرسش واژه دار» (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۹).

### جمله پرسشی بله/ خیر

ترتیب کلمات در جمله پرسشی بله/ خیر، مانند جمله خبری است و تنها تفاوت آن ها آهنگ خیزان در جمله پرسشی است (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۱۱۲). جمله پرسشی بله/ خیر از دیدگاه رده شناسی سه نوع است:

### جمله پرسشی بله/ خیر خنثی

در این نوع پرسش، گوینده منتظر پاسخ مشخصی از مخاطب نیست. این جمله ها دو ساختار دارند که شامل بافت رسمی و غیررسمی است. گونه رسمی با اضافه کردن آیا در ابتدای جمله آورده می شود (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۰).

## الف. جمله پرسشی بله / خیر رسمی

تفاوت جمله پرسشی بله/ خیر رسمی با غیررسمی، اضافه شدن ادات پرسشی «آیا» به ابتدای جمله رسمی است (همانجا). بقیه اجزای جمله و ترتیب قرارگرفتن آن‌ها تفاوتی ندارد. ساختار این نوع از جمله پرسشی با اندکی تفاوت در گویش عربی عربخانه نیز قابل مشاهده است؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان    |                  |                  |                    |                  |              |
|-----------------|------------------|------------------|--------------------|------------------|--------------|
| قید پرسش<br>(۱) | قید زمان (۲)     | حرف اضافه<br>(۳) | متمم<br>(۴)        | فعل<br>(۵)       |              |
| آیا             | امروز            | به               | مدرسه              | رفتی             | فارسی        |
| -               | الیوم<br>\alyom\ | إِل<br>\ el \    | مدرسه<br>\medresa\ | غَدَت<br>\qedēt\ | گویش عربخانه |

همان‌گونه که در نمونه بالا نشان داده شد، کلمه پرسشی «آیا» در گویش عربی عربخانه کاربرد ندارد؛ اما ترتیب واژگان کاملاً مشابه فارسی است؛ چراکه در عربی معیار جمله بالا به صورت «أذهبَ الیومَ إلی المدرسة؟» بیان می‌شود که ترتیب واژگان آن با فارسی متفاوت است؛ اما ادات پرسش در ابتدای آن آمده است؛ البته از آنجا که ساخت چنین جمله‌هایی در گویش عربی خلیجی و عراقی نیز به چشم می‌خورد، نمی‌توان با قطعیت تأثیر زبان فارسی بر این نوع جملات را مسلم دانست؛ اما دست‌کم شباهت ساخت جملات در گویش عربی عربخانه و فارسی روشن است. در گویش عربخانه پرسش‌واژه‌های «أ» و «هل» کاربرد ندارد و از میان رفته است. چنین تفاوتی نشان‌دهنده این است که گویش عربی عربخانه، تنها از گونه گفتاری (غیررسمی یا گویشی) جمله پرسشی زبان فارسی قرض‌گیری کرده، نه گونه رسمی.

## ب. جمله پرسشی بله / خیر غیررسمی

در فارسی معمولاً ترتیب اجزای جمله پرسشی بله/ خیر غیررسمی «مفعول-نقش‌نمای مفعول- فعل» است. همین ساختار با اندکی تفاوت در جایگاه نقش‌نما در گویش عربی عربخانه نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان            |    |                      |              |
|-------------------------|----|----------------------|--------------|
| مفعول (۱)               |    | نقش‌نما (۲)          | فعل (۳)      |
| غذا                     | رو | خوردی                |              |
| آل - یَدِم / al-? eddem | -  | اِچَلْتَه / ?ečaltah |              |
| فارسی                   |    |                      | گویش عربخانه |

این جمله در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «هل أكلت الطعام؟»؛ بدین مفهوم که اولاً ادات پرسش («هل»؛ معادل «آیا» در فارسی) قابل حذف نیست؛ ثانیاً ترتیب اجزای جمله آن «فعل- مفعول» است. این تغییر در ترتیب اجزای جمله با توجه به شباهت آن به ترتیب اجزای جمله در فارسی، به احتمال قریب به یقین تحت تأثیر فارسی انجام شده است. در گویش عربی حرف تعریف «ال» تقریباً معادل نقش‌نمای مفعول در زبان فارسی است که اولی پیش از مفعول و دومی پس از مفعول قرار می‌گیرد.

### جمله پرسشی هدایت‌شده

این نوع پرسش با آوردن «مگه» (گفتاری: *magar > mage*: رسمی) در ابتدای جمله و آوردن ساخت خبری دارای آهنگ خیزان پس از «مگه» ساخته می‌شود. غرض گوینده از قراردادن مگه در ابتدای جمله پرسشی، شنیدن پاسخی است که عکس جمله پرسشی است و در آن تأکید نیز هست (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۱۰). این ساخت با اندک تفاوتی در تلفظ ادات پرسش در گویش عربخانه به کار می‌رود؛ برای مثال:

| ترتیب واژگان |            |           |               |                |
|--------------|------------|-----------|---------------|----------------|
| قید پرسش (۱) |            | نهاد (۲)  | مسند (۳)      | فعل اسنادی (۴) |
| فارسی        | مگه        | اون       | پیراهن تو     | نیست           |
| گویش عربخانه | مگَ \maga\ | ذاک \zâk\ | سَباک \sobâk\ | ماهو \mēhu\    |

جمله بالا در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «أليس هذا ثوبك؟». روشن است که در عربی معیار، مانند جمله‌های پرسشی بله/ خیر، همچنان از ادات «أ» استفاده می‌شود. افزون بر این، ترتیب اجزای جمله در عربی معیار بدین صورت است: «ادات پرسش- لیس- فاعل- مسند». بی‌تردید جابه‌جایی اجزای جمله در گویش عربی عربخانه، نشان‌دهنده تأثیرپذیری از فارسی است؛



با این تفاوت که کلمه پرسشی «مگه» (mage) فارسی گفتاری تهرانی، در گویش عربی عربخانه به صورت maga تلفظ می‌شود. علت این تفاوت، تأثیر گویش عربخانه از گویش خراسان جنوبی به جای فارسی گفتاری تهران است.

### پرسشی متناوب

جمله پرسشی متناوب، پرسشی است که مخاطب را در برابر دو پاسخ متضاد بله یا خیر قرار می‌دهد (ماهویتیان، ۱۳۷۸: ۲۱) یا پاسخ پرسش را به نوعی درون جمله گنجانده است. شنونده از میان گزینه‌هایی که گوینده در اختیارش قرار می‌دهد، پاسخ را انتخاب می‌کند (گلفام، ۱۳۹۳: ۴۸).

| ترتیب واژگان           |                     |                           |             |               |              |
|------------------------|---------------------|---------------------------|-------------|---------------|--------------|
| مفعول<br>(۱)           | نشانه مفعولی<br>(۲) | فعل<br>(۳)                | حرف ربط (۴) | فعل<br>(۵)    |              |
| خونه                   | رو                  | خریدید                    | یا          | نه            | فارسی        |
| اَلْکَبَّ<br>/algobba/ | -                   | اِخْذَتْوَه<br>\?exaztuh\ | یا          | لَا<br>\ lē \ | گویش عربخانه |

این جمله در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «هل اشتریتَ البیتَ أم لا؟». علاوه بر اینکه در این ساخت از ادات پرسش «هل» استفاده شده، ترتیب اجزای جمله نیز متفاوت است: «ادات پرسش- فعل- مفعول- حرف- لا». در عین حال باید توجه داشت که در عربی معیار جمله وابسته «ام لا» از نظر ساختار و جایگاه به جمله «یا نه» در فارسی بسیار شبیه است. این کلمه‌ها در جمله‌های پرسشی متناوب، کلیدی هستند و ما را در پاسخ بین دو گزینه مخیر می‌سازند. این کلمات کلیدی در گویش عربخانه با تحولاتی به صورت (ye le) کاربرد دارد. در این تحول، حرف «أم» عربی معیار مهجور شده و جای خود را به «یا»ی فارسی داده است؛ بنابراین حتی در مواردی نیز که ساخت جمله در عربی معیار و فارسی مشترک باشند، در گویش عربی معیار تمایل بیشتری به قرض‌گیری عناصر فارسی مشاهده می‌شود.

## جمله پرسشی پرسش‌واژه‌دار

پرسش‌واژه‌ها برای آگاهی‌یافتن از پدیده‌ای یا چگونگی‌اش به کار می‌روند (فاضل، ۱۳۹۲: ۱۶۱). به همین دلیل است که «با بودن پرسش‌واژه در جمله، پاسخ همیشه از نوع توضیحی است» (باطنی، ۱۳۸۰: ۸۸). پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی شامل مجموعه‌ای از ضمایر پرسشی و صفت‌های پرسشی هستند. ضمایر پرسشی شامل «کی، چی، کجا، چرا و چند» و صفت‌های پرسشی شامل «کدام، چند، چندتا و چقدر» است (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۱). این پرسش‌واژه‌ها در گویش عربی عربخانه و عربی معیار به صورت زیر به کار می‌روند:

| زبان فارسی  | گویش عربی عربخانه | عربی معیار |
|-------------|-------------------|------------|
| کی (چه وقت) | إِمَتَ /?emeta/   | مَتی       |
| چی          | پیش /yeš/         | ما         |
| کی (چه کسی) | مِن /men/         | مَن        |
| کجا         | وین /vein/        | أین        |
| چرا         | إِلِ /?elē/       | لِمَاذَا   |
| چند         | چَند /čand/       | کَم        |
| چقدر        | چَقدر /čeqadr/    | کَم        |
| کدام        | هَی /hay/         | أی / أیة   |
| چطور        | إِستو /?ešto/     | کَیفَ      |

برخی پرسش‌واژه‌های زبان فارسی که شامل «چند، چندتا و چقدر» می‌شود، وارد گویش عربی عربخانه شده است و همچنین پرسش‌واژه چطور، به صورت ešto در گویش عربخانه کاربرد دارد که به نظر می‌رسد از گویش خراسان جنوبی تأثیر پذیرفته است. نمونه‌هایی از جمله‌های پرسشی پرسش‌واژه‌دار در زیر آمده است:

| ترتیب واژگان      |                 |               |              |
|-------------------|-----------------|---------------|--------------|
| جمله فارسی        | چرا             | قید پرسش (۱)  | قید زمان (۲) |
|                   |                 |               | فعل (۳)      |
|                   |                 |               | اومدی        |
| گویش عربی عربخانه | إِلِ /?elē/     | بَتِ \ bote \ | جنت \je?t\   |
| عربی معیار        | لِمَاذَا تأخرت؟ |               |              |

| ترتیب واژگان        |                 |                    |                |                   |
|---------------------|-----------------|--------------------|----------------|-------------------|
| نهاد (۱)            | قید پرسشی (۲)   | مفعول (۳)          | فعل (۴)        |                   |
| امین                | چقدر            | کتاب               | خونده          | جمله فارسی        |
| أَمِين /?amin/      | چقدر \ čeqadr \ | اِجْتَب \ ?ečteb \ | عَجَر \ gēra \ | گویش عربی عربخانه |
| کم کتاباً قرأ أمين؟ |                 |                    |                | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان       |                  |                  |  |                   |
|--------------------|------------------|------------------|--|-------------------|
| صفت پرسشی (۱)      | مفعول (۲)        | فعل (۳)          |  |                   |
| چندتا              | کفش              | داری             |  | جمله فارسی        |
| چَندتا \ čand tâ \ | سَراب \ sarâpe \ | اِناک \ ?ennâk \ |  | گویش عربی عربخانه |
| کم حذاء عندک؟      |                  |                  |  | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان           |             |                |  |                   |
|------------------------|-------------|----------------|--|-------------------|
| نهاد (۱)               | مسند (۲)    | فعل اسنادی (۳) |  |                   |
| ماشینت                 | چی          | بود            |  | جمله فارسی        |
| سیرِ تاک \ sayyertâk \ | پیش \ yeš \ | چَنت \ ?entč \ |  | گویش عربی عربخانه |
| ما کانت سيارتک؟        |             |                |  | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان       |                         |                |  |                   |
|--------------------|-------------------------|----------------|--|-------------------|
| قید پرسشی (۱)      | متمم (۲)                | فعل (۳)        |  |                   |
| کی                 | از خانه                 | اومدی          |  | جمله فارسی        |
| إِمَتَ /?emēta/    | مِنْ گُوبَا /men gobba/ | جِئْت \ je?t \ |  | گویش عربی عربخانه |
| متی أتيت من البيت؟ |                         |                |  | عربی معیار        |

| ترتیب واژگان         |                 |                |  |                   |
|----------------------|-----------------|----------------|--|-------------------|
| نهاد (۱)             | مسند (۲)        | فعل اسنادی (۳) |  |                   |
| بازی تو              | چطور            | بود            |  | جمله فارسی        |
| لَعِيبَاک /le,iybâk/ | اِشْتَو /?ešto/ | چَئ \ ?enč \   |  | گویش عربی عربخانه |
| کیف کانت لعبتک؟      |                 |                |  | عربی معیار        |

با توجه به نمونه‌های فوق، تأثیر ساختار جملات پرسشی پرسش‌واژه‌دار گویش عربی عربخانه از ساختار جملات پرسشی پرسش‌واژه‌دار در زبان فارسی کاملاً مشهود است و فاصله‌ای را که از ساختار جملات پرسشی عربی گرفته است، نشان می‌دهد.

### عناصر پرسش‌پذیر

هر پرسش‌واژه می‌تواند عنصری خاص را در جمله مورد پرسش قرار دهد. این عناصر شامل نهاد، مفعول، متمم، مسند، قید، مضاف‌الیه و کل جمله است.

### سازه‌های پرسش‌پذیر بند پایه

بند پایه، بندی است که مستقل است، جزئی از جمله دیگری نیست و غالباً غرض اصلی گوینده را دربردارد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۹۲: ۳۲۵-۳۲۶). با پرسش‌واژه‌ها می‌توان هر سازه‌ای را در بندپایه مورد سؤال قرار داد (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۲)؛ بنابراین با توجه به اینکه هدف پرسش‌واژه، پرسش از کدام‌یک از نقش‌های جمله است، هم نقش دستوری پرسش‌واژه و هم جایگاه آن در جمله تغییر می‌کند. پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی جایگاه‌های فاعل/ نهاد، مفعول، متمم، قید، مسند، مضاف‌الیه و صفت را اشغال می‌کنند (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). مطابق آنچه گفته شد، تأثیر زبان فارسی بر گویش عربی عربخانه کاملاً مشهود است؛ چراکه در عربی معیار پرسش‌واژه‌ها تنها در ابتدای جمله آورده می‌شوند؛ برای نمونه می‌توان مثال‌های زیر را در فارسی و گویش عربی عربخانه با عربی معیار مقایسه کرد:

### پرسش از نهاد

| ترتیب واژگان         |                     |                  |                |                     |                      |
|----------------------|---------------------|------------------|----------------|---------------------|----------------------|
| قید<br>(۱)           | پرسش‌واژه: نهاد (۲) | حرف اضافه<br>(۳) | متمم<br>(۴)    | مفعول<br>(۵)        | فعل<br>(۶)           |
| جمله فارسی           | دیروز               | کی<br>(چه کسی)   | برای           | زهره                | کتاب                 |
| گویش عربی<br>عربخانه | أَمْسَ<br>\ ?ams\   | مِنْ<br>\ men\   | إِلَ<br>\ el \ | زَهْرَا<br>\ zahra\ | إِجْتَبَ<br>/ʔečteb\ |
|                      |                     |                  |                |                     | شَرَّ<br>\ šeraʔ\    |
|                      |                     |                  |                |                     | خرید                 |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «مَنْ اشتری الكتابَ لزهراءَ أمْس؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه نهاد (۲) - فعل (۶) - مفعول (۵) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴) - قید (۱)» است.

### پرسش از مفعول

| ترتیب واژگان   |                 |               |                    |              |                    |
|----------------|-----------------|---------------|--------------------|--------------|--------------------|
| قید (۱)        | نهاد (۲)        | حرف اضافه (۳) | متمم (۴)           | مفعول (۵)    | فعل (۶)            |
| دیروز          | امیر            | برای          | زهره               | چی           | خرید               |
| أمْس<br>\?ams\ | أمیر<br>\?amir\ | إِل<br>\el\   | زَهْرَا<br>\zahrâ\ | يَش<br>\yeš\ | شَرَّه<br>/šera? / |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «ماذا اشتری أميرٌ لزهراءَ أمْس؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه: فعل (۶) - نهاد (۲) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴) - قید (۱)» است.

### پرسش از متمم

| ترتیب واژگان    |               |               |                      |                    |
|-----------------|---------------|---------------|----------------------|--------------------|
| نهاد (۱)        | حرف اضافه (۲) | متمم (۳)      | مفعول (۴)            | فعل (۵)            |
| امیر            | برای          | که            | کتاب                 | خرید               |
| أمیر<br>\?amir\ | إِل<br>\el \  | مِنْ<br>\men\ | إِجْتَبَ<br>\?ečteb\ | شَرَّه<br>\šera? \ |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «لمن اشتری أميرٌ كتاباً؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (حرف اضافه (۲) و متمم (۳) - فعل (۵) - نهاد (۱) - مفعول (۴)» است.

## پرسش از قید

| ترتیب واژگان |                 |                |           |                 |                   |                |
|--------------|-----------------|----------------|-----------|-----------------|-------------------|----------------|
| قید (۱)      | نهاد (۲)        | حرف اضافه (۳)  | متمم (۴)  | مفعول (۵)       | فعل (۶)           |                |
| جمله فارسی   | کی              | امیر           | برای      | زهره            | کتاب              | خرید           |
| گویش عربخانه | اِمِتَ /?emeta/ | أَمِير /?amir/ | إِل /?el/ | زَهْرَا /zahrâ/ | اِجْتَبَ /?ečteb/ | اِخَذَ /?exaz/ |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «متی اشتری امیر کتاباً للزهراء؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (۱) - فعل (۶) - نهاد (۲) - مفعول (۵) - حرف اضافه (۳) - متمم (۴)» است.

## پرسش از مسند

| ترتیب واژگان      |                                   |                     |
|-------------------|-----------------------------------|---------------------|
| نهاد (۱)          | مسند (۲)                          | فعل اسنادی (۳)      |
| نویسنده کتاب      | کی(چه کسی)                        | است                 |
| جمله فارسی        |                                   |                     |
| گویش عربی عربخانه | مؤلف الإِجْتَبَ /moalefal ?ečteb/ | مِنْ /men/ هو/ /hu/ |

جمله فوق در عربی معیار بدین صورت بیان می‌شود: «من ألف هذا الكتاب؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی «پرسش‌واژه (۲) - فعل (۳) که فعل اسنادی در عربی معیار وجود ندارد؛ در صورتی که در گویش عربی عربخانه با همان ترتیب زبان فارسی کاربرد دارد - نهاد (۱)» است.

## پرسش از مضاف‌الیه

| ترتیب واژگان      |                                    |                                   |         |
|-------------------|------------------------------------|-----------------------------------|---------|
| نهاد (۱)          | گروه مسندی<br>«مضاف+مضاف‌الیه» (۲) | فعل اسنادی (۳)                    |         |
| جمله فارسی        | این                                | کتاب + چه کسی                     | است     |
| گویش عربی عربخانه | ذَا/زَعِ /                         | اِجْتَبَ + مِنْ /<br>/?ečteb+men/ | هو /hu/ |

جمله فوق در عربی معیار به این صورت بیان می‌شود: «من هو صاحب هذا الكتاب؟». به طور کلی ترتیب واژگان با زبان فارسی و گویش عربی عربخانه متفاوت است.

## سازه‌های پرسش‌پذیر بند پیرو

جمله‌های مرکب ناهمپایه حداقل از دو جمله ساخته می‌شوند که یکی مستقل و دیگری وابسته است. به جمله وابسته که غیرمستقل است بند پیرو و به جمله‌ای که مستقل است بندپایه گفته می‌شود. «وابسته‌بودن جمله‌های پیرو در بیشتر موارد می‌تواند با واژه‌های وابستگی‌نما مانند حروف ربط و عبارات ربط نشان داده شود» (لازار، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

در جمله مرکب، بند پیرو جزئی از بند پایه است؛ یعنی اصل، جمله پایه است و وابسته در حقیقت جزئی از آن است که گسترش یافته و تبدیل به بند پیرو شده است. اگر بند پیرو را به صورت اصلی آن برگردانیم (تأویل کنیم)، مشخص می‌شود که جزئی از بند پایه است (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۳). بند پیرو برای بند پایه در حکم «فاعل، مفعول، متمم، مضاف‌الیه، قید و صفت» است (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۳۸۱).

بندهای پیرو در زبان فارسی محدود هستند و می‌توان قبل از آن‌ها حرف ربط اختیاری «که» آورد. آوردن «که» در بندهای پیرو گویش عربی عربخانه، همانند بندهای پیرو زبان فارسی اختیاری است و این از تأثیرهایی است که زبان گفتاری فارسی بر این گویش گذاشته است. نکته قابل توجه اینکه ضمائر موصولی عربی معیار، از جمله «مَنْ، ما، الذی و التی» به کلی در گویش عربی عربخانه از میان رفته و تنها ضمیر موصولی در این گویش «ان» است؛ همان‌طور که در زبان فارسی تنها حرف ربط «که» است.

همه سازه های بند پیرو را می توان مورد پرسش قرار داد. برای نمونه پرسش از برخی نقش های جمله پیرو را در فارسی معیار و گویش عربخانه مورد بررسی قرار می دهیم:

### پرسش از نهاد جمله پیرو

| ترتیب واژگان         |                   |                                    |              |                   |                    |                   |
|----------------------|-------------------|------------------------------------|--------------|-------------------|--------------------|-------------------|
| نهاد<br>(۱)          | فعل<br>(۲)        | حرف<br>اضافه (۳)                   | نهاد<br>(۴)  | صفت<br>شمارشی (۵) | مفعول<br>(۶)       | فعل<br>(۷)        |
| جمله فارسی           | تو                | حدس می زنی                         | که           | کی                | دو تا <sup>۳</sup> | دو چرخه درست کرد  |
| گویش عربی<br>عربخانه | إِنْتَ<br>/?enta/ | حَدَسْ<br>تَضْرُبْ<br>hads \tozrob | إِنْ<br>\en\ | مِنْ<br>/men/     | دو تا<br>\do tâ\   | سُحِبْ<br>\sohab\ |

جمله فوق در عربی معیار بدین گونه بیان می شود: «تَخَمَّنَ مَنْ أَصْلَحَ الدَّرَاجَتَيْنِ النَّارِيَتَيْنِ؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و نهاد (۱)، نهاد (۴)، فعل (۷) و مفعول (۶) است.

### پرسش از صفت پرسشی

| ترتیب واژگان         |                  |                                 |              |                   |                     |                  |
|----------------------|------------------|---------------------------------|--------------|-------------------|---------------------|------------------|
| نهاد<br>(۱)          | فعل<br>(۲)       | حرف<br>ربط<br>(۳)               | نهاد<br>(۴)  | صفت<br>شمارشی (۵) | مفعول<br>(۶)        | فعل<br>(۷)       |
| جمله فارسی           | تو               | حدس می زنی                      | که           | علی               | چند تا              | دو چرخه درست کرد |
| گویش عربی<br>عربخانه | إِنْتَ<br>\enta\ | حَدَسْ تَضْرُبْ<br>hads \tozrob | إِنْ<br>\en\ | عَلَى<br>\?ali\   | چند تا<br>\čand tâ\ | سُحِبْ<br>sohab\ |



جمله فوق در عربی معیار این گونه است: «تخمن کم دراجه الهوائیه ناریه أصلح علی؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و نهاد (۱)، صفت پرسشی (۵)، مفعول (۶)، فعل (۷) و نهاد (۴) است.

### پرسش از کل جمله پیرو

| ترتیب واژگان |                  |                 |                   |
|--------------|------------------|-----------------|-------------------|
| مفعول (۱)    | نشانه مفعولی (۲) | فعل (۳)         |                   |
| چه           | را               | حدس می‌زنی      | جمله فارسی        |
| آلیش/alyeš/  | -                | حدس تُضَرِّبَه  | گویش عربی عربخانه |
|              |                  | /hads tozorbah/ |                   |

جمله فوق در عربی معیار بدین گونه است: «ماذا تخمن؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: مفعول (۱ و ۲) و فعل (۳) است.

### عناصر پرسش‌پذیر ساخت‌های همپایه

همپایگی در زبان فارسی با قراردادن حرف عطف «و» (va یا o) و همچنین حرف همپایه‌ساز «یا» در بین عناصری که باید پیوند داده شوند، ساخته می‌شود. گروه‌های اسم با یکدیگر و گروه‌های فعل با یکدیگر همپایه می‌شوند (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۶). در گویش عربخانه به جای va از vo استفاده می‌شود. علاوه بر این کاربرد فراوان /o/ به جای va که در گونه گفتاری زبان فارسی رایج است، در گویش عربی عربخانه هم مشاهده می‌شود. در گویش عربی عربخانه حرف همپایه-ساز «یا» به صورت «ی» /ye/ استعمال می‌شود.

پرکاربردترین گروه‌های همپایه در زبان فارسی، گروه‌های همپایه اسمی و فعلی هستند. گروه‌های همپایه اسمی، دو یا چند گروه اسمی هستند که لزوماً نقش‌های دستوری یکسانی دارند (طیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۱۸). گروه‌های همپایه فعلی نیز دو یا چند فعل هستند که در نقش فعل به کار می‌روند. برای بررسی پرسش از گروه‌های اسمی و فعلی همپایه از هرکدام یک نمونه فارسی و معادل آن در گویش عربخانه بررسی می‌شود:

| ترتیب واژگان  |               |               |                |                |                  |
|---------------|---------------|---------------|----------------|----------------|------------------|
| نهاد<br>(۱)   | همپایه<br>(۲) | نهاد<br>(۳)   | حرف اضافه (۴)  | متمم<br>(۵)    | فعل<br>(۶)       |
| رضا           | وَ            | کی            | به             | پارک           | رفتند            |
| رضا<br>\Reza\ | وَ<br>\ vo\   | مِن<br>\ men\ | إِلَ<br>\?ela\ | پارک<br>\pârk\ | قَدَو<br>\qedaw\ |

این جمله در عربی معیار بدین گونه به کار می‌رود: «مَنْ انطلق إلى الحديقة مع رضا؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: نهاد (۳) که پرسش‌واژه می‌باشد، فعل (۶)، حرف اضافه (۴)، متمم (۵) و نهاد (۱) است.

| ترتیب واژگان     |                                   |                              |                       |              |                   |
|------------------|-----------------------------------|------------------------------|-----------------------|--------------|-------------------|
| نهاد<br>(۱)      | قید زمان<br>(۲)                   | فعل<br>(۳)                   | حرف<br>همپایه‌ساز (۴) | مفعول<br>(۵) | فعل<br>(۶)        |
| احمد             | کل هفته                           | می‌خواند                     | و                     | چه کار       | می‌کرد؟           |
| أحمد<br>\?ahmad\ | كُلَّ هَفْتٍ<br>kolla \<br>\hafta | چَن يَگَر<br>yegra \<br>\čen | وَ<br>\vo\            | پیش<br>/yeš/ | سَيَّ<br>%/sayya/ |

این جمله در عربی معیار بدین گونه به کار می‌رود: «كان أحمد يدرسُ كل الأسبوع و ماذا يفعل غيره؟» و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی زیر است: نهاد (۱)، فعل (۳)، قید زمان (۲)، حرف همپایه‌ساز (۴)، مفعول (۵) و فعل (۶). روشن است که در هر دو مورد ساختار جمله گویش عربی عربخانه کاملاً تحت تأثیر ساختار جمله در زبان فارسی و با عربی معیار متفاوت است.

### تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر

به صورت نظری «در جمله هر تعداد سازه را به طور همزمان می‌توان مورد پرسش قرار داد» (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۲۷)؛ اما از نظر کاربردی این تعداد محدود به نقش‌های موجود در ساختار هر

جمله است. برای مقایسه زبان فارسی و گویش عربخانه از نظر تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر، یک جمله بررسی می‌شود:

| ترتیب واژگان      |                |                    |                    |                  |               |
|-------------------|----------------|--------------------|--------------------|------------------|---------------|
| نهاد              | حرف اضافه+متمم | قید زمان           | فعل                | قید مکان         |               |
| (۱)               | (۲)            | (۳)                | (۴)                | (۵)              |               |
| جمله فارسی        | کی             | با + کی            | کی                 | رفتند            | کجا؟          |
| گویش عربی عربخانه | مِنْ<br>/men/  | ی+مِنْ<br>/ye+men/ | إِمْتَا<br>/emēta/ | غَدَا<br>/qedaw/ | وین<br>/vein/ |

جمله فوق در زبان عربی معیار بدین گونه است: «مَنْ مَعَ مَنْ وَ مَتَى وَ أَيْنَ انْطَلَقُوا؟». همان گونه که مشاهده می‌شود، جملات در فارسی معیار، گویش عربی عربخانه و عربی معیار از نظر تعداد سازه‌های قابل پرسش تفاوتی با هم ندارند؛ به عبارت دیگر همه سازه‌های پرسش‌پذیر در فارسی معیار، در عربی معیار هم قابل پرسش است. تنها تفاوت در ترتیب واژگانی عربی معیار (نهاد (۱)، متمم (۲)، قید زمان (۳)، قید مکان (۵) و فعل (۴)) با فارسی و گویش عربخانه است.

### جمله پژواپرسی

جمله پژواپرسی با تکرار بخشی از جمله پرسشی ساخته می‌شود (همان: ۲۸). این گونه از جمله پرسشی دو نوع دارد: جمله پژواپرسی بله/خیر و جمله پژواپرسی پرسش‌واژه‌دار.

### جمله پژواپرسی بله/خیر

در این نوع پرسش قسمتی از جمله به عنوان سؤال تکرار می‌شود. پاسخ این سؤال، کلمه بله یا خیر است؛ برای مثال در جمله «کتابو از سارا گرفتم» هر قسمت از جمله به طور جداگانه می‌تواند تکرار شود و مورد پرسش قرار گیرد: «از سارا گرفتی؟» (متمم) و «کتابو گرفتی؟» (مفعول) این نمونه در فارسی و گویش عربخانه مقایسه می‌شود:

### پرسش از متمم

| ترتیب واژگان      |            |              |                      |
|-------------------|------------|--------------|----------------------|
| حرف اضافه (۱)     |            | متمم (۲)     | فعل (۳)              |
| جمله فارسی        | از         | سارا         | گرفتی؟               |
| گویش عربی عربخانه | مِنْ /men/ | سَارَ /sâra/ | اِخَذْتَه /exaztah/؟ |

جمله فوق در عربی معیار به صورت «أخذت من سارا؟» به کار می‌رود و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۳)، حرف اضافه (۱) و متمم (۲) است.

### پرسش از مفعول

| ترتیب واژگان      |                  |                      |
|-------------------|------------------|----------------------|
| مفعول (۱)         |                  | فعل (۲)              |
| جمله فارسی        | کتابو            | گرفتی؟               |
| گویش عربی عربخانه | أچْتَبْ /ačteb/؟ | اِخَذْتَه /exaztah/؟ |

جمله فوق در عربی معیار به صورت «أخذت الكتاب؟» به کار می‌رود و در مقایسه با ساخت بالا دارای ترتیب واژگانی: فعل (۲) و مفعول (۱) است.  
در هر دو نمونه ترتیب واژگان در گویش عربی عربخانه تحت تأثیر زبان فارسی است.

### جمله پژوا پرسشی پرسش واژه دار

این نوع پرسش را با قراردادن پرسش‌واژه به جای یکی از عناصر جمله می‌سازند (همان: ۲۹).  
برای مثال در پرسش از «رفتم مدرسه» جمله «رفتی کجا/ کجا رفتی» مطرح می‌شود. این جمله در فارسی و گویش عربخانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

| ترتیب واژگان      |               |                        |  |
|-------------------|---------------|------------------------|--|
| فعل (۱)           |               | پرسش‌واژه (۲)          |  |
| جمله فارسی        | رفتی          | کجا                    |  |
| گویش عربی عربخانه | غِدِتْ /qedt/ | الْوَيْنْ /el vein/    |  |
| عربی معیار        | أين انطلقت؟   | پرسش‌واژه (۱)، فعل (۲) |  |

| ترتیب واژگان      |                  |                        |
|-------------------|------------------|------------------------|
| پرسش‌واژه (۱)     | فعل (۲)          |                        |
| جمله فارسی        | کجا              | رفتی                   |
| گویش عربی عربخانه | الوین /?el vein/ | غِدِت /qedēt/          |
| عربی معیار        | أین انطلقت؟      | پرسش‌واژه (۱)، فعل (۲) |

نکته قابل توجه در جمله فوق این است که در زبان فارسی و گویش عربخانه، می‌توان پرسش‌واژه را جابه جا کرد؛ اما در عربی معیار امکان جابه‌جایی نیست.

### عناصر پرسش‌پذیر جمله پژواپرسی

در گویش عربی عربخانه همانند زبان فارسی، تمام عناصر جمله؛ یعنی «نهاد، مفعول، متمم، مسند، قید، صفت، مضاف‌الیه و گروه فعلی»، می‌توانند مورد پرسش واقع شوند؛ برای مثال در جمله «امروز با پروین خونه رو تمیز کردیم» می‌توان تمام عناصر این جمله را مورد پرسش قرار داد و جمله‌های زیر را مطرح کرد:

| عربی معیار        | گویش عربی عربخانه   | جمله فارسی            |                   |
|-------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| البیت؟            | 'aggobba?           | ۱. خونه رو            | پرسش از مفعول     |
| مع بروین؟         | ye parvin?          | ۲. با پروین           | پرسش از متمم      |
| متی؟              | 'emmeta?            | ۳. کی (چه وقتی)       | پرسش از قید       |
| ماذا قمتَ بالبیت؟ | 'aggoba yesh setah? | ۴. خونه رو چیکار کردی | پرسش از گروه فعلی |

در تعداد عناصر پرسش‌پذیر در جمله پرسشی پژواپرسی، تفاوتی میان فارسی معیار، گویش عربخانه و عربی معیار وجود ندارد.

## نتیجه

همان گونه که مشاهده شد گویش عربی عربخانه در سطح نحوی و بویژه ساختار جمله و ترتیب اجزای جمله از دیدگاه رده‌شناسی، شباهت فراوانی با زبان فارسی گفتاری دارد. این شباهت در همه بخش‌های نحو، بویژه ساخت جمله و ترتیب چینش کلمات، مشهود است. برخی از این شباهت‌ها نشان‌دهنده تأثیرپذیری ترتیب اجزای جمله گویش عربی عربخانه از فارسی گفتاری منطقه است و در مورد برخی با صراحت و قاطعیت نمی‌توان مدعی تأثیرپذیری شد. بدین ترتیب در مقاله حاضر، ترتیب چینش کلمات در جمله پرسشی فارسی گفتاری، گویش عربخانه و عربی معیار به صورت تطبیقی مورد پژوهش قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

ترتیب اجزای جمله پرسشی در گویش عربی عربخانه در اغلب موارد به همان صورتی است که در زبان فارسی به کار می‌رود. جابه‌جایی اجزای جمله که در زبان گفتاری فارسی کاربرد دارد، در گویش عربخانه تحت تأثیر زبان فارسی، کاملاً امکان‌پذیر است؛ اما چنین جابه‌جایی‌هایی در بسیاری از ساختارهای عربی معیار ممکن نیست. بسیاری از پرسش‌واژه‌های زبان فارسی، مانند چند، چندان، چقدر و مگه، با تغییرات اندکی در تلفظ، وارد گویش عربخانه شده‌اند. برخی از تغییرات در تلفظ پرسش‌واژه‌ها تحت تأثیر فارسی رایج در خراسان جنوبی بوده است؛ مانند کاربرد پرسش‌واژه «چطور» به صورت «اِشطو/ešto» که در گویش فارسی این منطقه نیز به همین صورت تلفظ می‌شود. پرسش‌واژه‌های فارسی در ساختار جمله پرسشی گویش عربخانه کاربرد بسیاری دارند. کلمه پرسشی «آیا» که مربوط به گونه رسمی فارسی است، در گویش عربی عربخانه همانند زبان گفتاری فارسی کاربرد ندارد و این نشان‌دهنده شباهت یا تأثیرپذیری گویش عربی عربخانه از فارسی گفتاری است. در زبان فارسی، ضمیر پرسشی جانشین اسم می‌شود که ممکن است در جایگاه فاعل، مفعول، متمم، قید، صفت و مسند قرار گیرد. در گویش عربی عربخانه هم همین وضعیت حاکم است. ساختار جملات گویش عربی عربخانه و زبان فارسی در جایگاه و ترتیب سازه‌های پرسش‌پذیر بند پیرو، ساخت‌های همپایه و جملات پژوها پرسشی یکسان است؛ اما این جملات از نظر تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در فارسی، گویش عربخانه و عربی معیار شباهت دارند و بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که تعداد سازه‌های پرسش‌پذیر در گویش عربخانه از فارسی متأثر بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است با توجه به محدودیت صفحات و واژگان مجاز در مجله، در فرایند اصلاحات مجبور به حذف بسیاری از نکته‌ها، از جمله مثال‌ها، نمونه‌ها و مبانی نظری شدیم؛ بنابراین با توجه به اینکه این مقاله بخشی از رساله کارشناسی ارشد است، خوانندگان را به رساله ارجاع می‌دهیم.

۲. در برخی موارد ذکر نقش‌نمای «را» اجباری است؛ برای مثال «کاغذ را آتش زد» که در این موارد ذکر «ال» که همان نقش‌نمای «را» در گویش عربخانه است، همانند زبان فارسی، اجباری است؛ مانند جمله بالا که در گویش عربخانه بدین صورت است «al-varaq olegeh» و نمی‌توان گفت «varaq olegeh» و در برخی موارد عدم ذکر «را» در زبان فارسی اجباری است؛ برای مثال «پول داری» که در گویش عربخانه بدین صورت است: «zahab ennak» و نمی‌توان گفت «al-zahab ennak».

۳. نکته قابل توجه این است که در گویش عربی عربخانه اعداد به صورت فارسی به کار می‌روند؛ با این تفاوت که به جای عدد (یک) از واژه فَا (fa) استفاده می‌شود.

## منابع

- آذری، آرزو (۱۳۹۶). "بررسی ساخت صرفی فعل در گویش عربی درمیان و مقایسه آن با عربی معیار". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- آموزگار، یوسف (۱۳۸۰). "بررسی گویش منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی/مروزر*. تهران: قطره.
- اسعدزاده، مهری (۱۳۹۸). "بررسی تطبیقی ادبیات مربوط به آداب و رسوم مردم طایفه بهلولی و عربخانه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- اشیپور، برتولد (۱۳۶۹). *تاریخ ایران در قرون نخستین/اسلامی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- البرزی ورکی، پرویز (۱۳۸۱). "رده‌شناسی ساخت‌واژی". *پژوهش زبان‌های خارجی*، ش ۱۲ (بهار و تابستان): ۱۸-۳.
- امیرآبادی‌زاده، مرجان (۱۳۸۸). "توصیف ساخت‌واژه اسم و فعل ثلاثی در منطقه عربخانه بیرجند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *توصیف ساختمان دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. تهران: سروش.
- بهلولی‌مقدم، عفت (۱۳۹۸). "بررسی تطبیقی افسانه‌های طایفه بهلولی و عرب‌های خراسان جنوبی (عربخانه)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.



- جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، والی؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸). *تاریخ مردم ایران*. تهران: سپهر.
- سیدی، سیدحسین؛ جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی گویش عربی جنوب خراسان". *مجله تخصصی زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۴۱، ش ۱۲۷: ۱۴۱-۱۵۴.
- طبیب‌زاده، امید (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی (بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی)*. تهران: نشر مرکز.
- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۷۷). *پیشینه تاریخی عرب‌های جنوب خراسان*. تهران: روزگار.
- عزیزی، رقیه (۱۳۹۷). "بررسی دستگاه گویش عربی روستای توتسک". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- فاضل، نوید (۱۳۹۲). *دستور زبان پارسی*. تهران: آگه.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸). *جمله و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- کاظمی، ایوب (۱۳۹۳). *تاریخ عربخانه*. تهران: سیمای دوست.
- گلفام، ارسلان (۱۳۹۳). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- لازار، ژیلبر (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی معاصر*. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان از دیدگاه رده‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). "جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵". [پیوسته] قابل دسترس در: [۱۳۹۹/۵/۱۰] [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- میرنیا، علی (۱۳۶۹). *ایل‌ها و طوایف عشایری خراسان*. تهران: نسل دانش.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.

- نوروزی، حامد؛ قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۴). "تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه". پژوهش‌های ادبی، سال دوازدهم، ش ۵۰ (زمستان): ۱۴۵-۱۹۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). "قرض‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی". *مطالعات تطبیقی فارسی و عربی*، دوره ۱، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۶۹-۱۹۱.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: سمت.
- Dahlgren, Sven-Olof (2005). "On the Arabic of Arabkhane in eastern Iran". In: *Linguistic convergence and areal diffusion: case studies from Iranian, Semitic and Turkic*. Edited by: Eva Agnes Csato, Bo Isaksson & Carina Jahani. London: Routledge, Curzon.
- Thomason, S. G.; Kaufman, T. (1988). *Language Contact, Creolization and Genetic Linguistics*. Berkeley: University of California Press.

## Table and content

|                                                                                                                                                                                                                                            |            |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|
| <b>The role of thoughtful lifestyle in empowering women heads of Clients' households of Imam Khomeini Relief Committee in Khorasan Razavi province/ Samira Pour, Habibollah Asoodeh Yadaki .....</b>                                       | <b>7</b>   |
| <b>Investigating the decline Causes of Farming Joint Stock Companies of Newly formed in Sahlabad Plain- Nehbandan/ Mohammad Hajipour .....</b>                                                                                             | <b>37</b>  |
| <b>The role of knowledge leadership and organizational culture in job performance/ Zahra Zarei, Hadi Pourshafei, Ali Asgari .....</b>                                                                                                      | <b>67</b>  |
| <b>The role of social identity dimensions in the sense of security of secondary school teachers in Mashhad/ Mohammadhassan Sharbatian, Javad Jahanshiri, Mohammad Ghasemi .....</b>                                                        | <b>93</b>  |
| <b>The Effect of Religious Tourists Engagement on Memorable Experiences through Cultural Interaction/ Seyed Morteza Ghayour Baghbani, Faezeh Hamed Hamrahiyan, Monireh Yegaane Mofrad, Mohammad Mortezaei .....</b>                        | <b>129</b> |
| <b>Influence of Persian Culture and Dialects of South Khorasan on Arabkhaneh Arabic Culture and Dialect (Case study: similarity and influence of interrogative sentences)/ Zohreh Fallahipour, Hamed Noruzi, Aliakbar Samkhanian .....</b> | <b>159</b> |

### **Referees of This Period. (Alphabetical Order)**



Mohammadbagher Akhondi/ Assistant Professor, University of Birjand  
Mohammad Ali Rostami Nezhad/ Associate Professor, University of Birjand  
Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand  
Hossein Shokoohifard/ Assistant Professor, University of Birjand  
Zahra Shirzoor Aliabadi/ Assistant Professor, University of Birjand  
Habibollah Abbasi/ Professor, Kharazmi University of Tehran  
Mahmood Falsoleyman/ Associate Professor, University of Birjand  
Aliakbar Mohammadi/ Assistant Professor, University of Birjand  
Javad Mekaniki/ Associate Professor, University of Birjand  
Faramarz Nodehi/ Farhangian University of Mashhad

**In The Name Of God**

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 63

ISBN 1735-8256

Spring 2022 ,3<sup>rd</sup> Number ,16<sup>th</sup> year

---

**Concessioner:** General Office of Islamic Culture and Direction

**Chairman:** Nabizadeh, Naser

**Editor-in-chief:** Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

**Executive editor:** Ramezani, Mahmoud

**Executive editor:** Zerang, Mahin

---

The Editorial Committee

1. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
  2. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
  3. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
  4. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
  5. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
  6. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
  7. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
  8. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
  9. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
  10. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
  11. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
- 

**Editors:** Nasrollahi, Seyyed Noorollah

**Editors:** Baharak Valinia

**Translator and English Editor:** Dehghani, Shahrzad

**Technical affairs:** Dastgerdi, Faezeh

**Lithography & Press:** Ofogh Hezareh sevom kavir institution

**Circulation:** 100

**Price:** 350000 rials

**Address:** South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office

**Tel:** 056-32323393

**Fax:** 056-32323277

**Email:** Farhangekhorasan@gmail.com

**http://**Farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



### فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۶۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)